تاریخ
((نویسندگان پارس))

«جلد اول»

تألیف

دکتر مریم میرهادی متخلص به «ناهید»

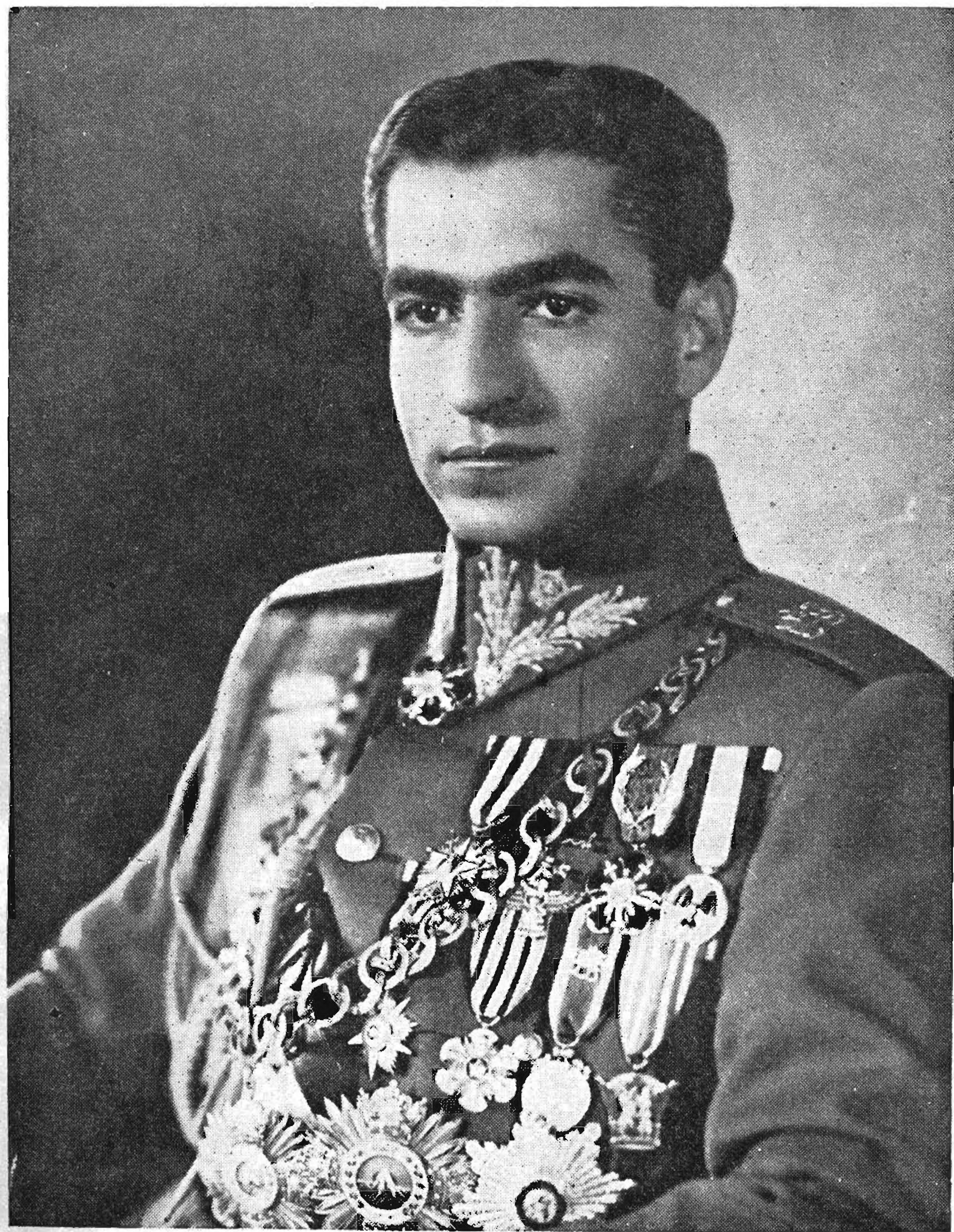
مدیر و نویسندهٔ روزنامه و مجلهٔ «ندای زنان»

رئیس انجمن ادبی «ناهید»

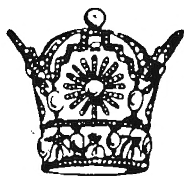
آبانماه ۱۳۳۹

بها: ۱۰۰ ریال

چاپ تابان



در سایهٔ توجه اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه دانش پرور ایران
خلدالله ملکه
که همواره علاقه مند بحفظ مفاخر ملی و تاریخی کشور شاهنشاهی میباشند



تشویق شاهانه

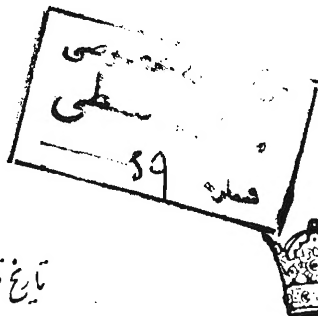
۲۳۲۵
۴۹/۷/۶

بانو دکتر مریم میرهادی.

یکجلد از کلیات ناهید که به پیشگاه مبارک ملوکانه تقدیم داشته بودید از شرفعرض همایونی گذشت و از زحماتی که در تدوین آن بکار برده اید تقدیر فرمودند.

ــ٪٪٪ــ.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

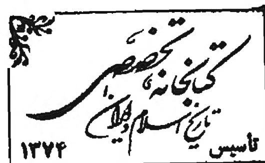


شماره ۹۸۴۸

تاریخ تقدیم شهریور ۱۳۳۸

تاریخ تسلیم بکتابخانه ۲۰

آستان قدس



هدیه کننده فاضله محترمه بانو دکتر مریم میرهادی هدیه دو نسخه کتاب (کلیات ناهید)

چاپ سربی محل چاپ تهران سال چاپ ۱۳۳۸

مصنف مؤلف دکتر مریم میرهادی (ناهید) موضوع ادبیات

هدیهٔ مذکور که مشخصاتش دراین ورقه درجست بکتابخانه آستان قدس تحویل شد.

و بشمارهٔ ۲۵۰۳۸-۲۵۰۳۷ ضبط گردید

رئیس اداره کتابخانه آستان قدس

امید وارم که این هدیه در پیشگاه مقدس امام هشتم علی بن موسی الرضا سلام الله علیه مقبول افتد وفیض وافتخار این قبول و عنایت همواره شامل حال آن فاضلهٔ محترمه باشد

نایب تولیت عظمی

تقریظ های کلیهٔ جراید وزین مرکز ، پارس ،
خراسان وسایر شهرستانها

تقریظ هائیکه ازطرف نویسندگان بزرگ ایران که عارفان حقیقت وپیشوایان طریقت هستند نسبت به هفتمین آثار نگارنده کلیات « ناهید » مندرج ومرحمت شده سبب بهترین وبزرگترین تشویق وافتخارم میباشد قطعه زیر را تقدیم آستان علم ودانش بی کرانشان مینماید .

این همه تشویق و لطف و مکرمت
نیست جز از راه ذره پروری
فیض دانش بین که کمتر ذره را
می دهد جاه ومقام وبرتری



تاریخ نویسندگان پارس

تألیف

دکتر مریم میرهادی متخلص به «ناهید»

مدیر روزنامه ومجله ندای زنان ، عضو بهداشت سلطنتی لندن ،
پزشك بیمه فرهنگیان وکارمندان دولت ،
رئیس انجمن ادبی «ناهید»

جلد اول

آبانماه ۱۳۳۹

چاپ تابان

آغاز سخن

بنام خدای بزرگ

ستایش و نیایش خداوند یکتا راجل شانه و یگانه بیهمتا بهین آموزگار آموختگان ازل ومهین خداوندگار لم یزل که برخاك هستی دهدو درتاك مستی.

درود برپیشوای بزرگ مسلمین جهان که بدون آرایش لشکر وسپاه حکمران برقلوب ومالك دلها گشت هرچه هست اوست و غیر اوکسی نیست .

باتائید حضرت باری تعالی درسایه توجه اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه محبوب دانش پرور ایران خلدالله ملکه که همواره علاقه‌مند بحفظ مفاخر ملی و تاریخ اجتماعی کشور میباشندنهمین آثارخودرا تحت عنوان « تاریخ نویسندگان پارس » شروع مینماید .

محبت واقعی بمولد اصلی بقدری فطری وذاتی است که نقش آن از لوح دل محوویاك نمیگردد . روی همین اصل مسلم است که اهمیت وشخصیت افرادمولود خصایص دودمان پدر ومادراست . کمتر کسی دیده میشود که‌عشق بوطن وزادگاه واقعی خود نداشته باشد چون علاقه بمسقط الرأس وبستگی بیارودیار که از انس وودادسرچشمه میگیردغریزه میباشدطبیعی‌ودوری از آن اثری‌معقول درروح‌باقی میگذارد .

نگارنده که درسرزمین ادب پرور شیرازچشم بدنیا گشوده و ازتأثیرآب‌و هوای‌روح بخش آن مراحل مختلف کودکی راطی کرده با مهری که با تار وپود وجودم پیوسته است مفتخرم که توانسته درجهان نویسندگی‌ومطبوعات هم‌میهنان ارجمندگرامی را بامردان بزرگ این تاریخ آشنا سازد .

«تاریخ نویسندگان پارس» مشتمل بر سه فصل است :

فصل اول مقدمه با مختصر تاریخچه‌ئی از پارس .

فصل دوم نویسندگان معاصر ـ فصل سوم نویسندگان گذشته .

درباره نظم کتاب از روی حروف تهجی اسم کوچك و شهرت نویسندگان بزرگ مراعات میگردد .



مقدمه

غرض از نوشتن این تاریخ فقط بیوگرافی اشخاص نیست بلکه میخواهم سیمای شریف وموقر نویسندگان عصر حاضر « پارس » راکه طلوع آنان ازفراز آسمان‌زیبای شیرازمیدرخشد بجهانیان درحیات خودشان معرفی شود.

اسامی نویسندگانی راکه در صفحات این کتاب ملاحظه میفرمائید تنها شیرازی یادانشمندنیستندبلکه صاحبان مضامین‌عالی‌وآثار پرمغز خویش‌اند آنان نماینده بزرگ افکار کم نظیر خود میباشند .

تاریخ پرافتخارایران بویژه «پارس»ناظر عظمت‌وشکوه‌و جلال‌نویسندگان عالیقدر وشعرای بی‌نظیری‌بوده که هرکدام مکتب بخصوصی را طی نموده آثار و یادگارهای ذیقیمتی بجای گذارده اند .

باید آنان را درجامعه‌درخشنده فضل ودانش که‌اصل واساسش ازاندیشه‌قلم توانایشان سرچشمه میگیرد بدنیا نشان‌داد تا مقام‌وجلال وفضل و کمالشان راکه بر پایهٔ رفیع تصورات ما قرار دارد بشناسند .

خوانندگان‌عزیز درسرپنجه معجزنمای نویسندگان‌هنرمندپارس یکدنیا عظمت‌وصلابت‌اراده،تصمیم‌وذوق،میهن‌پرستی‌وشاه دوستی که مظهرایمان وتقوی و مکارم وسجایای بیشمار است جستجو مینمائید.

نویسندگان وشعرای‌دانشمند دارالعلم شیرازکه ازرجال فاضل و برجستهٔ ایرانند بوسیله قدرت طبع و نیروی قلم‌کلیهٔ‌مشکلات و معضلات مطالب حیاتی را بارای ثاقب خویش روشن ساخته‌اند اینستکه فرمایش پیشوای عالی‌قدر مسلمین جهان حضرت محمد بن عبدالله رسول اکرم (ص) در باره آنان صدق مینماید که فرمود :

لوکان العلم معلقاً بالثریا له قوم من اهل فارس .

نویسنده همیشه در عالم ملکوت سیر کرده در تحت تأثیر روح بزرگ خود قرار میگیرد و تراوش افکارش بر صفحات طومار زندگی مولود احساسات و عکس‌العمل تاثرات اوست .

نویسندگان و شعراء وفلاسفه معاصر و گذشته ایران مانندسعدی ، حافظ ، ملا صدرای شیرازی ، ملا قطب الدین معروف بعلامه شیرازی ، شیخ روزبهان ، شیخ‌الرئیس بوعلی‌سینا،فردوسی،عطار،خواجه‌عبدالله‌انصاری،طبری، محمدزکریای رازی، سیداسمعیل‌جرجانی، وغیره همچنین‌نوابغ مغرب چون‌شکسپیر ، سقراط ، هوگو ، ولتر ، گوته ، روسو ، و سایرین ستارگان درخشانی هستند که با تبسم مشفقانه بدنیا نگاه کرده با اندیشه غنی و همت شایان تقدیر جهان و جهانیان را آنطور که شاید وباید درك نموده‌اند .

هنر نویسندگی و انشاء مطالب زیبا و شعر موهبتی است الهی که از قدیم الایام موردنیاز وتشویق دربار پادشاهان ایران و بزرگان بوده و هست و برای نویسنده ارج ومنزلتی بس عظیم قائل شده‌اند .

امیدوارم مطالعه کنندگان گرامی که بتاریخ مقرون بصحت و حقیقت علاقه مند هستندآثار و افکار ونظم ونثر نویسندگان دانشمندعالیقدر«پارس» اثر عمیقی درخاطر خطیرشان باقی گذارد .

دکتر مریم‌میرهادی متخلص به «ناهید»

فصل اول
مختصر تاریخچه‌ئی از « پارس »

پارس که یکی از کهنسال‌ترین شهرهای مهم ایران ومهد علم ودانش است سخنورانی‌نامی چون سعدی‌وحافظ وحکماء وفلاسفه‌ای مانند فیلسوف ملاصدرای شیرازی،ملاقطب‌الدین معروف به‌علامه‌شیرازی ، وشیخ روزبهان‌دارد وپادشاهان هخامنشی و ساسانی مانند کوروش و داریوش کبیر از این سرزمین برخاسته امپراطوری عظیم شرق را با افتخارات بزرگی درمقابل امپراطوری غرب تشکیل داده ، سایرین را در تحت پرچم خویش درآورده بر جهان و جهانیان تسلط و تفوق یافته‌اند .

هخامنشیان درسازمان امپراطوری ایران ابتکار خود را بعالمیان نشان دادند . ودرطی دوقرن بهترین نمونه سلطنت ایران باستان بودند .

آنان‌نیروی بزرگ خودرااز‌جانب خدامیدانستند که ازطرف (اهورامزدا) بپادشاهان سپرده شده بود .

ملت ایران پرستش یزدان‌واطاعت سلطان‌را ازجملهٔ واجبات میشمردند (چه فرمان یزدان چه فرمان شاه) داریوش‌کبیر بودکه پرچم‌پرافتخار ایران را برفراز نیل باهتزازدرآورد .

سلاطین ارجمند ایران به‌آشور وبابل ومصرمسلط شده ازآسیای مرکزی گذشته تاقاره اروپاویونان پیش رفتند. اولین سلطانی که درقلب اروپا گام نهاد و قبائل‌وحشی وجبار آن منطقه‌را فرمان داد تاقربانی کردن انسان را را موقوف سازند . داریوش پارسی کبیربود .

وسعت ایران‌ازساحل‌فرات تا کنارجیحون(۱) وازباب‌الابواب (دربند)(۲)

۱ـ جیحون درجنوب [آمودریا] ودرگذشته مرکزتمدن ایران باختر یابلخ کنونی بوده .

۲ـ باب الابواب که‌آنرادربند میگویند درساحل بحرخزر واقع شده از بناهای انوشیروان عادل است درقدیم‌آنرا (ایران دژ مینامیدند) متأسفانه اکنون درتصرف بیگانه است هوایش گرم وحاصلخیز وخاکش مسرت‌آمیز است .

تاساحل عمان. ازشمال تا قفقاز وکاشغر وازمغرب تا ارمنستان و گرجستان بوده .

نویسندگان شرق وغرب راجع بایران بویژه (پارس کانون تمدن وفرهنك جهان) و آثار گذشتگان هزاران کتابها نوشته‌اند که دانستن آن بـرهـر یك از افراد میهن عزیز لازم وضروری است . ما برای شاهد مدعا فقط چند سطری کـه عظمت وجلال آنروز را نشان میدهدبرای زیب وزینت این کتاب تذکرمیدهیم .

شیراز

دارالعلم شیراز که معروفیت بین‌المللی داردمرکزیکی ازاستانهای‌بزرگ ایران «فارس»(۱) است .

این سرزمین علم وذوق وهنرازقدیم‌الایام مهد پرورش مردمان با فروهوش ونوابغ بزرگی بوده که وجودشان بـاعث افتخار ایـران بـاستان وتمدن جهان گردیده .

شیراز (سرزمین عشق) شهریست مسرت طراز زیبا خوش‌تـر از تمام نقاط روی زمین هوایش عنبربیز ، وخاکش طرب‌خیز ، چهار فصلش معتدل دارای باغ وبستانهای دل‌پسندآب گوارایش چون کوثرجان‌بخش‌قنوات بسیارخوبش معروف بویژه قنات رکن‌الدوله که مشهوربرکن‌آباداست بمصداق گفته شاعرجلیل‌القدر خواجه حافظ :

شیراز وآب رکنی وآن باد خوش نسیم
عیبش مکن که خال رخ هفت کشور است
فرق‌است زآب‌خضر که ظلمات جای‌اوست
تا آب مـاکـه منبعش « الله‌اکبر » است

۱ـ فارس که مرکزآن شیرازاست در جنوب ایران واقع شده از سمت شمال محدود است بقومشه ، ازطرف جنوب ببحرعمان وخلیج فارس ، ازمشرق به نیریز، واز مغرب برام هرمزو کوه‌کیلویه جهت شمال آن سرد سیر وجنوبش گرم سیر میباشد .

در هیچیك ازفصول صحاری این شهر گل و بلبل خالی از خضرت و نضرت نیست میتوان گفت نشانهٔ ایست از بهشت بـرین . درختان سرو آن در زیبائی و نیکوئی نمونه‌ئی ازطوبی است. مرکبات ومیوه‌هایش بنحو احسن وبحد فراوان.

در اوصاف شیراز بیشتر از فضلاء وشعراءدر گنجینه‌های علمی و ادبی خود کتابها نگاشته‌انداز آنجمله حکیم دانشمند نشاط اصفهانی .،حکیم‌قاآنی‌شیرازی قصیده غرائی که مطلع آن اینست :

تبارك‌الله‌از فارس‌آن خجسته‌دیار که‌می‌نبیندچون آن دیاریك‌دیار

مولانا محمد مؤمن شیرازی وصفی باالفاظ بی نقطه از مولد خویش گفته .

نویسندگان‌وشعرای شرق‌وغرب بقدری دروصف‌شیرازقلم فرسائی‌نموده‌اند که خود کتاب قطور مفصلی را تشکیل میدهد مافقط بذکر چند بیتی ازدوستاره درخشان‌ادبیات جهان اکتفامیکنیم .

ازشیخ سعدی‌شیرازی

جه نیکبخت کسانی که اهل شیرازند
که زیر بال همای بلند پروازند

**

در اقصای عالم بگشتم بسی بسر بردم ایام با هر کسی
چوپاکان شیراز خاکی نهاد ندیدم، که‌رحمت‌براین‌خاك‌باد

از خواجه حافظ شیرازی

خوشا شیراز و وضع بیمثالش خداوندا نگهدار از زوالش
بشیراز آی وفیض روح قدسی بجوی از مردم صاحب کمالش

مستشرق دانشمند ، انگلیسی‌ادواردبرون درشرح‌مبسوطی که راجع بفارس نوشته میگوید :

من بنده‌ام شیرازرا .

گوته شاعرشهیر آلمانی میگوید:

خرم‌ترین وزیباترین مناظرجهان در شیرازاست. همچنین بیشتر ازشعرای مغرب‌زمین تحت عنوان کلهای سعدی[۱] ووصف سعدی‌چکامه‌هاسروده‌اند.

اهالی‌شیراز

مردمانی‌هستند غنی‌الطبع ، متدین ، پابند باصول اخلاقی ، رؤف ومهربان، باهوش وزیرك ، دردوستی واراده‌ثابت‌قدم ، دارای‌قریحه واستعدادسرشار ، اکثر شاعر و ادیب ،همیشه در جستجوی بدست آوردن علوم و فنون ، اهل مطالعه ، نویسنده و باذوق ،شادو خرم‌وغرق‌درمسرت‌ونشاط، دارای‌بشره‌های‌نمکین وزیبا با بیان روح بخش ،محبت ووداد ازجمله‌صفات مستحسنه‌آنان‌است .

اکثر صاحب فراست و اندیشه و غالب اهل صنعت و هنر، چنانچه در خاتم سازی و قلمز نی در دنیا نظیر ندارند . اینستکه نوابع بزرگ دنیا از سر زمین شیراز برخاسته و آنجارا دارالعلم نامیده‌اند .

حدودشهرزیبای‌شیراز

ازشمال به بلوك مرودشت ورامجرد ـ ازجنوب بسیاخ ـ از مشرق بـه کربـال و از مغرب بکوهره میرسد دریاچـه بختگـان درمغرب آن واقع شده .

شیراز از اقـلیم سیم محسوب و طولش از جزایر خالدات و عرضش از خـط استوا در زمین همواری واقع شده که سمت شمالش کمی گرفته و سایر اطرافش‌واسع است . متجاوز از صد قریه اطراف‌آن میباشد . بروایتی میگویند طهمورث دیوبند آنرا ساخته و بقولی فارس بن ماسوربن سام . برخی را عقیده براینستکه شخصی باسم(شیرازنام) که یکی ازنژاد ملوك پیشدادی است‌آنرا بنام خود موسوم کرده .

برای ورودبشیراز بایداز تنگ‌الله‌اکبر بگذرند.

1- Les Roses de Saadi

بقاع متبرکه

بقاع متبرکهٔ شیراز که زیارتگاه عموم است عبارتنداز :

بقعه متبرکه شاه چراغ که مدفن حضرت سیدامیر احمدملقب بشاه چراغ است فرزند حضرت موسی بن‌جعفر علیهم السلام وبرادر ارجمند حضرت رضا علیه آلاف‌التحیة والثنا است . حضرت شاه چراغ بدست مخالفینی که حضرت راتعقیب مینمودند درمحلی که مرقدآن بزرگوار استبدرجه شهادت رسید .

بقعه مطهره سید امیرمحمد فرزند حضرت‌موسی‌بن‌جعفر(ع).حضرت‌ازاهل فضل‌وصلاح‌بوده‌درزمان‌خلفابشیرازآمده‌منزوی بودند مورخین دراینکه‌آنحضرت را شهید کرده یا وفات یافته مختلف نوشته اند .

بقعه منوره سیّدعلاءالدین حسین‌فرزند حضرت موسی‌بن جعفر (ع) روایتی است که‌آن بزرگوار در باغ قتلغ تشریف‌برده‌وی‌را شناخته وشهید نمودند گنبد حضرت که از آسیب زلزله‌منهدم‌شده‌بود مرحوم میرزا ابوالحسن‌خان مشیرالملك ترمیم ومحمد رضاخان قوام الملك آئینه‌کاری نمود .

بقعه شاه میرعلی‌بن حمزه‌بن امام موسی علیهم السلام پس‌از پدر عالیقدر با خانواده‌خود بشیراز آمده یکی‌از غلامان ازطرف بنی‌عباس که درقلع‌وقمع اولاد طاهربن‌امیرالمؤمنین(ع)کوشا بودند حضرت‌را شهید وسرازتن‌جدا نمودنند .

بقعه خاتون قیامت درسمت جنوبی شیراز دور ازشهر واقع‌شده. بقعه بی‌بی دختران که سیده ایست فاضله وعالمه‌از فرزندان‌حضرت حسین‌بن‌علی بن‌الحسین (ع) میباشد . بقعه‌سیدتاج الدین غریب ـ بقعه علمدارنزدیك مسجد جامع .

بازار وکیل

ازجمله کسانی که درعمران وآبادی شیراز خدمات‌قابل تقدیری نموده و بناهای مستحکم زیبائی بنا کرده پادشاه عدالت گستر کریمخان زنداست .

بازاروکیل ازسنگهای کلانی درست شده که تاکنون پابرجاست. دروسط

آن چهار سوئی است که سقفش مرتفع و بسیار تماشائی و میتوان گفت نظیر آن تاکنون درهیچیک ازشهرهای‌ایران دیده‌نشده . همچنین‌مسجد وکیل که‌قریب ببازاراست ـ موزه پارس ـ باغ عدالتخانه ـ تکیه هفت تن که در دویست قدمی چهل تن‌واقع شده ـ خیابان‌زند وغیره که تماماًازآثار آن‌سلطان بزرگواراست.

شهرها و بلوکات شیراز

فسا که پسا بوده و فسا معرّب آنست شهریست آباد که سابقاً (پارساکرد) میگفتند بنای آنرا بعضی‌ها به پسا پسر پارس وبرخی به بهمن پسراسفندیار نسبت میدهند .

هوایش گرمسیر دارای میوه‌های خوب گرمسیری وسردسیری آب‌آن از چشمه وقنات ، حاصلش پنبه وتنباکو وغله است .

قریب بشهر فسا سرویست بسیارمرتفع طول آن سی ذرع‌بنام ده‌سرودریمی درسه فرسنگی‌فسا(تنك کرم) آتشکده‌ایست که طرف‌توجه اهل‌دهات‌قرارگرفته. عدهٔ ازدانشمندان فارس ازجمله روزبهان فسائی است . همچنین ابوعلی فارسی معاصر امیرعضدالدوله دیلمی صاحب تصانیف کثیره ومحمدمسیح فاضل سترك که از علمای عصرشاه سلیمان وشاه سلطان‌حسین صفوی است .

مسافت بین‌فساوداراببجرشانزده فرسنگ‌است .

داراب‌جرد درصورتیکه از مناطق گرمسیر است ولی هوایش در کمال اعتدال ونواحی واطرافش با صفا ودلگشاست .

این شهر ازبناهای داراب پسربهمن بوده عمارت وباغهای زیباتر از خلدبرین دارد. میوه‌جات ومرکبات فراوان آنجا معروف‌است .

حاصلش غله ، تنباکو ، پنبه ، خرما ، و معدن مومیائی ونمك و مس است.

ازجمله‌آثار قدیمه‌آن نقش داراب ومسجدسنگی وآتشکده آذرجوست .

از داراب جرد فضلا و عرفا و شعرا و حکمای بسیاری برخاسته‌اند مانند : میرزا محمدعلی بهار ، حاجی ملاصادق متخلص به عندلیب ، حاجی‌میرزا سلطان

علی،عالمی‌شاعرعالیقدر ، میرزاعباس‌حکیم ، سیدجعفرمعروف بکشفی که اززبده فضلاءِ بوده .

جهرم

شهریست‌آباد دردامنه کوهی درجنوب شرقی‌شیراز واقع شده‌آب وهوایش بسیارنیکو.آبش‌ازقنوات وچشمه‌زارها . غله ومیوه‌جات وخرمای‌ممتازدارد. حصیرآنجا مشهور ودر نهایت‌زیبائی است . میگویند این‌شهررا بهمن‌بن اسفندیاربنا نهاده .

علما ودانشمندان‌جهرم‌عبارتنداز‌سیدعبدالغفور،میرزاجعفرمتخلص‌به‌بهجت میرزآقا حکیم بلندپایه وعیانی که در تهذیب اخلاق وتصفیه نفس شهرت زیادی دارد.

سیمکان

بلوکیست‌ازفارس که‌درجنوب‌شرقی‌شیرازواقع‌شده‌هوایش معتدل‌میگویند درقدیم‌کان‌سیم بوده .

ازغرایب اینکه درمیان‌آن رودخانهٔ میگذرد که یکطرف میوه‌های سردسیر وطرف دیگر گرمسیربعمل میآید.

میمند

قصبه‌یست از فارس بین مشرق وجنوب شیراز. تاشی خاتون مادرشاه ابواسحق که از زنان مخیر بوده این قصبه راوقف‌حضرت‌سیدامیراحمدبن موسی(ع) معروف‌بشاه چراغ کرده .

شاه ابواسحق‌فرزند بانوی نامبرده درهفتصد وچهل وچهارهجری در شیراز بمقرسلطنت نشست. پس‌ازچهارده‌سال حکمرانی وی رامقتول نمودند .

خواجه حافظ شیرازی اورا درغزلی مدح گفته میگوید :

راستی خاتم فیروزه بود اسحاقی خوش‌درخشیدولی دولت‌مستعجل‌بود

حاصل‌آن برنج وغله ومیوه‌های بسیارخوب بویژه‌انگور، بادام، وگل‌سرخ وگلابش مشهور جهان است .

بعدمسافت میمندتا فیروزآباد پنج فرسنگ است .

فیروزآباد درجنوب شرقی شیراز واقع‌شده از نقاط گرمسیر مرکبات ومیوه‌جات‌خوب داردآبش‌ازرودخانه‌ٔصحاریش‌سبزوخرم. شکارگاههای‌متعدددارد که تیهو، کبك وآهوصیدمینمایند.

میگویندبانی فیروزآباد گشتاسب بوده اسکندررومی‌آنرا خراب نمودولی مجدداً اردشیربابکان مرمت وآبادساخت.

راه بوشهربشیراز ازطریق فیروزآباداست.

فضلای نامـی‌آنجا عبارتند ازمحمدبن یعقوب فیروزآبـادی صاحب کتاب قاموس، شیخ ابویعقوب اسحق از مشایخ کبار، ابواسحق ابراهیم که جامع علوم وچهل وچهار کتاب تصنیف کرده.

زرقان قصبه‌ایست کوهستانی‌بین‌شمال ومشرق‌شیرازدارای‌جنگلهای وسیع اهالی آنجا اکثر صاحب مکنت وثروتند. ملاعبدالله که یکی ازفضلای علوم‌دینی ومیرزاحاجی‌بابای حشمت که ازحکمای حکمت الهیه است ازاهالی‌این‌قصبه میباشند. همچنین‌مزار عالم‌بزرگ سیدعماد الدین که درسنه‌هشتصد وسی وهفت هجری‌بشهادت‌رسیده درآنجا است. پل خان‌دردوفرسنگی‌آن واقع‌شده. دورودخانه‌کامفیروز که اسم‌بلوکی ازفارس ورودبیضا از زیرآن عبور میکنندازپل نامبرده میروند به‌بندامیر این‌پل اول‌خاك مرودشت است.

مرودشت که‌مشهور بمرددشت بدون‌واو است‌بلوکی ازبلوکات شیراز وناحیه‌ایست بهجت طراز قریب‌سی‌پاره قریه دراوست آب وهوایش نیکو وفرح انگیز است.

تخت‌جمشید که یکی‌ازآثار بزرگ ومهم‌ایران است‌در جوار کوهی که‌در سمت شرقی مـرو دشت است واقـع گردیده. در قدیـم این کوه را کوه رحمت می‌نا میدند.

ساختمان تخت جمشید ازسال ۵۱۸ قبل‌از میلاد شروع ودر دوره سلطنت

داریوش اول وخشایارشا واردشیر درازدست توسعه و تکمیل یافت .

داریوش پایتخت سلطنت راا ز پازارگاد بپرسپولیس (تخت جمشید) هشتاد کیلومتری پایتخت قبلی منتقل ساخت .

داریوش بهنگـام بنای پـرسپولیس پادشاهی مطلق العنان و ازبزرگترین امپراطوری هائی بود که تاریخ جهان نظیر آنرا بیادندارد .

این دشت وسیع زیبا که روزی شاهد پیروزیها ، قشون کشیها ، وفتح و ظفرهای ایران در زمان سلاطین پیشین بود سی کیلو متری شمال شیراز واقع شده .

سبك معماری هخامنشیان

ازدو سبك معماری استفاده شده ۱ ـ ساختمانهای باسقف چوبی مانندابنیه تخت جمشید ۲ ـ ساختما نهای باطاق و گنبد. ولی ابنیه پرسپو لیس بسبك سقف چوبی بناشده .

تخت جمشید



نقشی از تخت جمشید

بزرگترین و عالیترین آثار تمدن و شکوه وجلال ایران باستان خرابه‌های تخت جمشید واسطخراست درحقیقت منطقه‌وسیعی برای کاوشهای علمی بوده‌و بمنزله دبستانی است برای آشنائی بتاریخ سلاطین و تمدن قبل از اسلام.

صفهٔ تخت جمشید از طرف مشرق بدامنه کوه رحمت وقسمت عمده ضلع غربی آن مشرف به جلگه مرودشتست . معماران آن زمان در کمال مهارت آن وضع طبیعی کوهستانی رادر خود کوه تراشیده و قسمت اعظم آنرا ازسنگهای جسیم بنانموده‌اند کتیبه

جبهه جنوبی نشان میدهد که بدستور دارای‌اول ساخته‌شده باخط میخی نوشته‌اند:

داریوش‌شاه، شاه‌بزرگ ، شاهان .

کتابه‌ای میخی دیگری‌بسه زبان چهار باراین‌کلمه تکرار شده:

(وس‌دهو) یعنی همه ممالك بعنوان نام خشیار شا پادشاه بزرگ ودرجای دیگرازفاعلیت‌های پدر خود(دارا)بنوعی‌حکایت‌میکند باقرائن‌اینطورنشان‌میدهد که غالب عمارات یکجا طراحی شده :

درتخت جمشید نقوش صورت شیری که گاوی را میدردنظر را جلب‌مینماید درهمین نقوش نمایندگان مختلف جهان را که درروز عید نوروز باج‌های خودرا درحضور شاهنشاه ایران آورده‌اند نمونهٔ از روزگاران شکوه وسرافرازی میهن عزیز ما است .



صورت‌این‌حیوان که‌شبیه‌شیراست درحال‌مجادله باپادشاه.
این نقش در درب شرقی عمارت صد ستون است

بقدری سنگ های نقوش تخت جمشید زیباونیکوست که مقدار زیادی ازآنرابرای موزه‌های ممالك اروپا برده اند .

عالیترین ابنیه هخامنشی کاخهای سلطنتی بویژه قصر بزرگ و بلند آن که گنجایش ده هزار نفر را داشته وبیش از ۳٦ ستون که سقف بر روی آن زده شده و هرستونی ۱۸ متر ارتفاع آنست .

دیگری قصربار که معروف به‌قصرصد ستون است . قصر بی نظیر دیگر بطرز دلپسند مزین شده که حرم سرای شخص پادشاه بوده .

قصر کوچك دارا که در ضلع شمالی صحن بپا گردیده قصرزمستانی شاهنشاه‌بوده .

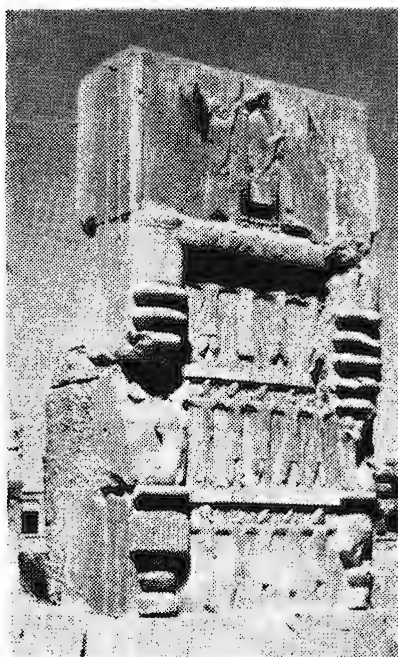
دخمه های متعددی که دو تای از آن

آثار باستانی نقش رستم است دیده میشود در داخل دخمه‌هاجای مقبره از بین رفتگان بوده سلاطین عجم رابا کمر و تاج و بعضی ازاسباب‌حرب دفن‌مینموده‌اند. چنانکه‌حکیم فردوسی درشاهنامه اشاره باین مطلب نموده :

یکی دخمه فرمودخسرو بمهر　　　برآورد آن سر بگردان سپهر
نهادند مر پهلوان را بگاه　　　کمر بر میان و بسر بر کلاه

درروی‌تخته‌سنگهای تخت جمشید سیادت وعظمت کشور ایران نقش بسته

درسمت جنوب تخت‌جمشید صورت‌یکی از سلاطین ایران دیده میشود که بر روی صندلی نشسته وعصائی دردست دارد اشخاصیکه در زیر تخت ایستاده و تخت پادشاه را بر روی دست داشته اند علاقهٔ مفرط ایرانیان را بحفظ سلطنت میرساند .



ماهم ازدودمان‌همان ایرانیان گذشته هستیم تا جهان باقی است برای حفظ مقام شامخ سلطنت‌واستقرار واستقلال میهن عزیز جان نثار وفداکار خواهیم بود .

در ترجمه خطوط یکی از کتیبه های تخت جمشید نوشته شده :

من هستم داریوش پادشاه بزرگ وشاهنشاه تمام طوایف و دورتر از این ولایات پادشاه این جهان بزرگ .

درنقش رستم بالای مقابرهخامنشیان حجاری برجستهٔ که عبارت از صورت غلبه اردشیربه‌اردوان اشکانی است دیده میشود همین فتح وظفربود که اردشیررا شاهنشاه نامیدند .

کعبه زردشت

از جمله آثاری کـه کمی دور تر از نقش رستم دیده میشود کعبه زردشت است این بنا کـه ازسنگ سفید رو بروی دخمه دوم بشکل مربع ساخته شده عرض هرضلع آن ١٤ذرع وارتفاعش نه ذرع بسیارقشنگ وتماشائی است .

خلاصه دو سلسله هخامنشیان وساسانیان که از افتخارات ایران هستند از ملك فارس بیرون آمده همچنین پادشاهان ساسانی مانند هخامنشی خود را «**شاه شاهان ایران** » **و بعد شاه شاهان ایران و غیرایران** مینامیدندوازروی استحقاق بیشتری باین‌عنوان سزاواربودند بنابراین تاریخ نشان میدهد که نه تنها مؤسسین دولت مقتدرایران در قرن ششم قبل از میلاد از فارس بودند بلکه سلسلهٔ هم که درقرن سوم قبل از میلاد اقتدارایران را تجدید ومستقرساختند از سرزمین‌فارس برخاسته .

متأسفانه تخت جمشید که از باشکوه ترین پایتخت‌های جهان و دردل کوه بنا گردیده وآثارش‌ازدوره‌های ماقبل تاریخ هخامنشی ، ساسانی ، صفوی ، ودیالمه بود بدست یاری جنایت پیشه ترین زن بد عمل(تائیس) محبوبه اسکندرآتش‌زده شد اسکندرو رفیقه‌اش گفت :

برویم این‌قصربزرگ راآتش بزنیم تادریک لحظه‌آثارعظیم ونامی‌پارسیها نیست ونابود گردد . غافل از اینکه دشمنان ایران نابود شدند . و پس از قرنها آثارپرافتخارباستانی ما درسایه شاهنشاه محبوب ترمیم و رونقی از سر گرفته بـا کاوشها و تحقیقـات کامل ادارهٔ باستان شناسی تمدن ایران و عظمت بیکران مقام سلطنتی عهد قدیم را پدیدارنموده اند.

اصطخر

اصطخر شهریست تاریخی در نزدیکی خرابه‌های پرسپولیس ۱۲ فرسنگی شیراز . درزمان ساسانیان از شهرهای مهم فارس بوده و اردشیرعمارات خود را درجنوب آن بنا نموده . میگویند اول کسی که شهراصطخررا بنا نهاد اصطخر ـ بن‌طهمورث پیشدادی‌است درموقع استیلای عرب‌بایران این‌شهرهم مانندشهرهای دیگرایران شاهد زد وخوردها وعرصه تاخت وتازها بوده . درقرن دهم چهارشهر درولایت فارس از نظرعظمت برتری براستخرداشت :

شیراز ، فسا، سیراف ، ارجن دو شهر اولی منطقه وسطحی و دو دیگر آن منطقه‌جنوبی‌محسوب میشده. یکی‌ازآثارمهم اصطخرمسجدی بنام مسجدمسلمانان است. عمارات اینشهرتماماً باسنگ وباگچ روی‌آنهاراسفیدنموده‌اند درکوههای اصطخرمعادن‌آهن زیاداست . ازمناظرقابل‌ملاحظه دروازه‌سنگی‌آنست . خزائن ملوك عجم هم قبل از اسلام دراصطخربوده .

میگویند شهر اصطخر را جمشید که ازجمله سلاطین‌پیشدادیان بوده‌باتمام رسانید وپس از بنای عماراتـی چند در تخت جمشید روزی کـه آفتاب بمحاذی نقطه‌اعتدال(۱) ربیعی رسیدباسرور وشادی وبهجت ونشاط فراوان برسریرسلطنت تکیه‌کرد وآن روز را نوروز سلطانی نام نهاد .

پارسیان جمشید را حکیمی بزرگ و پادشاهی عادل خوانده میگویند :

انسان اشرف موجوداتست واشرف انسان پادشاه عادل است وآن‌قابل‌اطاعت وفرمان برداری است .

---

۱ ـ وقتیکه آفتاب باین نقطه رسید اول بهار خواهد بود

مسجد مادر سلیمان بلوکیست سرد سیر در شمال شرقی شیراز از جمله آثاری که در آنجا دیده میشود تل بسیاربزرگی است که هشتاد متر طول و عرض آن و ارتفاعش دوازده متر وازسنگهای بزرگی درست شده . آثاراحجار شکستهٔ آن نشانه‌ایست که‌روزی‌جایگاه قصرهای عالیه بوده .

ارسنجان

درمشرق‌شیرازواقع‌شده‌یکی‌ازنقاط‌زیباوخوش‌آب‌وهوا وسردسیرمیباشد . آب آنجا از چشمه سارها وقنوات سرچشمه میگیرد برنج وغله‌ومیوجات‌بخصوص انارازحاصل آنست رُب انارش در فارس معروف است .

ارسنجان در زمان شاه سلطان حسین صفوی بنا شده .

بین شرق و جنوب آن در دامنه تلی آثار بسیاری از ابنیه وعمارات دیده میشود که نشان میدهد در گذشته آبادبوده .

یکی ازعلمای بزرگ که درحکمت الهی وعلوم ریاضی‌مقام اول را احراز نموده‌عبدالکریم‌ارسنجانی‌است‌وهمچنین‌حاجی‌اکبرنوّاب که اززبده‌فضلاء در فقه واصول وریاضی‌بوده وشیخ قطب الدین مبارک بعلوّمقامات وسمّودرجات معروف ومشهور است .

میرزا حسینعلی شهاب ملقب بصدر الشعراء ادیبی دانشورو سخن گستر بوده .

ازشعرای غزل‌سرا و نامی آنجا حاج ملا محمد شفیع ارسنجانی و مرحوم میرزامحمود متخلص بآغاز است .

کرُبال بلوکیست از فارس بسیار وسیع در شرق شیراز واقع شده حاصلش‌غلّه. وبرنج آن در نهایت خوبی است .

یکی از دهـاتش بنام قشلاق است که ابنیه آنـرا امیر

عضد الدوله دیلمی [۱] بنا نهاده . در کربال زمینهائی که پست و بلند است سفلی و علیا مینامند واز آب بند امیر برای زراعت سیراب میگردد .

بند امیر

بین کربال‌ومرودشت واقع شده‌تخت‌جمشید‌تا‌بندسه‌فرسنگ است .

بند امیر که از بناهای زیبا وپسندیده است امیرعضدالدوله بنا نموده ودرآن پلی ساخته که سیزده چشمه دارد طول‌پل پانزده وعرض‌آن‌پنج متر است تمام از سنگ وساروج ساخته شده بسیار تماشائی است .

آسیابهای فراوان‌نزدیك بهم زیاد دارد دریکی ازآنها هفت سنگ‌آسیاب درکاراست وقتی میچرخد شبیه است بچرخ آتشبازی .

بیشتر از اهالی آنجا طبع شعر دارند . این شعر را برای آسیاب کودکی گفته :

آتش افشانی کند چرخ و فلك
بـر خلاف آن بـود این آسیاب
زانکه چون چرخ وفلك باشدولی
جای آتش دمبدم افشانـد آب

کازرون

کازرون شهری است درسمت غربی شیراز میگویند طهمورث آنرا بنانهاده بعدهاقباد پدرانوشیروان‌آباد ومرمت نموده. هوایش گرمسیر ودرعین حال‌معتدل

۱ــ **امیرعضد الدوله** ابوشجاع دارای علم و صاحب فضیلت ، متدین ، به عـدالت و حسن‌اخلاق معروف.پس ازخلیفه نام وی را میبردند امیر عضدالدوله از زیادی جود و سخا بسیاری ازشعرا قصد درگاه اورا نموده وجایزه‌ها میگرفتند از جمله شعرائی که در مدح امیر شعر گفته ابوالطیب متنبی است .

میگویند سلطان در کمال لطافت شعر میگفته و دیوانی هم داشته . اهل فضل را گـرامی میداشته بخصوص شیخ محمد ملقب بمفید را که از مجتهدان عالیقدر بوده. اعمال خیرایـن پادشاه بزرگ درجهان بسیار است .

همیشه صحرا ودشت آن مانند بهار باطراوت وخضرتست باین جهت آنرا شهرسبز میگویند. دوفرسنگی اش جلگه‌ایست نرگس زار وجامع جمیع زیبائیای طبیعت بیشتر اشجارش نارنجهای قوی‌پیکر که‌درجاهای‌دیگر دیده‌نمیشود . مرکبات آنجا فراوان وبی نهایت ممتازاست بخصوص خرما .

از جمله توابع کازرون شاهپور است که در شمال آن‌واقع‌شده‌این‌مکان یکی از کورهای (۱) فارس بوده .

فضلاء وعرفای‌بسیاری ازکازرون برخاسته‌اند مانند شیخ‌مشرف‌الدین سعدی، ضیاالدین مسعود ابن مصلح الکازرونی که ازاطباء معروف بوده وعده کثیر دیگر. درشاهپور آثار قدیمه‌ونقوش زیادی‌براحجار است که هریك‌نشانهٔ از عظمت‌ایران قدیم است . یکی از آن نقوش شاهپور است که (والرین) پادشاه روم را دستگیر نموده واو اظهار عجز مینماید حکیم فردوسی هم اشارهٔ بآن نموده میگوید :

برانوش جنگی بقلب اندرون　　　گرفتار شد بـا دلی پرزخون

مقصور حکیم بزرگ از برانوش همان (والرین) بوده .

قلعه شاپور که در دامنه کوه واقع شده بنائی است تاریخی که از سنگهای عظیم‌ساخته شده ودر آنجاصورتهائی‌چندبرسنگ نقش‌نموده‌اند .

شولستان

یاممّسنی هوایش‌سرد دورودخانه مهم از آنجا عبورمینماید یکی رودشولستان ودیگری رود کتی کوراولی‌سرچشمه‌اش اردکان‌ودومی‌دره‌روداست که‌باهم‌متصل‌شده‌میرود بدشتستان واز آنجا بدریای فارس متصل میگردد .

۱ـ فارس سابقاً محتوی پنج کوره بوده که هر یك را پادشاهی بنانهاده . (کوره بفتح نام شهرستان‌است)

اول ـ کوره اردشیر که شهرشیراز وفیروزآباد است .

دوم ـ کوره استخر که درآن بیضا ورامجرداست (را مجرد معرب رام‌گرد است رام مخفف بهرام وگرد بمعنی‌شهر از ابنیه بهرام بوده) .

سوم ـ کوره دارابجرد که درآن شهر فسا وجهرم است .

چهارم ـ کوره قباد که درآن بوشهر و برازجان است .

پنجم ـ کوره شاهپور که درآن‌کازرون وجره هست .

دوان از تـوابع کازرون و در سمت شمال آن واقـع شده مقبره ملا جلال الدّین محمدعلامه دوّانی قدس سره در آنجا و بقعه‌اش مرتفع میباشد .

بیضا در سمت شمال شیراز واقع شده هوایش معتدل و وسیع و سردسیر میباشد بواسطه چشمه‌های آب وقنوات زیاد حاصلش بسیار خوب وفراوان است میگویند شهر قدیم بیضارا گشتاسب بنا نهاده .

تل بیضا از آثار قدیمه آنست ونشان میدهد که درسابق شهر بزرگی بوده .

ازجمله فضلاء ومشایخ کبارحسین بن منصور بیضائی ، نجم الدین عبدالرّحمن، ابوالحسن معروف بشیخ الشیوخ ، ابوالقاسم عمربن فخرالدین محمد که از افاضل ومشاهیر فارسی میباشند .

سرآمد فضلای فارس قاضی ناصرالـدین ابوسعید بیضائـی است تـألیفات وی بسیاراست یکی ازآنها تفسیرقرآن معروف بتفسیر بیضاوی و غایة القصوی و منهاج اصول ونظام التواریخ است .

خفر در سمت جنوب شیراز هوایش گرمسیر حاصلش غله وبرنج مرکباتش فراوان ونیکوست فضلای بزرگ آنجافاضل خفری، شمس الدین محمد ، و میرصدر الدین محمد شیرازی است که از اعاظم علماء میباشد. تصنیفات وی منتهی الادراك ورسالۀ در هیأت ودر حلّ ما لاینحل واثبات واجب ورسالۀ مشتمل بر چهل حدیث است .

برازجان درسمت غربی شیراز واقع شده حاصلش خرما وغلّه . آبش از چاه وبـاران است . از بناهای تـاریخی آن کاروانسرای بسیار باشکوهی است که حاجی مشیر الملك بنا کرده .

عارف دانا ونویسنده وشاعر توانا آقای مرتضی برازجانی متخلص به عارف ازآنجا است اشعار وی بیشتر جنبۀ اخلاقی و اجتماعی دارد . این رباعی ازاوست:

دیـدم تو، شدم واله ودل باختمت　　درکاخ دل خویش وطـن ساختمت
در پای تو عمری بسر آوردم، لیك　　ز اسرار تو پی نبرده ، نشناختمت

سروستان درسمت‌مشرق‌شیراز واقع‌شده بااینکه گرمسیراست‌هوایش معتدل میوه آن انگور وانار بسیار خوب است حاصل عمده اش پنبه ، تنباکو وغلّه است .

یکی از مشایخ بزرگ بنام شیخ ابوالقاسم عبدالرّحیم بن محمد سروستانی از اهل آنجاست .

سید محمد حسن عدالت مدیر نامه هفتگی (عدالت) از نـویسندگان نامی سروستان شیراز است .

نیریز سرزمین همواری است کـه از سمت مشرق وجنوب مشرف بکوه . هوایش فرح انگیز ونشاط آمیز و از نقاط بسیار زیبا وخوب فارس محسوب میشود .

یکی‌ازخوش نویس‌های معروف آنجا میرزا احمد نیریزی‌است .

آباده شهرآباده‌اول خاك فارس‌و درسمت شمال شیراز واقع‌شده. زراعت وآب و هوای آن بسیار خوب وقابل تمجید است . میوه واشجارفراوان دارد که ازآب قنات مشروب میشوند.

محصولاتش حبوبات ،گندم ، جو ، پنبه ، ذرت وتریاك است .

اکثراهالی‌آنجا کشاورز هستند در صنعت مینا کاری و گیوه مشهور جهان میباشند .

لار تاشیراز پنجاه فرسنگ‌است‌یکی ازقراء معروفش مزایجان است‌که قلعهٔ معروف خدا آفرین‌درآنجا ومعادن گوگرد زیاد دارد. مرحوم عبدالحسین‌لاری ازعلمای بزرگ‌میباشد.

اصطهبانات یکی از بخش‌های‌فسا است آب وهوای‌آن درنهایت‌خوبی‌و از قدیم دارای آثار تاریخی است. اهالی آنجا بیشتر مایل به تجارت وزراعت هستند ، محصولاتش زعفران ، غلات و

پنبه ، بادام و کشمش است .

ازدانشمندان ونویسندگان بزرگ آنجا میرزاابوالحسن اصطهباناتی ملقب بمحقق العلماء که دارای تألیفات چندی است از آنجمله لمعات النور شرح دعای کمیل و مطالع الانوار .

تنگستان

اصل آن تنگ ستانست مخفف نموده تنگستان میگویند اهرم مرکز آنست .

اهالی‌اش بیشتر کشاورز وسلحشورند جنگهای تاریخی آنان شگفت انگیز است مسافت بین اهرم وبوشهر پنجاه کیلو متر است . مرکبات آن درجنوب ایران معروف میباشد .

بنادر تنگستان که ارتباط باجزایر بحرین وبندر کویت دارد عبارتند از : بوالخیر ، عامری ، باشی ، دلوار ، حلیله و کرسی .

دشتی

اهالی دشتی مردمانی کشاورز ، دریا نورد وسلحشور هستند اقامت بخشدار در قصبه خور میباشد نخلستان فراوانی دارد که از رودخانه موند مشروب میگردد.

آثار باستانی زیاد درآنجا بدست آمده . بنادر مهم دشتی عبارتند از ؛ بندر طاهری که دارای کشتی های متعدد است بـرای صید مروارید . بندر صیرف که شهربزرگی‌است درخلیج فارس قصور زیبا ومناظر بدیع دارد وازنقطه نظر تجارت باسایر نقاط رقابت مینماید دیگر از بنادر دشتی دیو، کلات ، میانلو ولاور است .

دشتستان

دشت بروزن طشت در نعت بمعنی صحراوبیابان است.ناحیه ایست از فارس قریب ببندر بوشهر هوایش گرم وبه‌چندین ناحیه‌قسمت‌شده‌از آنجمله حیات داود ، شبانکاره ، لیراوی ، انگالی رود . هر یك از این نواحی دارای یك بخشدار است که تماماً در تحت نظر فرمانداری بوشهر اداره میشود .

دشتستان بواسطه خوبی فلاحت ورودخانه فراوان خوبترین وبهترین نواحی جنوب ایران بشمار میرود .

بوشهر

بوشهر که سابقاً بنام ابو شهر بوده یکی از بنادر معظم ومهم خلیج فارس و حکومت نشین بنادر جنوب ایران است .

سه طرف آن دریا قرار گرفته واکثر از خانه ها مرتفع ودارای غرفه‌ها و باد گیر هاست .

هوای آنجا بقدری گرم است که در تابستان بعضی وقت از صد درجه تجاوز میکند .

بیشتر از اهالی تاجر واهل دادوستد هستند وزیاد مبتلا بچشم درد میشوند. آب آشامیدنی آن شورمزه وناگوار است .

بوشهر از زمان کریمخان زند رو بآبادانی گذارد .

یکی از مؤلفین بزرگ و عالیقدر آن مرحوم شیخ محمد حسین سعادت بوشهری است که ازطرف لارستان بسمت نماینده مجلس شورای ملی انتخاب گردید خدماتی که این دانشمند بزرگ بایران نموده کم نظیر وقابل تمجید است .

خلیج فارس

که آنرا دریای فارس ودریای بصره وبحرعمان میگویند بین فارس وعربستان واقع شده . ابتدای آن از بلوچستان وانتهایش بصره. ازجنوب بشط العرب تاتنگه هرمز امتداد دارد .

خلیج فارس ازنقطه نظراقتصادی وروابط سیاسی یکی ازبهترین ومهمترین دریاهای جهان بشمارمیرود .

عموم مورخین و سیاستمداران دنیا را عقیده براینستکه هیچ دریائی بقدر خلیج فارس نظر آنها را جلب ننموده . از نظرسوق‌الجیشی بسیارقابل اهمیت است زیرا سرراه ودرواقع کلید خطوط دریائی است .

خلیج فارس بوسیله تنگه هرمز بدریای عمان مربوط است و دریای عمان باقیانوس هند اتصال دارد .

خلیج فارس از قدیم‌ترین دوران تمدن آسیا مرکز تجارت بوده بویژه از قرن شانزده میلادی که راه بحری آسیا واروپا از جنوب افریقا کشف شد .

خلیج فارس از دریای عمان بتمام بنادرجهان و از راه‌آهن عراق بسواحل مدیترانه اتصال دارد .

اهالی جزیره نشین خلیج فارس عموماً پرطاقت وزیرك وبا استعداد هستند وبخطرناکترین کارهایعنی غوطه خوردن دراعماق دریابرای صید مروارید وصدف و مرجان دست میزنند .

خلیج فارس در زمان هخامنشی و ساسانی و اشکانی از بنادر مهم اسلامی بشماررفته .

درقرن هفتم قبل از میلاد شاهپوراول با کشتی باعراب مهاجم حمله نموده آنان را شکست داد .

در قرن ششم میلادی انوشیروان با نیروی دریائی عظیمی بقصد تسخیر عربستان از عمان گذشته به بحر احمرر سید . نادرشاه افشار چندین کشتی از انگلیسها خریده بوشهررا مرکز بحریه خود قرارداد .

خلیج فارس درعصرباعظمت پهلوی

اعلیحضرت فقید بنیان گذارایران نوین برای ایجاد نیروی دریائی ایران توجه خاصی مبذول داشتند . سفارش ساختن چندین کشتی بکارخانجات ایتالیائی دادند .

در موقع تحویل اعلیحضرت فقید در بوشهر آنهارا بازدید نموده باسامی ببر ـ پلنگ ـ سیمرغ ـ شاهرخ ـ شهباز ـ همای ـ یدك کش نام نهادند .

در ۱۳۱۲ دانشجویانی برای آموختن دریانوردی بایتالیا اعزام داشتند .

در بندر خرمشهر پادگان فرماندهی ومخازن تعمیرگاه ومرکز نیروی دریائی وبیمارستان و آموزشگاه برقرار نمودند .

منابع ثروت

منابع ثروت خلیج فارس معادن نفت ـ مروارید ، صدف مرجان ، گوگرد زرنیخ ـ خاك سرخ ـ کرومیت ـ نمك ـ مس ـ مانکانز ـ سرب و انواع و اقسام ماهی‌ها وغیره است .

محصولات آن مرکبات ـ خرما ـ موز ـ نیشکر ـ نیل ـ حنا و روناس است .

از ازمنه قدیمه آنچه تاریخ نشان میدهد خلیج فارس بعلت واقع شدن در مسیر خطوط دریائی بحراحمرو اقیانوس هند واتصال آن بآبهای سواحل ایران و بین النهرین و عربستان توجه بیگانگان را جلب نموده همیشه درفکر بودند که از منابع ثروت آن استفاده نمایند .

جزایر عمده خلیج فارس

عبارتند از جزیره قشم که بزرگترین جزایر خلیج فارس ومتجاوز از هشتاد قصبه دارد .

جزیره هنگام ایستگاه خط تلگراف تحت‌البحری است .

جزیره کیش که از خوش آب وهوا ترین وبهترین جزایر خلیج فارس است واز حیث داد وستد مروارید اهمیت زیاد دارد .

جزیره هرمز دارای‌معادن‌نمک،- گوگرد، آهن، زاج و بنت‌الذهب‌میباشد.

جزیره خارك هوای‌آن معتدل و دارای‌آب فراوان است مردمان‌آنجادریا نورد وبصید مروارید مشغولند.

جزیره سری ـ که از توابع بندرلنگه است .

جزیره شیخ شعیب ـ دارای کشتی های متعدد برای صید مروارید اهـالی آنجا همیشه مشغول صید ماهی هستند .

جزیره فرور جزء بندرمغو واز توابع بندر شیبکوه است .

جزیره هند رابی درنزدیکی بندرچیرواز توابع بنادرشیبکوه واقع شده.

جزیره بن موسی که بیشترارتباط آنها با بنادرعمان است .

بنادر ایران

در سمت شمال خلیج فارس بندر دیلم ـ بندر ریک ـ گناوه واقع شده که رابطه‌آنها با جزایربحرین ، بصره ، وبندر کویت است .

بندرشاهپور

درانتهای خلیج فارس درسمت مشرق رودخانه بهمن شیرواقع شده کشتی ـ های بزرگ بآسانی وارد بندرگاه شده‌کالای خود را تخلیه مینمایند .

«بندرعباس»

«**بندر عباس**» که از بنادرمهم جنوبی ایران است موقعیت نظامی وتجارتی بسیار خوب دارد . بدستور شاه عباس بزرگ ایجاد شده از لحاظ اهمیت تجارتی شهرت بسزائی دارد . اهمیت بندر عباس در این است که هم بدریای عمان و هم بخلیج فارس مسلط میباشد ودرپناه جزایرقشم ولارك وهرمز قرار گرفته .

در حال نوشتن سطور فوق روزنامه اطلاعات دوشنبه ۲۸ شهریورماه ۳۹ را آوردند درصفحه اول نوشته بود :

شاهنشاه عصرديروز هنگام بازديد ازتأسيسات راه‌آهن فرمودند : بندرعباس درآينده بزرگترين بندر بازرگانی ايران خواهد شد .

با نهايت مسرت وشادی شكرخدارا نموده كه‌ايران مادرسايه‌زحمات شبانه روزی شاهنشاه بزرگ سعادت و سيادت خود را از سر گرفته هر روز قدم هـای مؤثری درراه ترقی وتعالی درتمام شئون زندگانی برميدارد **اين همه‌آوازه هااز شه بود .**

بندرلنگه درمغرب بندرعباس واقع شده مهمترين مركز صيد مرواريد و محل صدوركالای ذيقيمت‌بخارج است .

بحرين يا استان چهاردهم ايران

مجمع الجزايربحرين كه از توابع ايـالت فارس است عبـارت از چندين جزايربزرگ وكوچك كه دركرانه جنوب خليج فارس واقع گرديده .

جزايربحرين بواسطه موقيت جغرافيائی و سوابق تاريخی متعلق بايران و يكی ازجزايرزرخيز كشورشاهنشاهی ودارای معادن مهم نفت ومركز عمده صيد مرواريد ايران است .

بحرين بمعنی لغوی يعنی دو دريا يكی دريای شورو ديگری دريای‌شيرين.
ازصدراسلام‌تا قرن‌هفتم هجری تمام كرانهٔ خليج فارس‌رابحرين ميگفتند.
جزايرده گانه بحرين عبارتند از :

جزيرهٔ منامه كه يكی ازجزايرمهم وبزرگ بحرين است درقسمت‌جنوبی آن تپه‌های متعدد و(كوه دخان) كه‌ازبلندترين كوه‌های‌اين‌جزيره‌است . چشمه‌های آب شيرين گوارا دارد . بندر بزرگ منامه بسيار زيبا و تماشائی است .

(زلاق) که درمغرب منامه واقع شده مرکز عمده صید مروارید است .

جزیرهٔ ستره - در مشرق جزیره منامه واقع شده دارای قصبه و قریه های متعدد است که بیشتر از آنها نخلستان میباشد .

جزیرهٔ محرق کلمه محرق که مشتق از حرق است یعنی آتش . درشمال شرقی‌منامه واقعشده . میگویند قبل‌ازاسلام تمام سکنه‌آنجارا زرتشتیان تشکیل داده ومردگان خود را میسوزاندند .

چشمه‌هاو آبهای گوارا دارد .

جزیرهٔ ام‌نعسان - درقسمت غربی جزیره منامه میباشد .

جزیرهٔ رکا - جزیرهٔ کوچکی است درمغرب جزیرهٔ منامه .

جزیرهٔ بنی صالح خرمای‌آن شهرت فراوان دارد .

جزیرهٔ اوال از بزرگترین جزایربحرین محسوب میشود حاکم نشین‌آن جزیره منامه است .

آب و هوای مجمع الجزایربحرین گرم و مرطوب است . محصولات عمده آن انار، لیمو ، برنج ، وجوز است .

بحرین مرکز عمده معاملات و صادرات مروارید و در سال چندین لیره عایدی دارد .

بحرین در زمان دیلمیان و آل بویه و اتابکان قلمرو فارس بوده وپس از انقراض سلاطین آل‌بویه اختیاربحرین بسلاطین سلجوقی‌وجزو کرمان‌اداره‌میشد.

باستناد مختصر شرح تاریخی وجغرافیائی که گفته شد بحرین بایران تعلق داشته ودارد وجزءِ لاینفك میهن عزیز ما بوده و هست .

سلسلهٔ پادشاهانی که در قلمرو «پارس» سلطنت نموده‌اند

سلسلهٔ هخامنشی

پارسیها قومی بودند آریائی نژاد که پس از مهاجرت از وطن خویش در فلات ایران بویژه ایالت فارس وعیلام قدیم اقامت کردند.

پارسیها چهار قبیله بودند قبیله پازارگاد یا پاسارگاد که هخامنشیان از آن محسوب میشوند.

کورش کبیر سرسلسلهٔ پادشاهان هخامنشی

کورش کبیر از نوابغ بزرگ جهان است قصد او فقط جهانیگیری نبوده بلکه میخواست دنیا را تحت سلطه و قدرت یکنفر درآورده تا کلیهٔ افراد عالم در کمال آسایش و آزادی زندگی نمایند.

کورش کبیر بلخ و مرو سغد تاحدود سیحون و بابل را در جنگها مغلوب و منکوب نموده جزو متصرفات خود نمود.

کورش هرشهری را که تسخیر مینمود مذهب آنان را محترم شمرده عقیده خود را بکسی تحمیل نمیکرد.

این پادشاه بزرگ دریکی از جنگ‌ها بدست صحرا نشین های آسیا کشته شد جنازه او را درپازارگاد مقبرهٔ که امروز معروف بمشهد مادرسلیمان است بخاك سپردند.

کمبوجه یا کامبیز

برجای پدرنشسته همان سیاست او را تعقیب نموده با سپاه خود ازصحرای فلسطین و مصر گذشته در (پلوزا)(۱) فرعون را شکست داده پایتخت مصر را درتحت اختیارخویش درآورد، فرعون بقیه عمرخود را درزندان شوش بسر برد.

۱ـ پرت سعید برروی خرابه‌های پلواز میباشد.

داریوش بزرگ

یکی از پادشاهان عالیقدر جهان است و صیت اقتدار وی درعالم محو نخواهد شد . درمدت هفت سال باهمراهی سردارانش ۱۹ جنگ نموده تمام مدعیان سلطنت را مغلوب ومقهور نمود یادگار این فتح بزرگ کتیبه معروف بیستون است .

داریوش کبیر کشور شاهنشاهی وسیع خوررا به سی ساتراپ (ایالت بزرگ) قسمت نمود و برای هرساتراپی یك فرمانده لشکرمعین نمود تا مواظب باشند که عدالت برقرار بوده مستقیماً با دربار مکاتبه نمایند . درز مان وی مالیات تخفیف یافته رعیت درنهایت آسودگی بسرمیبردنند . زارعین را تشویق بسیارمینمود . در پیشرفت صنعت حجاری ومعماری بذل توجه بخصوصی داشت .

مملکت ایران درزمان داریوش کبیراز شمال به بحرخزرو قفقاز و دریای سیاه واز طرف مغرب بدریای مدیترانه میرسید .

داریوش بزرگ مصر ومقدونیه را درتحت تصرف خود درآوردودرقلب اروپا گام نهاد این سلطان عظیم جهان در ٤۸٦ قبل از میلاد وفات نمود .

خشایارشا

داریوش کبیرقبل ازفوت خویش خشایارشا را که پسر (آتوسا) دختر کورش است بجانشینی خود معین کرد .

خشایارشا یونان را مجدداً تسخیرنموده قشون ایران وارد آتن شدتاسردار رشید ایران «مردونه» حیات داشت استقلال یونان درخطربود. درجنگ معروف پلاته این سرداربزرگ کشته شد . ازآن تاریخ یونانیان توانستند استقلال خود را حفظ نمایند .

اردشیر

دشمنـان داخلی ایران خشایـار و پسر ارشدش داریوش را بقتل رسانیده درصدد بودند باپسر کهترهم همین معامله را نمایند ولی اردشیر باکمال شجاعت تخت وتاج سلطنت را تصاحب نموده خائنین را معدوم نمود .

اردشیردراز دست چهل ویکسال سلطنت نمود .

خشایار شای دوم

پسراردشیرفقط چهل وپنج روز سلطنت نموده بقتل رسید .

داریوش دوم

برتخت نشسته درزمان وی‌شهرهای یونان‌وآسیای صغیرمجبور به پرداخت باج شدند .

پس از داریوش دوم اردشیر دوم و بعد اردشیر سوم شاهنشاه ایران شد درزمان او سلسلهٔ هخامنشی منقرض گردید .

سلسلهٔ ساسانیان

اردشیربابکان مؤسس سلسلهٔ ساسانیان است . بابك پدراردشیروساسان جد اوست از اینجهت وی را اردشیربابکان واین سلسله را ساسانیان میگویند .

مورخینی که با اردشیر معاصر بودند او را از اهل پارس دانسته و اردشیر بابکان‌را حکمفرمای موروثی ایالت فارس میدانند .

اردشیر پس از اینکه تمام شهرهـای ایران را داخل در قلمرو خود نمود پیامی برای(الکساندرسور) فرستاد وسپس از دجله عبور کرده ایالت رومی وبین‌النهرین را بتصرف خود درآورد و بعد متوجه ارمنستان شده‌آن مملکت را جزء ایران نمود . اردشیر از پادشاهان مهم ایران ومانند هخامنشی قدرت قوای‌نظامی را دردست خود داشت .

اردشیرنه فقط جهانگیری نامی بود بلکه درجهانداری ازپادشاهان بزرگ باسیاست بشمارمیرود . در سال۲٤۱ میلادی وفات نمود .

شاپور اول

فرزند اردشیر بسلطنت رسیده در ابتدای سلطنت وی ارمنستان خواست استقلال خود را بدست آورد ولی شاپور بسرعت عملیات آنان را خنثی نمود بطوریکه برای همیشه جرأت مخالفت را نداشتند .

شاپور نقشه‌پدررا تعقیب نموده از بین‌النهرین عبور کرده‌بشام حمله نمود و شهرانطاکیه دارالملك شرقی رومیان را بتصرف درآورد وفیلیپ مجبورشد که با وی صلح کرده تسلط شاپوررا بربین‌النهرین وارمنستان رسماً بشناسد .

مهمترین‌وقایع زمان شاپوراسارت«والرین» امپراطورروم و شکست فاحش رومیان بود .

از وقایع مهم دیگر زمان شاپور دعوی مـانی نقاش بود که مردم را دعوت بمذهب جدیدی میکرد ولی بزودی مجبورشد ایران را ترك نماید .

شاپوراول یکی از سلاطین با قدرت ومهم ایران است علاوه برجهانگیری خدمات واقدامات مؤثری برای عمران و آبادی کشورنمود.درسال۲۷۲رحلت کرد.

هرمز اول

پسرشاپوربسلطنت رسیده پس از یکسال درگذشت .

بهرام اول

جانشین گردیده مانی را که مجدداً بایران آمده بود بقتل رسانید وپیروان مذهب او را دستگیرنمود .

جانشینان بهرام اول ـ بهرام دوم ـ بهرام سوم ـ هرمز دوم ـ شاپور دوم است که‌او را شاپور ذوالاکتاف میگفتند .

شاپور دوم

یکی ازسلاطین بزرگ وباقدرت سلسلهٔ ساسانی بوده‌مهمترین وقایع‌زمان او جنگ‌های متعدد بارومیان برسرارمنستان بود .

اردشیر سوم

برادر شاپوردوم جانشین وی گردید سلطان نکوکار و نیك رفتاری بوده.عربها او را جمیل لقب داده‌اند .

شاپور سوم

برادر شاپور دوم از وقایع مهم در زمان او جنگ با اعراب است تا ۳۸۸ سلطنت نمود .

بهرام چهارم

بهرام چهارم را بعضی از مورخین برادر و عدهٔ پسر اردشیر سوم میدانند از وقایع مهم دوران سلطنت وی تقسیم ارمنستان با امپراطور روم بود .

خسرو حکمفرمای ارمنستان بوی خیانت نموده بطرف رومی‌ها رفت پادشاه او را درقصر فراموشی حبس نمود و برادر خود «بهرام شاپور» را بتخت ارمنستان نشاند .

یزدگرد اول

پسر بهرام چهارم در ۳۹۹ بر تخت نشست دوره سلطنتش بآرامی و سکونت گذشت یزدگرد را در ٤۲۰ بقتل رسانیدند .

بهرام پنجم

پس از یزدگرد پسرش شاپور که حکمرانی ارمنستان را داشت برجای پدر نشست ولی بزرگان ایران او را کشتند و خسرو که قرابت دوری با یزدگرد داشت برای سلطنت انتخاب کردند طولی نکشید که بین بهرام پنجم و خسرو بمسالمت گذشته بهرام بسلطنت رسید درزمان او زد وخوردهائی بین ایران وروم روی‌داد بهرام پادشاه هیاطله را کشت و تاج او را زینت آتشکده گشتاسب درآذربایجان کرد. بهرام بصید گورخیلی مایل بود روزی در شکار در باطلاقی بین شیراز و اصفهان اسبش درچشمهٔ فرو رفت و ناپدید شد . بهرام از پادشاهان شجاع وعادل وجهاندار سلسلهٔ ساسانیان است .

یزدگرد دوم

یزدگرددوم پسر بهرام در ٤٤٠ میلادی بر تخت سلطنت نشست قصد جنگ باروم را نمود ولی امپراطور روم مایل نبود که آتش جنگ مشتعل گردد. وی بواسطه هجوم هیاطله بایران حاضر برای صلح شد . یزدگرد تصمیم گرفت که اهالی ارمنستان را بآئین زردشت درآورد تابتواند اعتماد بآنان داشته باشد ولی روحانیان قبول نکردند با آنان جنگ خونینی نموده و چندتن از روحانیان راحبس نموده سپس آئین زردشت براهالی تحمیل شده آتشکده زیادی برپا کردند . یزدگرد بازدوخورد باهیاطله شکست خورده طولی نکشید که در ٤٥٧ درگذشت ،

هرمز سوم

یزدگرد هرمز پسر کوچکتررا ازفیروز بیشتر میخواست اورا درنزد خود نگهداشته حکمران سیستان نمود پس از مرگ وی هرمز بسلطنت رسید .

فیروز با هیاطله وکسانیکه از ظلم هرمز بتنگ آمده همدست شده اورا دستگیروخود بسلطنت رسید. .

فیروز

در ایام سلطنت فیروز قحطی سختی روی داد که چند سال ادامه داشت . فیروزدستورداد که مالیات نگیرند واغنیا بهفقراء دستگیری و مساعدت نمایند . سپس خزاین خودرا گشوده بمساکین تقسیم نمود .

فیروز درجنگ هیاطله شکست خوردباین ترتیب کههیاطله ناجوانمردانه درخندق پراز آبی که خوشنوازدستور حفر آنرا دادهبود رویحفره راپوشانیده واکثر از لشکریان ایرانغرق شدند (٤٨٣م)

بلاش

بلاش پسرفیروز(سوخرا) که مهارتزیادی درتیراندازیداشت مأمورجنگ

باهیاطله کرد آنان راشکست داده اسرای ایرانی را تسلیم‌نمودند. بلاش‌در(٤٨٧) در گذشت .

قباد

درابتدای سلطنت (خزرها) از راه قفقاز دست به‌قتل و غارت گذاشته قباد آنانرا شکست داد. پس از این فتح و پیروزی **مزدك** که آئین اشتراکی آورده بود اوضاع را برهم زد . ابتدا قباد ازمزدکیان حمایت نمود برای اینکه از نفوذ اعیان واشراف‌مملکت‌بکاهد.ولی‌درآخرسلطنت‌خویش‌مزدکیان‌راقلع وقمع‌نمود.

خسروانوشیروان

بزرگترین‌پادشاهان ساسانی خسر اول میباشد که نام وی درادبیات فارسی و عربی پایدار مانده . حضرت رسول اکرم(ص) در زمان او متولد شدند چنانچه فرموده‌اند .

من درزمان پادشاه‌عادلی‌بدنیا آمدم . این سلطان درجهانداری‌وجهانگیری معروف آفاق میباشد خسرو با سرداران نامی خود بین النهرین ـ انطاکیه ـ دمشق و بیت‌المقدس ومصرراتسخیر نمود .

هرمز چهارم

پس از فوت خسرو انوشیروان پسر هرمز چهارم برتخت نشست بواسطه بدرفتاری بیکی ازسرداران (بهرام چوبینه) هرمز دریکی از زدخوردها شکست خورده اورا بزندان انداخته وپس‌از چند روز بقتل‌رسید .

خسرودوم خسروپرویز

ازپادشاهان بزرگ‌ساسانی که‌جنگهای زیادی بارومی‌ها کرد واکثرفاتح و دشمن رامغلوب‌ومنکوب مینمود خسرو آخرین پادشاه عالیقدر ساسانی است .

شیرویه

پس از قتل خسرو بدست پسر خود شیرویه‌وی‌برتخت سلطنت‌قرار گرفته بدون هیچگونه علتی کلیه برادران خود را بقتل رسانید از این اقدام بیجا نسل ساسانی را منقرض و پس از شش ماه سلطنت بمرض دماغی در ۶۲۹ درگذشت .

آخرین پادشاهان ساسانی

پس از شیرویه پسر صغیرش اردشیر سوم بر تخت نشست از طرف مجلس اعیان‌نایب‌السلطنه فاضلی‌راانتخاب کردند تابحدبلوغ‌رسید مدت سلطنت‌اش‌طولانی نبوده اورا خلع نمودند .

پوراندخت

دختر خسرو پرویز پوراندخت برتخت سلطنت قرار گرفته پس ازیکسال وپنج ماه از سلطنت کناره گرفت .

آذرمیدخت

خواهر پوران دخت را برتخت سلطنت نشاندند ومدتها سلطان ایران بود .

یزدگرد سوم

آخرین پادشاهان ساسانی یزدگرد سوم نوه خسرو پرویز است در ۶۳۲ بسلطنت رسیده در ایام وی سلسلهٔ ساسانی منقرض گشت .



سلسلهٔ آل بویه «دیلمیان»

بویه از اهل دیلم بوده مورخین نسبت او را به بهرام گور پادشاه ساسانی بر سانند. بویه سه‌پسر داشته علی، حسن، احمد. ملقب به عمادالدوله، رکن‌الدوله ومعزالدوله.

علی (عمادالدوله) ارجان‌رابدون جنگ تصاحب‌نموده‌وازآنجا بنوبندگان، استخر وبیضا شتافت. درسنه ۳۲۲ بین عمادالدوله و یاقوت جنگی رخ داد یاقوت مغلوب ومنکوب گردید دراین جنگ حسن (رکن‌الدوله) بااینکه بیش از ۱۹ سال نداشت شجاعت فوق‌العادهٔ ازخود نشان داد. پس ازاین محاربه شیرازبدست عمادالدوله افتاد وروزبروزبرقدرت آنان افزوده شد. عمادالدوله پایتخت‌خودرا شیراز قرارداد.

درسال ۳۲٤ احمد(معزالدوله) کرمان را فتح و درسال بعد عمادالدوله برادر خودمعزالدوله رابعراق عرب‌فرستاد ابتدا اهوازراجزءِ متصرفات خودنموده سپس در ۳۳٤ هجری وارد بغداد شد مستکفی خلیفه عباسی کمال احترام را مبذول داشته آنان را ملقب بالقاب ذکـر شده نمود. ولی مستکفی از نفوذ معزالدوله اندیشناك بود بالاخره امیردیلمی‌ابوالقاسم‌پسرمقتدر را بنام «مطیع الدوله» خلیفه نمود. پس ازسه قرن خلافت بنی‌عباس دست نشانده ایرانیان وبغداد بدست‌شیعیان افتاد ومراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) دردارالخلافه مرسوم شد. درسال ۳۳٦ معزالدوله بصره راگرفت ورکن‌الدوله بامساعدت حسن فیروزان طبرستان وگرگان را از دست وشمگیر خارج ساخت.

معزالدوله درسال ۳۳۷ موصل راگرفت. سرموفقیت سلسلهٔ آل بویه اتفاق و اتحاد سه برادر با یکدیگر بود در ۳۳۸ عمادالدوله دارفانی را وداع گفت دوبرادر با مساعدت همدیگر کشور وسیع خودرا حفظ نموده دفع سپاه‌سامانیان را نمودند.

امیر عضدالدوله

چون عمادالدوله فرزند ذکور نداشت برادر زاده خود را «فناخسرو» که ملقب به عضدالدوله گشت ولیعهد خویش نمود .

امیرعضدالدوله ازمعروفترین امرای آل بویه میباشد دردوران سلطنت خود در آبادی وعمران شهرها همت گماشت . اقتدار عضدالدوله ازسواحل دریای عمان تا شام و حدود مصر بود برای اولین دفعه در بغداد خطبه بنام او خواندند .

عضدالدوله در آبادی بغداد کوشش فراوان نمود مساجد و بازارها رادرست نموده اراضی واملاك خراب شده راترمیم کرد. برای فقرای مکه ومدینه وعتبات نفقه معین نمود و کلیهٔ دانشمندان علوم مختلفه را تشویق کرد .

امیرعضدالدوله فاضل وعاقل و طرفدار فضلاء و علما بود .

فوت این امیر بزرگ شیعه مذهب ضایعه بزرگی برای مجمع دانایان شد .

اتابکان فارس

سلغریان

نسبت اتابکان فارس به سلغر نامی میرسد که باتفاق کسان خود در شهر شیرازمدت سیزده سال با نهایت عدل وداد حکمرانی کرده در سال ٥٥٧ بدرود حیات گفت . زنگی بن مودود برادر سلغر بجای وی نشست پس از درگذشت او پسرش ملك بن زنگی صاحب تخت و تاج شد و یکی از فضلای عالیقدر آن عصر خواجه امین‌الدین کازرونی را وزیر خویش نمود .

پس ازاو طغرل بن سلغر و بعد سعد بن زنگی که از اتابکان مشهور فارس است زمام امور را دردست گرفت . زمان تولد و اوائل زندگانی بزرگترین نابغه ادبیات جهان افصح المتکلمین ابو عبدالله مشرف بن مصلح الدین سعدی شیراز در زمان سعد بن زنگی بوده چنانچه سعدی‌برای اتابك ابوبکر بن سعد میگوید :

هم از بخت فرخنده فرجام تست
که تاریخ سعدی در ایام تست

سلسلهٔ زندیه

پس از سقوط سلطان بزرگ نادرشاه افشار و اعقاب وی در حالیکه وحدت سیاسی کشور از هم گسیخته شده بود کریمخان زند سرسلسلهٔ زندیه زمام امور را در صفحات جنوب ایران در دست گرفت با اینکه حکمرانی عادل و نیکوخصلت بود وخدمات گرانبهائی بایران نمود هیچگاه عنوان پادشاهی برخود ننهاد وخویش را وکیل الرعایا میخواند .

بیشتر از بلاد ایران که در قلمرو حکومت کریمخان بود آباد و معمور گردید بویژه شیراز که آنجا را پایتخت خویش قرار داد. اکثر از بناهای زیبا و مستحکم شیراز از آثار اوست . بقدری نسبت بمردم بعدل و داد ورأفت ومهربانی رفتار مینمود که مهر ومحبتش در قلوب مردم جای گزین بود .

وی نسبت بدشمن خود هم با مروت وجوانمردانه رفتارمیکرد .

یکی از خصمان سرسخت کریمخان آقا محمد خان قاجار که در شیراز بسر میبرد ومترصد مرگ کریمخان بود .همینکه وکیل الرعایا درگذشت از شیراز بمازندران رفته با عده از قبیلهٔ قاجاریه همدست شده دعوی سلطنت نمود .

جانشینان کریمخان زند

پس از درگذشت کریمخان اقارب و نزدیکان او بنفاق و جدال پرداختند ابتدا زکیخان نابرادری او زمام امور را در دست گرفت بعد سلطنت را بنام ابوالفتح خان که هنوز بسن رشد نرسیده بود نمود .

ابوالفتح خان

ابوالفتح خان پسر کریمخان زند درسال ۱۱۹۳ درشیراز بحکمرانی رسید و پس از وی جعفر خان و بعد مراد خان که بیش از چند ماهی بیشتر حکومت نکرد .

لطفعلیخان زند و انقراض سلسلهٔ زندیه

یکی از جوانان ناکام که در جلادت و رشادت وتهور وشجاعت مانند ندارد

لطفعلی خان پسر جعفرخان است .

با وجود رشادت و دلاوریهائیکه باعث تعجب و حیرت بود دنیای دنی و روزگار غدار سر سازگاری بوی نداشت .

حاج ابراهیم کلانتر که نفوذ زیادی درشیراز داشت با آقامحمدخان قاجار که از دشمنان زندیه بود همدست شده با سی هزار مرد جنگی با لطفعلیخان جنگید این سلطان شجاع ازفزونی لشکر خصم خوفناك نبوده با عده بسیار قلیلی که بیشتر از ششصد نفر نبودند لشکردشمن را از پای درآورد و تا وسط اردوی عدو رسید یکی از امراء میرزا فتح الله نام خیانت نموده بدورغ اظهار داشت آقا محمد خان فرار کرده با ناجوانمردی وی را بدام افکند از طرف دیگر نجفقلیخان‌نام که محل‌اعتماد لطفعلیخان بود بولینعمت خود خیانت کرده دروازهٔ ارك را برروی خصم بگشود .

لطفعلیخان مانند شیرغضبناك ازهرسوی‌حمله می‌آورد . تمام یارانش کشته شدند بالاخره در نرماشیر درحالیکه تاآخرین دقیقه‌ازخوددفاع میکرد دستگیر وگرفتار گشت و اورا بقتل رسانیدند. سلسله زندیه پس از بین رفتن یکی از رشیدترین جوانهای ایران در ۱۲۰۹ منقرض شد .

فارس درعصر باعظمت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر

قبل از سلطنت اعلیحضرت فقید فارس هم مانند سایر نقاط ایران گرفتار هرج ومرج وتعدی اشرارمسلح بود ازیکطرف بویراحمدی وممسنی‌سلب آسایش مردم را کرده و از طرف دیگر راهزنان و دزدان طوایف زرگری و چهارراهی. راههای شیراز ، آباده و کازرون را مسدود کرده حمل ونقل مال‌التجاره بسته شده بود تا سال ۱۳۰۸ قبایل و طوایف جنوب آتش عظیمی را افروخته بودند . **ولی باطلوع ستاره درخشان پهلوی درمقابل قشون منظم ایران‌تاب‌ایستادگی ومقاومت نیاورده درمهرماه همان سال دست‌آنان ازیاغی‌گری وشرارت‌کوتاه گردید . وفارس روزبروز مدارج ترقی وتعالی را طی نمود .**

شیراز درسایهٔ توجه اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه بزرگ ایران

امروز درسایه توجه شاهنشاه ارجمند ما شیراز یکی از شهر های نمونه ایران نوین است. اگر تمام مورخین جهان بخواهند تاریخ ترقیات روز افزون و محیر العقول کشور شاهنشاهی عصر حاضر را که مولود جدیت و فداکاری یگانه نبوغ سترك ایران شاهنساه محبوب است بنویسند از عهده ادای مطلب بر نخواهند آمد . باید گفت اعلیحضرتا :

کتاب فضل تورا آب دهر کافی نیست
که تر کنند سرانگشت وصفحه بشمارند

امروز شیراز دانشکده پزشکی ، دانشکده علوم و ادبیات و دانشسراها و هزاران هزار مؤسسه های عام‌المنفعه ، بیمارستانهای متعدد ، خیابانهای آسفالته ، عمارات وبناهای رفیع بطرز جدید دارد نه فقط شیراز بلکه تمام شهرهای بزرگ ایران‌مانند خراسان‌و آذربایجان.

دراولین‌سفری که نگارنده برای‌تحصیل‌رشته‌ادبیات‌زبان‌فرانسه‌بپاریس‌رفتم برادرم مرا در یکی از کولج‌های شبانه روزی دخترانه دانشگاه سوربن گذارد . دوشیزگان کشور های‌مختلف جهان که در آنجا بودند مکرر در مکرر سؤال مینمودند ایران کجای دنیاست متأسفانه از روی نقشه هم که نشان میدادم نمی‌توانستند بدانند ایران کجاست .

امروز شاهنشاه قویشوکت قدرقدرت ما ایران را با تشریف فرمائی خود بکشورهای غرب آنطور که‌شایسته عظمت دیرین ماست معرفی‌فرموده و مارا درردیف کشورهای بزرگ جهان محسوب داشته‌اند .

برای زیب و زینت این تاریخ چند سطری از خاطرات افتخار آمیز **کتاب (ماموریت برای وطنم) بقلم‌دانشمند توانا و دانش پرور دانا شاهنشاه محبوب که راجع بشیراز فرموده اندنقل‌مینماید .**

پدرم که مؤسس سلسله کنونی پهلوی است (و این نام سلسله پارتها و اسم قدیم زبان فارسی است) بخوبی متوجه این ضرورت گردید و در حیات اقتصادی و اجتماعی ایران تحول اساسی بوجود آورد . پس از آنکه در ۱۳۲۰ خورشیدی جانشین پدرم شدم من نیز همان رویه را با تغییرات مهمی که بعداً بدان اشاره خواهم کرد پیروی نمودم .

امروز وطن من مظهر اختلاط تمدن شرق و غرب است . روزیکه در ۳۳۰ قبل از میلاد اسکندر تخت جمشید پایتخت مجلل ما را آتش زد و سپاهیانش ایران را تسخیرمیکردند اززمان تاسیس اولین سلسله شاهنشاهی قرنها میگذشت. اشخاصیکه خرابه های تخت جمشید را مشاهده نموده اند بعظمت و شکوه تخت جمشید که از روم قدیمی‌تر است اشاره کرده اند ولی امروز در کنار همین خرابه‌ها نشانه های زنده‌ای ازپیشرفتهای ایران کنونی بچشم میخورد .

در شیراز شهر زیبای جنوب مرکزی ایران که در حوالی تخت جمشید واقع شده میتوان در کنار گلزارهای پراز ازهار و بهار نارنج نشست و از اشعار جاویدان حافظ که ششصد سال پیش میزیسته و هنوز شادابی و طراوت خود را از دست نداده مشام جان را معطر ساخت و در زیر آسمان نیلگون آن از آواز دلنشین بلبل که همیشه مورد علاقه و اشاره شعرای ما بوده است طربناکی یافت. اما بموازات این مظاهر طبیعت که غذای روح محسوب میشود در شیراز یکی از بهترین بیمارستان های خاور میانه را بنا نموده وتشکیلات آب تصفیه شده در آنجا تأسیس کرده‌ایم (باید بگویم که در انجام این اقدامات مدیون یکنفر خیرخواه ایرانی هستیم که ثروت خویش را در نیویورك بدست‌آورده ودر کشور خویش صرف این خدمات اجتماعی کرده است) همچنین برای شیراز درنظراست دانشگاهی جدید بنا کنیم که معماری‌آن مطابق ذوق معماری باستانی ما باشد و روش تعلیمی آن از دانشگاه های آمریکا اقتباس گردد .

نگارنده‌فصل‌اول‌این کتاب‌را باشعری که در۱۳۳۴موقعیکه ازطرف‌وزاوت فرهنگ برای تحصیل دردانشگاه لندن رفته و درآنجا سروده‌ام اختتام مینماید.

ای وطن

هست وطن جان من دلبر جانان من   شمع گلستان من یوسف کنعان من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد
عشق تو در پیکرم فکر تو اندر سرم   خاك تو مشاك ترم سرمه چشمان من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد
شاه بلند اخترم رهبر دانشورم   پادشه کشورم حافظ ایران من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد
در همه گفتار من این بود افکار من   ای وطن ای یارمن فدای تو جان‌من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد
تا که بود مهروماه هست‌خدایم گواه   حب وطن مهر شاه باشد ایمان من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد
گرچه زشهرودیاردورم ای‌شهریار   خواهم از کردگار عزتوسلطان من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد
بلبل‌شیرین‌دهن«ناهید» گفت‌این‌سخن   سرشته‌حب‌وطن‌دررگ‌وشریان‌من
خاك تو آباد باد
شاه وطن شاد باد

جاوید شاه ـ پاینده ایران

فصل دوم

نویسندگان معاصر «پارس»

شرح حال

جناب آقای محمد حسین استخرمدیر روزنامه استخر



جناب آقای محمدحسین استخر

از نویسندگان فاضل و مورخین دانشمند واستادسخن. درراه‌مشروطیت‌وآزادی‌خدمات گرانبهائی را انجام داده از مفاخر ایران بشمارمیروند .

بموجب مدارك موجوده کتب و رسالات چاپی‌وخطی‌جناب آقای‌استخر‌ازخانواده‌علمای علوم دینی بوده‌بمصداق (همه‌قبیله من‌عالمان دین بودند) ولی معلم عشق وطن بوی آزادی ومیهن پرستی آموخت .

چندسال‌قبل‌ستاره‌ٔدرخشانی‌ازبوانات‌شیرازطلوع‌نموده در دامان مادر فاضلهٔ تحصیلات مقدماتی راآموخت .

درزمانیکه خواندن و نوشتن برای زنان کفروزندقه بود خاندان مشارالیه که اصلا ازاهل‌یزدبودند وبه‌بلوك بوانات شیرازمهاجرت نموده سکونت گزیدند. بطورتوارث چندین‌پشت‌تحصیل کرده ودرس خوانده بودند . جناب آقای‌استخردر شانزده سالگی برای کسب دانش بشیراز رفته علوم دینی بویژه عربی را بحد

کمال درمدرسه طلاب قدیمه بپایان رسانیده درموقعیکه بحد رشد وبلوغ رسید، صدای مشروطیت وی را از صحن مدرسه و حوزه طلاب علوم بصحنه اجتماع و دمکراسی وروزنامه نگاری سوق داد.

دردورهٔ خدمت فرهنگی وقضائی ومجدداً فرهنگی ونویسندگی وروزنامه نگاری که برای این کار ذوقی سرشارداشته جدی و ساعی و عمری را با کتاب و مطالعه وکاغذوقلم بسربرده. همیشه دراموفرهنگی واجتماعی ونگارش ورزیده ودرصدد جمع آوری مال ومکنت نبوده.

هر که را دانش استخواسته نیست   هر که را خواسته است دانش کم

در۱۲۹۷شمسی امتیاز روزنامه سیاسی وادبی واجتماعی (استخر) راگرفته مشعلدارعلم و دانش وهادی و راهنمای هم میهنان خویش بودند.

بپاس خدمات و فداکاریهای ممتد مشارالیه اهالی قدرشناس پارس وی را بسمت نمایندگی دردوره هیجدهم مجلس شورایملی انتخاب نموده در این حسن انتخاب یکی از منویات ایشان که ترقی وپیشرفت فارس درتمام شئون اجتماعی بود صورت عمل بخودگرفته خدمات قابل تقدیری برای شیراز انجام دادند. متجاوز از چهل سال است که روزنامه وزین استخر درشیراز منتشرمیشود.

این پشتکاروتحمل رنج وملالتوزیان وخسارت درراه نشرافکار آزادیخواهی ومبارزه با بدخواهان وخائنین کاری است بس دشواروطاقت فرسا فقط نوابغی مانند ایشان که توجه خداوند و پیشوایان دین متوجه آنان استمیتوانند شاهد مقصود را دربرگیرند.

آثارقلمی جناب آقای محمد حسین استخر

مشتاق کتاب ودلباختگان تحقیق ومطالعه

کسانیکه با ترجمه و تألیف سرو کاردارند میدانند که تألیف یا ترجمه یك جلد کتاب که قابل خواندن و مطالعه باشد چه میزان زحمت و پشت کار و بیخوابی واستقامت لازم دارد آنهم دردورهٔ که نه چاپ بوده نه چاپخانه نه وسائل

اشاعه و انتشار با این حال پیداست که چه عشق و علاقه ، چه تحمل ، چه صبر و حوصلهٔ لازم است که آدم پس از هزارسال ، پس ازهشتصد وهفتصد سال ازمردان نامی علم و کمال ومعرفت شناخته شود صدها مجلد کتاب درعلوم متنوعه متداوله ازاوبیادگارمانده باشد ومهندس زبردست وهنرپروریکی‌ازپایه‌های تمدن‌اسلامی بشماربرود .

چند تن از این مردان نامی که از رجال برجستهٔ قرن سوم هجری‌هستند، معروف بعشاق ودلباختگان کتابند دررأس آنها ابو عثمان عمربن بحربن محبوب بصری ملقب به(جاحظ) است ، هیچ کتابی بدست اونمی‌آمد جز اینکه از اول تاآخرآنرا بدقت مطالعه میکرد از هرنوع و هرفن که بود ، دکان اشخاصی راکه شغلشان استنساخ وصحافی وتنظیم کتب بود و بآنها وراقین میگفتند کرایه میکرد وشبها درآن بیتوته مینمود که هر کتابی را بخواهد دردسترس اوباشد .

مورخین و علماء ورجال درشرح حال جاحظ نوشته اند که ـ عشق و علاقه جاحظ بکتاب بجائی رسید که عاقبت جان خود را درراه عشق بکتاب داد بـاین کیفیت که عادت او این بود که کتب را دسته میکرد و مثل دیواردر چهار سمت اطاق خودروی هم‌می‌چید ودرمیان‌آن چهاردیوارمی‌نشست ومشغول مطالعه‌میشد.

یکشب کتابی را از زیردیوار کتاب بیرون کشید ، دیوار کتاب برروی او فرو ریخت وچون‌آدمی علیل وناتوان بود نتوانست خود رااز زیرآن بارسنگین نجات بدهد وزیردیوار کتاب جان سپرد وسردرره معشوق گذاشت .

دیگرازرجال عشاق کتاب فتح بن خاقان است از بزرگان نامی‌دارالخلافه که معاصربا خلیفه متوکل عباسی بود ، درآستین فراخ جبه خود چندجلد کتاب پنهان میکرد که در محضرمتوکل هرگاه فرصتی میبافت یا برای حاجتی بیرون میرفت کتاب را ازآستین بیرون میاورد ومشغول مطالعه میشد .

اسمعیل‌بن‌اسحق قاضی‌درشرح‌حالش نوشته‌اند هیچوقت اوراملاقات‌نکردند مگراینکه کتابی را مطالعه میکرد یا ترجمه میکرد یا استنساخ مینمود .

سجستانی محدث لباده ای دربرداشت که یك آستین آن فراخ و دیگری

تنگ بود سبب را از او پرسیدند گفت آستین فراخ برای کتاب و به آستین دیگر حاجتی ندارم .

علی بن یحیی منجم از رجال دربار خلفا دریکی از قراء خود خزانه کتابی تأسیس نموده بود که آنرا خزانة الحکمه میگفت ، طلاب علم از هرجا و هرناحیه به آن مخزن می آمدند مدتها در آنجا میماندند از انواع علوم و فنون استفاده میکردند مخارج آنها درطول مدت بعهده مؤسس کتابخانه بود .

ابومعشر منجم از خراسان بقصد حج براه افتاد اندکی از علم نجوم آگاه بود چون گذارش بکتابخانه علی بن یحیی اقتاد از سفر حج منصرف شد وارد خزانة الحکمه گردید از جمع آوری آنهمه کتاب درفنون مختلفه حیرت نمود حج را فراموش کرد غرق ددمطالعه شد علم نجوم را بحد کمال رسانید دین وحج واسلام را برسرعشق کتاب نهاد .

حسن بن معز الدوله دیلمی بربرادر خود امیر بغداد یاغی شد پس از مغلوب شدن اموالش را مصادره کردند از آن جمله ١٥هزارجلد کتاب بود که بکتابخانه امیر بغداد انتقال دادند .

درسال ٣٥٥ دسته ای از مهاجمین ریختند خانه وزیر ابوالفضل بن عمید را درری غارت کردند شب که بخانه برگشت فرش نداشت که بر آن بنشیند یا کوزهٔ که از آن آب بنوشد ، ابن مسکویه مورخ معروف دراین موقع خازن کتب ابن عمید بود ، ابن مسکویه شرح هجوم بر خانه وزیر و غارت کردن هستی او را حکایت میکند میگوید : ابن عمید که شب بخانه اش آمد چون هیچ چیز دربساط نداشت ، ابو حمزه علوی از خانه‌خود فرش ومایحتاج برای او فرستاد ، دل وزیر دربین همه اموال وهستی او که غارت شده بود فقط متوجه دفاتر و کتابخانه خود بود چون درنزد او مالی عزیزتر و نفیس‌تر از کتاب نبود .

در دارالکتب ابن عمید از هرنوع کتاب درهرفن وهررشته موجود بود که برصد بارحمل میشد ، تا مرا دید ازحال دارالکتب پرسید که بچه حال است گفتم بسلامت ، جائی است که دستبرد به آن نتوانستند ، فوق‌العاده ازاین خبرخوشحال

شد ، گفت : حقا که تو پیك خوش خبری هستی ، سایرخزائن همه عوض دارد اما این خزینه عوض نداشت .

سلطان نوح بن منصور سامانی صاحب ابن عباد را برای تقبل امر وزارت بدربار خود احضار نمود صاحب از جمله عذرهائیکه برای قبول خواهش سلطان آورد این بود که حمل اموال او برای او مقدور نیست ، چون تنها چهارصد شتر باید کتابخانه او را حمل نماید ، مینویسند فهرست کتابخانه صاحب در ده جلد تدوین شده بود .

سلطان محمود غزنوی که لشکر به ری کشید وبراموال صاحب دست یافت ، این پادشاه‌خشك متعصب درمذهب امردادهر کتابی درعلم کلام‌در کتابخانه صاحب بود بیرون‌آوردند همه را درآتش ریختند و سوزاندند . !!

خلاصه ما اگربخواهیم تنها در همین موضوع کتاب و کتاب خانه و نهضت علمی عالم‌اسلامی‌وبهره بزرك وآبرومندیکه ایرانیهاومخصوصاً فارسیهاوشیرازیها دراین جنبش فکری وآثارقلمی داشتند ، رشته کلام راادامه بدهیم مطلب بدرازا میکشد واز حوصله یك مقاله و چند مقاله بیرون است و تمهید این مقدمه برای چنین‌منظوری نیست . همین‌قدرخواستیم با یادآوری چندنمونه ازآثار گذشتگان با افتخاری که چنان نهضت عظیم ودامنه داری را راه انداختند واساس و پایه‌آن کتاب و کتاب خانه و همت و پشت کارفضلا و دانشمندان و فتوت و کرم و نوازش بزرگان بوده ، با اوضاع امروزی و این انحطاط علمی واخلاقی مقایسه کنیم .



سرکار بانو سکینه عفت آغازی شیرازی

مدیره فاضله معارف پرور دبستان عفتیه در شیراز

اولین بانوئی که با فداکاری و همت شایان تقدیری در سال ۱۳۳۹ هجری با مواجه باشکالات فراوان دبستان دخترانهٔ تأسیس نمود خانم عفت آغازی مادر ارجمند شاعرمعروف معاصر آقای دکتر مهدی حمیدی است . این بانوی دانشمند دبستـان « عفتیه » را در منـزل شخصی افتتـاح نموده هر گـونه خسارت و زیان مادی و معنوی را برای خدمت بوطن عزیز متحمل شده تا در سال ۱۳۰۳ شمسی دبستان دولتی گردید ، این اولین دبستان دولتی دختران درشیراز بوده و اکنون هم دایر است .

برای تشویق وتأسی دیگران سزاوار و بجاست خدمت مشارالیها که نمونه ایست از شهامت ـ پشت کار ـ استقامت و فداکاری درراه میهن سرمشق باشد .



بانوی دانشمند

شمس افشار رئیس‌دبیرستان شهدخت از بانوان‌فاضله

وهنرمند ، استاد درنقاشی و گلدوزی،دبیردبیرستانهای شیراز .

اهم مسائلی که موردتوجه واهمیت‌است فرهنگ میباشد .

فرهنگ است که بنیان هستی‌فردی را درست میکند و میتوان گفت آیندهٔ درخشان کشور بسته بفرهنگ است و بس . بنا بر این آموزگار و دبیر که مروج علم ودانش وهنر وتعلیم وتربیت هستندمقام بسیارارجمندی دراجتماع دارند .

جای بس خوشبختی است که بانوان دانشمندی مانند شمس افشار در تمام نقاط ایران هستند که باجان ودل برای عظمت وترقی وطن خود ادای وظیفه مینمایند .



شرح حال

نویسنده فاضل ارجمند جناب آقای حسن امداد دبیر دبیرستانهای شیراز



نویسنده ومولف دانشمند جناب آقای حسن امداد

جناب آقای امدادازلیسانسیه‌های دانشمند فرزندآقای علی‌اکبر امداد متولد ۱۳۰۲ در شیراز. فارغ التحصیل ازدانشسرای مقدماتی شیرازدر۱۳۲۰ وازدانشسرایعالی (دانشکده ادبیات تهران) در ۱۳۲۹ رشته اختصاصی (تاریخ وجغرافیا).

مشار الیه از جوانان با ذوق وبرجسته دارای قلمی شیرین وطبعی سرشارند. تالیفات متعددی دارندبشرح زیر :

شیراز درگذشته وحال ـ جغرافیای مفصل‌جلگه شیراز ـ سه شاهزاده تیره‌بخت ـ انتقام‌تاریخ ـ فریدون ـ املاء زبان فارسی ـ تاریخ گیتی‌برای دبیرستانهاپنج‌جلد (بهمکاری‌چهارتن‌از دبیران‌شیراز)جغرافیای گیتی برای دبیرستانها پنج جلد (بهمکاری چهارتن از دبیران شیراز) تعلیمات اجتماعی برای‌دبستانها یك جلد ـ قرائت فارسی‌برای دبیرستانها شش جلد ـ قلب شکسته ـ وزیران نامی ایران ـ گلهای همیشه بهار .

گاهگاهی اشعاری میسرایند نمونهٔ از آن :

چشمه آرزوها

مرا دل چشمه‌ای از آرزوهاست | که هر دم آرزوئی تازه زاید
چو مرغی تازه پر بر شاخ امید | نشیند شاد وبال و پر گشاید
ز امید و ز عشق و آرزو ها | هزاران نغمه شیرین سراید



مرا از روزگارخویش‌غم نیست | اگر چه سخت باشد روزگارم
ننالم هیچ من از گشت ایام | همه ایام با نیکی سپارم
از آنجائیکه خوشبینم بهرچیز | جهان را سر بسر زیبا شمارم



هرآنگاهی که‌سختی پیش‌آید | بروی سختی و دنیا بخندم
نیندازم گره برابروی خویش | در شادی بروی خود نبندم
بهمت کار ها هموار سازم | سخنهای بزرگان کاربندم



جهان با آنهمه زیبائی خویش | نیرزد ذره‌ای‌چون‌جاودان‌نیست
غم وشادی بزودی بر سر آید | کسی‌آسوده‌از گشت‌زمان‌نیست
مخور غم پاك‌باش ونیکوئی کن | که راهی به‌ز راه‌نیکوئی نیست

دهقان

خوشا مرد دهقان با عزم و کار | که دارد بگیتی بسی دوستدار
بکوشد بکاری که ازاو نکوست | همه چشم مردم سوی کار اوست
بعزم وبتدبیر و بافر وهنگ | برآرد همه آرزو ها بچنگ
خدا یار دهقان پر کار باد | که‌ازرنج و کوشش سزاوارباد
تو ای پور دهقان بافر و هوش | زجا خیزو کن پند من‌رابگوش
سزدگر تو کوشی‌ازاین‌پس‌بکار | که‌یاری دهد با تو پروردگار
درختی نشان تا برش دیگران | خورند و تو باشی بدل شادمان

شرح حال

جناب آقای سناتور حبیب‌الله «آموزگار» اصطهباناتی (۱)

ازنویسندگان دانشمند ومؤلفین توانا ولغت‌شناسان دانا وازخدمتگذاران واقعی میهن عزیز هستند.



جناب آقای حبیب‌الله آموزگار

بسال ۱۳۱۱ در اصطهبانات متولد شده در اوان کودکی پدر را ازدست داده برای کسب علوم‌فقه‌واصول‌ومنطق‌وفلسفه بشیرازرفته‌پس ازفراغت‌ازتحصیل بریاست فرهنگ شیرازو مستشاری دیوان عالی کشور ودر۱۳۳۰ وزیر فرهنگ وچنددوره بسمت سناتور مجلس‌سنا منسوب گردیده.

سناتورآموزگار ازرجال متواضع ونیکو کار وخوش رفتار وعالیقدر شیرازاست

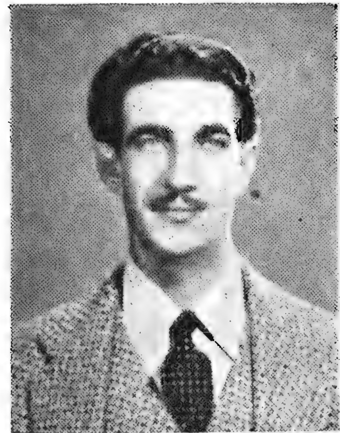
تألیفات جناب آقای آموزگار تاریخ اسلام ـ آموزش وپرورش ـ جهان روح وآفرینش ـ راهنمای تربیت ـ ابومسلم خراسانی (ترجمه از عربی) ـ اصلاحات اجتماعی ـ زن درجامعه ـ رهنمای‌تربیت ـ صرف عربی ـ عالم ارواح ـ فرهنگ فارسی آموزگار ـ فلسفه روحی ـ لغت عربی بفارسی آموزگار ـ مالکه اسلام (ترجمه ازعربی) نحوعربی و منطق آموزگار.

---

۱ ـ اصطهبانات نام‌یکی ازبخشهای فسای شیرازاست که شرح آن گذشت

شرح حال

نویسنده ارجمند جناب آقای اسدالله بوستانی صاحب امتیاز و مدیر دانشمند روزنامه اجتماع ملی شیراز



جناب آقای اسدالله بوستانی
نویسنده روزنامه اجتماع ملی

دراسفند سال ۱۲۹۸ در مهد سعدی و حافظ میان خانواده ای اصیل ونجیب که ازمالکین بنام فارس هستند پابعرصه وجود گذاشته این اصل و نسب را میتوان در خاندان زند جستجو کرد . مشار الیه تحصیلات خویش را با نهایت علاقه باتمام رسانیده برای خدمت بفارسیان عزیز دامن همت بکمر بسته و برای نیل بدین مقصود سالها دبیری جمعیت آزادگان فارس را که از پیشرو ترین جمعیت های مبارز سیاسی بوده بعهده داشته . جناب آقای بوستانی از جوانان اصلاح طلب ومیهن دوست است کدبا کمك چندتن ازمعاریف وشخصیت‌های برجسته‌شیراز بتأسیس جمعیت اصلاح طلبان فارس پرداخته واثرات نیکوئی درراه خدمت بمردم تحصیل کرده گامهای مؤثری برای‌پیشرفت میهن‌عزیز برداشته باهمکاری بمطبوعات و مدیریت روزنامه

یومیه اراده‌فارس در مبارزات سرسخت و فراموش نشدنی بخوبی ارزش خـود را نشان داده وچراغی فرا راه همشهری های عزیز خویش گذاشته. از سال ۱۳۲۷ با دریافت امتیاز روز نامه اجتماع ملی ازحقوق مردم فارس دفاع کرده و تا امروز درصف جبهه مطبوعات متفق ایران شرافتمندانه علیه ناپاکی ها و پلیدیها مبارزه کرده است .

روزنامه اجتماع ملی باروش متین و مبارز خود توانسته است درقلوب پاك هم میهنان عزیز جایگزین گردد و در میان مطبوعات کشور محبوبیت بسزائـی کسب کند .

دانشمند بزرگ جناب آقای اسدالله بوستانـی دارای صفا و وفای خاصی است وپیوسته نسبت بمسقط‌الرأس گرامی خود نرد عشق ومحبت میبازد و مدافع سرسخت منافع شیرازیهای خوش ذوق است وهمین خصیصه برجسته موجب آن گشته که در دل دوستان جاداشته برای نظریات او ارزش و احترام فراوانی قائل هستند وی که در امور عام‌المنفعه ساعی و کـوشا است وخـدمت بمردم را وظیفه خود میداند تنها آرزویش اینستکه درسایـه شاهنشاه محبوب احداث راه آهن فارس عملی گردد وبااحیاء بندر بوشهر و فارس ایران عظمت دیرین خودرا بدست آورد .

وطن پرستان واقعی‌مانند نویسنده عالیقدرجناب آقای بوستانی که با دقت وتفحص وتصفح اوقات شبانه روزی خود را صرف خدمت به میهن عزیز نموده و مینماید درمقابل مام وطن سرافراز وارج وارزشی‌بس‌عظیم دراجتماع‌داشته‌ودارد .یکی‌ازمنویاتشان‌خیلی زودبرآورده شدچنانکه بامر اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه محبوب تأسیس دانشگاه بـزرگ شیراز سبب‌احیاء فارس خواهد شد .

آثار قلم جناب آقای بوستانی

از روزنامه اجتماع ملی

همدری وهمکاری

مردم لار محبت برادران خودرا

هرگز فراموش نخواهند ساخت

حادثه‌ای که در لار بوجود آمد وباعث خرابی و آشفتگی اوضاع زندگی گروهی ازهموطنان عزیز ماگردید، قلب عموم مردم ایران را جریحه‌دارساخت وهمه را در ماتم وسوك لاریان داغدیده وبلازده نشاند .

این آتشی که بردامان لاری‌افتاد، قلب همه را سوزاند وبرای یکبار دیگر ثابت کرد که بحقیقت وقتی عضوی از اعضاء جامعه بدرد میآید ، دیگر عضوها را قرار وآرامی نمی‌ماند و حس همدردی ونوعدوستی بجوش میآید . مردم ایران ، دراین ماجرای شوم نشان دادند که هنوز اصول مردمی و جوانمردی را از کف نداده‌اند وغمخوارویتیم‌دار یکدیگرند .

ما ازصمیم دل وجان براین نوعدوستی ووداد وصمیمیتی که نشان داده شد آفرین میگوئیم و اذعان میکنیم که این ملت زنده جاودانی ، با این احساس گرم وشدید ؛ برای همیشه پایدار خواهد ماند و پیوسته ؛ اصل اتحاد و اتفاق را رعایت خواهد کرد وبیاری و کمك یکدیگر خواهد شتافت .

بحق که مردم ایران درحادثه لار ؛ دل بدست آوردند و برجراحات مردم آنجا مرهم نهادند وزخمی را که طبیعت برپیکرآنان وارد ساخت، بالطف خویش بهبودی‌دادند وبرای تسکین‌آلام مردم زلزله زده ازهیچ چیز فروگزار ننمودند. این احساسات قابل تقدیر است ونباید فراموش گردد . وقتی دیدیم و شنیدیم که گروهی از افراد طبقه سوم داروندار خودرا درطبق اخلاص نهاده و بدون تظاهر

و ریا خواستند که دراین امر خیر شرکت جویند و برادران و خواهران لاری خود را یاوری کنند ، اطمینان یافتیم که با الطاف کریمانه مردم ایران التیام جراحات مردم لار امکان پذیر است و بزودی آب رفته بجوی بازخواهد آمد و جریان زندگی درلارستان بمجرای اصولی وواقعی خود خواهد افتاد .

در حادثه لار کمکهای ذیقیمت جمعیت شیرخورشید سرخ ایران که طبق دستور شاهنشاه محبوب و والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی انجام گرفت دررفع نگرانی‌شدید لاریهاسخت مؤثربود وبویژه باید از مدد وهمراهی صلیب سرخهای خارجی و همدردی دولت های بزرگ جهان صمیمانه تشکر کرد که در آنموقع سخت ، بخاطر مردم لار از هیچ نوع محبتی دریغ نکردند و نشان دادند که بشر درهمه حال پشتیبان و یارو مددکار یکدیگر است .

علاوه براین ، مردم جنوب ایران غیرت و مردمداری خود را ثابت کردند بخصوص اهالی جهرم که سریعاً بکمك لاریها شتافتند و از هر نوع کمکی دریغ نکردند ، برای همیشه نام خودرا دردفتر نوعدوستان ثبت کردند .

و این راز مهم را آشکار ساختند کـه بقول شاعر شیرین گفتار ، از محنت دیگران بی‌غم نیستند و در غم هموطنان خویش سهیم وشریك میباشند .

مردم لار داغدار شدند ، جوانان و زنان ومردان و کودکان خود را از کف دادند ؛ در عزای عزیزان نشستند ، ولی کمك و یاوری مردم ایران ، باندازه کافی ، آنها را از یأس و نومیدی نجات بخشید و متوجه شدند که دیگران هم در غم و مصیبت آنان ، شرکت دارند و در صدد هستند که آلام آنها را برطرف سازند .

امیدواریم که این حس وداد وهمبستگی سالیان دراز باقی ماند وایرانیان پیوسته ازمراحم یکدیگربرخوردار گردند ومردم لارستان‌هم هرچه زودتررونق نخستین را بزندگی بازدهند .

شرح حال

نویسنده دانشمند جناب آقای دکتر بهاءالدین حسام پازارگاد

فرزند مرحوم دکتر حسام الاطباء از فامیل بزرگی که اکثر عالم و فاضل و شاعر بوده‌اند تحصیلات خودرا دراروپا وامریکا در رشته دکترای فلسفه وحقوق بپایان رسانیده .

متجاوز ازدویست مجلد تالیفات وتصنیفات علمی ، ادبی ، وترجمه دارند که چهل جلد آن تاکنون بچاپ رسیده .

جناب آقای دکتر پازارگاد ازنویسندگان ومولفین وشعرای فاضل شیراز میباشند علاوه‌برخدمات بزرگ فرهنگی ومطبوعاتی شاعری‌خوش قریحه هستند. سابقاً روزنامه خورشید ایران ومجله پازارگاد رامنتشر نموده ریاست پیشاهنگی ایران راعهده داربودند .

مهم‌ترین تالیفات جناب آقای دکتر پازارگاد عبارتند از:

تاریخ فلسفه سیاسی (سه جلد) ـ تحلیل ماده وقـوه ـ علم‌درخانه وجامعه ـ پیشاهنگی ایران ـ تاریخچه وتشکیلات پیشاهنگی دختران در جهان ـ رسالـه روش‌نوین درتعلیمات دبیرستانها ـ مکتب‌های سیاسی (شرح وتوضیح وخلاصهٔ سیر تاریخی ۱۷۷ مکتب سیاسی) چاپ ۱۳۳٤ .

اثر طبع جناب آقای دکتر پازارگاد

من همان مرغك دل‌خسته بشكسته پرم
کــه دراین کنج قفس نیست زدنیاخبرم

میکنم قصه بمرغان چمن ازغم هجر
اگر افتاد دمــی جانب صحرا گذرم

نوك خار مـژه گل ، بنشسته‌است بدل
آنچنان کز اثرش تابلحه خون جگرم

گرچه هستم بچمن تازه نهالی لیـکن
بشکسته است زجور فلك دون کمرم

من‌زروزازل‌ای‌دوست زعشق‌رخ‌دوست
بـر کف دست نهادم بره عشق سرم

گل من بلبل تو عشق وطن داردوبس
جزهمین ره‌چکنم درس‌نداده‌پدرم

بهر آزادی خود چند نشینم بقفس
تابکی در قفس اندر ره حسرت نگرم

شرح حال

نویسنده دانشمند و شاعره فرزانه بانو پروین مارشال پیرغیبی
مدیر روزنامه ستاره جنوب و دبستان دولتی دوشیزگان پهلوی



بانوی دانشمند پروین
مارشال پیرغیبی

فرزند قره خان از خوانین ارسنجان که درشیراززیست مینموده .مادرازفامیل رضاقلی خان زند متولد ۱۲۸۲ . دانشسرای مقدماتی را بپایان رسانیده از السنه خارجه عربی و انگلیسی را فراگرفته به هنرهای یدی آشنا میباشد .

دبستان پهلوی از تأسیسات مشارالیهاست . این بانوی فاضله برای پیشرفت و ترقی و تعالی بانوان مجاهدت زیادی نموده علاوه برخدمت فرهنگی خدمات مطبوعاتی را هم عهده دار بوده . روزنامه (ستاره جنوب) را مدتها منتشرمینموده بایك دست خدمت باجتماع وبا دست دیگرسه پسر و سه دختر شایسته بجامعه تقدیم نموده . اینگونه بانوان با فضیلت و خدمتگذار بمیهن از مفاخر زنان ایرانند .

آثارقلم بانوی دانشمند پروین مارشال پیرغیبی

بروح شهنشه هزار آفرین

درود بروان پاك توای ستاره درخشانی که طلوعت در آسمان ایران تاریکیهای هراس انگیزی را برطرف ساخت و پرده جهل را ازروی حقایق بسیاری برداشت . درود بروح پاك و توانای توای خسروی که شالوده بسیاری از کارهای اساسی که وسیله

ترقی وتعالی ایران عزیز است بدست تو بنا نهاده‌شد وباقلبی مملو ازعشق حقیقی بمیهن دربحرانی‌ترین وتاریکترین موقع قد مردانگی برافراشتی و کشتی وطن راکه نزدیك بود در گرداب حوادث ناپدید گردد بساحل نجات رسانیدی و در آخرین لحظه حیات هم دور از ایران عزیز و ایرانیان شاهدوست باز آخرین آرزویت(سعادت‌ایران) بود. شاهنشاهادرآنروزها که ظهورت نوری گرم ازامید بآینده‌در دلهاتابانیده بود وداشتی بنیان ارتش جوانی را در کشور کهنسال ایران بنامینهادی ودستورداده بودی جوانانرابرای خدمت‌زیر پرچم مقدس‌احضارنمایند ودراین گیر ودار بازشیادان فرصت طلب میخواستند از سادگی وبیخبری‌عده‌ای استفاده کرده بتفتین و تلقین آبراگل آلود نموده و ماهی بگیرند به پیشگاهت معروض داشتم « دست و دعای خیر مردم؛ مردمیکه اولادان خلف کورش بزرگ وداریوش کبیرهستندپشت وپناه تست‌خودمن که‌زنی هستم اینك قادر متعالم‌پسری عطافرموده که در گهواره است و شیرمیخورد امیدوارم که خود بکمرش شمشیر بسته و در رکابت اوراروانه میدان نبردنمایم» سالها گذشته و قول من‌هم در پرده فراموشی افتاد ولی اینك مفتخرم که در زمان سلطنت یگانه مظهر آرزوهای خودت و ملت ایران شاهنشاه عادل محمد رضاشاه پهلوی بعهد خود وفا نموده بجای یکی سه‌پسرم‌را بخدمت‌نظام همیشگی‌اعزام‌داشته‌اموازدست توانای‌شاهنشاه جوان ونماینده او سردوشی گرفته‌اند. شاهنشاهادرآرامگاه‌ابدیت‌آسوده بخواب که خودم بکمرشان شمشیر بسته باستناد فرمایش مولای متقیان امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام تا زنده هستند « پاسدار دین ، شرف و قانون و نگهبان تاج و تخت میباشند » روحت آرام و روانت شاد باشد که ایرانیان حقیقی پیروی‌از نیاکان با افتخارشان در راه حفظ تاج و تخت کشور شاهنشاهی ایران که بستگی تام بعزت وبزرگی‌آنهادارد از بذل جان هم دریغ ندارند .

اثرطبع پروین مارشال پیرغیبی

جهان زندگی ودانش

شد چو مشیت ز ذات ایزد دانا
بر کشد این گرد گرد گنبد مینا

کرد چو ایجاد نه سپهر منقش
کرسی و عرش آفرید حی توانا

مهر فروزان بچرخ کرد مقید
ثابت و سیار ساخت کوکب زهرا

گوی صفت در فضای لایتناهی
چرخ زد و گشت سرد وتوده غبرا

بحر وبرایجادو کوهسار برافراشت
خاك سیه را بداد خلعت دیبا

نای شباهنگ داد و ناله قمری
بر زبر سر و زیر گنبد خضرا

زین همه صنع بدیع صانع عالم
بود ورا گوهری چو لؤلؤ لالا

کرد اراده که روی خویش به‌بیند
صورتی از گل بساخت با رخ زیبا

جمله ملائك زبان بعجز گشوده
ما همه تسبیح گوی رب تعالی

کرد خطابی که ای ملائکه گوئید
اسم بزرگم که می ندارد همتا

خاك سیه اسم اعظمش بزبان را
غلغله افکند در ثری و ثریا

کرد ابا امر حق و سجده آدم
رانده شد از بارگاه ایزد دانا

دست خدائی زپشت پرده برون شد
سینه او را گرفت از همه اعضا

ساختم از ماء و طین سلاله آدم
تا گذرد از ملك بعالم بالا

دانش ودانشوری است فخردو گیتی
آذری از علم گشت واله و شیدا

علم بیاموخت راه چاره فرعون
معجز موسی است از خرد یدوبیضا

در شب معراج گفت علی به محمد
راز حقیقت بدانش و خرد آرا

وحله اول سخن ز لوح وقلم گفت
پرتو دانش فکند در دل دانا

خلق نمود از فرشتگان مجرد
کروبیان را بذکر خویش درآوا

ذره نوری جدا نمود ز خورشید
کرد معلق بجو عالم بالا

شش جهتش دادو چار عنصر اصلی
ز آتش و هم خاك و باد و آب مصفا

کرد چمن را مزین از گل و لاله
نغمه بلبل سرود بر گل عمرا

کرد پریشان‌چمن ز گیسوی سنبل
لاله نعمان دمید و نرگس شهلا

خواست‌نهان سازدش بسینه گنجور
شد نظرش سوی خاك تیره غبرا

آمد ، از مصدرش ندا بملائك
سجده نمائید خاك آدم و حوا

خلق مگردان بشر که فتنه نمایند
روی زمین راکنند چون شب‌ظلما

کرد بیان سر بزیر با غم آزرم
کامد ، از حق ندا بآدم دانا

اهرمن‌ازاین‌حسد بخویش بلرزید
دشمن آدم بگشت و رهزن حوا

رانده شدازحق عدوی فکربشرشد
خواست که آید برازگاه تماشا

بانگ‌برآورد که دوررهزن دانش
جای من و علم هست کعبه دلها

توسن دانش براق فکر بشر شد
تا که رساندش ز تخت فوق ثریا

بت شکنش شد لقب ز علم الهی
علم برون کرد فکر بکر وی ازوا

از دم روح القدس که زنده نمودی
علم و خرد بود رهنمای مسیحا

مقصد او آفرینش است وچو دانش
گفته پروین چو قطره در بر دریا



شاعرهٔ شیرین سخن

بانو رباب تمدن جهرمی

صبیه آقای محمد عطار تمدن ، اشعار نغز و شیوای وی که نماینده قلب بی‌پیرایه‌ایست دراکثر ازجراید دیده شده .

این شاعره خوش قریحه مقام شامخ مادر را درغزلی سروده که چند بیت از آن در ذیل است :

مادر

توپاکی ، پاکبازی ، پاکدامانی ، پریروئی
پسند خاطر خلقی ، پسند خاطر مائی

ادیب و عالم وصانع بدامان تو شاگردند
که‌گل‌گل پروری بنماید وگوهرگهرزائی

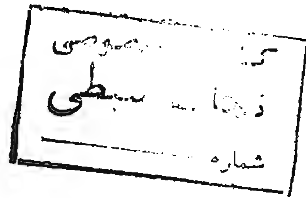
توخود در دیده‌ام نوری واندرسینه‌ام شوری
تو خود اندر دهانم شهدی و بر گوشم آوائی

تو بایکدست خودگهواره ،بادست‌دگردنیا
بگردانی که هم‌خود لایقی‌هم خودتوانائی

تو نقاش سرای شادی و امید امروزی
تو هم بنیان گذار کاخ روح افزای فردائی

توئی هم‌جان وجانانه ، توئی‌هم‌قوت وهم‌دانه
توئی هم رونق خانه ، پرستاری ، مداوائی

زمین نام ترا با فخر، برهفت‌آسمان خواند
که جانا مادری محبوب من ، محبوب دنیائی



شرح حال

جناب آقای فریدون توللی نویسنده فاضل وشاعر نوین سرا

متولد۱۲۹۸درشیراز فرزند جلال توللی ازخانواده های‌محترم فارس :

دردامان مادر شاعره خویش پرورش یـافته از ابتدا عشق و علاقهٔ وافـری بادبیات و شعر و نویسندگی داشته .

تخیلات درون ویرا از مضامین اشعار و افکارش جستجو نمائید .

اکثر اهل ادب آثار نو و بدیع توللی را می‌شناسند .

پایان‌نامه لیسانس(مینیاتور درایران) التفاضیل

آثارجناب آقای توللی (کتاب‌رها) که حاوی‌مجموعهٔ ازاشعار وقطعات وی‌است ـکاروان .

آقای توللی یکی ازشعرای‌بسیار خوبی است که درایجاد و ابداع مضامین قدرت بسزائی دارد .

اثرطبع جناب آقای توللی

معرفت نیست درین معرفت آموختگان
ای خوشا دولت دیدار دل افروختگان
دلم از صحبت این چرب زبانان بگرفت
بعد ازاین دست من و دامن لب دوختگان
عاقبت ، بر سر بازار فریبم بفروخت
ناجوانمردی این عاقبت اندوختگان
شرمشان باد ز هنگامهٔ رسوائی خویش
این متاع شرف از وسوسه بفروختگان

یار دیرینه چنان خاطرم از کینه بسوخت
که بنالید بحالم ، دل کین توختگان
خوش بخندید رفیقان که درین صبح مراد
کهنه شد قصه ما تا بسحر سوختگان

***

یار گمشده

سرش بسینه‌ی من بود و زلف پر شکنش
بدوش ریخته چون خرمنی ز یاسمنش
چو مریمی که درآید بجلوه در برماه
سپید می زدومی تافت تن ز پیرهنش
سبك ببازوی من تکیه داده از سر مهر
خموش بود و بگفتار ، چشم پر سخنش
کبود میشد و افسرده رنگك چون پر یاس
بگاه مهر و نوازش ، بزیر پنجه تنش
دلش ز عشق گدازان و من چو او بگداز
گرفته دستش و می سوختم ز سوختنش
خیال بود و بر او بوسه می زدم بخیال
چو گل که بوسه زند ماهتاب بر چمنش
امید رفته و دیرینه یار گمشده بود
که بخت بار دگر رانده بود سوی منش
لبش ببوسه گرفتم شبی دراز و هنوز
چه نوشها که بلب دارم از لب و دهنش

شرح حال

جناب آقای محمدحسین جهان‌نما صاحب امتیاز ومدیر روزنامه جهان‌نما

فرزند مرحوم شیخ محمد هادی ذوالانوار ازنویسندگان بزرگ شیراز .
در ۱۳۰۳ شمسی امتیاز روزنامه (جهان‌نما) راگرفته تاکنون سی‌سال‌است این نامه ملی که نماینده افکار مردم است مرتباً در شیراز منتشر میگردد .
جناب آقای جهان نما یکی از نویسندگان دانشمند معاصر وخدمات قابل تمدیری برای شیراز انجام داده‌اند .

آثارقلم جناب آقای جهان‌نما

مرگ باشرافت یا زندگی باملت

این‌ایام مصادف بامحرم وواقعه حیرت‌آور وغم‌انگیزی‌است که شنیدن‌آن درهرفردی اعم ازکافرو مسلمان اثر میگذارد .

برای‌تجسم موضوع شما صحنه‌ای‌را درنظربیاورید که انبوهی‌لشکرمعدودی را بازن‌وبچه محاصره وراه‌را برایشان سد کرده‌اند میگویند یاتسلیم شوید یاتن بمرك داده و کشته شوید .

البته تسلیم شدن دربرابرزور وقدرت چندان مهم نیست ونظیر آن زیاد در تاریخ دیده‌وشنیده شده اماچیزی که‌دراین‌باره‌دارای‌اهمیت‌است‌مسئله‌تسلیم‌نشدن ودرجه شقاوت وبیرحمی‌وظلم وستمکاری‌بنی‌امیه‌است حادثه کربلا برحسب‌ظاهر‌از این نظرمهم است که تمام فجایع را تحت الشعاع قرار داده وبی‌نظیرومانند‌است .

اگر سپاه و لشکر نامعدودی بعده‌ای معدرد که میگویند ما باکسی‌سر جنگ نداریم حمله‌ور شوند و آنهـا را بی‌جرم و گناه کشته و اهل بیتشان را اسیر کنند جـای تأمل و دقت است اگر امر دائر بود کـه دو سپاه در قبال هم ایستاده صف‌آرائی کنند داستانی عادی بوده وتصورآن مشکل نبود وازنظر غالب ومغلوب تاریخ قضاوت مینمود اما در اینجا موضوع حق و باطل و مقابله نور و ظلمت است .

حسین بن علی(ع) مظهر آزادی وحق وحقیقت میگفت :

ای مردم راه‌حق ودینی که پیغمبر اسلام آورده نه‌اینست که شمابدان عمل میکنید، راه فلاح ورستگاری غیرازاین است که شمامیروید .

ای مردم حکومت بدست کسانی که لیاقت اداره آنرا ندارند خطا است اگر ازمن نمی‌پذیرید ومیخواهید پیروی ازباطل کنید من کاری بکار شما ندارم طالب جاه ومقام هم‌نیستم مراآزاد بگذارید که بهرجامیخواهم بروم‌اماآن ناجوانمردان نشنیدند و اورا با معدودی از یاران وفـادارش کشتند و بیرحمی را بجائـی رسانیدند که تمام‌قتل وغارت هادر برابر آن کوچك جلوه نمود کار نداریم که چه اسراری دراین ماجرا نهفته وچه آثارمعنوی بر آن مترتب است که عقل ما قاصر ازدرك آن‌میباشد امادرس شهامتی که این خاطره غم‌انگیز بمامیآموزد اینست که درمقابل زورنباید تسلیم شد و کشته شدن صدشرف دارد که انسان بزندگی‌ننکین تن داده وزیربار ذلت و خواری برود .

آری حسین علیه‌السلام نخواست زیربار حکومت یزید ودستگاه فاسدبنی امیه برودتن بشهادت دادودنیا را دربرابر تصمیم خود خیره و حیران نمود ، این شخصیت بارز وفضیلتی که در حسین (ع) است علاوه بر مرتبه پیشوائـی و امامت که موضوعی است جداگانه درنظر مردم‌غیرمسلمان نیزدارای اهمیت خاصی است زیرا درس غیرت وحمیت وآزاد منشی را بجهانیان آمـوخت این آزادی واعلام حقوق بشری که دنیا بـدنبال آن میرود ، و این فریاد هائی کـه برضد استعمار و حکومت های دیکتاتوری‌بلنداست همه‌ناشی ازقیام آنحضرت وبوجودآمدن‌صحنه کربلا است واز این‌منبع فیض الهام گرفته و تادنیا باقی‌است بروان پـاکش درود فرستاده میشود .

وهر گونه موفقیتی که درمبارزه های سیاسی و استقلال طلبی بدست آیـد رهین درس فداکاری واز خودگذشتگی است که طریق وصول بـآن راعملا بدنیا نشان داد .

شرح حال

جناب آقای رضاحکمت سردارفاخر یکی ازشخصیت های بزرگ شیراز

فرزند مرحوم حاج میرزا حسام الـدین ملقب به (مسیح الملك) که از اطبای بزرگ و پزشك مخصوص ناصرالدین شاه قاجار بوده .

جناب سردار حکمت تحصیلات خود را درمدرسه‌علمیه تهران وادبیات فارسی‌وعربی وعلوم قدیمه بویژه زبان‌فرانسه رادر شیراز آموخته .

خط شکسته راخیلی زیبا مینویسد دارای اخلاق وصفات حمیده و دربـذل و بخشش و دستگیری بضعفا و بینوایان بی نظیر .



جناب آقای رضا حکمت سردار فاخر رئیس مجلس شورای ملی

ازآزادیخاهان سترك ایران که درمواقع بحرانی خدمات قابل تمجیدی درشیراز انجام داده وحتی برای پیشرفت وخدمت بمردم ازنثارجان خودهم مضایقه ننموده .

برای تکمیل تحصیلات باروپارفته پس از مـراجعت وارد درخدمت دولت شده دردورهٔ چهارم تقنینیه ازطرف اهالی‌آباده بوکالت مجلس شورای‌ملی انتخاب شده ازآنوقت بانهایت صمیمیت وباطیب خاطرمنویات مردم فارس را برآورده در دوره های چهارم ـ پنجم ـ ششم ـ هفتم ـ چهاردهـم ـ پانزدهم ـ شانـزدهم ـ

هیجدهم ـ نماینده محبوب فارس‌بوده .

ازدوره پانزدهم مجلس تاکنون باتفاق آراء نمایندگان بریاست مجلس شورایملی انتخاب شده .

جناب آقای سردارحکمت ازیك خانواده علم وسیادت یعنی دخترمرحوم حاج سیدعلی مهذب‌الدوله که فرزند حاج میرزاحسن طبیب فسائی ومؤلف کتاب «فارسنامه ناصری» است‌بعقه‌نکاح‌خویش درآورده دارای فرزندی شایسته بنام‌عماد حکمت است که تحصیلات خودرا درپاریس وآمریکا باتمام رسانیده دکتر درطب وشغل پرافتخار اجدادی خودرا انتخاب‌نموده . جناب آقای رضا حکمت ازمفاخر بزرگ ایران وخدمتگذاران واقعی‌میهن عزیزماست .

این فرزند انقلاب‌مشروطیت ایران بواسطه خدمات ارزندهٔ که بمردم‌نموده دردلها جاومنزلتی بسزادارد.

جناب سردار حکمت‌بانهایت‌آزادمنشی‌وآزادیخواهی‌یك‌عمر بمردم‌بدبخت خدمت نموده وقدمی جزتأمین سعادت‌خلق برنداشته اینستکه عموم بویژه اهالی محترم فارس‌بادیده احترام بوی‌مینگرند .



شرح حال

جناب آقای علی اصغر حکمت متولد ۱۳۱۰ درشیراز


جناب آقای علی اصغر حکمت

فرزند مرحوم میرزا احمد علیخان حشمة الممالك که‌از نویسندگان دانشمندو خطبای بزرگ و شعرای عالیقدرمعاصر می‌باشند. ادبیات و علوم ریاضی و طبیعی و عربی رادر شیراز و تهران باتمام رسانیده برای تحصیل‌دررشته امورقضائی وادبی‌باروپا رفته مدتها درپاریس و لندن بتکمیل علوم جدید پرداخته درجه لیسانس را ازدانشگاه سوربن گرفته‌استاددرزبانهای عربی،انگلیسی وفرانسه است.

در ۱۳۱۳ شمسی بوزارت فرهنگ منصوب گردیده وچندین سال‌در این‌مقام بوده . فرهنگ ایران از زمان وزارت ایشان روبترقی وپیشرفت گذاشت. (حق‌بزرگی بگردن نگارنده دارند بدستور جناب آقای حکمت در۱۳۱۳ بامواجه بمشکلات وزحمات فراوان اولین دوشیزهٔ بوده که فتح باب نموده با چادر وارد مدرسه عالی طب شده تا یکسال بعد که کشف حجاب شد این افتخار تاریخی در زمان وزارت مشارالیه نصیب من گردید.)

جناب آقای حکمت وزارت کشور ـ وزارت بهداری ـ وزارت دادگستری ـ وزارت جنگ ـ ریاست دانشگاه تهران سفارت کبرای ایران در هندوستان را عهده‌دار بوده‌اند ـ استاد کرسی ادبیات در دانشگاه تهران وعضو مؤثر ومهم انجمن آثار ملی هستند بامر شاهنشاه محبوب باسعی و کوشش فراوان آرامگاه حافظ وسعدی را در شیراز و فردوسی را در خراسان وخیام را در نیشابور ساختند .

جناب آقای حکمت یکی از افتخارات علمی وادبی ماو بامر شاهنشاه پایه گذار فرهنگ نوین ایران هستند. در منطق و بیان وایراد خطابه بی‌نظیر میباشند . دارای تألیفات متعددی هستند که مختصری از آنها ذکر میشود :

تألیفات جناب آقای حکمت

امثال قرآن مجید ـ پارسی نغز ـ جامی‌نامی ـ از سعدی تا جامی ـ پنج حکایت از شکسپیر در دو جلد ـ ترجمه جلد سوم دوره تاریخ ادبیات فارسی ازمستشرق شهیر پروفسور ادوارد برون انگلیسی ـ تصحیح و تفسیر کشف‌الاسرار ـ دوستداران وطن ـ جام جهان نما (تاریخ مفصل عالم) ـ رساله در باب ایران در فرهنگ جهان ـ راه زندگانی (ترجمه از عربی) ـ شرح حال و منتخب اشعار مولانا عبدالرحمن جامی ـ مطالعه تطبیقی رمئووژولیت بالیلی ومجنون نظامی ـ مقدمه و تحشیه بر کتاب مجالس‌النفائس امیرعلیشیر نوائی ـ مجله تعلیم و تربیت ـ مجموعه یادداشتهای علمی و ادبی (درچندجلد) ـ مطالعاتی درباب اشعار حافظ ـ مجله رسمی وزارت فرهنگ ـ شکوتیا یا انگشتری گم شده ـ نقش فارسی بر احجار هند ـ رساله قضایای عامه (درعلوم طبیعی ـ ترجمه از انگلیسی) ـ رساله درباب امیرعلیشیر نوائی ـ خطابه درباره شعر معاصر ـ ترجمه رستاخیز تألیف تولستوی رساله دراحوال اثر (پراشگفتی) ـ کتاب سرزمین هند که بسیار آموزنده ودارای مطالب دقیق ادبی وتاریخی وسیاسی است ونه گفتار درتاریخ ادیان .

اثرطبع دانشمند ارجمند

جناب آقای علی اصغر حکمت

خوشا شیراز

تضمین از حافظ

خوشا شیراز ووضع بیمثالش
همایون طالعش فرخنده فالش
زمستانش بهار از نرکس و کل
تموزش فرودین از اعتدالش
بصحرا جانفزا و روح پرور
نسیمی کاید از طرف جبالش
بر آن فرخ زمین خورشید اقبال
فروزان باد از اوج کمالش
زوال ملك تا از ظلم و جور است
خداوندا نگهدار از زوالش

✩

بشیراز آی و فیض روح قدسی
عیان آنجا ببین از کس چه پرسی
فروزان کوکب شاهچراغ است
یضئی الارض من مشکواة قدسی
سر تعظیم بر آن آستانه
نهاده سر بسر جنی و انسی
بر آن ایوان و آن گنبد نظر کن
بچشم دل ببین عرش است و کرسی
کمال مردمی در کوی آنشاه
بجوی از مردم صاحب کمالش

✩

ز رکن آباد ما صد لوحش الله
که بر « الله اکبر » میبرد ره
بشأنش لذة للشار بین است
روان از حضرت قرآن بدرگه
ز قبر مشرقی وز خاك خواجو
بیا بشنو حدیث لی مع الله
ببین از سوی دیگر جوی خیرات
که باقی مانده از عهد شهنشه
سکندر گو بجوید آب از این جوی
که عمر خضر می بخشد زلالش

✩

میان جعفر آباد و مصلی — به‌بین رخشنده خورشید تجلی
بیا بر تربت سعدی و حافظ — روان‌بین‌فیض از آن درگاه‌اعلی
مشام روح از آن بینی معطر — جمال جان ازین یابی محلی
بکوه اربگذری «بابای کوهی» — ترا گوید هلا، اهلا و سهلا
جنوبش مشك می‌بیزد بهامون — **عبیر آمیز میآید شمالش**



که نام قند مصری برد آنجا ؟ — که قند لب مکرر خورد آنجا
زهی شیراز و آن خاك طربناك — که از دل نقش غم بسپرد آنجا
برد از «مسجد بردی» بتشریف — چمن صد دیبه و صد برد آنجا
بخلارش مبر نام از می خلد — که صافی‌هست اینجا، دردآنجا
بعهدخسرواز شیرین که دم زد؟ — **که شیرینان ندادند انفعالش**



صبازان لولی شنگول سرمست — بپیش قامتش سرو چمن پست
ز عناب لبانش دل شود خون — خمارچشمهایش جان کند مست
بعیاران ز غمزه میزنند راه — ز طراران بطره میبرد دست
بری ما بر وفایش عهد بستیم — بشیراز ازجفاآن عهد بشکست
از او کز حال ما آگه نباشد — **چه‌داری آگهی،چون‌است‌حالش؟**



گران شیرین پسرخونم بریزد — مبادآن سر که ازتیغش گریزد
بشیراز ار بنفشه سربزیر است — ولی سرو سهی بر پای خیزد
چوباغ‌ازتخت گل‌رشك‌بهشتست — ببین «گلشن» که باجنت ستیزد
شراب «دلگشا» بهر دل تنگ — چو درباغ «ارم» ساقی بریزد
بمن‌آن‌می که‌برزاهدحرامست — **دلا چون شیرمادرکن حلالش**



مکن بیدار ازین خوابم خدارا — بود خواب وطن جان را گوارا
بماند جاودان ملك سلیمـان — جدائی از نگین ، دیو دغا را
مروجز باادب بر «تخت جمشید» — باسکندر چنین فرمود دارا
بما فرخنده بادا کشور جم — کزو صدزیب وصدفراست مارا
خیالش قوت جان است بنگر — **که دارم عشرتی خوش باخیالش**



چرا حافظ چو میترسیدی از حجر ؟ — براه عاشقی دیده بسی زجر
شب شیراز قدر و روز نوروز — سلام هی حتی مطلع الفجر
براه بر و تقوی مردمانش — برند ازحق بهر گامی دوصداجر
الا ای کزوطن دوری چو «حکمت» — مدام ازرنج غربت میکشی ضجر
بشبهای فراقش صبر کن چون — **نکردی شکر ایام وصالش**



کار دارد

تا بتار زلف مشکینت دل من کار دارد
طعنه ها بر نافه های آهوی تاتار دارد
خواهم از بخت سیاهم با تو شبهای درازی
زانکه دل باگیسوانت گفتگو بسیار دارد
تا بعمر خود نیندیشی زنیك وبد که دوران
نقشهای طرفه اندر پرده اسرار دارد
سفله طبعی را باوج جاه وصد راحت رساند
راد مردی را بقعر چاه صد آزار دارد

گشت در بستان عشقت طبع من رعنا نهالی
کزخرد بیخ وز (حکمت) برزدانش باردارد

شرح حال
جناب آقای دکتر مهدی حمیدی

نویسنده مشهور، شاعر گرانمایه، استاد دانشگاه تهران درسال ۱۲۹۳ در شیراز متولد شده فرزند ثقة الاعلام یکی‌ازفضلای‌بزرگ فارس. درسه سالگی‌پدر را از دست داده در دامان مادر فاضله و شاعره خود بحد رشد رسید. دوره متوسطه را در شیراز و لیسانس ادبیات را در تهران گذرانید.

پس ازطی دوره پر افتخار سربازی درحالیکه شغل دبیری را عهده‌دار بود دکترای ادبیات‌را بپایان رسانید.

زندگانی وی توأم باسراسر ماجرا وسوزوگدازاست مثل‌اینکه نویسندگی وشاعری علاوه براینکه موهبت الهی است از محرومیت ها وشکست ها سرچشمه میگیرد عشقی که شرار آن بخرمن جان افتاد و بشکست منجر گردید داستانی است غم‌انگیز که دیگرباپیمان عهدومودت سروکارندارد.

آثار نویسنده بزرگ

سبکسریهای قلم ـ فرشتگان زمین ـ شاعر درآسمان ـ شکوفه ها ـ عشق در بدر نثر در سه جلد ـ اشك معشوق ـ سالهای سیاه ـ طلسم شکسته ـ زمزمه بهشت. ودریای گوهر جلد اول ـ جلد دوم.

دکترحمیدی ازشعرای بزرگ وبسبك قدما شعر گفته اشعارش‌شیوۀ خاصی داشته ونماینده سوز درون اوست.

اثری ازجناب آقای دکتر مهدی حمیدی

چرا ؟

سیاه بود همه عمر هرچه بود شبم
که داده بود خدائی ستاره‌ای عجبم
همیشه بر رخ من اختر و ستاره گذشت
ندیده چرخ که من روز روشنم ، نه شبم ؟!
ستاره ها بروید ، ای ستاره ها بروید
ستاره زای مرا بس دو چشم پر تعبم
منجما ! اگر این تیره اخترم بکشی
زند بدست اجل بوسه های شکر لبم
عروس مرگ ! بیا تا لب ترا بوسم
که سالهاست کـه اندر پی تو در طلبم
هزار شکر که گر دلبری برید از من
نمی برد ز تن دردمند خسته تبم!
جهان گذشت،جوانی گذشت‌وعمر گذشت
کسی ندید زمانی نشسته در طربم!
لهیب آذر ! جانم چرا همی سوزی
کـه من نبیرۀ پیغمرم ، نه بولهبم!

✩✩✩

دیوانگی



دیوانگی است دل بره دیده داشتن
تخـم وفا بمزرعۀ سینه کاشتن

با دختران ماهرخ دلفریب مست
پیمانه نوش کردن و پیمان نگاشتن
جان دادن است در دهن ماهیان سیم
جان را بنام بوسهٔ شیرین گذاشتن
این قصه خوانده بودم و دیدم بچشم نیز
عمری بلای دل به محبت گماشتن!
با اینهمه دل از همه چیز جهان گذشت
جز عاشقی نمودن ، جز دوست داشتن!



گله

من از نسخهٔ عکس او در گذشتم
چو دانسته بودم که دلتنگ گردد
نه چون او که پس دادن نامه‌ای را
بدینگونه سرسخت ودلتنگ گردد
بمن کی سر صلح گیرد که بینم
ز نامهربانی پی جنگ گردد
پی عشق او آنقدر صبر کردم
که سروان بیمایه سرهنگ گردد
من استاده ام کشتنش را بفرمان
گر ازمرگ من خرم وشنگ گردد
تو هم از بر من فروزان رخش را
ببوس آنقدر تا که گلرنگ گردد
سرودم من این بیت ها ارتجالا
مکن عیب اگر خارج آهنگ گردد



گناه دریا نیست

بلای جان من است اینکه هست ، بالا نیست
دوترك مست کشنده است ، چشم شهلا نیست
چو بخت والایم نیست ، ره بکالا نیست

حکیم گفت کسی راکه بخت والا نیست
بهیچ روی مراورا زمانه جویا نیست

نشسته ام بر دریای پر گهر روزی
در آرزوی گهر خوابها بسر روزی
که خوانده بودم ، این بیت مشتهر روزی

برو مجاور دریا نشین مگر روزی
بدست افتد دری کجاش همتا نیست

ترا بنازم و چشم ترا که بیهمتاست
بسان دریا گوهر فشان و گوهر زاست
مرا اگر گهری نیست دیده نابیناست

وگرنه درگه محمود ز اولی دریاست
چگونه دریا ؟ کانرا کرانه پیدا نیست

بپای دکهٔ سوداگری کشیدم در
از او بقیمت جان و تنی خریدم در
میان لجهٔ پهناوری شنیدم در

شدم بدریا ، غوطه زدم ، ندیدم در
(گناه بخت من است این، گناه دریا نیست)

شرح حال

نویسنده دانشمند جناب آقای مصطفی خجسته مدیر روزنامه پیک خجسته



جناب آقای مصطفی خجسته

فرزندمرحوم غلامعلی اصلا کازرونی ولی تا بیست سال پیش ساکن بندربوشهر بوده تحصیلات خودرادر دبیرستان سعادت که بعدازدارالفنون نخستین مدرسه ایست که تأسیس شده بپایان رسانیده .

چون ازعنفوان جوانی شوق نویسندگی در سر داشته از اینرو اولین مقاله خودرادر روز نامه حبل المتین و بعد درنامه گرامی (ایران باستان) تحت عنوان (درمبدأ تاریخ ایران باید فتح بابل بدست کورش هخامنشی قرار گیرد) بسال ۱۳۱۱ درج نموده .

درطول مدت دوازده سال روزنامه پیك خجسته مشی وروش ثابتی راتعقیب وپیروی کرده واینك هم بحمدالله ادامه دارد .

نخستین فردی که لزوم برقراری روابط ومناسبات حسنه با نواحی عمانات وشیخ نشینان ساحل خلیج راگوشزد وشخصاً اقدام بایجاد آن نمود وتاسرحد منزل مراد که اکنون ملاحظه میشود تعقیب کرد مشارالیه بوده وفعلاهم درصدد تألیف کتاب (اهمیت بنادر وجزائرخلیج فارس در گذشته وحال) میباشند .

یکی ازتألیفات جناب آقای مصطفی خجسته (بحرین دردو قرن اخیر)است که بسیار کتاب مفید وارزنده ایست .

آثار قلم جناب آقای خجسته :

«درون گرائی و خودکشی»

ادبیات آئینه‌زمان‌است، ممکن‌است‌درزمان واحد دریك جامعه‌نویسندگان وهنرمندان برحسب‌شرایط مختلف‌محیط زیست‌نموده، افکار گوناگون‌داشته‌باشندو آثاری بوجود آورند که ازنظر جهات تشابه ضعیف جلوه کند .

شاعر ونویسنده که باحساسیت خاص‌خود ازحوادث متأثرمیشود ، بگواهی تاریخ ادب ، کمتر دیده شده است که بردشوارپها پیروز گردد واز افق بلندتری کیفیات‌جامعه راتحلیل کند .

غالباً نویستدگانی ازاین قبیل آثاری گرانبها بوجود آورده‌اند لکن‌نوشته های آنهامیرساند که در گردابهای زندگی دست‌وپا میزده‌اند ، پل ورلن وصادق هدایت ازاینگروه هستند .

ورلن باآنهمه علو طبع ولطافت ذوق درمیخانه هـای فرانسه روزگـار را بسربرد،صادق‌هدایت‌نویسنده عالیقدرمانیز بایاس وبدبینی بحیات خودخاتمه داد .

گروهی دیگر همانند هوگو وسعدی وديکنس مثل خرده سنگهای مسیل همراه باسیل بکام مردابها فرو نرفته‌اند .

خواندن آثار ورلن وهدایت تنهاعلت ایجاد روح‌یأس در جـوانان مانیست ولی‌اینگونه آثارآن‌دسته‌ازجوانان راکه‌تحت‌تأثیرپاره‌ای ازعوامل محیط،بدبین ومأیوس شده‌اندبخودکشی‌وانزواتشویق‌میکند وبهمین دلیل‌مااعتقاد داریم که در شرایط کنونی اجتماع کتابهائی‌اینچنین کمتر باید دردسترس جوانان‌قرار گیرد .

مطالعهٔ‌آثار نویسندگان رئالیست‌وبررسی حیات‌مردان بااراده کـه ازهیچ بهمه‌چیز رسیده‌اند برای‌جوانان ماضرورت تام‌دارد .

انسانهائی که اعصاب‌توانا دارند وبافکری سالم‌مسائل‌حیات راتحلیل‌میکنند خوب‌میدانند که‌مبارزه باموانع زندگی‌بمنظور پیشرفت وهدف‌همیشه بـا راههای پیروزی وافتخار هموارنبوده وبقول فرانسویها :

چنانچه‌راه پیروزی وافتخارهموار بود دیگرکسب افتخارمایهٔ افتخار نمیشد .

شرح حال

دانشمند ارجمند و نویسنده بزرگ جناب آقای سناتور علی دشتی

فرزند مرحوم شیخ عبدالحسین دشتی سال ۱۳۱۰ در کربلا متولد شده پس‌ازاتمام تحصیلات در ۱۲۹۸ شمسی به بوشهروشیراز آمده مقالاتی چند در روزنامه فارس منتشر نموده که مورد پسند عامه ودرضمن هیاهوئی بر پا کرده‌عده‌ای قصد از بین بردن وی را داشتند.



جناب آقای سناتور علی دشتی

در ۱۳۰۰ شمسی امتیاز روز نامه شفق سرخ که از بهترین جراید مرکزبود گرفته چندین‌سال ابتدا هفتهٔ سه شماره وبعد روزانه منتشر میگردید.

جناب آقای دشتی که از نویسندگان وسیاستمداران سترك‌عصر حاضراست باطلاقت لسان وشهامت بی‌نظیر به‌انتقادات مستدل، منویات مردم‌را که موردتوجه عموم بودمندرج نموده‌ازحبس وشکنجه پروائی نداشته چنانچه چندین‌بار بزندان رفته و«ایام محبس» رادرزندان نوشته.

جناب آقای دشتی ازز بده‌ارباب کمال درسخن‌وری، ساحر در نویسندگی ودرفضل‌وادب‌بلندپایه‌است. درنوشته های‌او اثری‌است که خواننده‌رامجذوب مینماید. درفن نویسندگی‌شیوهٔ مخصوص منحصر بخود دارد.

مکرر از طرف بوشهر و تهران بسمت نمایندگی منتخب گردیده ومدتی سفیر کبیر ایران درمصر بوده چندین دوره است که سناتور محبوب مجلس سنا میباشد.

جناب آقای دشتی بنحو اکمل بزبان شیرین عربی مسلط همچنین بفرانسه وانگلیسی . دارای تألیات و تصنیفات متعدداست که مکرر درمکرر بچاپ رسیده و مختصراً شرح داده میشود .

تألیفات و تصنیفات جناب آقای علی دشتی

اعتماد بنفس (ترجمه از فرانسه) تطور ملل (ترجمه ازفرانسه) ایام محبس ـ سایه ـ جادو ـ سر تفوق آنگلوساکن (ترجمه از فرانسه) ـ فتنه ـ سیری در دیوان شمس ـ نقشی از حافظ

آثار قلم جناب آقای دشتی

تمام افراد بشر با اختلاف مشرب و سلیقه و تباین فکر وعقیده یك چیز بیشتر نمیخواهند . همه سعادت رامیجویند ومی خواهند سعادتمند باشند ولی آیا سعادت چیست ؟

درویش سعادت رادر کشیدن حشیش و آنوقتیکه مستغرق خیالات مالیخولیائی میشود مشاهده میکند ـ عاشق وقتی سعادتمند است که مانند یکنفر بت پرست که درمقابل معبودخود بخاك میافتد درزیر تجلیات بدیع محبوب محوو نابودشود.

سرمایه‌دار آمریکائی وقتی توانست بعملجات خود کمتر مزد داده وآنها را وادار کند بیشتر کار کنند وبانتیجه ثروت خود رابآن درجه برساند که قبلا درمخیله خودمعین نموده‌است .کاتولیك مقدس وقتی که کشیش اعترافات او را گوش کرده تقصیراتش را ببخشد .

محبوس وقتیکه باو بگویند آزادی . یك نفر محکوم باعدام اورا ازرفتن به پای چوبه‌دارعفونمایند. نویسنده وقتی که آثاراو مانند وحی آسمانی درمیان افراد بشر باتقدیس واحترام نگریسته شود..... الخ .

اینها وهرچه ازاین قبیل گفته شودمصادیق سعادتمندی‌است .

ازروی این تعبیرمیتوان مفهوم سعادت‌را این‌طور بیان کرد:
رسیدن بآمال وآرزو های قلبی

دراین‌صورت باید ملاحظه کرد که آیامنطقه آمال و تعینات بشر محدود است وحدود معین ثابتی‌دارد که‌از آن‌تجاوز نخواهد کرد .

اگرشخص محکوم باعدام رااز مردن عفو کنند ولی در عوض حبس نمایند دیگر آرزوئی ندارد و اگر از حبس نجات یافت دیگر هیچگونه آمالی نخواهد داشت .

اگر پول کسی‌بده‌میلیون‌رسید نمی‌خواهد بیست میلیون شود واگر به‌بیست ملیون‌رسید دیگرنمی‌خواهد به‌بیست ویك‌ملیون بالغ گردد ؟

بدیهی‌است که ،آمال‌وآرزوحدودی‌ندارد . پس دراینصورت حصول سعادت ممکن‌است ولی‌دوام آن‌ممتنع میباشد یعنی تنهاوصول بآرزوی قلبی‌سعادت‌نیست مگراینکه دیگر آرزوی قلبی باتمام ویابه محض اینکه پرتوآرزو درقلب تابید شخص بدان کامیاب شود .

بایك عبارت جامع‌تری میتوان‌سعادت رااین‌طور تعریف کرد :

سعادت‌یعنی آسایش‌روح وبدن‌از حوائج‌وضروریات وبه‌عبارت اخری‌تامین حیات مادی ومعنوی .

بشر حوائج مادی دارد . حوائج‌مادی او روزافزون است . مقایسه حوائج امروزی انسان وسه‌هزارسال قبل مطلب‌را روشن میکند و ثابت میشود منتها الیه معینی‌ندارد ، همچنین‌تمنیات قلبی . هرقدرانسان ترقی کندوبآمال‌خویشتن نائل شود باز یك آرزوی جدیدی جاگیر آن‌میشود ویك افق‌دامنه دارتری در جلو آرزوهای او منبسط میگردد .

پس‌اگربشربخواهدسعادتمند باشد باید دوره زندگانی اوعبارت‌باشد از یك سلسله مجاهدتهای‌متمادی و کشمکشهای طولانی .

همچنانی که‌یکی‌ازعلمای‌سوسیولوژی‌میگوید.

جامعهٔ که افرادآن روی‌اصول تراحم وتنازع‌تربیت‌شده وازمقاومت کردن بامصائب عالم زندگانی قدم گذاشته ودرعرصه‌متاعب خیزسعی‌وعمل هراسی‌نداشته باشند بسعادت نزدیکتر است .

شرح حال

جناب آقای محمد خلیل رجائی شیرازی استاد دانشکده ادبیات شیراز

پس از بپایان رسانیدن دبستان تربیت وهاشمیه که از مدارس قدیمه شیراز است سالیان متمادی رشته ادبیات فارسی و عربی، فقه، اصول، حدیث، تفسیر، حکمت الهی، منطق و کلام و نکات مهم عرفانی را در نزد اساتید بزرگ آموخته، درضمن تحصیل قسمت‌های مذکور را تدریس مینموده. درعلوم قدیمه تبحر کامل داشته و مسلط بر زبان عربی میباشند.

در ۱۳۱۰ شمسی دبیر ادبیات فارسی و عربی و منطق و فلسفه دبیرستان سلطانی.

در ۱۳۱۳ شمسی رسماً دبیر دبیرستانهای شیراز.

سمت فعلی، استاد دانشکده ادبیات شیراز.

در علم استعاره و تشبیه که از ابواب واسعهٔ فصاحت و بلاغت کلام است علماء و مدرسین مقام بزرگی را اشغال نموده‌اند.

جناب آقای رجائی که از علمای ارجمند عصر حاضر است یکی از مفاخر علمی و ادبی ایران بشمار میرود.



شرح حال



جناب آقای محمد حسین رکن زاده آدمیت متخلص به «سالك»

جناب آقای محمدحسین رکن‌زاده آدمیت‌متخلص به«سالك»شیرازی‌نویسنده بزرگ وشاعر ارجمند فرزند مرحوم میرزا عبدالله رکن التجار نوه حاج محمد علی تاجر اصطهباناتی معاصر کریمخان زند ازتجارطراز اول فارس.

جناب آقای سالك در شوال هزارو سیصد وهفده‌متولد واز پنج سالگی در بوشهر مشغول تحصیل شده پس از طی مراحل‌مقدماتی به‌تکمیل‌زبانهای‌عربی وانگلیسی پرداخته. در مدارس قدیمه شیراز علوم‌فلسفه‌ـ منطق - عربی‌رانزد اساتید علم‌ودانش وقت فراگرفته درلغت عربی وفارسی وکتابشناسی پیشرفت‌کامل نموده بعدازدرگذشت پدردانشمند خودبکار های تجارتی‌مشغول ودرضمن بمطالعه ادبیات فارسی وعربی مبادرت‌نموده بقدری درآن کوشا وجدی بوده که حدی بر آن متصور نیست .

در۱۳۰۵ شمسی امتیاز روزنامه هفتگی ادبی وسیاسی آدمیت‌راگرفته ودر شیراز منتشرنموده .

درسال ۱۳۳۸بزیارت مشاهد مشرفه‌عراق عرب‌نائل گردیده. بواسطه‌فقدان سرمایه‌کافی برای‌شغل اجدادی (تجارت) درشیرازکتابخانه وقرائتخانه (آدمیت)

را تأسیس نموده .

در۱۳۰۶ به هندوستان رفته بسیر آفاق وانفس پرداخته از آنجا بتهران رهسپار گردیده سفرنامه ایران آزادرا اداره نموده مقالات متنوع وعام المنفعه منتشر کرده سپس واردخدمت دولتی گردیده دروزارت دارائی چندسال ریاست دفتر شرکت سهامی مرکزی واداره واردات خارجی وحسابداری بنگاه کل داروئی راعهده دار بوده تادرسال ۱۳۳۳ بکتابخانه مجلس شورایملی انتقال یافته بنوشتن فهرست کتب خطی پرداخته ودر۱۳۳۸ بازنشته شده .

دانشمند موصوف درسال ۱۳۳۱ بعضویت پیوسته انجمن ادبی فرهنگستان ایران پذیرفته شده .

جناب آقای سالك از نویسندگان دانشمند واز شعرای قصیده سرای عالی رتبه کشورمیباشند .

تألیفات جناب آقای سالك

رساله اغلاط مشهوره ـ دانشمندان وسخن سرایان فارس درچهارمجلد تاکنون سه جلد آن چاپ ومنتشر شده ـ دلیران تنگستانی که چهارمرتبه چاپ گردیده ـ فارس وجنگ بین المللی در(دوجلد)ـ رساله کلمات واصطلاحات جدید ـ منشآت آدمیت ـ دیوان اشعارچاپ نشده ـ منتخبات ایرانشهر یااصول آدمیت ناتمام ـ منتخب برهان قاطع ناتمام .

اثرطبع جناب آقای سالك

قصیده لامیه زیر را بسال ۱۳٤٥ در شیراز سروده :

گرفت قلبم از این تیره گون سرای ملال
که حاصلش همه رنجست بهر اهل کمال

تباه کرده همه عمر را بکسب هنر
نبرده سود و نیاورده جز عذاب و نکال

بسی دریغ که خون خوردم و ندانستم
(که قدر مرد بعلمست وقدر علم بمال)
بعالمست خسان را بسی تنعم و فخر
قرین عزت و جاه است هرپلید خصال !
زبی تمیزی دوران مرا شگفتی نیست
که جایگاه افاضل بود بصف نعال
کسان که فرق ندانند پشك را ازمشك
زفرق تا بقدم غرق عزتند و جلال
بعکس هر که پی کسب معرفت کوشید
بگیتیش بود آسودگی خیال محال !
ز همچو زندگی تلخ جان من فرسود
دریغ بدر وجودم که شد ز غصه هلال
کجاست آنکه گشاید در سراچه راز ؟
کجاست آنکه رهاند مرازرنج و کلال ؟
دمی بدیده عبرت نظر بگیتی کن
که صدق قول مرا پی بری بوجه کمال
ندیدم هیچ رفیقی که خواهدم بیرنج !
نباشد هیچ شفیقی که آردم بخیال
بجز یگانه عزیزم که وارهانده مرا
ز حال محنت و غم ، در امید استقبال
الا نگار عزیز من ، ای بمن مشفق
الا تو دافع هم من ای خجسته همال
اگر که اهل جهان با منند دشمن جان
گرم شفیق تو باشی، چه جای فکرو ملال

مراست یک‌سخن واز من این نصیحت را
شنو که فایده آرد ترا و حسن مآل
نخست قلب خودت را بحق نما پیوند
سپس ز مردم نادان گریز بی اهمال
ز جاهلان بگریز و بعارفان آمیز
مباش در خط آزار ناس در هرحال
محب خاك وطن باش و ساکت و صابر
خدا پرست و حلیم و ستوده در افعال
وگر ز گفته من هیچ می نگیری پند
ز گفته های بزرگانت آورم بمثال
« جلال و جاه بفضلست نی باصل و نسب
کمال وقدر به علمست، نی بمال ومنال»
« ز آدمیت افتاده دور میلا میل
کسی که نیست وجودش ز علم مالامال»

خموش سالك و اندرز دوستان کم ده
نخست خویش نگهدار، ازطریق ضلال



شرح حال

نویسنده عالیقدر شاعر گرانمایه وفاضل بلندپایه جناب آقای علی سامی
استاددانشکده ادبیات شیراز


جناب آقای علی سامی

متولد۱۲۸۹ شمسی درشیراز فرزند آقای آقا بزرگ‌سامی ازخانواده‌ارجمندمشایخ‌امام‌جمعه‌شیراز.

ورود بخدمت‌فرهنگ۱۳۰۸ شمسی‌وتاکنون سمتهای زیر را داشته‌اند:

آموزگاری کلاس۶ابتدائی- مدیری‌دبستان- دبیری‌دبیرستانها -ریاست‌دانشسرای‌مقدماتی‌فارس- رئیس ساختمان های فرهنگی و مدیریت تعمیرات ابنیه تاریخی‌فارس-ازاسفند ماه سال۱۳۱۸ ریاست بنگاه علمی تخت جمشید تاکنون و از سال۱۳۳۶ ریاست اداره باستان شناسی فارس نیز ضمیمه کار گردیده و فعلا بسمت رئیس اداره باستان شناسی فارس وبنگاه علمی تخت جمشید مشغول خدمت میباشند.

ازسال۱۳۳٤معلم‌رشته‌باستان‌شناسی(دروس‌تمدن‌هخامنشی‌وساسانی)دانشکده ادبیات شیرازرانیزعهده‌دارند. ازطرف‌دربارشاهنشاهی نشان درجه چهارهمایون وازطرف وزارت فرهنگ نشان درجه۱سپاس دارند.

سایر سمتهای فرهنگی واجتماعی: عضویت‌انجمن‌آسیائی پاریس - عضویت کنگره بین‌المللی مستشرقین - دبیرومؤسس کانون‌دانش پارس (تأسیس شده در سال۱۳۳۱) دبیری وعضویت انجمن آثارملی فارس (تأسیس شده درسال ۱۳۲۳).

صاحب تالیفاتی بشرح زیر :

۱ـ گزارش کاوشهای علمی پاسارگاد ضمیمه مجلد اول گزارشهای باستان‌شناسی چاپ تهران سال ۱۳۲۹.

۲ـ تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی چاپ شیراز ۱۳۲۹ .

۳ـ پاسارگاد یا قدیمیترین پایتخت شاهنشاهی ایران چاپ سال ۱۳۳۰ .

٤ـ مجلد دوم گزارشهای باستان‌شناسی درسال ۱۱۳۱ .

٥ـ شرح آثار تاریخی جلگه مرودشت « »

٦ـ پارس درعهد باستانی « ۱۳۳۲

۷ـ شرح تخت جمشید بزبان انگلیسی (ترجمه شارپ) ۱۳۳۳

۸ـ شرح تخت جمشید بزبان فارسی ۱۳۳٤

۹ـ شرح کامل آثار پاسارگاد بزبان انگیسی (ترجمه شارپ) ۱۳۳٥

۱۰ـ شرح آثار و تاریخچه شیراز بزبان انگلیسی « « ۱۳۳۷

۱۱ـ شیراز بزبان فارسی سال ۱۳۳۷

۱۲ـ مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی سال ۱۳۳۸

(کتابهای آماده بچاپ)

۱۳ ـ تمدن هخامنشی سه جلد

۱٤ـ تمدن ساسانی سه جلد

جناب آقای علی‌سامی از مفاخر دانشمندان معاصر و نویسندهٔ ارجمند و استادی بی‌نظیر در زبانهای انگلیسی و پهلوی قدیم است .

مدتها در بمبئی روزنامه « دورنمای ایران » و چندین جلد کتابهای علمی و ادبی را بزبان فارسی منتشر نموده . در اصفهان روزنامهٔ بنام سپنتا منتشر کرده. در اشعار بخصوص قصیده وغزل وقطعه تسلط کامل دارند .

آثارقلم نویسنده دانشمند

جناب آقای علی سامی

دانش در زمان ساسانیان

دردوره درخشان ساسانی نیز با آنکه کتب و آثارعلمی فراوان آن، قسمتی بدست حوادث روزگاروبخش مهم دیگربه‌امر خلیفه وقت بدست‌امرای عرب معدوم گردید بازطبق‌مدارك موجوده می‌بینیم که جنبش های علمی وتأسیس مکاتیب و دانشگاهها در اثر علاقه شهریاران ساسانی ساکت‌نشده بلکه بمراتب بیش ازدوره هخامنشی نسبت به نشر علوم واعزازدانشمندان‌وترفیه‌حال آنان توجه‌مبذول داشته‌اندورویهمرفته آندوره اهمیت‌شایان‌ملاحظه‌ای داشته‌است.

ابن‌الندیم مینویسد: که اردشیرمؤسس‌دولت ساسانی‌برای‌جمع آوری کتاب های پراکنده شده ایران و قسمتهائی از اوستاکه بدیگر کشورها رفته و ترجمه شده بود دانشمندانی بهند وروم ودیگر ممالك فرستاد تاآنچه راکه ممکن است گردآوری و تدوین نمایند بعد از او جانشینش شاپور اینکار را دنبال نمود و دستور داد تاآن کتابها را به پهلوی ترجمه و در دسترس دانشمندان قرار دهند وبعلاوه ازجلب دانشمندان خارجی ابانداشته وچندپزشك یونانی برای تعلیم علم پزشکی بدربار احضارنمود.

پدرمانی‌پاتك‌یکی‌ازفضلای‌معروف‌ومقرب‌دربار اردشیرساسانی بود.اوفرزند خودرا طوری تربیت نمود تاازلحاظ جنبه علمی‌جای مخصوص وبرتری را دردربار شاهان ساسانی اشغال نماید.

مانی‌درسی‌سالگی‌مردی فاضل‌ودرزمره‌دانشمندان قرار گرفت مرسوم‌دربار ساسانی‌چنین‌بود که درروزتاجگذاری‌واعیاد رسمی‌دانشمندان‌نیزحتماً بایدشرکت کنند ومقدم آنهاتهنیت عرض‌نمایدمانی درروزیکشنبه اول نیسان‌سال۲۴۲میلادی یعنی‌روزجشن‌تاجگذاری شاپوراول ازطرف گروه دانشوران حاضردرجشن‌مأمور عرض‌تبریك‌وتهنیت گردیدواتفاقاً درهمان‌روزبود که‌ضمن‌عرض‌شادباش‌تاجگذاری

مبانی آئین خودرا بابیانی فصیح و گیرا بحضور شاهنشاه تقدیم داشت.

تنسر هیربذان هیربذ یکی از دانشمندان معروف فارس در عصر ساسانی است با آنکه پدرش یکی از شاهان محلی فارس بوده معهذا بفضل و کمال گرائید و از وزراء و مشاورین با فضل و مقرب دربار اردشیر گردید وی همان شخصی است که بهمراهی عده‌ای از دانشمندان روحانی برای جمع آوری وتدوین اوستا کوشش فراوانی نمود .

آگاثیاس مورخ یونانی با آنکه ازمخالفین انوشیروان بوده نتوانسته است مراتب دانش پروری و کمال دوستی اورا نادیده انگارد وی اظهار تعجب وتحیر مینماید که پادشاهی باوجود اشتغالات بامور جنگی ومملکتداری چطور از آموختن فلسفه آنی غفلت نمی نماید ومینویسد که اورانیوس فیلسوف وپزشك بزرگ سوریه‌را بدربار خود جلب نمود تا ازوی حکمت وفلسفه بیاموزد .

درزمان همین پادشاه یعنی بسال ۵۲۹ میلادی ژوستی نیانوس امپراطورروم مدارس فلسفی آتنیه واسکندریه ورهارا بست وهفت تن ازدانشمندان مدرسه آتنیه بدربار روآوردند. انوشیروان مقدم آنهارا گرامی ومغتنم دانست وهنگام عقدقرارداد باژوستی نیانوس مخصوصاً یك ماده افزود که فلاسفه ودانشمندان نامبرده آزادی فکر وعمل داشته باشند وبتوانند باوطان خود بر گردند . انوشیروان باحکمای فراری مباحثات فلسفی نمود و کتابهای فلسفه ارسطو وافلاطون درزمان او بزبان پهلوی ترجمه گردید وهمچنین کلیله ودمنه اززبان سانسکریت .

نظامی عروضی درچهار مقاله ضمن تقرب فضلا دردربار شاهان ساسانی مینویسد «پیش ازاین درمیان ملوك عصر وجبائره روزگار پیش چون پیشدادیان و کیان واکاسره وخلفا رسمی بوده است که مفاخرت ومبارزت بعدل وفضل کردندی وهر رسولی که فرستادندی ازحکم و رموز ولغز مسائل با اوهمراه کردندی و درین حالت پادشاه محتاج شدی بارباب عقل وتمیز واصحاب رأی وتدبیر، وچندمجلس درآن نشستندی وبرخاستندی تا آنگاه که درآن جوابها بریك وجه قرار گرفتی وآن لغز ورموز ظاهر

وهویداشدی... پس از این مقدمات نتیجه آن همی آید که دبیر عاقل وفاضل مهین جمالی است از تجمل پادشاه و بهین رفعتی است از ترفع پادشاهی ... »

دبیران دربار از بین فاضل ترین و کارآموز ترین دبیران انتخاب میشدند. ایران دیبهربذ(رئیس دبیران) که درحضر درخدمت شاه ودرسفر ازملتزمین رکاب بوده است ایران دیبهربذاززمره وزرا و بعدازمؤبدمؤبدان مقام ارجمندی داشته است.مؤبدان نیزاز دانشمندان و دانایان بوده اند که دستورات مذهبی وقوانین عرف را اجراء می نموده اند .

وظیفه دبیران در دیوان شاهی مشکلتر از همه بودچه که فرامین شاه، قراردادها ونامه‌های سیاسی . ثبت‌وقایع روزانه ؛ تنظیم امورمحاسبات کشور همه بعهده آنها بوده که در کمال مهارت و با انشای خوب از روی بصیرت میبایست تهیه و انجام وظیفه نمایند .

بسیاری از اساتید ودانشمندان معروف عیسوی درقرن چهارم وپنجم همان ایرانیانی بودند که بدین عیسوی گرائیده ازقبیل فرهاد [۱] رئیس دیرمارمتی در موصل (قرن چهارم) ماراپای اول (اوائل قرن ششم میلادی) پولس پارسی [۲] رئیس حوزه روحانی نصیبین .

ازدارالعلم های معروف آن‌زمان یکی‌مدرسه‌ای بوده است که بدست‌فیروز شهریارساسانی توسط بارسوما [۳] یکی ازاسقفان ایرانی درحدود سال ۴۵۰ میلادی درنصیبین ایجاد گردید ، این مدرسه‌ازمدارس معروف و مهم دوره ساسانی‌وتعداد طلاب آنرا تا ۸۰۰ تن نوشته اند [۴]

دیگر جندی شاپور یا گندی شاپور [۵] است ، در خوزستان شمال شرقی

---

۱ - APHRAATE

۲ - PAULUS PERSA

۳ - BARSAUMA

۴ - ص۱۳ تاریخ علوم عقلی درتمدن اسلامی تالیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا

۵ - گندی شاپور در اصل وه‌اندیوی شاه پهر (به از انطاکیه شاپور) بوده است

شوشتر فعلی شاپور اول آنجا را ساخت ودیگر شاهان ساسانی بر وسعت وازدیاد کتاب های آن افزودند و تاچند قرن بعد ازاسلام نیز مرکز اشاعه علم وتدریس وفلسفه وطب وحکمت بوده وایرانیان درآن مدرسه‌درس‌پزشکی آموخته وبجای استادان رومی‌تدریس مینمودند، درین دانشکده طب‌یونانی وایرانی‌وهندی‌هرسه تدریس میگردید .

بیشترازدانشجویان ودانش‌پژوهان مدرسه‌اورفا[1] را (شمال‌غربی‌الجزیره) ایرانیان دانشجو تشکیل‌میداده وازلحاظ اینکه بسیاری ازطلاب آن‌مدرسه‌ایرانی بوده‌اند مدرسه‌اورفارا (دبستان ایرانیان) مینامیده اند ؛ ازدانشمندان ایرانی که درین‌دبستان تحصیل کرده«آکاسیوس آرامی»[2] بارسوما[3] مئناد پارسی[4] پولس[5] ابراهیم مادی . نرسی، ازالیاس‌را نوشته‌اند. دراواخرقرن‌پنجم میلادی این‌مدرسه بسته‌شد وشاگردان ایرانی بمیهن خودباز گشته ودرایران چندین مدرسه‌تأسیس نمودند که ازجمله ریواردشیر درناحیه ارجان است و مئناد پارسی متولد شیراز دانشمند نامی درفلسفه ریاست آنراداشته‌است .

نهضت علمی چهارقرن وخرده‌ای دوره ساسانیان وپرورانیدن دانشمندان و دایرنگاهداشتن‌مکاتیب‌وآموزشگاهها و کتابخانه‌هاومعرفت دوستی‌ودانش‌پروری شاهان‌ساسانی‌سبب گردید تاپس‌ازسقوط دولت ساسانی درزمان اسلام نیزایرانیان مشعلدارِدانش‌ووسیله‌نشرعلوم‌بسایرنقاط متمدن وقت گردند. ازدوره‌خلفای اموی که بگذریم خلفای‌عباسی‌چون‌پایه خلافت آنهابدست‌ایرانیان استوار گردیده بود وتحت‌نفوذ وزرا ورجال‌علم پروروادب‌دوست‌ایرانی‌واقع‌شده بودند بتوسعه‌مدارس ومکاتب وتشویق‌فضلا وجلب‌علماوحکما همت گماردند وبطوریکه می‌بینیم‌بسیاری ازعلمای‌قرون‌اولیه‌اسلام ایرانیانی بودند که‌تحقیقات ومعلومات‌خودرا بزبان‌عربی انتشارداده‌اند وآنچه از کتابهـای علمی وفلسفی وطبی‌ایرانی که بزبان سریانی یا

---

١ ـ اورفا URFA یا ادسا EDESSA

٢ ـ ACACIUS ARAMFEN

٣ ـ BARSAUMA ٤ ـ MAANADF PFRSE ٥ ـ PAULS

پهلوی در گوشه‌و کنار باقی مانده بود از زبان عربی ترجمه گردید وحقاً از اینراه خدمت گرانبهائی بتوسعه تمدن وفضل‌دردنیای اسلامی نمودند .

نامی‌ترین‌دانشمندایرانی‌دردربارابوجعفرمنصوربن‌محمد(۱۳۶ـ۱۵۸هجری) عبدالله مقفع میباشد که جاه ومنزلت اودردربارخلیفه رفیع وبسیاری‌از کتب‌را از زبان پهلوی بعربی ترجمه نموده است .

اثر طبع جناب آقای سامی

شیراز

بوی شیرازم دل و جان پرورد
خاك جانان، روح وریحان‌پرورد

مشك آمیز است ، خاك پاك آن
بوی مادر بشنوم ، از خاك آن

مهد علمش خوانی ار نبود عجب
خاکش آغشته است، باعلم وادب

تربت حافظ زیارتگاه دل
کعبه اهل دل است‌آن‌آب‌و گل

دردلش بس اهل دل بنهفته است
دردل‌آن خاك سعدی خفته است

شهرسروونرگس‌وکاج و گل‌است
بلبلش سرمست بوی سنبل است

نرگسش جان میفزاید از نگاه
بوی نارنجش بکاهد رنج راه

در کنار هر گلستان ، جاگزین
سروناز و سروقد نازنین

سبزه رویان ، در کنار سبزه زار
برده از صاحبدلان صبر و قرار

لب چو بگشایند ، از گفتارشان
هست پیدا (لطف معنی دارشان)

گرچه میریزد نمك از آن‌دهان
لهجهٔ شیرین بود شکر فشان

روح شیرازی که عاشق‌پیشه‌است
در لطافت ، برتر از اندیشه است

نیست در دل جز باشعارش شعار
نیست جز باساز روحش سازگار

تیره شددنیا بچشم، ارچون‌شبش
باز هم بینی تبسم بر لبش!

همچو اسپند ، ار سپنتا سوخته
زان تبسم ، خنده ها آموخته

شرح حال

نویسنده دانشمند جناب آقای میرزا محمد صادق ستوده مدیر روزنامه «عدل»

تولد در شیراز از خانواده شریف و بزرگ کازرون، از مشایخ علماء و آزادیخواهان صدر مشروطیت ایران، و از پیشقدمان و بنیان گذارانی که در تأسیس و تشکیلات فرهنگ فارس خدمات ذیقمتی را انجام داده مدتها ریاست بازرسی و کفالت فرهنگ فارس را عهده‌دار بوده.

جناب آقای ستوده یکی از نویسندگان فاضل شیراز و استاد در طبیعیات و ریاضیات و صاحب تألیفات و ترجمه‌های متعددی هستند علاوه برجنبه نویسندگی طبع شیوائی درسرودن شعر دارند.

اثر طبع جناب آقای ستوده

دریغ وافسوس و آه ز سعی بیحاصلم　　که درس و بحثم فزود هزارها مشکلم
ز تیر اوهام شد سرشته گوئی گلم　　فروغ حق الیقین نساخت روشن دلم
نه در سلوکم سکون، نه در سکونم قرار

عهد جوانی مرا چو تیر، از شست شد　　قوایم از پای رفت، نشاطم از دست شد
جهان و آمال او درنظرم پست شد　　بدل مرا حسرتی تنها پا بست شد
کز همه اسرار کون یکی نشد آشکار

بهر چه بستم نظر، زهر که جستم خبر　　که سر مکنون مگر، دمی شود جلوه گر
نهال امید را جز این نبودی اثر　　کاز انتظارم گداخت چو سخت جان محتضر
آری شد انتظار سخت تر از احتضار!

شرح حال

جناب آقای محمدجعفر حسرت زاده پازارگادی متخلص به (سرود)

فرزند مرحوم میرزا محمدباقر (حسرت) شاعر نامی گذشته. متولد ۱۲۷۱ شمسی در شیراز از شعراء و ادبای بافضیلت عصر حاضر.

جناب آقای سرود طبعی روان و ذوقی سرشار دارند بسبك اساتید قدیم وجدید شعر میسرایند تاکنون بیش از ده هزار بیت شعر سروده‌اند.

در ۱۳۰۷ شمسی دیوان خود را در شیراز چاپ نموده اشعار فکاهی (سرود) بسال ۱۳۰۴ در روزنامه ظریف شیراز منتشر گردیده.

این شاعر بزرگ با شعراء و نقاشان نو که مروج شعر نو وسبك کوبسیم هستند مخالف میباشد و میگوید:

آنان ضربهٔ سختی به پیکر ادبیات و آثار ملی ما وارد میآورند.

این استاد فکاهی سرا که تسلط کاملی در شعر و نقاشی و عتیقه شناسی دارد معاون (موزهٔ پارس) شیراز است.

اثر طبع جناب آقای سرود

در خور عشق مدان شاهد هر جائی را

من بجان میخرم از عشق تو رسوائی را
بدو عالم ندهم لذت شیدائی را

آنکه در سر هوس مهر نکویان دارد
باید اول بکند ترك تن آسائی را

محفل عشق بعشاق جهان ارزانی
که نه راه است در آن بزم خودآرائی را

بگذر ای دوست خدارا که دمی مردم چشم
از رخت کسب کند قدرت بینائی را

حیرت چشمم از آن روست که خیل مژه ات | از که آموخت چنین طرز صف آرائی را
آرزو میکندم دل که شبی با زلفت | مو بمو شرح دهم عالم تنهائی را
پرسشم کن بسئوالی که مرا طوطی طبع | از دهان تو بیاموخت شکـر خائی را
ای دل از طالب یاری بشنو پند سرود | در خور عشق مدان شاهد هر جائی را
جز سخن سنج نداند هنر اهل سخن | ز آدمیت چه خبر مردم صحرائی را

✡ ✳ ✡

عشاق را سعادت هستی زهست تو است

هر روز تازه مرغ دلی پای بست تو است
روی تو هر که دید حیاتش بدست تواست
جانا شهید عشق ندارد غرامتی
خونش حلال باد اگر ضرب شست تواست
دلداده را بتا چه غم از طعنه رقیب
تا دلنواز لعل لب می پرست تواست
از اشگ چشم خویش کنم پاك از غبار
زیرا که این دو منظره جای نشست تواست
این بیتم از (سرود) خوش آمد که خوش سرود
عشاق را سعادت هستی ز هست تواست

✡ رباعی ✡

روزی بگرفتم دل خود یکدستی
گفتم که چرا تو اینقدر بد مستی
از دست تو مال و شرفم رفت بباد
گفتا که تو را ول نکنم تا هستی

شرح حال

جناب آقای فضل‌الله شرقی نویسنده ومدیر دانشمند روزنامه وزین «پارس»



جناب آقای فضل‌الله شرقی نویسنده فاضل روزنامه «پارس»

فرزند مرحوم شیخ محمد جعفر از خانواده علم‌ودانش، پس از تحصیل وتکمیل علوم‌قدیمه وادبیات‌فارسی‌وعربی، دبیرستان ابن‌سینارا افتتاح‌نموده باسعی‌وجدیت‌فراوان وزحمات طاقت فرسا در راه تعلیم وتربیت افراد، امروزیکی‌ازبهترین دبیرستان های شیراز است‌از ۱۳۱۵ علاوه‌بر تدریس‌وخدمت فرهنگی روزنامه عصر آزادی را منتشر نموده اند.

ازسال ۱۳۲۰ امتیازروزنامه پارس‌را گرفته درانتشار آن همت و فداکاری‌های زیادی نموده ومینمایند. هرهفته مرتباً سه شماره منتشرمیشود.

روزنامه پارس ازبهترین‌مطبوعات درخشان‌ایران ومطالب‌نفیس آن گنجینه ایست ازعلم‌وادب. جناب آقای‌شرقی نه فقط مربی ونویسندهٔ بزرگ میباشندبلکه درتمام امورعام المنفعه شرکت وخدمات قابل تقدیری را انجام داده‌ومیدهند.

عضوشورای‌عالی‌فرهنگ‌فارس‌وشیروخورشیدسرخ‌وشورای‌عالی‌هدایت‌جوانان ونماینده انجمن‌شهرشیرازمیباشند. جناب آقای‌شرقی تمام اوقات شبانه روزخودرا وقف خدمت بنوع مینماید از طرف وزارت فرهنگ بپاس خدمات گذشته و حال باهداء نشان‌سپاس‌نایل گردیده‌اند.

اززادگاه پاك «حافظ وسعدی» فرزند برومندی مانند جناب آقای شرقی برخواسته تا سطح تربیت و اخلاق عمومی را بوسیله فضل و دانش خویش بالا برده نواقص جامعه را برای فرزندان میهن بوسیلهٔ قلم اصلاح نماید و چراغ هدایت علم را بدست گرفته مردم را از نور فضل آن منور و منتفع نماید.

اینستکه افراد وطن با دیده احترام بجناب آقای شرقی مینگرند و ویرا از مفاخر بزرگ ایران میدانند.

آثار قلم نویسنده ارجمند

جناب آقای فضل‌الله شرقی

مبارزه بالکل آغاز میشود!

جمال روحانی اسلام در قیافه جذاب

حضرت آیت‌الله بروجردی

« رسد آدمی بجائی که بجز خدا نبیند »

« بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت »

«سعدی»

دراین گیرودار «زندگی نام» بکسی که رنجی نبرده، گنجی نمیدهند. ارزش واقعی افرادرا بامیزان فضیلت آنان اندازه میگیرند. آنهائی که بادیده‌دل، دیده‌اند که ملائك گل آدم را سرشته وبه‌پیمانه میزنند؛ راهی بجائی‌دارند وسراچه دلشان ازنورخدائی روشن‌است. تمام کسانی که باجمال وقیافه واقعی وروحانی خود، در پیشانی‌دنیامیدرخشند؛ آنهائی هستند که بندهواوهوس‌را ازپای‌جان‌ودل، برداشته وبابال تقوی‌وفضیلت، درآسمان پرهیز وصفا بال گشوده‌اند. خدمتگذاران حقیقی جامعه بشری نیز بسبب آنکه عبادت خدارا درخدمت خلق یافته اند؛ در پیشگاه خدای بزرگ ارجی‌والا وپاداشی عظیم دارند. دراین عصروزمانی که‌جامعه بشری

درگرداب «مذلت بار» گناه غرق شده وفشار زندگی مادی روح وجسم آنرا خرد ساخته‌است‌وجود کسانی که جز بخدا و آسایش مخلوق توجهی ندارند بسیار ارزنده میباشد . اینها چراغ درخشان وپرفروغی‌هستند که بشب‌تاریك زندگی‌ما روشنی وبدل‌سردو گمراه ما گرمی‌وحرارت‌می‌بخشند . اینها هستند که ملجاء وپناه مردم گمراهند اگر اینها درمیان مازندگی نمیکردند موج کفروالحادوبداندیشی همه را درمیان‌میگرفت‌وآخرین‌روزنه امیدبشری بسته‌میشد. حضرت آیت‌الله‌بروجردی بامقام والائی که دردیار حق‌وحقیقت دارند ازقیافه‌های روشن‌معدودی هستند که زندگی مسلمانان جهان را باجمال روحانی ومعنوی خود روشن ساخته‌اند . این مرد خدا از آغازدوره جوانی‌بانیروئی مجهز بادانش وفضیلت‌وتقوی وپاکی بارشاد مردم کمربسته وتاکنون که دوران پرافتخارپیری را طی میکننند باهمان حرارت وذوق‌جوانی‌بوظیفه هدایت‌وارشادقیام واقدام‌میفرمایند. حضرت آیت‌الله‌بروجردی مقام روحانیت‌را مافوق هرنیروئی‌دانسته وپیوسته‌ازمداخله درامورسیاسی احتراز واجتناب میجویند وعملا ثابت کرده‌اند که روحانیت یعنی ارشاد روح و عقل بشر بمراتب ازدخالت در اموری که فرسنگها ازمعنویت فاصله دارد وبرمدار زندگی مادی ونظام اجتماعی و اداری دور میزند بالاتر وارزنده‌تر میباشد . اگر مردان بزرگ‌را بجهانی تشبیه کرده‌اند که در گوشه‌ای نشسته‌اند سخنی‌نیکو گفته‌اند و ما اکنون‌میتوانیم‌این‌حقیقت‌را درزندگی‌روحانی پیشوای بزرگ‌مسلمانان‌جهان تماشا کنیم براستی که آیت‌الله بروجردی جهانی ازدانش وفضیلت وحقیقت‌اند که درگوشه قم نشسته وبافروغ معنوی خود برمردمی که درشعاع خورشید روح وی گردآمده‌اند نوروگرمی میدهند چه کمکهای‌مادی ومعنوی که همه دم ازناحیه حضرت معضم‌له درباره مردم مبذول میگردد وچه خدمتهای مهمی که بارشاد آن رهبرواقعی‌درراه پیشرفت دین‌مبین‌اسلام بعمل‌میآید حوزه قم مرکزحکومت‌دین خدا ومجری‌احکام شرع مترقی‌ودنیاپسند پیغمبراکرم ص است. بهمین‌جهت‌است که همه مردم و کسانی که دردل نوری ازوصلت دین وحق وحقیقت دارند بدان کعبه امید روی مینهند ومشکل گشای خود راازآن درگاه میطلبند . دوهفته‌پیش‌بود

که یکی از شخصیت های بین‌المللی کـه وظیفه مهمی را بعهده دارد به پیشگاه آیت‌الله بروجردی باریافت وازمحضرفیاض معظم له کسب‌فیض‌نمود . «ارشه‌تونك» دبیر کل‌سازمان بین‌المللی مبارزه باالکل که مدت دوسال است مشغول مبـارزه باباده گساری میباشد و بر آنست که بمدد مردم واقع بین دنیا منع‌الکل را عملی بسازد بدیدار پیشوای بزرگ شیعیان شتافت تا عقیده و نظر معظم‌له را در باره «می ومیگساری» استفسار کند. وی‌شرح کوششهای‌خودرا درمحضرحضرت آیت‌الله باز گفت ومورد تایید ایشان‌قرار گرفت. وقتی دبیر کل‌سازمان بین‌المللی مبارزه باالکل، علت‌حرمت باده گساری را دراسلام ازحضرت آیت‌الله سئوال کرد،پیشوای مسلمانان جهان فرمودند : **انسان بسبب داشتن عقل ، اشرف مخلوقات شناخته ؛ شده است‌ودیعه‌گرانبهای شعور عقل ؛که خداوند بما داده ؛ برای حفظ آنهم دستورهائی** امر فرموده است. **بهمین‌جهت‌پیغمبراکرم«ص»،استعمال‌وشرب مواد الکلی‌راکه منجر بمستی‌واختلال عقل میگردد؛ حرام فرموده ووجوب این‌تحریم برهر عقل سلیم ؛ مسلم میباشد»** **حضرت آیت‌الله در تایید این بیانات‌بچندین آیه ازآیات‌قرآن‌کریم نیز استناد فرموده ؛ سپس به آقای آرشه تونك فرمودند : این خدمت خدا پسند را ادامه بدهید و در راه تحقیق این آرزوی بشری از پا ننشینید منهم درسهم خود، باینکار کمك میکنم** و بدین ترتیب مصاحبه یکی از مسیحیان بابزرگترین عالم روحانی اسلام پایان پذیرفت . آرشه تونك دریکی از مجله های اروپائی شرح مصاحبه خود را نگاشته و نبوغ وعظمت روحی و فکری وفضلی حضرت آیت‌الله را ستوده و ازورع وفروتنی‌معظم له تجلیل کرده است وی نوشته است **«من‌جمال حقیقی وروحانی‌اسلام را درقیافه آسمانی‌آن مرد خدا دیدم و در پرتو افکار مترقی وروشن این حقیقت جلیل بدستورهای عقل پسند اسلام، آشنا شدم»** ما ازداشتن رهبر و مرشد بزرگی که فضیلت او مورد شهادت وتصدیق دیگران که درحلقه پیروان‌اسلام نیستندمیباشد. مباحات‌میکنیم‌وسلامت آنمرد بزرگ را برای هدایت وارشادجامعه ازخدای جهان‌آفرین بدودست دعا مسئلت مینمائیم .

شرح حال

جناب آقای عزیز شرقی نویسنده دانشمند معاصر مدیر داخلی روزنامهٔ وزین «پارس»



جناب آقای عزیز شرقی

فرزند گرامی جناب آقای فضل‌الله شرقی متولد ۱۳۰۰ شمسی درشیراز درسال ۱۳۱۸ دانشسرای مقدماتی‌را دیده و بخدمت پر افتخار آموزگاری و دبیری اشتغال ورزیده.

در ۱۳۳۵ شش سالهٔ متوسه (ادبی) را گذرانیده سپس با احراز رتبه اول دانشکده ادبیات‌شیرازرا تمام نموده‌وباخذ لیسانس نائل گردیده.

در کلاس های تراخم وآموزش علمی موسیقی تهران شرکت نموده باخذ گواهینامه نائل گردیده.

جناب آقای عزیز شرقی از موهبت عظمی و عطیهٔ کبری فضل و دانش که استعداد کسب آنرا حق جل جلاله بایشان اعطا فرموده کاملا برخوردار گردیده چراغی فروزان و راه نمائی درخشان برای ارشاد وهدایت مردم میباشد.

جناب آقای شرقی علاوه بردبیری دبیرستان ابن‌سینا که ازعالیترین دبیرستانهای شیراز است، مدیریت داخلی‌روزنامه وزین پارس راعهده‌دارند.

علاقه مندان بمطالعه رایحهٔ از معنی ومراد وحقیقت کمال را از قلم ساحر

مشارالیه درروزنامهٔ وزین «پارس» استشمام مینمایند .

جناب آقای شرقی ازحیث ادب ونجابت واصالت خوانوادگی سهم بسزائی دارد و آن مولود طرز تربیت صحیح ومربی عالیقدر دانشمندی چون جناب آقای فضل‌الله شرقی است .

تألیفات جناب آقای شرقی چراغ هدایت (در هفت مجله) ـ رساله حکیم نظامی وسبك روش او درشعر پارسی. وتألیفات دیگری که هنوز بطبع نرسیده .

آثارقلم جناب آقای عزیزشرقی

شاهنشاه در میان مردم

هفته گذشته بهنگـامیکه شاهنشاه از کاخ سعدآباد بقصر شهری باز گشت فرمودند ، گروهی ازمردم تهران که برای تظلم دربرابر کاخ نخست وزیری گرد آمده بودند ، اتومبیل شاهنشاه را چون حلقه انگشتری در میان گرفته وبا شور انگیزترین احساساتی کـه نموداری از علاقه قلبی مردم بشهریار جوانبخت خود میباشد ؛ برای پدر تاجـدار «هورا» میکشیدند ـ شاه بـا روی گشاده ، از اتومبیل خود پیاده شده وبه احساسات پاك عده‌ای ازملت بامهربانی بسیارپاسخ میدادند . اینها آمده بودند که ازتجاوز و تعدی گروهی از صاحبان زمین شکایت کنند و از اینکه میخواهند آنهارا ازکلبه‌ای که در اراضی بایر ووسیعی بنانموده اند بیرون سازند تظلم نمایند . شاهنشاه بادقت بسیار باظهارات آنان گوش فرا دادند و نامه آنان‌را شخصاً مطالعه‌نمودند وبرای‌رسیدگی بشکایت وتأمین آسایش آنان بمقامات قضائی وانتظامی دستورهای مؤکدی صادر فرمودند . **این اولین بار نیست که شاه بی خبر درمیان مردم ظاهر شده و با ملت خود تماس میگیرد . ازسالی کـه شهریار جوانبخت ما ، بر اورنگ پادشاهی تکیه زده‌اند و بر قلوب ملیونها نفر ایرانی سلطنت نموده‌اند بارهابخانه مستمندان پاگذاشته ومانند فرشته‌ای**

که مژده‌آور همه نیکبختی‌ها و سعادت ها میباشد ، برفع نیاز و درمان آلام و دردهای دردمندان پرداخته اند . کتاب‌حیات پرافتخار شاهنشاه مشحون ازهمین فصول درخشان است شما همیشه شاه را درمیان خود دیده‌اید آنروزها که تندباد فقروبیماری بربوستان حیات مردم ایران وزیدن گرفته بود وشعله‌ها ولهیب آتش جنگ خرمن آسایش‌ملت‌را می‌بلعید،دست مهربان شاه بدلداری مردم دراز بود وبا ایثارمال‌وعطایای خود رنج ناتوانی وفقر ودردبیماریهارا که بردوش ملت سنگینی میکرد تخفیف میداد ـ هنوز مردم شهرستانها آثاراین عطایا را که بصور گوناگون تجلی‌نموده درشئون حیاتی خود مشاهده میکنند ـ درهمین شهر ودرهمین استان یادبودهای شیرینی ازدیدارشاهنشاه در دل مـردم زنده و مـوج میزند . هنوزحادثه‌لارفراموش‌نشده ومردم زلزله زده لارستان که ازدیدارجمال جانبخش شاه مایه حیات‌ونیرو گرفته‌اند آن‌خاطره خوش را بیاددارند. آن‌دورانی که شاه عباس شبانه بصورت ناشناس بخانه مردم راه می‌یافت وبدینوسیله بدردها ورازهای آنان آشنا میشد و بدینطریق دررفـع نیازمندیهای آنان اقدام میکرد لذتی‌آمیخته باغرور بمردم دست‌میداد که‌کام جانشان‌را شیرین میساخت‌اماامروز بچشم خود می‌بینیم که شاه جوانبخت وتوانای ما درحالی که از تمام وسائل برای تامین آسایش ملت خود استفاده میکند وتمام دستگاههـای دولتی مکلفند کـه شاهنشاه را ازتمام جریان زندگی ملت واقف ومستحضرسازندمعهذا شاهنشاه باز درمیان‌مردم‌ظاهرمیشوند وبشکایت‌آنان رسیدگی میکنند وعقدهٔ دل‌دردمندان‌را باسرانگشت مهرومحبت میگشایند . این بهترین راه سلطه برقلوب مردم است و ازهمین‌راه میباشد که شاهنشاه دل‌وجان مردم را تسخیر نموده وتخت‌شاهانه‌خود را دربارگاه دلها استوارساخته است. ایکاش‌همه کسانیکه بنحوی ازانحاء مسئول تامین زندگی مردم هستند این‌راه وروش عالی‌انسانی را ازشاهنشاه می‌آموختند بامردم مهربان بوده درغم‌آنها شریک وازرنج آنان بیزار وهراسناک باشندآنهائی که تصور میکنند مقام و جاه را باید وسیلهٔ اعمال زور قرار داده وبر مردم افاده بفروشند سخت اشتباه کرده وراه خطا می‌پیمایند . **مقام، نردبان بام‌سعادت‌است،**

اگر آدمی بمدد مقام خود بتواند از پا افتاده‌ای را دستگیری بکند وگره از کار فرو بسته‌ای باز بنماید ؛ اشکی از چشمی بزداید وخاری از پائی بر آورد؛ راه وصول بسعادت و نیل بکعبه مقصود را پیدا کرده است. آنهائی کـه این معنی را نمیدانند بقول حافظ در «انکار» مانده‌اند وبدترین‌وضع زندگی نیز رفتن وسپردن راه «انکار» است. این یك‌حقیقت روشنی‌است که کار خوب خدمت بخلق وگشایش امورمردم مایه لذت روح آدمی میباشد. اگر کسی‌این‌حقیقت را «انکار» بکند حقیقت لذت وسعادت وخوشبختی‌را منکرشده است. همه کسانیکه صاحب جاه ومقامند باید ازشاه دادگر وعادل‌خود سرمشق بگیرند غم مردم داشته‌باشند رنج خود وراحت مردم بطلبند ومفهوم ومصداق‌این سخن جاوید نظامی‌را پیوسته بکار بندند. آنها که راحت خود را فدای آسایش مردم میکنند از آسودگی گرانبهائی برخوردارند که اندازه و ارزش آن از میزان تصور ما خـارج است.
ما درهمه حال بشاهنشاه خودازصمیم دل دعا میکنیم وسلامت وتندرستی اورا که ضامن سلامت جامعه‌ایران عزیز میباشد ؛ از خداوند خواستاریم.



شرح حال

جناب آقای حسین فصیحی متخلص به «شیفته» از شعرای بزرگ و نامی شیراز

فرزند ارشد شاعربزرگ قرن‌اخیرمرحوم شوریده شیرازی «فصیح‌الملك» است. بسال۱۲۸۶ شمسی درشیراز متولد شده یکی ازشعرای‌خوش قریحه وباذوق میباشند قصاید را مانند پدر خود خیلی زیبا و خوب‌میسراید همچنین در غزل لطف معنی را با انسجام کلمات توأم ساخته استادی‌خودرا نشان میدهند.

تضمین یکی از اشعار زیبای شیخ بزرگوار سعدی در زیر نمونهٔ از مهارت مشارالیه میباشد.

اثر طبع جناب آقای شیفته

نه تو گفتی که بیائی غمم از دل بزدائی ؟
نه چنین عهد نمودی که بمن رحم نمائی ؟
آخر ای عهد شکن چند پی جور و جفائی
من ندانستم از اول که تو بیمهر و وفائی
عهد نابستن از آن به که ببندی و نپائی

من از آن روز که پا در ره عشق تو نهادم
برخود از دشمن و از دوست درفتنه گشادم
دشمنان طعنه زنندم که بدام تو فتادم
دوستان عیب کنندم که چرا دل بتو دادم
باید اول بتو گفتن که چنین خوب چرائی

چاره درد من اینست و دوای دل ریش، آن
که ملامت نکشم دیگر ازاغیاروزخویشان

پرده بگشای که تا فاش شود نیز بر ایشان
آن نه خالست و زنخدان وسر زلف پریشان
که دل اهل نظر برده که سریست خدائی

غرقه در فکر توام بیتو بهر سوی روانه
که ترا میطلبم کوی بکو ، خانه بخانه
روم اندر پی خوبان کد دهند از تو نشانه
ای که گفتی مرو اندر پی خوبان زمانه
ما کجائیم در این بهر تفکر، تو کجائی ؟

هر کسی جز خم از آن گیسوی دلجوی نبیند
وآنهمه دل که بود در خم هر موی نبیند
گرچه هر دیده که دیدست بد گرسوی نبیند
پرده بردار که بیگانه خود آن روی نبیند
تو بزرگی و در آئینه کوچك ننمائی !

شرح حرمان محبان کد رساند بحبیبان
کاین نه دردیست که درمان شود از دست طبیبان
بگذرم من ز در خانه تو همچو غریبان
حلقه بر در نتوانم زدن از بیم رقیبان
این توانم کـه بیایم بمحلت بگدائی

دل ودین سود توشد حاصل من رنج وندامت
که غنیمت بتو افتاد و بمن ماند غرامت
مشکل از هجر تو من جان برم آخر بسلامت
عشق و درویشی و انگشت نمائی و ملامت
همه سهل است تحمل نکنم بار جدائی

دلبرا شو سوی صحرا و طرب جوی و تماشا
تو ازین سوی وتمشی من ازآنسوی وتماشا
هرکه دل داشت برون شد بتکاپوی و تماشا
روز صحرا و سماعست و لب جوی و تماشا
در همه شهر دلی نیست که دیگر بربائی

همه از هجر تو نالم ، همه از عشق تو مویم
خبرت نیست زحالم ، گذرت نیست بکویم
گفته بودی چو بیابم نکنی چشم بسویم
گفته بودم چو بیائی غم دل با تو بگویم
چه بگویم که غم ازدل برود چون تو بیائی

عاشقان را بدم تیغ تو بسپردن و کشتن
سهلتر تا ز غم هجر تو افسردن و کشتن
هم اگرطبع توراضی است بآزردن و کشتن
شمع را بایدازاین‌خانه برون‌بردن و گفتن
تا که همسایه نداند که تو در خانه مائی

چه توان کرد اگر خون مرا عشق بریزد
بنده عشقم و از دست من بنده چه خیزد ؟
«شیفته» کیست که در بند توای عشق ستیزد
سعدی‌آن‌نیست که هرگز زکمندتو گریزد
که بدانست که در بند تو خوشتر که رهائی

شرح حال

جناب آقای سید محمد مدرس صادقی نویسنده فاضل



جناب آقای سید محمد
مدرس صادقی

بسال ۱۳۰۳ شمسی در شهر ادب پرور شیراز پا بعرصه وجود گذارده پدر ومادر هردو ازخانواده روحانی اصفهان بوده که بلحاظ کسب تجارت درشیراز سکنی گرفته بودند . اجداد پدری همه نسلا بر نسل از حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام شروع میشود که‌ازعلمای مبرز و مجتهدین طرازاول نجف واصفهان بوده‌اند درزمانی که ساختمان مسجد شاه اصفهان خاتمه پذیرفت بنا بامر شاه عباس کبیر مقرر شد یکی ازمجتهدین طراز اول آنروز درآن مسجد امامت کند لذا حکیم بزرگوار شیخ بهائی که عهده‌دار صدارت بود بنجف اشرف مشرف ودرباز گشت آقای میر محمداسمعیل راکه ازاجله علما بود باخود باصفهان آورد وبدین‌ترتیب نسل بعد آنمرحوم باهمان عنوان وسمت‌ساکن‌اصفهان گردید، بنا بر اصل‌ونسب وخوابی که مرحومه مادرمشارالیه دیده بود بنام محمد نامیده شد . بعد از گذشت‌دوران کودکی واقتضای سن دردبستان سادات شیرازبتحصیل مشغول‌شده دوره ابتدائی را درآن دبستان و همچنین متوسطـه را در دبیرستان شاهپور شیراز بپایان رسانیده درسال ۱۳۲۰ ازادامه تحصیل خودداری و بعنوان حسابدار در چاپخانه

موسوی و دفتر نمایندگی روزنامه اطلاعات و دیگر روزنامه های کشور خدمت فرهنگی خودراآغازنموده . درسال۱۳۲۶ موفق شده چاپخانه مهرگان‌را افتتاح ومستقلا درخدمتگذاری باپشت‌کار وعلاقمندی بیشتر شروع بکار نماید .

درهمان سال افتتاح چاپخانه تصمیم گرفته هرسال ازراه‌تهیه نشریه برای همشهریان عزیزخودعضومفیدی محسوب شود بحمدالله باپشتیبانی وتوکل‌بحضرت احدیت وائمه اطهار علیه‌السلام واستقبال گرم مردم درسال اول شاهنامه فردوسی را که ازگنجینه های ادب ایران و فارسی زبان است و نایاب شده بود بطریق جزوه مرتباً هردو روز یکمرتبه چاپ ودردسترس علاقمندان گذارده سال بعد کتاب مختصر تاریخچه پیشوایان ومروجین دین مبین اسلام را باگراور های مربوطه تحریر ومنتشر ساخته . درسالهای بعدبه‌ترتیب کتاب مهرگان شیراز و شیرازامروز وپاکستان‌امروز که اولی‌حاوی اشعارشعرای‌شیرازودومی چگونگی وکیفیت شیراز امروزازلحاظ جغرافیائی واوضاع طبیعی و سیاسی وشرح حال علما و رجال و روزنامه نگاران معاصر شیراز ومقایسه شیراز کنونی با شیراز پنجاه سال‌قبل بود .سومین کتاب‌ازپیشرفتهائی که بعدازجنگ دوم جهانی‌نصیب کشورجدید الاستقلال پاکستان گردیده‌بود نگارش یافته درجلد های‌جداگانه چاپ ودردسترس علاقمندان گذارده .

این کتابها که از روی عشق و علاقه وایمانی راسخ بخدا و شاه و میهن تهیه وتدوین گشتهبودمورداستقبال گرم‌قرارگرفت. گرچه سرمایه مادی‌چاپخانه بکلی‌صرف چاپ وتهیه‌این کتابها شده ولی مؤلف بزرگ خوشوقت است دینی را که بگردن داشته ادا نموده اینك مشغول تحریر و تنظیم وجمع آوری اسناد و مدارکی است که بصورت کتابی بنام دیدنیها وشنیدنیهای جهان تقدیم دارد .

جناب آقای‌صادقی که ازمؤلفین‌ارجمند شیرازمیباشندباشوق‌وذوق فراوانی خدمتگذار میهن عزیز وشاهنشاه محبوب ومروج‌علم ودانش‌هستندزحمات‌شایسته مشارالیه در مقابل مام وطن مقبول وپسندیده و خداوند بزرگ یار و مددگار ایشان است ودرنظرارباب فضل‌ودانش‌مقامی بس‌ارجمند دارند .

شرح حال

جناب آقای دکتر لطفعلی صورتگر نویسنده دانشمند وشاعر بزرگ، استاددانشگاه تهران ، رئیس دانشکده ادبیات شیراز



جناب آقای دکتر صورتگر
استاد دانشگاه تهران

از خاندان بزرگ لطفعلی خان فرزند میرزا آقاخان شیرازی در مهد ادب وشعر یعنی شیراز بسال ۱۲۷۹ پا بعرصه وجود گذاشته . جناب آقای دکتر صورتگر نه فقط نویسنده وشاعر عالیقدر ایران است بلکه از سخنوران طراز اول بشمار میرود . پس از گذرانیدن دوره مقدماتی ، متوسطه را در هندوستان وانگلستان بپایان رسانیده درسال ۱۳۰۶ از طرف دولت برای ادامهٔ ادبیات زبان انگلیسی باروپا رفته ودرسال ۱۳۱۶ برای مطالعه واخذ دکترا بلندن رهسپار گردیده بدرجهٔ دکترا از دانشگاه ادبیات انگلستان نائل گردیده تز خودرا تحت عنوان «تأثیر ادبیات ایران درادبیات انگلیس در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی گذرانیده » بزبانهای فرانسه ، انگلیسی و عربی بخوبی آشنا است .

جناب آقای دکتر صورتگر کـه در روابط فرهنگی و ادبی بین المللی معروفیت بسزائی دارند ازمفاخر علمی وادبی ایران بشمار رفته ، وزارت فرهنگ و دانشگاه تهران فداکاری و زحمات مشارالیه را درراه تعلیم و تربیت قدردانی

نموده .

تألیفات پرارزش
جناب آقای دکترصورتگر

تاریخ ادبیات انگلیسی بزبان فارسی در (۳جلد) سبك‌رمانتیزم درانگلستان ـ سخن سنجی ـ اصول علم اقتصاد ـ سخنانی چند از نویسندگان باختر ـ عناصرموجود درادبیات پارسی ـ برگهای پراکنده مجموعهٔ اشعار وی ـ ترجمه های بسیار عالی مانند «مارسیون» والت‌اسکات ، درام (فاوست کریستوفرمارلو) .

جناب آقای دکتر صورتگر نماینده ایران در کنفرانس سانفرانسیکو به آمریکا رفته مدت یکسال دردانشکده ادبیات‌کلمبیا سمت‌استادی‌را داشته همچنین بنمایندگی ازطرف ایران برای شرکت درنمایش موزه «ارمیتاژ» شرکت نموده به پاکستان بعنوان عضو هیأت حسن نیت درسال۱۹۵۳ رفته .

جناب‌آقای دکترصورتگر که‌یکی‌ازنوابغ بزرگ‌ایران‌است‌در کشورهای بیگانه نمونهٔ از افتخارات علمی و ادبی میهن عزیز مــا میباشد .

اثرطبع جناب‌آقای دکترصورتگر

شیراز

هر باغبان که گل بسوی برزن آورد
شیراز را دوباره بیاد من آورد
آنجا که گر بشاخ گلی آرزوت هست
گلچین به پیشگاه تو یك خرمن آورد
نازم هوای فارس که از اعتدال آن
بادام ‌ُبن شــکوفــه مه بهمن آورد

آتش بکار نایدمان روزگـار دی
با آتشی که ساقی سیمین تن آورد
نو روز ماه فاختـه و عندلیب را
در بوستان نواگر و بربط زن آورد
ابر هزار پاره بگـیرد ستیغ کوه
چون لشکری که رو بسوی دشمن آورد
من در کنار باغ کنم ساعتی درنگ
تا دلنواز من خبر از گلشن آورد
آید دوان دوان و نهد بر کنار من
آن نرگس و بنفشه که در دامن آورد
ساقی که میر مجلس انس است پیش ما
چون روز تیره گشت می روشن آورد
«مطرب طلب کنیم بگویند می زده است
خادم دویده او را بر گردن آورد»
صدگونه میوه پیش من آن باغبان پیر
از بامداد تا بگـه خفتن آورد
باد سحر که پیك نشاط است زان دیار
بس نغمه های خوش که بگوش من آورد
مردی گریز پایم و دور از دیار خویش
زان اند هم زمانه بپاداشن آورد
از شهر من هرآنکه رساند خبر مرا
زی گیو گوئیا خبر از بیژن آورد

شرح حال

جناب آقای استاد عبدالرحمن فرامرزی بزرگترین نویسندهٔ دانشمند ایران
مدیر روزنامهٔ کیهان



جناب آقای عبدالرحمن فرامرزی

فرزند مرحوم عبدالواحد فرامرزی که طایفه بزرگی از طوایف فارس و در محل موسوم به (فرامرزان) زندگی میکنند. طایفهٔ ارجمند فرامرزان دارای صفات و سجایای ممدوحه بسیاری هستند از آنجمله تهور، رشادت، میهن پرستی، وخدمتگذاری و فداکاری در راه میهن ریاست این طایفه را پدر جناب آقای فرامرزی که از علماء و ادبای طراز اول زمان خود بوده و اجداد وی داشته اند.

فرامرزان در بلوك آن و خارج از آن وشعباتی ازاین طایفه در مازندران وبلوچستان و دشتستان نیز هستند[1].

تحصیلات مقدماتی را در فارس. متوسطه و مطالعات عمیقی را در بحرین وسپس در احساء وسایرعربستان کرده قدرت کاملی درزبان عربی دارند. بعد از فراغت از تحصیل در مدرسهٔ ایرانیان بحرین و همچنین مدارس حکومتی آنجا بتدریس اشتغال ورزیده. چون همیشه با برادر خویش آقای احمد فرامرزی

---

۱ - در (جغرافی رزم‌آراء) که ازانتشارات ادارهٔ جغرافیائی وزارت جنگ است مقدارمختصری ازاین طایفه‌را ذکر کرده.

راجع بمالکیت ایران بر بحرین صحبت میکردند ازطرف خارجیان در تحت تعقیب قرار گرفته ناچار شبانه با لباس مبدل بشبه جزیره قطر فرار کردند ولی برای جلوگیری از فرار تمام کشتیها را کنترول کردند ناچار قریب یکسال در بیابانها بالباس مبدل ونام عوضی میگشتند تاخود را ببوشهر و از آنجا بتهران رساندند و وبنوشتن مقالاتی چند در جراید و بعد تأسیس (مجلهٔ تقدم) که در زمان خود از مجلات بسیار خوب تهران بود پرداختند .

جناب آقای استادفرامرزی درمدارس درجه اول تهران دارالفنون ـ سیاسی ـ دارالمعلمین صنعتی و سایر مدارس تدریس نموده اند ـ دانشگاه صلاحیت وی را برای تدریس زبان عربی تصویب کرده .

درحین جنگ واشغال ایران جناب آقای فرامرزی باشرکت جناب آقای دکتر مصباح زاده بتأسیس روزنامهٔ آیندهٔ ایران پرداختند ولی بعد از دو ماه توقیف شد سپس باتفاق روزنامهٔ کیهان که از درخشنده ترین جراید ایران است تأسیس کردند وتاکنون یومیه باسرمقالهٔ دانشمند بزرگ جناب آقای فرامرزی منتشر میشود .

سمت های جناب آقای فرامرزی

از وزارت فرهنگ بوزارت خارجه منتقل شده مجدداً بوزارت فرهنگ و بعد بوزارت کشور و رئیس ادارهٔ نامه نگاری که قبل از ادارهٔ کل تبلیغات تأسیس و بنام ادارهٔ انتشارات و تبلیغات موسوم گشت .

وچهار دوره نماینده مجلس شورای ملی بودند .

اکنون با دارا بودن جواز وکالت درجهٔ یك فقط بادارهٔ روزنامه وزین «کیهان» ووکالت دادگستری اشتغال دارند .

تألیفات جناب استاد فرامرزی

مقالاتی درجراید و مجلات درجهٔ اول تهران سرمقاله های سیاسی علمی و ادبی روزنامهٔ کیهان ـ کتاب دستور زندگانی، سرگذشت

یك بدبخت ـ داستان دوستان ـ مجموعهٔ مقالات ـ کتابهای دبیرستانی بزبان عربی وفارسی برای تمام دوره ها .

جناب آقای استاد فرامرزی که از علمای شهیر و از دانشمندان بزرگ ایران هستند نه فقط در ترویج علم ودانش سهم بسزائی دارند بلکه درمیهن پرستی و شاه دوستی و فداکاری و جانثاری در راه وطن مقدس از مفاخر بزرگ ایران میباشند در اشغال ایران و تجزیهٔ آذربایجان سوابق خدمات درخشانی دارند که همه کس میدانند .

طلوع این ستاره درخشنده دانش که از دارالعلم شیراز مهد ادب پرور ایران برخاسته تا ابد درتاریخ پرافتخارما باقی وسرمشق بزرگی برای دیگران خواهد بود .

آثارقلم نویسندهٔ بزرگ جناب آقای

استاد عبدالرحمن فرامرزی

مرض بدبینی

یکی ازدوستان ما نامهٔ باداره فرستاده ومطالعاتی که در میان جامعه کرده و معایبی که در بین ایشان دیده بصورت چند ماده بما پیشنهاد نموده و از ما خواسته است که راجع بآنها چیز نوشته و جامعه را از مضرات آن آگاه سازیم . یکی ازاین معایب زشت که بعقیدهٔ او در ایران زیاد شیوع دارد وجامعه ما را تحدید میکند مرض بدبینی است .

اتفاقاً این مسئله ایست که بنده خود از خیلی پیش متوجه آن شده بودم و مقالاتی نیز در مبارزه باآن نوشته‌ام که در موقع خود درج شده است .

هیچ جای شبهه نیست که مهمترین عمل کامیابی درهرچیز امید وایمان است امید یعنی اینکه آدم امیدوار باشد که بآرزوی خود برسد و ایمان یعنی معتقد

باشد که کاری را که پیش گرفته است خوب است و حتماً نتیجهٔ مطلوب را از آن خواهد گرفت . البته وقتیکه شخص چنین امید و ایمانی داشت ازسعی و کوشش خسته نخواهد شد وچون کامیابی وتوفیق غیرازسعی و کوشش هیچ سری ندارد در صورتیکه مواجه با یك موانع اتفاقی وفوق‌العاده نشود بدون شبهه بمقصودخواهد رسید . ولی بعکس اگـر انسان ازاول مأیوس و ناامید بود یا اصلا بکاری شروع نمیکند ویااگر کرد بقدری‌تزلزل وناستواراست که با کمترین صدمتی ازمیدان بدر میرود و نومید وناکام از آنجا بر گشته یا در گوشهٔ خواهد خزید وازچرخ و کج رفتاری و ناسازگاریش بآزادگان ناله خواهد کرد و یابد نبال کار دیگر خواهد رفت وباز دراولین صدمت آنرا رها خواهد ساخت وبدین ترتیب تمام عمر متزلزل وحیران وسرگردان خواهد بود.

چون جامعه نیز از افراد تشکیل یافته است بدون هیچ شکی جامعه هم حال فرد را دارد و حیات و ممات و ترقی و تنزل آن باندازه امیدواری و یأس او است .

البته یأس و امید دریك فرد یا جامعه نتیجه روحی عواملی است کـه قبلا برای‌آن فرد یا جامعه رخ داده باشد .

یعنی کسیکه از طفلی با ناکامی و بدبختی بوده است همیشه دارای روحی افسرده وبدبین وناامید خواهد بود واگراجداد ونیاکان اونیز بهمان حالت دچار شده‌بودند البته این خوی درروی‌عمیق‌تر و ریشه دارترخواهد بود و بنابراین علت این بدبینی که درملت ایران شیوع دارد واضح وروشن است .

ملتیکه ازحمله مغول تاکنون جزرنج و سختی، ظلم و ستمگری، شکنجه وفشار، ناامنی و بی انتظامی چیزی ندیده است ؛ ملتی که پدران او افسردگی‌وغم و اندوه را باشیر خورده و باخود بگور برده‌اند البته نسبت بهمه چیز بدبین و از هرموفقیت وکامیابی مایوس است . این دردی است که ما ازنیاکان خود در عرض چند سال بارث برده‌ایم ودرمامزمن شده است. ولی آیاباید بامرض‌مزمن‌ساخت !

آیا حب حیات انسان را وادار نمیکند که بیماری خود را هرچند کهنه و سخت باشد معالجه کند ؟ آیا عقل اجازه میدهد که وقتی راه علاج بازاست آدم با درد بسازد ومنتظر مرگ باشد؟ البته خیر.

این دردی است مثل سرطان درجسم ما ریشه زده و دائماً سعی میکنند که ریشه بقلب ما برسد علاج پذیراست وراه علاج آن نیز آسان ودردست خودماست یعنی این جوانانی که از مدرسه بیرون آمده و خویشتن را با اسلحه قرن بیستم یعنی علم ودانش مجهز ساخته‌اند ولی روح یأس ونومیدی و بدبینی طوری بایشان مستولی است که هیچ امید ندارند کــه روزی ایران قد علم کرده و در میان ملل معظم گیتی لوای سربلندی وافتخار بلند کند ، نسبت بهمه چیزوهمه کس بدبینند میتوانند با کمی فکراین روح را درخود عوض کنند وباعوض نمودن خود جامعه را عوض‌نمایندبجای‌اینکه مأیوس باشند، همه‌چیز را بدبدانند وانتقاد کنند نخست باور کنند که ایران کشوری است مثل سایر کشورهای دنیا وملت ایران نیز ملتی است مثل سایرملتهای جهان اگر در بعضی اخلاق عارضی خود ازبرخی ملل عقب است دربعضی نیزازآنها بدیگری مزیت دارد وبنابراین باپیدا شدن یکعده مردم امیدوار و باایمان و فداکار ممکن است آن اخلاق ناپسند را از میان برداشت و اخلاق پسندیده شان را نیرو بخشید. بجای‌یأس ونومیدی، تنبلی و بیکاری ، خود خواهی و کوتاه بینی . امید و آرزو و ایمان و فعالیت وپشت کار و نوع دوستی و درستی را در میان ایشان رواج داد و دست ایشان را گرفت و ازورطهٔ حیرت و سرگردانی ویأس وبدبینی بیرون کشید وبساحل نجات و رستگاری رسانید .

هیچ چیز نمیخواهد جز کمی ایمان و امید و فداکاری جوانان تحصیل کرده و پاك .

شرح حال

جناب آقای عباس فرشید نویسنده ومدیر دانشمند روزنامه افق شیراز



جناب آقای عباس فرشید

سال ۱۲۹٤ درشیراز متولد شده پس از گذرانیدن دوره مقدماتی درمدرسه مرتضوی سابق (دبستان فرهنگ) فعلی ، تحصیلات علمی دوره متوسطه رادرمدرسه شفائیه سابق (دبیرستان شاهپور شیراز) امروز بپایان رسانیده ، مدتی در دبستان مرتضوی مشغول تدریس شده در سال ۱۳۱۰ باتفاق خانواده شریف مسافرتی بهندوستان نموده باتوقف ممتد خویش از شهرهای بمبئی- کراچی-حیدرآباد- کویت و بعضی از شهرهای دیگر هندوستان بازدید واز آزادی مطلق و مذاهب و رسوم و سنن مختلف اهالی و پیشرفت های اقتصادی و صنعتی و فعالیت های اجتماعی آنان کسب اطلاعات دقیقی نموده که شرح آن در کتاب (خاطرات مسافرت هند) مذکور شده .

پس ازمراجعت بایران با فرط علاقهٔ که به پیشرفت فرهنگ که یکی از پایه‌های اولیه تمدن هرملتی است داشته درآذرماه ۱۳۱۰ (کتابخانهٔ و قرائتخانه پارس را) تأسیس نموده برای بالا بردن سطح افکار عمومی وآشنا نمودن مردم به به کتاب که کلید گنج نهانی است متحمل ضرر وخسارات فراوانی شده .

در ۱۳۱۲ بسمت منشی اول مالیه ایالتی فارس منتخب وپس ازتصدی دوایر مختلف اداری درموقعیکه ریاست اداره کارگزینی دارائی استان هفتم‌را عهده‌دار

بودند ضمن انجام خدمت در ۱۳۳۰ امتیاز روزنامه (افق شیراز) را گرفته مدتها مرتباً هفته یك روز منتشرمیشد . طلوع (افق شیراز) درسرزمین‌فضل پرورشیراز بیشترجنبه ارشاد وراهنمائی را داشت .

در ۱۳۳۲ بنـا بدستور دولت وقت که (کارمندان دولت نباید ضمن ادامه خدمت روزنامه یامجله‌منتشر نمایند) موقتاً(افق‌شیراز)تعطیل‌شد.نویسنده‌بزرگ در نظر دارند با فرارسیدن دوران بازنشستگی به تجدید انتشار روزنامه مبادرت ورزند .

جناب آقای فرشید معاون اداره دارائی شیراز از فضلاء و نویسندگان عالیقدر ایـران با قلبی آکنـده از مهر وطن و شاهنشاه یـك سلسله خدمات ارزنده‌ای‌را در تمام شئون و مراحل اجتماعی بویژه امور فرهنگی ، ومطبوعاتی ، و انجمن ادب و احزاب توام با تقدیر وحسن‌استقبال‌اجتماع و ارباب دانش وفضل ادامه داده و میدهند . در دوحزب مهـم . دموکرات ایران وحزب مردم فعالیت های سیاسی نموده و مینمایند .

جنـاب آقای فرشید یکی از ستارگان درخشان علم و دانش و از ذخایر ذیقیمت وطن عزیزما هستند خدمات قابل تقدیری را برای سر بلندی و سیادت میهن عزیز انجام داده ومیدهند .

آثارقلم‌جناب آقای عباس فرشید

۲۱ آذر ، یاروزپیروزی آرتش روزی که ایرانی با ابراز شهامت افتخار تاریخی خود را

تجدید نمود

درصفحات تاریخ هرملت ودرطول زندگی هرنژاد وقومی روزهای برجسته و پرافتخاری یافت میشود که معرف شخصیت ولیاقت اوبوده ومراجعه بآن میتوان ارزش اجتماعی و درجه شایستگی او را تشخیص داد .

ملت کهن سال ایران و تاریخ‌شش هزارساله آن مملو ازاین فتوحات تاریخی و روزهای برجسته‌میباشد که اگربخواهیم بذکر مواردآن بپردازیم بحث‌تاریخی و طولانی میشود فعلا شاهد برسر وقایع سال ۱۳۲٤ آذربایجان و روز پرافتخار بیست ویکم آذرماه ۱۳۲۵ میباشد .

درچنین روزهائی قوای بیگانه با دستیاری عده معدودی از افراد خائن و وطن فروش بنام فرقه دموکرات قسمتی از ایران (آذربایجان) ر اشغال کرده و دولت خود مختاری تشکیل داده بمال و ناموس افراد وطن پرست تعدی و تجاوز مینمودند .

هرلحظهٔ اطلاعات تازهٔ از فجایع اعمال قتل و غارت ـ بلوا و آشوب فرقه دموکرات آذربایجان بطهران میرسید و بیم سقوط آذربایجان و جدا شدن آن از پیکر ایران میرفت .

تهران متشنج ، و کلای مجلس‌مضطرب هیئت دولت‌متوحش، رجال مملکت گیج وبلا اراده‌آقای بیات استاندارجدید آذربایجان روز ۱۷ر۹ر۱۳۲٤ ازطرف دولت مرکزی بتبریز وارد شده درهمان روز ها درخیابان تبریز مرتباً افسران‌و افراد شهربانی و رجال محلی را برای ایجاد وحشت عمومی ترر میکردند مردم و کارمندان‌بقدری ترسناك‌ووحشت زده شده بودند که‌بوصف‌درنمی‌آمد این‌آشوب و غوغا نه تنها درتبریز بلکه درسراسر خاك‌آذربایجان تاقزوین دامنه پیدا کرده وآتش آن شعله‌ور بود .

انقلاب و اغتشاش‌خطه پهناور وتاریخی‌آذربایجان وقسمتی ازشمال بوضعی رسیده بود ومرکز کشوربقدری‌دچاراضطراب‌ووحشت شده بود که استقلال‌ایران دچارخطر گردیده وهیئت دولت ورجال‌مملکت ازچاره جوئی واتخاذ تصمیم‌عاجز مانده بودند دراین‌موقع بحرانی وحساس که نخست وزیروقت، سیاسیون کشور،از همه‌چاره بازماندند چشم‌هاونظرهامتوجه‌پدرتاجدار شاهنشاه رعیت پرورداد گستر شده و از پیشگاه اوحل معضل ونجات مملکت را از وضع و خیم و خطیر تقاضا نمودند .

دراینموقع باریك وبحرانی، در اینموقع که قدرت دموکراتهادرصفحات شمال وتحریك دشمنان ایران درتهران بمنتها درجه رسیده بود .

تهران،آن روز مجلس،آن روز دولت،آن روز مسئولین،آن روزآشوب‌و انقلاب،آن روز نفوذ قوی و تحریکات دامنه دار وطن فروشان،آن روز خلاصه با بودن هزاران محظورات وموانع داخلی وخارجی و بیم مخاطرات زیاد همه این عوامل‌درنظرشاهانه بقدر سرسوزنی بیم‌وتزلزل‌خاطر ایجاد نکرده بانقشه مدبرانه و اراده خسروانه دستورتجهیز قوا وحرکت بطرف آذربایجان را صادر و شخص شخیص‌خودشان‌پیش‌آهنگ این کاروان شدند. قوا و دستورات‌حمله وتعرض راتا جائی‌سرپرستی‌نموده که‌درفش‌فتح وظفررا درخیابانهای تبریز وشهرستانهای دیگر آذربایجان بگردش درآورده وبیرق شیر وخورشید ایران رادرسردرب عمارات دولتی‌لشکری و کشوری باهتزازدرآوردند .

اگر بخواهیم مظالم وشکنجه وعذاب های اهالی غیور و وطن پرست‌خطه آذربایجان را در دوران حکومت موقت فرقه دموکرات وجنایات‌آنها وهمچنین احساسات پرشوروشادی‌زائدالوصف رسیدن . قوای‌دولتی‌بتبریزوسایرشهرستانهای شمال را توصیف دهیم ازحوصله این مقاله خـارج و تفسیر آن را بتاریخ وقضاوت نویسندگان عـالیقدر برگذارمیـکنیم .

همینقدر تذکرمیدهم چون‌خداوندعالمیان نخواست‌که آذربایجان‌عزیز ازپیکرایران‌جدا شود اراده‌عظیم شاهنشاهی رابرانگیخت‌که باعزمی‌خسروانه بسرکوبی متجاسرین وازبین بردن سران‌فرقه دموکرات مبادرت وخطه پهناور تاریخی آذربایجان عزیزبازگشت دهد ، ملت‌ایران خصوصاً مردان رشید ووطن پرست‌آذربایجان‌نمیتوانند چنین روزهای پرحادثه وتاریخی رافراموش نموده جانبازی وفداکاری افسران وطن پرست و سربازان رشید آرتش دلاورمیهن‌را از خاطرمحو نمایند .

زنده وجاوید بادشاهنشاه جوانبخت   پاینده بادکشورایران

سربلند بادافسران شریف‌وافراد سلحشور وغیورآرتش

شرح حال

بانوی دانشمند نصرت‌الملوک کشمیر یزاده نویسنده و مدیر روزنامه ندای ایران



بانوی دانشمند نصرت‌الملوک کشمیریزاده

فرزند مرحوم دکتر جمال از اساتید و پیشقدمان آزادیخواه فارس، نوه مرحوم نقیب الممالک از اطبای بزرگ و یکی از مبارزین صدر مشروطیت. تحصیلات متوسطه را در شیراز بپایان رسانیده، سال ۱۳۲۰ در رشته ادبیات خارجی از دانشسرای عالی فارغ التحصیل گردیده خدمت پر افتخار دبیری را در دبیرستانهای شیراز شروع نموده برای پیشرفت فرهنگ پروژه هائی بشورایعالی فرهنگ در ۱۶ ماده تهیه و فرستاده که مورد مطالعه و توجه قرار گرفته .

درسال ۱۳۲۶ روزنامه «ندای ایران» را منتشر نموده باقلم ساحر توانای خود همیشه طرفدار حق وحقیقت وحقوق بانوان بوده درراه خدمت بوطن از بذل جان هم مضایقه ننموده .

بانوی فاضلهٔ کشمیریزاده که از مفاخر زنان ایران بشمار میرود بزبان انگلیسی مسلط ، نویسندهٔ توانا ، دارای تألیفات وترجمه های متعددی میباشند .

چند سال قبل دریکی ازمقالات خود تحت عنوان :

تحول اساسی ایران ازکجا باید شروع شود (تاسیس آموزشگاههای حرفه‌ای را گوشزد نموده‌اند.

امروزدرسایهٔشاهنشاه‌محبوب باپیشرفت‌سریع فرهنگ نوین موفق بتأسیس آموزشگاههای حرفه‌ای گردیده‌ایم.

تالیفات و تصنیفات بانوی دانشمند کشمیریزاده

چگونه میتوان‌خوشبختی‌رانگاهداشت(ترجمه) سرگذشت‌خانواده و ک‌فیلد ـ مصاحبه‌باوالدین و آموزگاران (ترجمه) ـ گلهای خندان ـ سرمقاله های روزنامه ندای ایران.

آثارقلم نویسنده فاضله بانو کشمیریزاده

همه‌میدانیم‌نویسندگی و داستان‌سرائی ،شعرو شاعری، بدون‌شك یکی‌ازمواهب‌الهی‌وبزرگترین قوه مؤثر تهذیب‌اخلاق‌اجتماعی‌است. نویسندگان‌حقیقی‌یعنی‌هادیان‌افکاربشر، یعنی‌منادیان اصلاح جامعه با روحیه عالی وقلم سحرآمیرخویش شالوده اخلاق اجتماع رادر عالی‌ترین و بهترین‌قالبها ریخته ورنگ‌آمیزی میکنند وبرگردن اهل جهان‌حق بزرگی‌دارند وشایسته احتراماتی‌بیش‌ازآنچه‌نسبت بآنان‌اعمال میشود میباشند.

همانطور که یك سخنگوی‌توانا بانطقهای‌آتشین خود قادراست که هزاران نفر را تحت تأثیرگفته های خویش درآورده و روش اجتماعی را تغییر دهد، همانگونه که هنرپیشهٔ باذوق یارای‌آن دارد که با نمایش دادن یك‌پرده اخلاقی روحیه عامه را تکان داده وبسوی حقیقت رهبری کند، انسان که نقاشی چیره‌است باکشیدن صورت معصوم و اشك پاك وپر قیمت عذرا وعصمت‌و طهارت مریم را در برابردیدگان مجسم میسازد.

نویسندگان بزرگ هم با نگارش داستانهـای مهیج‌و مقـالات مؤثر و قلم فرسائیهای‌سحرآمیز توانائی‌آنرا دارند که اخلاق عمومی‌ومقدرات جامعه‌را تحت تأثیرچامه سحار خود قرار داده اصلاحات اجتماعی را بکمك قلم توانای خویش بانجام رسانند.

شرح حال

نویسنده دانشمند جناب آقای سید محمد تقی گلستان مدیر روزنامه کهنسال «گلستان»

فرزند مرحوم آیت‌الله آقا سیدمحمد شریف مجتهد از یک خانواده روحانی بزرگ در سال ۱۲۷٤ درشیراز متولد شده . تحصیلات خودرا درنزد اساتیدودرمحضر آیت‌الله فقیدآقا سید محمد شریف‌مجتهد که گواهی اجتهاد ازنجف اشرف داشته بپایان رسانیده درعلوم قدیمه وعربی متبحرمیباشند .

جناب آقای گلستان در اوایل عمر جزء وعاظ درجه اول شیراز و به «ملك المحققین» ملقب بوده .

درسال ۱۲۹۷ شمسی امتیاز روزنامه گلستان راگرفته‌وقدم بعالم مطبوعات گذارده بوسیله قلم وبیان‌درارشاد وهدایت وراهنمائی‌مردم کوشیده ، این‌خدمت خطیررا متجاوز ازچهل سال متوالی‌است که بدون وقفه باپشت‌کارومقاومت وهمت خستگی ناپذیری انجام داده و میدهند . روزنامه گلستان در هفته دو مرتبهٔ منتشر میگردد .

جناب آقای گلستان ازمشروطه طلبان وآزادیخواهان صدرمشروطیت‌است که بانیروی آزاد منشی مجاهدت زیادی نموده و صدمات فراوانی دیده ، درچند سال قبل وارد حزب دمکرات شده خدمات بسزا و شایان تقدیری را انجام داده درنبرد ومبارزه سیاسی ازحبس وتبعید نحراسیده بقدری کوشیده تا شاهد مقصود را دربر گرفته .

جناب آقای گلستان یکی از نویسندگان بزرگ و از ناطقین طراز اول پارس میباشند و تا کنون با دو اسلحهٔ قوی « قلم » و «بیان» که از موهبت الهی است برای عظمت‌وسیادت‌ایران‌عزیز وتعالیم دین‌مبین اسلام کوشیده بموفقیت‌های کامل رستگار گردیده ، از افتخارات ارجمند میهن گرامی بشمار میرود .

آثار قلم جناب آقای سید محمد تقی

گلستان نویسنده روز نامهٔ گلستان

برای زندگی روزانه خود برنامه تهیه کنید

وقتی سخن از سرّ تقدم ملتی برملل دیگر و یافردی برافراد دیگر جهان بمیان می آید، میتوانید بامختصرفکری باسرارحقیقی تقدم وبرتری آن ملت و آن فرد آگاه شوید .

برای تحکیم پایه اصلی تفوق سبب هائی را میتوان جستجو و پیدا کرد .
اگر بخواهید بجهات و سبب ها آشنا شوید اندکی در بین کلمات :
اندیشه نیك وحسن اداره امور انتظام کارها و بالاخره تنظیم برنامه برای زندگی روزانه را مورد بررسی خود قرار دهید .

وقتی در همه اینها تعمق نمودید میتوانید موجبات تفوق خود را بر دیگری فراهم سازید . هنگامی که تنی چند این روش پسندیده را شعار خود قرار دادید کار بجائی میرسد که ملت شما برسایرین تفوق کامل پیدا خواهد نمود .

کاری که از روی فهم وتأمل قبلی آغاز شد البته نتیجه خوب خواهد بخشید وقتی ازکارهای خود نتیجه خوب گرفتید افراد یك چنین شخصی را دانا و فهمیده خواهند شناخت ودرتمام یااغلب کارهای خود بدومراجعه و مشاوره خواهند نمود ورفته رفته تفوقش درجامعه بردیگران محرز خواهد گردید .

یکی ازجهات سرّ تقدم وپیشرفت درهر کاری تهیه برنامه برای زندگی همیشگی وروزانه است نتیجه برنامه انتظام امور فردی رامسلم، ووقتیکه همه برای کارهای خود قائل به تنظیم برنامه شدند خواهید دیدهمهٔ کارها درمجرای طبیعی خودوارد وبه بهترین وجهی امور فیصله خواهد یافت ولی بشرط آنکه همه ایمان بنتایج نیکوی برنامه پیدا نموده وهر کس برای خود برنامه ای تنظیم کند والا اگر بناشد ویکنفر مبادرت به تنظیم برنامه کند ودیگران از آن سر باز زنند آنطور که باید کارها انجام نمیشود.

شرح حال

نویسنده دانشمند جناب آقای محمدحسین مجاهد مدیر روزنامه «بهار ایران»

در شیراز متولد شده تحصیلات خود را در علوم قدیمه بپایان رسانیده باعلاقه وافری که از ابتدا بمطبوعات وخدمت بمردم داشته از تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۰۹ یعنی همان دورانی که کشور عزیز ما تحت رهبری اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر مراحل تحول را میگذرانید برای آگاهی مردم برمضامین تحول و آشنا کردن اذهان عمومی بشرایط جدید مملکت بتأسیس روزنامه «بهار ایران» مبادرت ورزیده بواسطه عدم وسائل کافی وضعف بنیه مالی



جناب آقای محمدحسین مجاهد

که معمولا سد راه ترقی خواهان و آزاد منشان است مدتها روزنامه بچاپ سنگی و بسبك فکاهی با کاریکاتور های جالب بطور هفتگی انتشار میافت . از سال ۱۳۱۶ چاپخانهٔ مجهزی جهت چاپ روزنامه ابتیاع نموده و تا کنون درچاپخانه اختصاصی بچاپ میرسد .

«بهار ایران» که ازجراید مهم کشور است هفته‌ای دوشماره باقطع مرغوب وزیبا ومقالات عام‌المنفعه و سودمند ومطالب سیاسی علمی وادبی منتشر میشود .

ایدئولوژی سیاسی این روزنامهٔ وزین که باقلم نیرومند جناب آقای مجاهد منتشرمیگردد بهترین معرف مشارالیه میباشد .

جناب آقای مجاهددرسال ۱۳۱۳ بمنظور توسعه خدمات مطبوعاتی وفرهنگی مجله آبرومندی بنام « پارس قدیم » منتشر نموده و پس از انتشار چند شماره تعطیل گردید .

هنگامیکه تعداد مطبوعات در شیراز بمقیاس جالب توجهی رسیده بود جناب آقای مجاهدازطرف مدیران جراید بریاست اتحادیه مطبوعات شیرازانتخاب گردیده. خدمات مشارالیه پیوسته موردحمایت وتشویق ارباب جرایدقرار گرفت. درسال ۳٦ تا ۳۸ ویرا بسمت نمایندگی انجمن شهر شیراز برگزیدند . درمدت نمایندگی قدمهای سریع واصلاحی برای بهبود اوضاع مردم ازهرجهت برداشته از حقوق حقه موکلین دفاع نموده نسبت بزیبائی شهر و ترمیم خیابانها و اسفالت کوچه ها اقدامات سودمندی نموده که مورد رضایت عموم‌اهالی شیراز واقع شد، مدت نمایندگی شهرداری‌را باافتخار وسربلندی بپایان رسانیدند .

جناب آقای محمد حسین مجاهد که از مجاهدین و خدمتگذاران واقعی میهن و شاهنشاه محبوب هستند در طی سی سال خدمت فرهنگی و مطبوعاتی و اجتماعی مورد اعتماد و احترام هم میهنان گرامی بوده ومیباشند .

همیشه تعمیم تمدن وتمسك باحكام شرایع دین مبین اسلام و راهنمائی و آگاهی مردم بوظایف خویش ورفع غوامض ومشکلات‌مسائل حیاتی‌افراداجتماع بوسیله قلم توانای نویسندگان بزرگ صورت میگیرد .

جناب آقای‌محمد حسین مجاهد یکی ازنویسندگان ارجمندی هستند که بانیروی قدرت قلم خدمات شایان تقدیری را بمیهن گرامی نموده ومینمایند .

آثار قلم جناب آقای محمد حسین مجاهد

میلاد مسعود

خاتم الانبیاء حضرت رسول اکرم (ص)

پانزده قرن پیش از این اوضاع ممالك متمدن و بزرگ آنروزی براثر حوادث وانقلاب گوناگون دستخوش اغتشاش شده بود .

دو کشور بزرگ آنروز « ایران و روم » بواسطه هرج و مرج داخلی و جنگهائی که کرده بودند دچار ضعف و ناتوانی شدند کشورهای دیگر دنیا یادرحال نیمه تمدن ویا توحش بودند .

علاوه بردرهم‌وبرهم بودن اوضاع سیاسی ، اخلاق و رفتار مردم نیز بسستی گرائیده بود علاقه بمادیات ، غرق درشهوات نفسانی، قمار وفحشاء همه‌جا را فرا گرفته ، از تمام نقاط دنیا بدترعربستان بود .

عربستان از تمام مزایائی که دست طبیعت درجاهای دیگرقرارداده محروم است! آب ندارد ، زمین های آن شوره زار و کوههایش خشك وسیاه است! ناچار مردمش باید درطلب جرعه‌ای آب شور ولقمه نانی‌خشك دشتهائی را که از ریگ انباشته شده است به پیمایند !

بااینکه شامات وعراق که مجاورعربستان‌است مرکز بروزادیان وشرایع خداشناسی وتقوی و پرهیزگاری است و قهراً ادیان یهودی ومسیحی باید درآن نفوذ یافته باشد ولی متأسفانه عربستان مرکـز «بت‌پرستی» شده بود و مردم آن دراخلاق رذیله وصفات ناپسند، درپول پرستی وشهوات وقمار ،آدم کشی وزنده بگور کردن دختران غوطه‌ور بودند !

کعبه را کـه ابراهیم و اسمعیل ، دو پیغمبر بزرگ برای عبادت و خدای یگانه پرستیدن ساخته بودند ، بتخانه شده بود! توحید و خداشناسی ، معنویت و صفات حسنه ، حسن خلق و رفتار پسندیده ، از میان اعراب رخت بربسته بود چنانکه درحقشان وارد شده است که : **الاعراب اشد کفراً و نفاقاً** درچنان موقعی و چنان

محیط منحطی ، در میان مردمیکه‌درمنجلاب‌اخلاقی فرو رفته بودند ، قدرت‌حق، حضرت رسول اکرم (ص) متولد گردید . آری بقول ایزد تبارك وتعالی :

« یخرج الحی من المیت »

عبدالمطلب پرده دارخانه کعبه براثرنذری که کرده بود میخواست یکی از ده فرزندخودرا درراه «خدا» قربانی کند وقرعه‌این‌فال بنام کوچك‌ترین‌فرزندش «عبدالله» افتاد اما دراثر تمهیدکاهن‌قریه اورا ده‌شترداده‌وعبدالله از مرگ . نجات یافت پس از نجات از مرگ پدرش آمنه بنت وهب را برای او از دواج کرد ویکهفته بعد عبدالله درسفرشام وفات یافت .

فرزند عبدالله هشت ماه بعد درحالیکه پدر خود را ندیده بود چشم بدنیا گشود ودرظل حمایت جدخود قرار گرفت امامادراونیز شش‌سال بعدوفات یافت و « محمد » که پدری نداشت ازنعمت نوازش مادر هم محروم گردید ! شاید این نداشتن پدرومادر خود یك بوته امتحانی بوده کـه اراده الهی خواسته است زر وجودش‌را پاکترسازد . چندی‌دیگرعبدالمطلب نیزدار فانی‌را وداع گفت وناچار ابوطالب عموی‌اوازوی نگهداری کرد .

زندگی «محمد»(ص) اگرچه باسختی توأم بود ولی باشرافت‌وحسن‌خلق‌و مردانگی‌وجوانمردی‌آراسته‌بودچنانکه‌درهمان‌سنین کم‌مردم‌اورا«امین»لقب‌دادند.

محمد ازهمان کوچکی طرز فکرخودرا باسایرین مختلف می‌یافت . وقتی که میدید مردم بت‌را سجده میکنند متعجب میشد زیرا که جدش ابراهیم دین خدا پرستی‌راآورده بود وقاعدتاً اولاد ابراهیم واسمعیل باید در خانه‌ایکه آندو پیغمبرساخته‌اند خدای یگانه را عبادت کنند نه بت ها را ! ازاینروازمردم کناره میگرفت وشبها وروزهاتنها درغار کوه «حرا»بتفکروعبادت پروردگارمیپرداخت وباریاضت‌وتفکربرتوسعهٔ‌فکرخود میافزود تاآماده رسالت‌الهی گردد و عاقبت هم درسن‌چهل‌سالگی‌تشریف‌نبوت بقامت برازنده اوپوشیده‌شد وبکاربزرگی‌ماموریت یافت و چنانکه دیدیم بهترین وکاملترین ادیان را برای عالم بشریت آورد که تادامنه قیامت باقی وپایداراست .

شرح حال

شاعر شهیر جناب آقای سید علی مزارعی

بسال ۱۳۰۲ شمسی درشیراز تولد شده ازشعرای باذوق واز غزلسرایان نامی وبزرگ شیراز است .

اشعارسرایندگان میتواند تا اندازهٔ نمودار طرز تفکر ومختصر شرح زندگی آنان باشد .

دانائی منوط بداشتن علم است . ولی شاعری از دلهای شوریدهٔ شکست خوردهای سرچشمه میگیرد ، پس اگردانائی بعلم است شاعریهم بسته بدل است.

دل است که دراعماق زمین واوج آسمانها پروازمیکند ، بدیها، وخوبیها را میبیند واز آنها الهام میگیرد پس حیات مابسته بدل وزبان دل شعر، وتکمیل آن موسیقی است.

اگر شعر نبود مردم جهان ازحقیقت ومفهوم حیات بهره مند نمیشدند .

شعرای بزرگ «پارس» هر کدام بمنزله گلهای زیبای طبیعت میباشند که بالوان گوناگون در گلستان ادبیات ایران جلوه گرند .

جناب آقای سید علی مزارعی هم یکی از آن گلهای بوستان ادب وادبیات میهن عزیز است .

اثر طبع جناب آقای سیدعلی مزارعی

بیاد دوست

دل آتشی است سوزان ؛ در جان من گرفته
در سینه خانه کرده ؛ دامان من گرفته
سودای عاشقی را ، در جان من نهاده
وسواس آرزو را ؛ از جان من گرفته

از گرم سوزی خویش ؛ بر آتشم نشانده
خاکم بباد داده ؛ سامان من گرفته
برقی است آتش افروز ، در خرمنم فتاده
دردی‌است‌خانمان‌سوز؛ دامان من گرفته
گاهی چو برق شادی؛ درچشم من نشسته
گه‌چون‌سرشك‌اندوه؛ مژگان‌من گرفته
پیمانه نوش اویم ؛ پیمان بکس نبسته
پیمان خود شکسته ؛ پیمان من گرفته
چون عشق دیرپیوند ؛ ازمن امان بریده
چون زهد پای دربند ؛ ایمان من گرفته
گاهی بمهرجوشد، وقتی بکین‌خروشد
فرمان پذیر اویم ، فرمان من گرفته



سایهٔ مهر

ای دلبر عزیز که از جان نکوتری
عشق مجسمی و امید مصوری
در صبح وصل آب حیاتی بکام جان
در شام هجر بر دل غمدیده آذری
بی‌زیب وزیوری ودلم در کمندتست
ایماه خوبرو تو چه محتاج زیوری ؟
ای سرو باغ حسن ز سروی بلندتر
ای گلبن حیات ، ز گل دلرباتری
اشکی که‌هست‌جای‌تو بر دیده گان من
چون‌اشك چشم پاکدلان پاك گوهری
مهری که دردلی وروانی که درتنی
عشقی که‌دروجودی‌وشوری که‌درسری
چون‌ماهتاب‌شام بهاران نشاط بخش
چون آفتاب صبح خزان مستی آوری
سرچشمهٔ حیاتی، ازجان سرشته‌ای
پروردهٔ امیدی ، از دل مخمری
پیمان مهر را زچه رو میبری زیاد
سوگند عشق را زچه رو دیر باوری ؟



شرح حال

جناب آقای دکتر علیمحمد مژده نویسنده وشاعر نامی شیراز استاد دانشگاه

در ۱۲۹۹ درمهدعشق انگیز شیراز متولد شده تحصیلات مقدماتی ومتوسطه را در شیراز بپایان رسانیده در ۱۳۲۵ برای شرکت دراولین کنگره نویسندگان بتهران رفته و در آنجا اقامت گزیده .

درضمن انجام کارادار ی لیسانس ود کتری ادبیات فارسی را بپایان رسانیده دبیر دبیرستانهای پایتخت میباشد .

جناب آقای دکتر مژده دارای طبعی روان وذوقی سرشار است اشعار زیر نمونهٔ ازقریحه پسندیده ایشان است :

شیراز

شیراز من که حافظ و سعدیش در بر است
در چشم اهل دل ز دو عالم نکوتر است

آنجا کـه بوستان و گلستان سرمدیش
فارغ ز طیش بهمن و آزار آذر است

آنجا کـه کاخ کوروش و دارا و اردشیر
از بارگـاه خسرو انجم فراتر است

آنجا کـه از کریم کرامت شعار آن
آوازهٔ عـدالت کسری مکـرر است

آنجا که از شهامت شاه جوان زند
افسانه شهامت رستم مقرر است

آن مکتبی که صدر نشینان معرفت
صدراشرا چو طفل نو آموز چاکراست
آنجا که وصف مردم دانش پژوه آن
در گوش دوستان خدا از پیمبر است
(شیراز و آب رکنی و آن خاك خوش نسیم
عیبش مکن که خال رخ هفت کشوراست)
هر صبحدم که راحت روح آورد نسیم
زان روضهٔ که خاك رهش مشك اذفراست
بیند که از فراق حبیبان ز اشك و آه
ما را مکان بلجه و کانون آذر است
ما را نشاط روی عزیزان دهد مدد
ورنه حیات بی دل وجان کی میسر است
من عشق را غلامم و دانند عارفان
بی عشق آدمی حیوانی محقر است
من عشق را گدایم و دانند عاقلان
زین بندگی بتارك عشاق افسراست
ای پارس همتان سکندر شکوه «پارس»
کاندر پناه همتتان چرخ اخضر است
ما مهر پارس را بدل و جان سرشته‌ایم
کاینجا نخست پایه شاهی و لشکر است
یارب کنون که بحر جهان پرتلاطم‌است
وین ملك همچه کشتی بگسسته‌لنگراست
درحفظ خویش دار تو ایران و پارس را
تامهر و ماه کشتی این بحر اخضر است

شرح حال (١)



نگارنده دکتر مریم میرهادی متخلص به « ناهید » مدیر و نویسنده روزنامه و مجلهٔ «ندای زنان»

تولدم درمهد دانش خیز شیراز فرزند مرحوم سید علی اکبر (رفعت نظام)

---

(١) شرح حال مؤلف دراکثراز جرایدداخلی مختصرومفصل مندرج گردیده همچنین در جراید خارجی : ازآنجمله مجله پزشکی منطبعه لندن در ١٣٣١ و روزنامهٔ آکن منطبعه ترکیه در ١٣٣١ .

امیرطومان نوه دختری مرحوم حاجی سید علی مجدالاشراف وزیرناصرالدین شاه ازفامیل جلیل‌القدر میرهادی (تفرشی) .

مادرم ازفامیل بزرگ بشیرالملک شیرازی ازاوان طفولیت مراحل گوناگون کودکی رادرزادگاه‌عزیزشیرازطی نموده‌درتحت نظروتوجه‌پدربزرگوارداانشمندم که‌بچهارزبان خارجی آشنا بود تربیت شده .

بجای زبان‌مادری‌بامن بفرانسه‌تکلم مینمودند ازسن پنجسالگی که‌خاطرات حیات را بخاطر دارم پدرم کـه سربازی فکور ، اهل علم و ادب و دلش مملو از احساسات میهن پرستی وشاه دوستی واصالت وسیادت بودنقشه ایران راکه باخط بسیار زیبای رنگین برایم نوشته ضمن آموختن میفرمود :

«این نقشه وطن تواست فراموش مکن که باومدیون هستی وباید درقلبت جا داشته باشد .»

«سلطان که حافظ استقلال وطن است بحد پرستش دوست بدار و در راه او فداکار باش . »

«همیشه بصفات مردانه آراسته وشجاع باش» .

بنا بر این حس میهن خواهی و شاه دوستی در همان محیط اولیه خانوادگی که درآن زیسته‌ام درمن بوجود آمد .

هفت‌ساله بودم که ازشیرازبطهران آمده درمنزل دائی پدرم مرحوم شکوه السلطان میراشرافی‌سکنا گزیده مرا بمدرسهٔ آمریکائیها گذاردند .

نه ساله بودم که پدرارجمندم درحالیکه ازخدمت لشکری بخدمت کشوری منتقل شده وحکومت همدان را داشتند دارفانی را و داع وپس ازهشت ماه مادر باتقوای جوانم بایشان ملحق شدند .

در کودکی یتیم وبدون‌سرپرست‌ماندم ازاینجا زحمات‌طاقت فرساوشکنجه زندگی‌شروع گردید . ولی‌توجه ونظرحضرت‌باری‌تعالی وجدبزرگواروموهرشاهانه که همیشه شامل حالم بود مرا تقویت ورستگار میساخت .

پس ازمدتها سختی ومرارت فراوان که هریتیمی‌بآن مواجه میشود مرحوم عمویم سرهنگ سیدابوالقاسم میرهادی که فضلاء میگفتند دیکسیونر متحرك در زبان عربی وفرانسه استازشیراز بطهران برای سرپرستی من ودوخواهروبرادرم آمدند درسایه کمك ومهروتشویق شان شب و روزرا بتحصیل گذرانیده در ۱۳۱۰ اولین دوشیزه‌ای بوده که باشکالات فراوان داوطلب شده باپسرها درد‌ارالمعلمین امتحان شعبۀ ادبی را داده یعنی درمهرماه رشته علمی را گذرانیده و در شهریور همان سال شعبۀ ادبی را با نمرات بسیار خوب امتحان داده موفق و پذیرفته گردیدم . عکس وبیوگرافی برای تشویق وتأسی سایرین درکلیه جراید پایتخت مندرج شد .

پوشیده نماند که برای تحصیل شعبۀ ادبی بانهایت زحمت بسربرده یعنی از قسمت زندگانی کاسته تابتوانم حقوق معلمینی که بمنزل برای تدریس میآمدند بپردازم .

دراواخرسال ۱۳۱۰ برای تحصیل ادبیات زبان فرانسه بپاریس رفته دریکی از کولج های سوربن(۱) بنام «کولج فمینن» رشته ادبیات زبان فرانسه را باتمام رسانیده قصدم این بود که دکتری ادبیات را طی نمایم ولی چون برادرم بایران برگشت ناگزیرباا‌ومراجعت نمودم .

مجدداً رشته تحصیل‌را ادامه داده باحجاب در۱۳۱۳ وارد مدرسه عالی‌طب شده‌راه‌را برای‌دیگران‌بازنمودم . در۱۳۱۶تنها دوشیزه‌ای بوده که دربین‌پسران لیسانس‌ودر۱۳۱۹ دانشگاه تهران‌را بپایان رسانیده در ۱۳۲۰ تزدکترارا بادرجه اعلی تحت عنوان «سیفیلیس دهان» گذرانیدم .

۱ـ دانشگاه پاریس .

(عکس بابیوگرافی در تمام جراید مندرج شد) از ۱۳۱۵ وارد خدمت وزارت فرهنگ شده زیرا ناگزیر بودم برای تحصیل معاش هم بکار وهم بتحصیل پردازم .

درتمام دوران تحصیلی بواسطه قریحه وذوق فطری و فن نویسندگی وشعر که از موهبت الهی است گاه گـاهی در جراید مرکز مقالات و یا اشعاری ازمن درج میشد .

پس از تألیف (کتـاب اورام لثه) کـه بسیار مورد قبول عامه قرارگرفت در ۱۳۲۶ موقعیکه وضع عمومی دنیا بی نهایت متشنج و پریشان بود منهم برای بدست آوردن حقوق زنـان ایران دست بقلم برده روزنامه « ندای زنان » را منتشر نمودم .

منظورم طرفداری از حقوق بانوان بود که تاآنزمان آزادی عمل نداشتند باین آرزو وبامید گرفتن‌حق مسلم‌طبقه نسوان‌وراه نمائی‌زنان بحقوق حقه‌خویش قیام نموده تنها کمك ویاورم دراین مهلکه پرخطرخدا وجدبزرگوارم وتوجهات شاهنشاه دانش‌پرورایران بود .

بااینکه میدانستم گرفتن حقوق سیاسی زنان کاری بس‌سخت و دشوار است وطرفداران‌افکارمن دراقلیت میباشند بنابگفته(ژان‌ژاك‌روسو) نویسنده وفیلسوف فرانسوی که میگوید :

اکثریت برحق واقلیت برخطاست. تصمیم گرفتم بوسیله‌قلم وبیان‌اکثریتی راکه دانسته وندانسته پی‌بحقوق شرعی‌وعرفی زنان ایران نبرده‌اند بامقصدخویش همراه نموده باین طریق حق خودرابگیرم . **چون حق گرفتنی است** .

این بود که شغل شریف روزنامه نگاری را برخدمت پزشکی اضافه نمودم .

درشماره دوازدهم روزنامه «ندای زنان» باستناد کلیات قانون اساسی که در دنیای متمدن بهرفرد ازافراد اعم اززن یامرد حق انتخاب شدن وانتخاب نمودن را داده‌اند پیشنهاد بدوره پانزدهم مجلس شورای ملی نموده که این حق مسلم را بزنان ایران بدهند تصور میکردم همین طور که روزی درب دانشگاه را برزنان گشوده باب مجلس راهم ممکن است البته بذری کاشته شد وبزودی ثمره او بدست خواهد آمد ولی بقیمت جانم تمام گردید، بقدری مواجه بعذاب وشکنجه های روحی شده .

که حدی بر آن متصور نبودمکرر درمکرر تهدید وبامرگ دست بگریبان گردیده بانهایت شهامت وشجاعت شهادت را که شیوه جدبزرگوار است برای خود افتخار دانسته مبارزه مقدسی راکه منتج به پیروزی هائی شد ادامه دادم شرح مبسوط را در کتاب (حیات سیاسی من) مطالعه خواهید فرمود . همچنین شیرازه زندگی داخلی‌ام ازهم گسیخته روزهای بسیارتاریك وحوادث ناگواری را بچشم خود دیدم بارها برلب پرتگاه نیستی نزدیك بسرنگون بودم ولی لطف ودست خدا مرا ازتمام کشاکشها سربلند ، محفوظ وسلامت وپیروز نگاهداشت .

بالاخره شکنجه زندگی مرا فکورتر ونیرومندتر ساخته‌اکنون افراد اجتماع رابهتر میشناسم. تنهائی باعث سکونت خاطرم گردیده وبطور کلی دربرابر بدبختیهای گوناگون ومظالم مردم عادت کرده و کمتر متأثر میشوم ،

این حقایقی است که درمکتب سرنوشت روزگاردرقلیل مدت حیات خود آموخته ام .

در۱۳۳۱ اولین پزشکی بوده که ازطرف سندیکای دندانپزشکان ایران در یازدهمین کنگره پزشکان جهانی که درلندن افتتاح شد شرکت نموده شرح گذارش کنگره باموفقیت درجراید ومجلهٔ دندان پزشکان ایران درج شده‌است. پس ازخاتمه کنگره جراحی فك را درآلفجس هاسپیتال[۱] تحصیل نموده باارمغان علمی بمیهن عزیز برگشتم

۱ _ St. Alfeges Hospital.

درسال ۱۳۳٤ از طرف وزارت فرهنگ مدت دوسال تحصیلی در دانشگاه پاریس (بیماریهای دهان و دندان) و در دانشگاه لندن رشته تخصصی کودکان را تحصیل نموده .

دراردیبهشت۱۳۳٦ بنابدعوت قبلی‌در کنگره انجمن سلطنی بهداشت لندن که افتخار عضویت آنرا دارم ودر **فولکستون** تشکیل شد شرکت نموده مختصر گذارش انجمن‌را درخاطرات لندن اشاره کرده‌ام .

تنها عشق وعلاقه‌ام دردنیا شاهنشاه محبوب ومیهن عزیز است و بس . عشقی پرحرارت که بالاتر از تمام‌رویاهای آسمانی است.هیچ‌چیزچون‌نشانه‌های افتخارات ایران درروحم تأثیر ندارد .

آرزویم اینستکه بتوانم عنصری مفید برای ایران بزرگ بوده دینی که بعهده دارم بپردازم وهرروزخدمتی که شایسته‌مام میهن است‌انجام دهم، وتألیفات وتصنیفات‌خودرا یکی‌بعد ازدیگری‌برای‌آگاهی‌هموطنان عزیزبطبع رسانم‌وجود خودرا فقط وفقط برای‌کار وخدمت‌بهم‌میهنان گرامی‌دوست دارم .

ازالسنه خارجی به انگلیسی-عربی-فرانسه-ترکی‌عثمانی‌آشناهستم‌بایك عمرتحصیل متأثرم که هنوزنادان وهمواره ازفقردانش نالانم .

سرگذشت حیاتم اگر بطور مبسوط ومفصل شرح داده شود عروس داستانی شورانگیز وباصطلاح معمول مثنوی هفتاد من کاغذ شود وبیشتر ازقسمتهای‌آن مانند افسانه های کهن یاچون تصاویر گوناگون مریم مقدس سرنوشتی بلند و استثنائی است .

باید گفت :

فسانه ها همه خواب آور فسانه من

ز دیده خواب رباید فسانه عجبی است

تصنیفات و تألیفات دکتر مریم میرهادی متخلص به «ناهید»

التهاب لثه ـ روزنامه هفتگی «ندای زنان» ـ سیفیلیس دهان ـ زندگانی زن ـ خاطرات لندن یا مشاهدات «ناهید» ـ دیوان «ناهید» ـ کلیات «ناهید» مجلهٔ «ندای زنان» تاریخ نویسندگان «پارس».

قسمتی از تالیفات مؤلف که حاضر برای چاپ است

بهداشت دهان ودندان ـ تأثیر مالاریا در دهان ودندان ـ بهداشت دهان ودندان در کودکان ـ دشوسمان لثه (پائین رفته لثه)

تأثیر بیماریهای گندزا در دهان ودندان ـ تأثیر حمل در دهان و دندان ـ سرطان فکین .

شکست عشق ـ زندگی طبیعی فلاحت ـ حیات سیاسی من ـ خاطرات مسافرت باروپا در ۱۳۳۱ ـ زندگانی من (درسه جلد)

شریك زن ـ بوستان من ـ زنان بزرگ دنیا ـ خاطرات مسافرت بکشورهای اسلامی در ۱۳۳۳ جلد دوم دیوان «ناهید»

گلچین شکسپیر ترجمه ازانگلیسی ـ لندن مال من است ترجمه ازانگلیسی ـ چطور میتوان محبوب مردم شد ترجمه ازفرانسه ـ زندگی باتو ترجمه از فرانسه ـ وظیفه یك مادر ترجمه ازفرانسه ـ گناهکار ترجمه ازانگلیسی ـ انتقام عشق ترجمه ازعربی ـ شرح حال خالدهٔ ادیب ترجمه از ترکی عثمانی ـ دو بیگناه ترجمه از انگلیسی

حیات شکسپیر ترجمه ازانگلیسی ـ بخواهید تاموفق شوید ترجمه ازفرانسه تورا بحدپرستش دوست دارم ترجمه ازفرانسه ـ عشق تو ترجمه از فرانسه .

آثار قلم دکتر مریم میرهادی متخلص به «ناهید»

مقام زن

در جامعه

حیات اجتماعی بشر مرهون تعلیم و تربیت زن است بزرگترین مربی انسان که مقام شامخی را در اجتماع دارا است زن میباشد. مهمترین دبستانی که آدمی را بفضایل اخلاقی و کمال می آراید دامن بافضیلت زن است.

زن محور حیات و تربیت کننده افراد است اگر وجود زن نبود اجتماع درست نمی‌شد زن عهده‌دار بقاء نسل و تشکیل خانواده است، اوست که میتواند مفیدترین فرزندان را تحویل جامعه دهد.

زن بزرگترین تکالیف را در هیئت اجتماع عهده‌دار است، زن باعث قوام جامعه بشریت است.

زن باعث فرح و تسلیت خاطر مرد و برای اداره نمودن زندگانی و آسایش شریك اوست. زن خوب مهد مردان نابغه است قائدین و پیشوایان و ملیونها جمعیت در آغوش زن تربیت یافته‌اند زنان مثل صدفهائی هستند که مرواریدهای غلطان را درخود پرورانده و یکی بهتر از دیگری بوجود می آورند. در پرتو تربیت زنان فاضل است که مردان قوی، با اراده و عزم آهنین خدمتگذار کشور میگردند.

شئون اجتماعی هر ملتی در دست زن است، زن است که میتواند خط سیر جامعه را بوسیله نیروی تربیت تابع اراده خویش سازد این مربیان عالم بشریت می توانند شهامت ، شجاعت ، عزم قوی ، صبر و شکیبائی ، علم ، همت ، گذشت ، رحم و مروت ، ادب و ایمان، میهن پرستی و شاه‌دوستی و سایر فضائل را در گهواره و آغوش خود بمولود خویش بیاموزند .

برای بوجـود آوردن مردان بزرگ هیچ عـاملی موثرتر از تربیت زن نیست سیر تکامـل بشر در نتیجه تربیت اولی یعنی دامن مادر است. این مربی افراد جامعه که مردان شجـاع را بوجود می‌آورد زن‌است، بنابراین زن دارای حقوق اجتماعی است .

صفحات‌تاریخ که مبین‌احوال گذشتگان‌است نشان‌میدهد که زن دریونان، روم،حبشه،چین‌وژاپون حق‌حیات نداشته و آنهارا خریدوفروش مینمودند درزمان جاهلیت‌اعراب دختران‌را زنده‌بگور میکردند دین‌اسلام مقام شایستهٔ برای زنان قائل‌شد وبآنهاحق‌حیات‌داد،دین‌اسلام‌برای‌زن‌حقوق‌بزرگی‌راقائل‌است،تشکیلات داخلی زندگی‌راکه‌مهمترین‌وظائف‌میباشدبعهده‌زنان گذارده. اسلام‌زنرا ازجنبه اجتماعی‌دوش‌بدوش مردان‌قرارداده . اسلام برای زنان حدی‌معین وحقوق‌آنهارا حفظ نموده.حقوقی که دراسلام برای‌زن منظور شده درهیچیك ازادیان عالم‌نظیر ندارد اینست موقعیت ما در جامعه بشری از این مقام ارجمند نباید سوء استفاده نمود . بشناس قدر خویش که دریای گوهری .

اثر طبع دکترمریم میرهادی

متخلص به «ناهید»

بیاد وطن

روح من‌سالهاست بی‌جان است — چونکه دور ازجمال جانان‌است
مهر شاه و وطن چو در دل من — هردوچون گوهرندودرجان‌است
شاه باشد خدای روی زمین — دشمنش خائف و هراسان است
آرمان شهنشه ما را — مجد و رفعت برای ایران است
شد شعارم خدا ، شاه ، وطن — حب میهن مرا چو ایمان است
دل من بهر خدمت وطنم — شاد و لب از نشاط خندان است
جانثار است شاه را «ناهید» — سر و جانش فدای ایران است

تیرماه ۱۳۳۵ هنگام‌تحصیل درلندن‌سروده‌شد

عشق وطن

تشنه کام و بنظر آب زلالی است مرا
مرغ پا بسته ام اما پروبالی است مرا
دیده فتح بمن مینگرد در همه حال
گر که باخصم بداندیش جدالی‌است مرا
بهرخدمت بوطن با دل وجان میکوشم
نقص کم گوی که‌این طرفه کمالی است‌مرا
چون بودمهرتو دردل چه غم ازجورفلك
تا بسر شور تو دارم چه خیالی است مرا
کاش می‌آمدی و حال مرا می دیدی
تا که‌آگاه شوی بی توچه حالی‌است مرا
هست روشن دل من شیفته مهر وطن
میدهم جان‌برهش‌تاکه مجالی است مرا
راه مقصود مگو دور بود بر « ناهید »
سهل ونزدیکترین راه وصالی است مرا



مهر وطن

روشن از مهر وطن دیده بیدار منست
روز وشب خدمت افراد وطن کار منست
ستم و ظـلم ز بیگانه و یاران دیدم
صبر و نیکی بکسان شیوه رفتار منست
برقیبان و بخصمان نظرم نیکوئی است
به بـدان‌لطف‌و کرم پیشه و کردارمنست

سوخت دل ز آتش غم هیچ نشد حاصل او
تا ابد این دل افسرده گرفتار منست

سیر کردم همه جا را بجهان گردیدم
حاصل تجربه باری بدل زار منست

آنچه در زندگیم یار شفیق است وصدیق
آن کتاب است، کتاب آن گل بی خار منست

دیر و زود دم چه غم ار مهلت هستی گذرد
کانچه پاینده بماند ز من آثار منست

هرچه آموختم از پیر خرد در دوران
نکته هائی است که همچون گل و گلزار منست

عشق شاهنشه و میهن بدل «ناهید» است
میهن و شاه خدا «شاهد» گفتار منست

✲✲✲

قلب شکفته

عشقی بروزگاران دردل نهفته دارم
رازنهان خود را تا کی نگفته دارم

ازعشق میهن و شاه شاداب ونوجوانم
بیدار طالعم من کی بخت خفته دارم

درراه فضل ودانش پیوسته رهسپارم
در بوستان شادی قلبی شکفته دارم

ره برده ام بگنجی ازپایداری عشق
زانرو بکنج خاطر بس دّر سفته دارم

افکار روشن من هرسوچو جوروانست
بس نکتهٔ نگفته هم ناشنفته دارم

آید صباز کوئی کوی بهشت خوئی
هردم سرای جان راز ین پیك رُفته دارم

«ناهید» آشکاراست درراه عشق میهن
رازم دگر بخاطر تا کی نهفته دارم

✲✲✲

مقام عالم

رهبر مردان عاَلم عاِلم است
زانکه عاِلم در دوعاَلم حاکم است

عـالم دانا بسان جـان ماست　　جان چه باشد بلکه او جانان ماست
گر نباشد عالمی در عالمی　　فرق با حیوان ندارد آدمی
عالم آن باشد که اندرخیر وشر　　با خبر سازد تو را از نفع وضر
عالم آن باشد کـه از روی کرم　　وارهاند خلق را از قید غم
عالم آن باشد که آسایش دهد　　عالمی را زیب و آرایش دهد
گر نبودی عالم اندر روزگار　　روزگار جمله بودی شام تار
مرد دانا کور را بینا کـند　　جاهلان را در دمی دانا کند
با خرد کـوشا بود در اتفـاق　　بی خرد کوشد دمادم در نفاق
با خرد افسرده را شادان کند　　بی خرد دلشاد را گریان کند
مرد بخرد برق را فرمان دهد　　ناخوش درمانده را درمان دهد
برتری بخشد تو را علم از ملك　　بگذراند خاك را از نه فلك
با تلسکپ ماه را پیش آورد　　رفته رفته در بر خویش آورد
تا که او نزديك سازد دور را　　روشنی بخشد شب دیجور را
جـان فدای مردمان کاردان　　رنج وغم را میبرند ازجسم وجان

هستی « ناهید » اگر گردد تباه
قدر او بالاتر است از مهر و ماه



شرح حال

جناب آقای دکترعبدالوهاب نورانی وصال استاد دانشکده «ادبیات شیراز»

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شیراز متولد شده فرزند مرحوم روحانی وصال ونبیره وصال شیرازی ازدانشمندان وفضلای پارس،دارای‌قریحه وذوق سرشاربوده اشعاررا بسیارخوب واستادانه میسرایند .

اثرطبع جناب آقای

دکترنورانی وصال

کیستم من ؟

کیستم من دل بدست آرزوها داده‌ای
در بیابانی بدنبال سراب افتاده‌ای
قطرهٔ لرزان اشکی مانده برمژگان هنوز
برگ زردی تن بباد مهرگانی داده‌ای
شبنمی در واپسین دم‌گرم بدرود حیات
شعلهٔ شمعی براه تند باد استاده‌ای

داستانی درهم و آشفته امـا ناتمـام

آه جانسوزی بلب ازسینه ره نگشاده‌ای

آرزوئی برده در دامان حرمان رخت خویش

کاروان گم کرده ای دل بر قضا بنهاده ای

شرح حال

شاعر دانشمند جناب‌آقای محمد واجد

متولد سال ۱۲۸۲ شمسی درشیراز ، لیسانسیه دانشسرای عالی و دانشکـده معقول ومنقول . درعلوم قدیمه بویژه عربی تبحرکامل دارند . سالهای متمادی در کلاسهای عالی دبیرستانها و دانشسراهای شیراز تدریس نموده اخیراً منتقل به اوقاف شده ریاست آنجا را عهده دارند .

جناب‌آقای واجد ازفضلاء وشعراء طرازاول شیراز میباشند . ذوقی سرشار وطبعی روان دارند ، قصیده را بسیار استادانه میسرایند . درغزل کـه زبان بیان واحساسات و سوز وگدازهای قلوب عشاقان است باغزل سرایان گذشته برابری می نمایند .

اگر دیوان سرود های این شاعر دانشمند را بگشائیم می بینیم بیشتر از عشق سروده شده . غزل زیر نمونهٔ از آنست .

اثر طبع جناب آقای واجد

آشوب عشق

خوش بروی شانه زلف مشکفام انداختی
هر که را دیدی، از این دستان بدام انداختی
موی افشان آمدی مستانه وز آشوب عشق
رستخیزی در میان خاص و عام انداختی
دست گیسو تا بگردن دیده‌مت زین آرزو
در دل سرگشته‌ام سودای خام انداختی
ترکتازی از تو می زیبد که با زلف دوتا
توسن اقبال را بر سر لگام انداختی
آفرین بر سرو بالایت که از رفتار خویش
سرو ناز بوستان را از خرام انداختی
از کجا برخاستی کز قامت آشوب ساز
در جهان شور قیامت زین قیام انداختی؟
چشم هشیاری مدار ازمن دگربا آن شراب
کز نگاه چشم سرمستت بجام انداختی
گوشهٔ ابرو نمودی دوش وچون سودائیان
ماه نو را طشت رسوائی ز بام انداختی
پرتوی از تابش روی جهان افروز تست
آنچه را بر مهر و ماه از روی نام انداختی
ایکه شیرین از شکرخند تو کام روزگار
خود چرا ما را بهجران تلخکام انداختی؟
بسکه داری بیدلان را خسته وآشفته حال
نظم «واجد» را ز ترتیب و نظام انداختی

فصل سوم

نویسندگان بزرگ ، علماء فضلاء عرفاء شعراء وفلاسفهٔ گذشته «پارس»

بشهادت تاریخ نیاگان ما درعهد باستان نه فقط برجهانی حکمرانی نموده بلکه باداشتن فضلاءِ وعرفاءِ و دانشمندان ارجمندبنابگفته حکمای روم و یونان :

ایران را مهد دانش‌وحکمت میدانستند .

میهن عزیز ما همیشه مشعلدار تمدن دنیای قدیم بوده در ۲۵۰۰ سال قبل که بیشتر ملل جهان بحال بربریت بسرمیبردند ما دارای تمدن وفرهنگ بودیم **کتیبه‌هائیکه بفرمان‌داریوش کبیر بر کوهای‌مرتفع « پارس » منقوش‌است عظمت وجلال آنروز را نشان داده و شاهدمدعا است .**

امروزهم در سایه توجه و زحمات وفداکاریهای شبانه روزی شاهنشاه محبوب بزودی همان مدارج ومقام اولیه خودرا بدست خواهیم آورد .

دانشمندان گذشته « پارس » مانند ستارگان سحری در طلیعه خورشید تمدن بشری که مطلع آن همیشه در ایران بوده میدرخشیدند و چشم جهانیان را به خویشتن‌خیره ومعطوف مینمودند .

همچنین سرود های آسمانی دونبوغ بزرگ جهان حافظ و سعدی شیراز که مانند آنان نیامده و نخواهد آمد.

وقتیکه نغمه های اشعارشان راکه هرچه بوده گفته و نگفته نگذاشته اند میخوانیم ، می‌بینیم زبان احساسات وسرچشمه‌ای ازعشق بوده، ولی‌عشقی که‌آنها تجسم نموده اند با عشق امروز ما خیلی فرق داشته و دارد .

شرح حال

ابن مقفع فیروز آبادی بزرگترین نویسندهٔ پارس که جان خود رانثار وطن نمود

نامش روزبه ابومحمد عبدالله پسر دادویه مقفّع از اهالی فیروز آباد شیراز متولد سال ۱۰۶ تحصیلات خودوا درپیش موبدان فارس بپایان رسانیده زبان‌عربی رادربصره تکیل نمود یکی‌ازدانشمندان‌بزرگ و نویسندگان‌عالیمقام پارس‌بشمار میرود .

در دیباچه شخصیت بزرگان‌حیات علمی و دانش ، حیات فداکاری ومیهن پرستی ارزش بسزائی دارد ، ابن‌مقفع که ازفضلاء وعرفای‌شهیرواز خدمتگذاران واقعی وطن بود بدست دشمنان‌بدخواه بجرم میهن پرستی دربصره بسال ۱۴۵ بقتل رسید وبانهایت ناجوانمردی وی‌را آتش زدنند افسوس که چراغ عمرش درجوانی دررهگذر تند بادی قرار گرفته بزودی خاموش و خاکستر گردید . یا کوکباً ما کان اقصر عمرُه و کذاتکون کواکب الا سحار درباره اوصدق میکند .

دانشمند ونویسنده موصوف بسیاری از کتب فارسی را بعربی ترجمه نموده که متاسفانه اغلب آن از بین رفته است این نابغه زمان علاوه برفضایل علمی و ادبی شاعری توانا بوده وشعررا بعربی درغایت خوبی وزیبائی میسروده .

بزرگترین وبهترین آثاروی ترجمهٔ‌کلیله ودمنه ازربان پهلوی بعربی‌است که مکرر درلندن ومصر بچاپ رسیده .

(ترجمه از زبان پهلوی بتازی)

آثار ابن‌مقفع

خدای نامه ـ آئین نامه ـ مزدك نامه ـ تاج نامه ـ کتاب فاطیغوریاس ـ آنالوطیقایا ایساغوجی ـ باری ارمیناس ترجمه از یونانی ، لاتین و سریانی به زبان پهلوی و از پهلوی بتازی .

تضیفات عبدالله بن المقفع بزبان عربی الدرة التیمه (در بیروت بچاپ رسیده) کتاب الاداب الکبیر ـ کتاب الاداب الصغیر (در قاهره بچاپ رسیده) رسائل و منشات پیام دوستان ـ منطق ـ و غیره .

صدها آثار ذیقیمت آن نویسنده و مترجم توانا بمرور زمان از بین رفته فقط کلیله ودمنه که از عالیترین آثـار وی از پهلوی بعربی است بالسنه مختلفه ترجمـه شده از کلمات قصار ابن المقفع بعربی میگوید :

ترجمه ـ از ایثار جان ومال خوددرراه دوست مضایقه ننما، بامردم روف و مهربان وخوش خوی وفروتن باش ، بادشمنان بعدالت رفتار نما ، اسرار و عقیده خودرا ازهمه کس پوشیده بدار .

شرح حال

جمال الدین ابو اسحق ابراهیم بن علی بن یوسف بن عبدالله الشیرازی

فقید نامبرده از نویسندگان بـزرگ و مشاهیر علماءِ و فقهاءِ شافعیه است سلسله نصب او به « مجدالدین محمّدبن یعقوب فیرزآبادی » که صاحب قاموس است میرسد ،

ارباب فضـل و دانش ویرا یکی از اساتید بزرگ شمرده از تحقیقـات و افادات مصنفات او بهره ها برده اند . سلسله صوفیه وی را از مشایـخ و اکابر خود دانند .

بیشتر ازدانشمندان معاصر اورا در کتابها اینطور معرفی نموده‌اند :

« هو امام اصحاب الشافعی ومن انتشر فضله فی البلاد آفاق اهل زمانه بالعلم والزحد » .

پس از گـذرانیدن مقدمات ادبیه و مبادی فقه برای اکتساب بیشتری در مکتب « ابوعبدالله محمد بن عبدالله بیضاوی » استفاده نموده سپس به بصره رفته برای تکمیل مورد علاقه خود از مدرس «خوزی» که مرجع طلبه بود ، مشکلات ومعضلات مطالب را سئوال نموده .

از صفات مستحسنه عالم شهیر انصاف وداد بوده هرگز از جاده حق وراه صواب منحرف نشده ولغزش وخطائی از وی سرنزده است .

عامه علماء ، قضاة ، و اشراف بالتمام بر وی اقتداء مینمودند .

شیخ ابواسحق درهریك ازبلاد اسلام که قدم مینهاد قدمش را میمون داشته با استقبال شایان رکابش را می‌بوسیدند .

یکی از فضلا خطاب بوی میگوید .

یا مفید اهل المشرق والمغرب انت الیوم امام الائمه

آثارعالم بزرگ ابواسحق

از تألیفـات مهـم وی کـتاب تنبیـه است پس از اینکه از انتشارش فراغت یافت بشکرانه آن کتاب بیمثال دو رکعت نماز بگذارد وفقهای معاصرین همگی بتعلیم وتدریس آن اقدام نمودند .

دیگر ازآثار گرانبهای وی « کتاب لمع و شرح آن است » که ازفن اصول و فقه نوشته شده ، کتاب التبصره ، کتاب التخلیص ، کتاب المعونه ،

کتاب طبقات الفقهاء ، وترجمه هریك ازائمه که درمشرق ومغرب بتدریس آن پرداختند .

بیشتر موفقیت نویسنده ارجمند و قبول عامه را نسبت باو بـاید از توجه حضرت باری تعالی وفیض قدسی و عنایت ازلی دانست و بس .



شرح حال

ابوسهل فضل بن نوبخت فارسی

که ازبزرگترین ومعروفترین فضلاء ومنجمین مأء دویم هجری است .

ازمردم فارس ومولدش درآندیار بوده. پدرش نیزازمنجمین بزرگ آنعصر بشمار آمده .

در دوره اسلامی یعنی در عهد ابوجعفر منصور عباسی اول بنای ترجمه از پارسی بعربی بتوسط این‌منجم‌فاضل انجام داده شد باین سبب درنزدمنصور مقامی رفیع داشت . ابوسهل درعلم نجوم عدیل ونظیری نداشت .

این منجم دانشمند پس‌ازوفات منصور تازمان خلافت هرون‌الرشید حیات خودرا بترجمه وتألیف میگذرانید.درتألیفات خویش ذکرنموده که از بدوخلقت آدم علم شناسائی کواکب (علم نجوم) بوده یعنی حاصل نوشته های وی اثبات قدمت علوم بویژه علم نجوم است .

مؤلفات و مصنفات این فاضل بزرگ عبارتند از کتاب الموالید المفرد، کتاب‌المدخل فی‌علم‌النجوم ، کتاب تحویل سنی‌الموالید ، کتاب التشبیه والتمثیل وغیره است .

تاریخ وفات نویسنده و مترجم عالیقدر معلوم نیست پس ازوی فرزندان و احفادش مانند پدر فاضل منجمین بزرگ بودند .

شرح حال

ابو البقاء قوام الدین شیرازی علامه بزرگ و نابغه دوران

مقدمات علوم را در نزد پدر خود مولانا نجم‌الدین محمد فقیه آموخته سپس از استادهای بزرگ مانند شیخ ظهیرالدین عبدالرحمن و شیخ محب‌الدین جعفر موصلی و مولانا قطب الدین محمد استفاده نموده بقدری در فرا گرفتن علوم گوناگون کوشیده تا مقام اول را احراز نموده در شرح حال وی مینویسند شب و روز مشغول تحصیل و تدریس و عبادت بوده .

بعداز نماز جمعه در مسجد جامع وعظ میکرده. شاگردان او از علماء بزرگ مانند «خواجه حافظ» شیرازی شاعر و عارف بزرگ و سراج‌الدین ابوحفص مؤلف کتاب کشف‌الکشّاف بوده‌اند .

یکی از آثار مهم او بنام «البسط» است که در دو مجله و در ظرف دو سال نوشته است. پس از اینکه مشرف بمکه معظمه شد در مراجعت به تبریز رفته و بشیراز بر گشت.

قوام‌الدین شاعر توانائی بوده که بعربی اشعار زیادی گفته . متأسفانه در آخر عمر بدرد چشم مبتلا و زمین گیر شد بطوریکه علماء وی را بدوش گرفته برای نماز جمعه میبردند .

درسال هفتصدوهفتادودو در شیراز وفات یافت .



شرح حال

ابوالحسن ضیاء الدین مسعود بن محمود صوفی شیرازی

یکی ازعرفای بزرگ قرن‌هفتم هجریست شاگرد وکاتب فخرالدین‌محمد بن الحسین الرازی بوده‌وتألیفاتش را مینوشته . خرقه تصوف را بدست شیخ نجم الدین کبری‌الخوارزمی که درفتنه‌مغول‌شهیدشد پوشیده پس‌ازبرگشت ازخوارزم بشیراز شروع بتدریس نمود .

شیخ صدرالدین ابوالمعالی و حسین‌بن محمدبن سلیمان مؤلف کتاب تاریخ مشایخ(فارس) ازشاگردان او بوده اند .

آثارفقیددانشمند کشف الاسرار الایمانیه ـ ادلة الحق علی الباطل ـ القناعته‌ـ ودورسالهٔ « اشارات‌الواصلین » (الکنه) و منائح السنی وفضائح المشبهی میباشد .

درسال ششصدوپنجاه وپنج درشیراز بسرای جاویدان شتافت.

شرح حال

ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی

فرزند شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین حمزه رز کوب شیرازی ،

سعدالدین محمدبن مظفر روزبهان جد مادری اوست .

تحصیلات خودرا درنزد صفی‌الدین عثمان کرمانی وشیخ ابراهیم زنجانی و عبدالرحمن علی بزغش باتمام رسانید .

احمدبن ابی‌الخیر یکی ازمورخین بزرگ و نویسندهٔ شهیروشاعرنامی نیمه قرن هشتم هجری است .

ازجمله‌تألیفات دانشمند موصوف « شیراز نامه»است که مقارن قرن هشتم هجری تألیف شده وعلت‌نگارش آن‌اینستکه روزی در بغداد یکی از علماء کتابی بنام بغداد نامه نوشته بنظر مشارالیه میرساند در مراجعت بشیراز بنوشتن کتاب شیرازنامه دراوصاف شیراز برنهج بغدادنامه تألیف مینماید .

راجع به‌آب رکن آباد میگوید :

زلال چشمهٔ حیوان و من نمی دانم

که چون ز جنت فردوس بر زمین افتاد

مزاج روح چنان مضمر است اندر وی

که شهد ، باشد در کام طفل مادر زاد

احمدبن‌ابی‌الخیر معاصرباشمس قیس رازی صاحب‌المعجم و (شیخ سعدی) وعبدالله‌بن فضل‌الله صاحب تاریخ وصاف الحضرةبوده، تعجب دراینستکه این چهار نفر که هم‌عصروبچند سال فاصله میزیسته‌اند اسمی از یکدیگر درآثاد خودشان نبرده اند .

عمرتقریبی ابوالعباس۹۰سال ودرهفتصد وپنجاه درگذشته است ،



شرح حال

نویسنده شهیر دانشمند شیخ ابو محمد روزبهان فسائی الشیرازی شافعی صوفی معروف به (شیخ شطاح)

تولدش در ۵۲۲ هجری ، یکی از علماء و عرفای عالیقدر نیمه آخر قرن ششم هجری هم عصر با اتابك سعدبن زنگی و ابوبکر سعد بوده اینکه فقید بزرگوار معروف به شیخ شطاح است (گوینده شطحیات) یعنی کلماتی را در حال غلبه بر زبان آورند .

لقب روزبهان یعنی کسیکه حال و آینده‌اش از روز گذشته بهتر باشد برای دانشمندی که مقام اول را در بین علمای عصر خود داشته و از مفاخر فارس بشمار میرود بایستی امروزش از دیروز بهتر باشد .

شیخ روزبهان بعراق و شام و حجاز مسافرت نموده ازدست خلیفه وقت شیخ سراج‌الدین محمود خرقه فقر را پوشیده مدت پنجاه سال در مسجد جامع عتیق شیراز وعظ نموده مردم را براه راست دعوت و ارشاد مینموده .

تألیفات روزبهان متجاوز از سی جلداست مختصری از آن ذیلاً شرح داده میشود :

آثار دانشمند بزرگ روزبهان

لطائف البیان در تفسیر قرآن ـ عرائس البیان فی حقایق القرآن ـ مکنون الحدیث ـ الموشح فی مذاهب اربعه ـ ترجیح قول الشافعی بالدلیل ـ حقائق الاخبار ـ العقائد ـ الارشاد ـ المناهج ـ مشرب الارواح ـ منطق الاسرار ـ لوامع التوحید ـ مسالك التوحید ـ مکاشفات الانوار ـ عبهر العاشقین (فارسی) ـ سلوة القلوب ـ شرح الطواسین ـ سیر الارواح ـ العرفان فی خلق الانسان ـ دیوان المعارف ـ منهج السالکین ـ صفوة مشارب

العشق- رساله شطحیات (بفارسی وعربی) تحفة‌المحبین - غلطات‌السالکین‌وغیره .

درعبهرالعاشقین میفرماید :

در جستن جام جم جهان پیمودم   روزی ننشستم و شبی نغنودم
زاستاد چو وصف جام جم بشنودم   خود جام جهان‌نما وجم من بودم

افول‌این‌ستاره درخشان دانش‌در ۶۰۶ هجری بوده وقبروی درشیرازاست .
بنابه‌پیشنهاد جناب آقای علی سامی نویسنده دانشمند،رئیس ادارهٔ باستان شناسی فارس‌وبنگاه علمی‌تخت جمشیددر۱۳۳۷ قبرروزبهان آن‌شخصیت بزرگ عرفانی راترمیم وتزئین‌نمودند.

شرح حال

مولانامحمد اهلی‌شیرازی شاعر شهیر وعارف بزرگ

تولدش دردارالعلم شیرازفرزند یوسف‌بن شهاب صوفی شیرازی متخلص به اهلی در فنون شعر استاد ومهارتی بسزا داشته ، قصیده را بنحو احسن میسروده . مثنوی در مدح شاه اسمعیل ستوده درتهران وبمبئی چاپ شده در کتاب موسوم «بسحر حلال» سه صنعت از صنایع علم بدیع را بکار برده .

وه‌زطبع‌اهلی‌شیرازی سحروحلالش   آنکه رفت ازشاعری تاشعرآواز کمالش

قصایدی‌چند درمقابل‌قصیده مصنوعه خواجه سلمان‌ساوجی گفته که بمراتب بهتر وافزونتر ازاوست .

دردوران زندگی‌سفرها نموده و تجارب زیاد اندوخته درسن هشتادسالگی جهان‌را بدرود گفته درحافظیه جوار خواجه حافظ شیرازی علیه الرحمه مدفون شده است .

آثار مولانا اهلی شیرازی دیوان وی که قریب به۱۲هزاربیت شعر است- رسالهٔ بنظم و نثر در علم معمّا - رسالهٔ در علم عروض . ساقینامه که ۷۶ دو بیتی‌است بایك دیباچه زیبا

اثر طبع اهلی شیرازی

فی منقبة امیر المؤمنین و ائمة المعصومین صلوات الله علیهم

پیرو حیدر شوو همرنگ آل — تا دمد از روی تو هم رنگ آل
حیدر والا گهر آن سرفراز — کامده نور حقش از در فراز
رهرو حق آمد و همراه حق — هم حق ازاو ظاهرو هم راه حق
سرورو شاه وهمه کوصفدراست — درصف جنگ همه اوصفدراست
تیغ وی آن رهبر جان در قدم — آتش قهر آمده زان برق دم
جوهر او گوهر حق آفرین — باد بر آن مظهر حق آفرین
مردم نورانی این ارض عین — برهمه‌شان سجده او فرض عین
یافته عزت فلك از شاه دین — دعوی او را ملك از شاهدین
گوهر او یافته درج شرف — اختر او تافته برج شرف
واقف‌دین آن شه دین درسجود — شدهمه‌جاحافظ این درس جود
مرغ دل از خرمن او دانه چید — بلبل‌جان‌هم گل از آنخانه چید
چون علی اندر ره دین راهبر — نیست جز آل علی این راه بر
شد دل وجان بنده روی حسن — مظهر خلق خوش و خوی‌حسن
دیده حق‌اندر دم قربان حسین — یافته از عالم قرب آن حسین
از دل غمدیده زین العباد — یافته نم دیدهٔ زین العباد
باقرحق‌بین که شد اوحق‌شناس — معنی او از همه رو حق شناس
جعفر صادق هم از آلای شاه — خاطر او شسته از آلایش آه
موسی کاظم شه نیکو نهاد — آنکه سراندر ره نیك او نهاد
قبله هشتم علی آن زهر نوش — کش‌شده درساغرجان‌زهرنوش

رهرو تقوی تقی آن پاکدل
شسته از آلایش جان پاك دل

خازن حق شد نقی ازحلم وداد
گوهر معنی شده از علم و داد

عسکری آن سرور خیل بشر
در دل او نامده میل بشر

سکه مهدی زند آخر زمان
بر عدوی دین کند آخر دمان

پیرو ایشان شود در آن جهان
رخش دل اندرصف مرد آنجهان

هر که شد اوسائل این خاندان
حاجت‌اوحاصل ازاین‌خانه دان

شانی ازایشان دهم ای شان فزا
قدر من از همت ایشان فزا

شرح حال

امری‌شیرازی یکی ازشعراء محروم‌از بینائی ومقتول بدست‌بدخواهان

امری شیرازی درنهایت‌خوبی‌شعر رامیسروده و از مداحـان شاه‌طهماسب صفوی بوده .

درعلوم غریبه تبحر زیاد داشته از آنجائیکه مردمان بدخواه وحسود درهر دورهٔ‌بوده‌وهستندعده‌ای‌ازفقهای متعصب‌وی‌رامتهم‌بکفروالحاد معرفی‌نموده‌سلطان را وادار نمودند که اورا کور وخانه نشین کند .

عوام‌الناس باوجودیکه نابینابود درنهصد ونودونه‌اورا شهید کردند .

آثار وی رساله‌ایست که در اعداد واسرار نقطه نوشته و رساله ذکر وفکر .

اثرطبع‌شاعرفقیدامری

شاهـا ز لباس نـور عـورم کردی
وز درگه خود بجور دورم کـردی
سی سال همی‌مدح تو گفتم شب و روز
این جائزه‌ام‌بود کـه کـورم کردی

شرح حال

مرحوم میرزا محمود شیرازی متخلص به اورنگ

فرزند مرحوم میرزاابوالقاسم متخلص بفرهنگ نوه میرزا محمد شفیع وصال شیرازی‌متولد ۱۲۸۶. علوم قدیمه بویژه عربی را درنزد پدرآموخته .

یکی ازشعرای بزرگ شیرازودیوان‌اشعارش بدوهزاربیت میرسد مرتجلاً شعررا بسیار نیکو میسروده .

ازطرف اهالی‌فارس نماینده مجلس‌شورای‌ملی‌بوده وازآن‌پس ساکن‌تهران شده در ۱۰۳۰ وفات کرده .

اثر طبع اورنگ

ای مه خجل ز ابروی همچون هلال تو
خورشید منفعل ز رخ بیمثال تو
خورشید را ز دیده بریزد بسی سرشك
بی پرده گر نظر فکند بر جمال تو
در سر نمانده جای خیال دگر مرا
تاجای کرده است بمغزم خیال تو
جانی اگر ز شام فراقت بدر برم
باید دهم بمژده صبح وصال تو
از فخر پای بر سر هفت آسمان نهم
گر دست بدهدم که شوم پایمال تو
صد بار مرغ دل برهاندم ز دام زلف
باز اوفتاد در پی یکدانه خال تو

شرح حال

بابافغانی شیرازی غزل سرای نامی قرن نهم

از تاریخ تولد و گزارش اوایل جوانی وی مورخین چیزی ثبت نکرده اند درحدود سی‌سال داشته که بهرات نزد مولانا عبدالرحمن جامی رسیده اشعار اورا تحسین وتمجید نمودند .

از هرات بآذربایجان رفته همانطور مورد الطاف سلطان یعقوب بیك آق قوینلو قرار گرفت . پس‌ازهفده سال اقامت درتبریز بشیراز وسپس بخراسان رفت شاعر نامی عمری را بباده سرائی سپری نمود ولی در اواخر توبه نمود .

بابافغانی غزل را در نهایت زیبائی و بسیار ساده میسروده نمونهٔ از آن درذیل است :

اثر طبع شاعر بزرگ بابافغانی

مرا بباده نه باغ و بهارشد باعث
بهار و باغ چه باشد که یار شد باعث
رسیده بود گل آن سرو چون بباغ آمد
بیار می که یکی از هزار شد باعث
نبود ناله مرغ چمن ز جلوه گل
لطافت رخ آن گلعذار شد باعث
اگر به میکده رفتیم عذر ما بپذیر
که باده خوردن ما را بهار شد باعث
گر از تو یکدوسه روزی جدا شدیم مرنج
که گردش فلك و روزگار شد باعث

اگر ز کوی تو رفتم باختیار نبود
فغان و نالـه بی اختیار شد باعث
بمجلس تو (فغانی) کشید طعن رقیب
گل وصال تو بر زخم خار شد باعث



مردم ز عیش گلشن دنیا چه دیده اند
این بیغمان ز باغ و تماشا چه دیده اند
امروز چون مراد هم اینجا میسر است
اصحاب در بشارت فردا چه دیده اند
احباب را حیات ز اصحاب عشرتست
اندیشه کن که از گل و صهبا چه دیده اند
خصمانه در ملامت رندان نهند روی
این خلق بی ملاحظه از ما چه دیده اند
خاصان بزم وصل بجویند نوبهار
مقصود صحبت است ز صحرا چه دیده اند
نقد روان دهند و ستانند آب تلخ
مستان درین معامله آیا چه دیده اند
از باده منع خلق نه قانون حکمتست
تا مردم دقیق درینجا چه دیده اند
ترسم که خود پرست شوی آفتاب من
گر گویمت کزآن رخ زیبا چه دیده اند
جائی که همچو آب رود خون عاشقان
در بودن (فغانی) شیدا چه دیده اند



گل آمد ساقیا محبوب گلرخسار می‌باید
می بیغش بدست آمد گل بیخار می باید
چو نام دوستی بردی بیفشان از وفا تخمی
زبان چرب را شیرینی گفتار می باید
خوشست آنوعده کز جانان بمقصودی رسد عاشق
بگفتن راست ناید کارها کردار می باید
نه آسانست کشتن خلق‌را و ساختن زنده
لب شکر فشان و غمزهٔ خونخوار می باید
ازاندك می که بنشاند غباری نیست آزاری
بلا این استکاین جنس نکو بسیار می باید
هر آن محنت که درعالم‌از آن‌دشوارتر نبود
بیاری میتوان از پیش بردن یارمی باید
جمال چهرهٔ معنی ندارد عاشقی چندان
متاعت یوسفست ایدل کنون بازار می باید
(فغانی) خانه ویران ساز تانامت بقا گیرد
اثر خواهی که ماند درجهان آثار می باید



شرح حال

مولانا قاضی ناصر الدین ابو الخیر عبدالله بیضاوی شیرازی شافعی

از ادباء و محدثین و مفسرین دانشمند قرن هفتم هجری معاصر با خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی امامی. تفسیر قرآن کریم بنام (تفسیر القاضی ناصر الدین البیضاوی) را تألیف نموده.

منهاج الوصول الی علم الاصول را با یك مقدمه در هفت کتاب نوشته و دانشمندانی چند بر آن شرح نوشته‌اند.

قاضی ناصر الدین ابوسعید از فضلای درجه اول بیضاء شیراز و دارای تألیفات زیاد است. وفاتش در ششصد و نود و شش هجری در تبریز مقبرهٔ جرند آب مدفون است.

آثار فقید دانشمند بیضاوی

الایضاح ـ شرح المصابیح ـ شرح مطالع ـ شرح الکافیه ـ تهذیب اخلاق ـ انوار التنزیل ـ شرح البینه ـ شرح المنتخب ـ الغایة القصوی ـ لب الالباب فی علم الاعراب ـ طوالع الانوار ـ نظام التواریخ.

شرح حال

پرتوی شیرازی که در عهد خود یکی از بزرگان ممتاز بشمار میرفت

بلاغت کلامش زبان‌زد مردم و سخنان مقبولش در دلها جای گزین بود. علامه‌دوانی در آتشگده آذر درحق او گفته:

مارأیت اثم فقرا و مسکنته منه و عندی انه من السالکین.

درجوانی‌عاشق شده‌مـدتها معشوق ازاو رنجور و دوربوده تا آخرالامر بـا یکدیگر ازدر صلح‌د رآمدند .

چنانچه میگوید :

مرا بجور چو کشتی وفا چه فـایده دارد
کنون که جان بلب آمد جفا چه‌فایده دارد

آثار او ساقی‌نامه . درجوارشیخ سعدی‌مدفون است .

شرح حال

میرزا علی‌رضا (تجلی) از اهالی اردکان‌فارس

پدرش از دهاقین آنجا خدمت مرحوم آقا حسین خوانساری در اصفهان کسب فضایل‌نموده سپس بهندوستان رفته وپس‌از مراجعت بایران به ترویج علوم مشغول‌شده بواسطه فضل‌و دانش خویش احترامی وافر دربین مردم داشته اشعـار زیر ازوی‌است :

یاد زلفی سوخت خون در پیکرم — بـوی عنبر میدهد خاکسترم
زلف و کاکل سنبل کلذار طـور — ساق و ساعد ماهـی در پای نور
گردش چشمی چو دور روزگـار — صد هزاران فتنه‌اش در هر کنار
صاف مرواریـد و مـه را بیختند — طـرح لـوح سینه او ریختند



شرح حال

میرزا اسمعیل متخلص به (توحید) ازشعرای بزرگ شیراز

پنجمین فرزندمیرزامحمدشفیع وصال‌شیرازی‌متولد ۱۲٤٦. اشعاررابسبك خواجه شیرازمیسروده خط‌نسخ‌رابسیارخوب وبهتراز تمام‌استادان گذشته‌ومعاصر خود مینوشت .

چندین جلدقرآن مجید را برپوست آهوتحریرو همچنین سه دوره‌مثنوی مولوی رازیباباخط نسخ‌نوشته‌است .

بیش‌ازهزار وپانصد بیت ازاشعار وی‌را مدون نموده‌اند .

مرحوم‌توحیدغزل سرائی‌نامی‌وهنرمندی بزرگ بوده . درهزار ودویست‌و هشتاد و شش در وبای عام زندگی را بدرود گفته در پائین ضریح حضرت‌میر احمدبن موسی‌الکاظم (ع) مدفون‌است .

آثاری ازتوحید

نه وصل روی خوبش میدهد دست / نه رخت از خاك کویش میتوان‌بست

بسی کردم حذر از چشم مستش / بآخر چشم آخر بین من بست

رفیقان دست بردارید از من / نمی دارم من از دامان او دست

ز اول سر نوشت من چنین رفت / نشاید از قضای آسمان رست

امید مهر پای صبر ببرید / بلای عشق دست عقل بشکست

نخواهد دست (توحید) ازتفوه عشق / که این آتش بجانش هست‌تاهست



در خرابات مغان گر قدح باده زنی

پشت بر خرقه کنی پای بسجّاده زنی

توچه دانی چه شود کار من نامه سیاه
ای خردمند که لاف‌ازورق ساده زنی
گفتم آزاده دلان بیخبرند ازغم عشق
چون بدیدم تو ره مردم آزاده زنی
خرمی قسمت ما نیست بگیتی (توحید)
دست و پا چند پی روزی ننهاده زنی

شرح حال

جهان‌خاتون شیرازی شاعره دانشمندقرن هشتم هجری

معاصر باخواجه حافظ وشیخ‌جمال‌الدین ابواسحق دارای‌فضائل و کمال‌بی پایان‌ازشعرای‌بزرگ نامی. علماء وفضلاء ازمحضر وی استفاده علمی مینمودند.

همسرش امین‌الدین جهرمی‌ندیم‌شیخ‌ابواسحق وبوسیله اوبدربارشاه‌میرفته بواسطه کمال وجمال بی‌نظیر دشمنانی‌چند بروی‌حسادت ورزیده میخواستند اورا ازبین‌ببرند ولی‌نور دانش‌او پرتو خودرا تابیده ابرهای سیاه را از بین برده جمال حقیقت‌را نمودارمینموده ابیات‌زیر ازاوست :

نادیده مثل رویت ای نور هر دو دیده
با ما چرا بکینی ای یار برگزیده
هر بد که گفت دشمن در شأن من شنیدی
یارب که مدّعی را بادا زبان بریده
ای پادشاه خوبان ، آخر عنایتی کن
چون گشتم از دل وجان ، هندوی‌زرخریده
ای از جمال رویت ، مه روشنی ربوده
چشمی چو چشم مستت ، چشم جهان ندیده

شرح حال

مرحوم میرزاجهانگیرخان شهیدمدیر روزنامه صوراسرافیل منطبعه تهران

درسال هزار ودویست ونودوچهار درشیراز متولد شده یکی ازنویسندگان بزرگ واز آزادیخواهان ایران ، استاد در ادبیات عروض ریاضی و نجوم بوده علم منطق رادرنزد فرصت‌الدوله شیرازی آموخته . شعررا بسیارخوب میسروده و بنام خود تخلص داشته .

فقید موصوف برای‌سرافرازی‌وسعادت وطن‌مبارزه‌باسلطان مستبدمحمدعلی میرزای‌قاجار نموده‌ازایثارجان‌خود درراه میهن‌مضایقه‌ننموده .ابتدا والی‌فارس‌بود همینکه ندای آزادی راشنید بتهران‌رفته باکمك مادی‌میرزا قاسم خان تبریزی معروف بصوراسرافیل و مرحوم علی‌اکبر دهخدا امتیاز روزنامهٔ صوراسرافیل را گرفته تاسی ودوشماره منتشرشد .

درمقالات‌خود بی‌پروابانهایت‌شهامت‌وشجاعت که‌شیوهٔ‌مرضیه‌شیرازیان‌است ازفساداجتماعی وبدبختی‌های‌ایران‌سخن گفته در راه مشروطیت ایران جانبازی و فداکاری نمود .

شاه غدارمستبد که‌خواهان‌سعادت‌وترقی‌ایران نبوددستور دادوی‌رادستگیر ومقارن بتوپ‌بستن مجلس‌او رادرباغ شاه شهید نمودند .

۳۳سال‌بیشتراز‌بهار عمرش‌نگذشته‌بود که جان رادر راه‌عظمت میهن‌تسلیم نمود. آزادی ومشروطیت امروزما درسایهٔ خونبهای‌صدها مردان نامی‌تاریخ‌مانند صوراسرافیل هابدست آمده اینست که این‌آزادی برای مـا ارج و ارزشی بسزا دارد .

شرح‌مفصل‌تری اززندگانی‌فقیدپرافتخارمیرزاجهانگیرخان شهید درحیات یحیی اثرقلم توانای مرحوم حاجی‌میرزایحیی دولت‌آبادی که نگارنده را استادی

دلسوز وراهنمائی سودمندبود دیده میشود .

اثری ازجهانگیرشهید

ترکی که عقل و دین و دل ماگرفته است
ما خود نـداده‌ایم بـه یغما گرفته است
گویند مهر او ز دل خـویش کن بـرون
کی می‌توانم این که بدل جا گـرفته است

شرح حال

نویسندهٔ دانشمند جنیدشیرازی ازفضلا و عرفای قرن هشتم هجری

معین‌الدین ابوالقاسم جنیدبن‌محمودبن شیرازی از خـانوادهٔ فضل ودانش بوده‌ونسبش بخلیفه دوم‌عمربن‌الخطاب میرسد ،

ازپایان سدهٔ ششم‌تاآغاز سدهٔنهم زنان و مـردان دانشمندی از این فامیل برخواسته که تاریخ‌مبین ومعرف‌حال آنـان‌است .

جنید ازوعاظ بزرگ ودرمسجد جامع‌عتیق (۱) وعظ میکرده وشعر را در نهایت خوبی میسروده بویژه‌غزل‌را.ازتألیفات مهم وی‌تذکره (هزارمزار)درشرح حال‌بزرگان شیرازاست که درزمان‌مؤلف زیست‌مینموده‌اند .

ایـن دوبیت ازدیوان اوست :

هرکه برملك یقینش گـذری افتاده است
دو جهـان در نظرش مختصری افتاده است
یارب این فرّ سعادت ز کجا یافت (جنید)
مگر از لطف تو بـر وی نظری افتاده است

---

۱ ـ مسجدعتیق یکی‌ازبناهای‌عمرولیث صفاری‌است .

شرح حال

خواجه شمس‌الدین محمد متخلص به حافظ شیرازی
یکی از نوابغ بزرگ جهان

فرزند خواجه بهاء الدین که مدار حیاتش به تجارت میگذشت و صاحب مکنت بوده .

شرح حال حافظ شیراز را تذکره دولتشاهی ـ تذکره عرفان العاشقین و تذکره میخانه بنحوی از انحاء توجیح وتعریف نموده اند .

سال پرافتخاری که ستاره درخشان حافظ در آسمان دنیا بویژه ایران نمودار شد بسال ۷۲۶ درشیراز بوده .

نادرهٔ دورانی که افکار وفضل و شهرتش برعالمیان واضح و کمالش باندازه ایست که شاعری دون مراتب اوست دیوانش را لسان‌الغیب میگویند .

زیراسخنانش پس‌از کتاب‌مقدس‌آسمانی مورد توجه وعلاقه تام قرارگرفته محققین عالیقدر نام اورا باتکریم وتحسین ادا مینمودند .

تاکنون کسی نتوانسته ماننده‌حافظ آن‌کانون فصاحت و بلاغت ،آن عندلیب دلفریب انجمن ، سخن بگوید .

عارف بزرگ از بیست سالگی شروع بسخن پردازی وشاه شیخ ابواسحاق فرزند شرف‌الدین محمود اینجوپادشاه نیك سیرت وخوب صورت را مفتون اشعار خویش نمود .

کشته شدن شاه شیخ‌ابواسحق تأثیر شدیدی درروح‌خواجه نموده این‌غزل را سرود :

یاد باد آنکه سرکوی توام منزل بود
دیده را روشنی از خاك درت حاصل بود

راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاك
بر زبان بود مرا آنچه ترا در دل بود
در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز
چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود
دوش با یاد حریفان بخرابات شدم
خم می دیدم خون در دل و سر در گل بود
بس بگشتم که بپرسم سبب درد فراق
مفتی عقل در این مسئله لا یعقل بود
آه از این جور و تظلم که درین دامگهست
وآه از آن عیش و تنعم که در آن محفل بود
راستی خاتم فیروزه بود اسحاقی
خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
دیدی آن قهقهه کبك خرامان حافظ
که ز سر پنجهٔ شاهین قضا غافل بود

پس از اینکه شاه شجاع بر اریکه سلطنت نشست خواجه غزل ذیل را سروده :

سحر ز هاتف غیبم رسید مژده بگوش
که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش
شد آنکه اهل نظر بر کناره میرفتند
هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

شاه شجاغ در۷۷٦ وفات وپسرش سلطان زین‌العابدین بسلطنت رسید ولی بواسطه مخالفتهای اعضای خانواده همیشه مواجه بجنگ وجدال بودند . هنگامی که شاه منصورشکست‌خوردخواجه که نسبت باومحبت داشت وی‌را بترك‌جنگهای خانگی نصیحت گفت در این غزل :

خوش کرد یاوری فلکت روز داوری
تا شکر چون کنی و چه شکرانه آوری
یك حرف صوفیانه بگویم اجازه هست
ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

در زمان شاه منصور خواجه بواسطه یاری‌ها و مهربانیهای او قرین خوشی وسعادت بود چنانچه میگوید :

بیا که رایت منصور پادشاه رسید
نوید فتح و بشارت بمهر و ماه رسید
جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت
کمال عدل بفریاد دادخواه رسید
سپهر دور خوش اکنون زند که ماه آمد
جهان بکام دل اکنون رسد که شاه رسید
ز قاطعان طریق اینزمان شوند ایمن
قوافل دل و دانش که مرد راه رسید
عزیز مصر برغم برادران غیور
ز قعر چاه برآمد باوج ماه رسید
کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل
بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق
همان رسید کز آتش ببرگ کاه رسید

همانطور که خواجهٔ بزرگ در اوایل جوانی در سایهٔ تشویق و محبت شاه شیخ ابواسحاق[۱] خوشدل بود دراواخر عمرهم بمناسبت مصاحبت ورغبت و توجه

۱ـ شاه ابواسحق درهفتصد وچهل وچهارهجری درشیراز بمقرسلطنت نشست پس از چهارده سال حکومت مقتول گردید .

زیاد سلطان منصور نسبت باشعارش باعث شهرت عالم گیر لسان الغیب شد چنانچه درغزل وقصیده ومثنوی سلطان را مدح نموده ومیگوید :

بیمن دولت منصور شاهی　　علم شد حافظ اندر نظم اشعار

سلسلهٔ آل مظفرهم سعادت بزرگی داشتند که باخواجه همعصر بودند زیرا در اثر ستایشهای او مشهور گردیدند همین موضوع موجب شد که سلاطین درصدد جلب خواجه برآمدند واورا بدربار خویش دعوت کردنداز آنجمله سلطان اویس بن شیخ حسن ایلکانی بود چنانچه در اشعار خود اشاره مینماید که عنقریب بسوی بغداد وتبریز یعنی پایتخت آل جلایر عزیمت خواهد کرد .

اگر چه باده فرح بخش و باده گلبیزست
ببانگ چنگ مخورمی که محتسب تیزست
عراق و پارس گرفتی بشعر خوش حافظ
بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

خواجه نه تنها درایران طرف توجه سلاطین وقت بوده بلکه در کشورهای پارسی زبان هند آرزومند دیدار اوبودند یکی از آنان محمود شاه بهمنی پادشاه دکن بود و دیگری سلطان غیاث الدین بن اسکندر پادشاه بنگاله که هر کدام بافرستادن مبلغی بشیراز ویرا دعوت بهند کردند .

طی مکان ببین و زمان سلوك شعر
کاین طفل یکشبه ره صد ساله میرود
شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله میرود

خواجه خیلی زود باین نکته پی برد کـه کانون آسایش وفراغت خیال زن و فرزند است اگر افسانه شاخ نبات حقیقت داشته باشد ویرا بعقد خویش درآورد .

مرا در خانه سروی هست کاندر سایهٔ قدش

فراغ از سروبستانی وشمشاد چمن‌دارم

خواجه‌را ازهمسر عزیزخود فرزندانی شد پسری بنام شاه نعمان داشت که در هندستان وفات نمود .

از آنزمان که ز چشمم برفت رود عزیز

کنار و دامن من همچو رود جیحون است

یکی از صفات نیکوی اخلاق خواجه اینستکه بزادگاه خود علاقه زیاد داشته‌چنانچه‌به‌کسانی که بترك فارس و مسافرت بکشور های دیگر اورا ترغیب میکردند میگوید :

نمی دهند اجازت مرا بسیر و سفر

نسیم خاك مصلی و آب رکن آباد

در حقیقت حس میهن پرستی وشاه دوستی‌را باید ازخواجه سترك آموخت چنانچه وطن را عزیز وسلاطین‌را یکی پس‌ازدیگری گرامی شمرده در سال۷۹۱ روح پاك خواجه بجنت اعلی پرواز نمود .

چراغ اهل معنی خواجه حافظ   که شمسی بود از نور تجلی

چو در خاك مصلی برد منزل   بجو تاریخش از خاك مصلی

تراوش افکار استاد سخن خواجه حافظ شیرازی

الا یا ایها الساقی ادر کاساً وناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

ببوی نافهٔ کاخر صبا ز انطرّه بگشاید

ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاده دردلها

مرا درمنزل‌جانان چه امن‌وعیش چون‌هردم

جرس فریاد میدارد که بربندید محملها

بمی‌سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
که سالك بیخبر نبود زراه و رسم منزلها
شب تاریك وبیم موج و گردابی چنین هایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها
همه کارم ز خود کامی ببدنامی کشید آخر
نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفلها
حضوری گر همی خواهی ازو غائب مشو حافظ
متی ما تلق مَن تهوی دَع الدنیا و اهملها



ساقی بنور باده برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بیخبر ز لذّت شُرب مدام ما
هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق
ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما
چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان
کاید بجلوه سرو صنوبر خرام ما
مستی بچشم شاهد دلبند ما خوش است
ز انرو سپرده اند بمستی زمام ما
ترسم که صرفهٔ نبرد روز باز خواست
نان حلال شیخ ز آب حرام ما
ای باد اگر بگلشن احباب بگذری
زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما
گو نام ما زیاد بعمدا چه میبری
خود آید آنکه یاد نیاری زنام ما

بگرفت همچو لاله دلم در هوای سرو
ای مرغ بخت کی شوی آخر تو رام ما
دریای اخضر فلك و کشتی هلال
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما
حافظ ز دیده دانهٔ اشکی همی فشان
باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

✡

روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست
در غنچهٔ هنوز و صدت عندلیب هست
گر آمدم بکوی تو چندان غریب نیست
چون من در آن دیار هزاران غریب هست
هرچند دورم از تو که دور از تو کس مباد
لیکن امید وصل توام عن قریب هست
درعشق خانقاه و خربات فرق نیست
هرجا که هست پرتوروی حبیب هست
آنجا که کار صومعه را جلوه میدهند
ناقوس دیر راهب و نام صلیب هست
عاشق که شد که یار بحالش نظر نکرد ؟
ایخواجه درد نیست وگرنه طبیب هست
فریاد حافظ اینهمه آخر به هرزه نیست
هم قصهٔ غریب و حدیثی عجیب هست

شرح حال

محمد اشرف بن حبیب‌الله حسینی طباطبائی شیرازی

یکی از دانشمندان نامی و از شاگرد های شیخ بهائی شرح خلاصة الحساب را بزبان‌عربی شرح داده . این کتاب که‌شامل حساب و هندسه ، جبرو مقابله وخطائین و تحلیل و تعاکس است در مدرسه های قدیمه میخواندند واستفاده‌های شایانی از آن میبردند .

شرح حال

شادروان عبدالرحیم متخلص‌به «حشمت» شیرازی که ازشعرای معاصر

ودر قصیده‌سرائی نظیرومانندی نداشته درسن ۱۰۴ سالگی جهان را وداع گفته در تکیه هفت‌تنان مدفون است .

شاعر فقید شعررا درنهایت خوبی میسروده هیچوقت کسی را مدح یاقدح نکرده در تدوین وجمع آوری اشعارش‌تسامح‌و کوتاهی شده .

ابیاتی چند ازقصیدهٔ مفصل‌وی

در این جهان دو رنگ نبود مجال درنگ
ای اهل دانش و هنگ تا چند خبط و خطا
از شك و شائبه دور سر تا قدم همه نور
دایم بحال حضور اندر خفا و ملا

سر تا قدم همه جان معنی روح روان
در آشکار و نهان بـر خلـق راهنما
استاد مکتب عشق دانای مطلب عشق
سـاقی مشرب عشق سرمست جـام ولا
«حشمت» تو هم ز وفا از روی صدق و صفا
در حلقه عرفا کن جان خویش فـدا

شرح حال

ابو عبدالله حفیف شیرازی از اجلاء فضلاء و عرفاء و از شیوخی است که ظاهر و باطن او نیکو و بطلاقت زبان معروف بوده

پدرش ازفارس ومادرش از اهالی نیشابور و خود در شیراز بسال دویست و نوزده تولد یافته . پس از تحصیل علوم بطریق طریقت قدم نهاده وبسر منزل حقیقت رسیده تا بجائی که درعصر خود عدیلی نداشته . ومرجع اهل طریقت بوده .

مردم اورا شیخ الاسلام یاشیخ المشایخ میخواندی .

میگویند کسی باندازه او دارای تصنیف و تألیف نیست این عارف کامل معاصر با عمادالدوله وعضدالدوله دیلمی بوده : ابو عبدالله بسیار متدین از بامداد تا شبانگاه یکصدرکعت نماز خوانده روزها روزه داشتی وغذایش در وقت افطار هفت مویز بوده : آن عارف بزرگ را نصایح و کلماتی است عالی .مختصراً درذیل است .

صوفی کسی است که صوف پوشد برصفا وهوا را بچشاند طعم جفا و دنیا را بیندازد از پس به قفا .

رضا برسه قسم است رضای بدو ورضای ازاو ورضای دراو .

رضای دراوتدبیر بود ورضای ازاو آنچه اقتضا کند . ریاضت شکستن نفس

است بخدمت و منع کردن نفس است از سستی در خدمت . قناعت طلب نا کردن آن‌را که‌دردست تونیست . و بی‌نیاز شدن آنچه دردست تو نیست . در ترجمه احوال او میگویند اول عارفی که بپارسی شعر سروده و بیش از چند رباعی دردست نیست ابوعبدالله بوده .

این رباعی بوی منسوبست

ای روی تو قبلهٔ دل بیداران ‌‌ ‌‌ ابروی تو محراب سر هشیاران
خواهم‌نظری کنی توازروی کرم ‌‌ ‌‌ تا باز نمایم بتو از غمخواران

ایضاً

ارید لانسی ذکرها فکانها ‌‌ ‌‌ تمثل لی لیلی بکل مکان
اراده‌میکنم که‌نام‌اورافراموش کنم ‌‌ ‌‌ ولی‌ظاهر میشودلیلی‌مرا درهرمکان

وفات این‌عارف یگانه در اول‌سلطنت عضدالدوله و آخر خلافت « المقتفی بالله »در سیصدو سی‌وسه بوده .

شرح حال

میرزا نصیر حکیم جهرمی پزشك عالیقدر و نویسنده بزرگ جد فرصت الدوله شیرازی

در جهرم فارس تولد یافته ودراصفهان بتحصیل طب وعلوم عربی و ادبیات فارسی و حکمت الهی و ریاضی پرداخته وی طبیب مخصوص کریمخان زند سرسلسلهٔ خاندان زند بوده .

درفضل‌و دانش اوراخواجه‌نصیر ثانی مینامیدند .

طرح‌ریزی مسجد معروف و کیل‌و قبله آن در شیراز از اوست . حکیم دانشمند علاوه‌باشتغال امر طبابت اوقات‌فراغت را صرف‌امورعلمی وادبی‌میکرده تألیفات مفید و سودمندی از خود بیادگار گذارده که مختصری از آن بشرح زیر است .

جام کیتی‌نما ، بزبان‌فارسی ، در حکمت ـ مراة الحقیقه ، بزبان عربی در حکمت الهی ـ حل التقویم ، بزبان فارسی . در نجوم ـ اساس الصحه ، بزبان عربی ، درطب ـ شرح مشکلات کتاب « قانون شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا »رسالهٔدر موسیقی بزبان عربی ـ تشریح موسیقی ونسبت آن‌باعلم طب ـ مثنوی معروف «بهاریه» ـ اشعار مختلف وغزلیات‌وقصائدی چند که‌بیشتر متضمن مدح ائمه‌اطهار است .

نویسنده فقید در ۱۱۹۱ هجری‌قمری در شیراز وفات یافته در نجف‌اشرف مدفون گردیده .

چند بیت از «مثنوی بهاریه» حکیم جهرمی

شبی بانو جوانی گفت پیری — کهن دردی کشی صافی‌ضمیری
چو خم، صاحبدلی روشن‌روانی — در این دیر کهن ، پیر مغانی
که باد نو بهار از ابر آزار — شنیدم خیمه‌زد بر طرف گلزار
بهر گلبن ، هزاری‌ساز برداشت — بهرسروی ،تذرو آواز برداشت
صلای یوسف گل، شدجهانگیر — زلیخای جوان شد ، عالم پیر
سحر گاهان نسیم آهسته خیزد — چنان، کز برگ گل،شبنم‌نریزد
ترشحهای ابر ، از هر کناری — چنان خیزد ، که‌بنشاند غباری



شرح حال

میرزا محمود متخلص به «حکیم» شیرازی دومین فرزند
میرزا کوچك وصال شیرازی

متولد ۱۲۳٤ طبیبی ماهر و دانشمند و شاعری باذوق و هنرمند در نگارش خطوط بویژه نستعلیق بسیارقادروازجملهٔ علمای‌قرن سیزدهم هجری‌بشمارمیرود درسفرهندوستان دیوان خواجه شمس‌الدین حافظ را استکتاب وبطبع رسانیده . درهزارودویست وهفتاد وچهار وبای عام در گذشته .

آثاری از حکیم فقید

بی تو ای جان زتن رفته بتن تاب وتب است
تن بیجان‌وتب‌ای جان من‌این بس‌عجب است
در ره عشق بمطلوب نه پیوست کسی
این عجبتر که بهر کس نگری در طلب است
مردم ایکاش پریشانی زلفش بینند
تا نگویند پریشانی من بی سبب است



هر که در بازار عشقش غم بشادی میفروشد
گو بنه سودایش از سر گر نصیحت مینیوشد
رنج باید برد وسختی عجز باید کرد وزاری
در صف عشاق ناید هر که استغنا فروشد
گربسر داری خرد سندان پتك‌رنج وغم شو
دف ز بیمغزی بود کزدست مطرب میخروشد

بهره کی از شمع وحدت یابد و نور تجلّی
هر که بی‌پروانه چون پروانه در این ره بکوشد
مهر جان باعشق جانان هردو دریکدل نگنجد
هر که جانان راطلبکار است چشم از جان بپوشد
گر نبد عون ملك طبع «حکیم» از کار ماندی
چشمه آری از سحاب ارنی مدد یابد نجوشد

شرح حال

حلاج حسین بن‌منصور بیضاوی شهید بدست بدخواهان حسود

دانشمندی شهیر وعارفی بلند مرتبه وبیشتر ازفضلای زمان ویرا ستوده اند مردی زاهد وصوفی مشرب وصاحب کرامت بوده .

اصلش از بیضاءِ فارس مدتی در شوشتر تحصیل کرده سپس به بغداد رفته با مشایخ صوفیه آمیزش نموده درزمان خلافت المقتدربالله دشمنان غدار اورا در بغداد بدار زدند .

چون قلم دردست غداری بود لاجرم منصور بر داری بود

یکی ازشطحیات وی«اناالحق» است که ابوحامد محمد غزالی اورا ستوده . عالم ربانی حسین بن منصور بمکه مشرف شده ریاضت فراوان کشیده فضل و عقل وی مسبب هلاکش گردید .



شرح حال

نویسنده دانشمند فیلسوف شمس‌الدین محمد بن احمد خفری شیرازی

از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی بوده ودر زمان شاه اسمعیل یکم صفوی میزیسته ودرکاشان وشیراز زیست مینموده . تذکره خواجه‌طوسی‌را بنام تکمله در سال ۹۳۲ شرح داده قاضی نورالله شوشتری او را از فرزانگان شیعی بشمار آورده .

استاد خفری چندین رساله بعربی در اثبات خدا وبحث از صفات او نوشته از تراوش قلم‌اش مشرب اشراقی وعرفانی وی هویداست . درآغاز یکی ازرساله‌ها میگوید :

بسمله الحمد لله الذی‌کان ولازمان ولامکان فاوجد الخلائق بقدرته

همچنین (اثبات‌الواجب) بعربی از خفری است دردیباچه‌آن نوشته:

اثبات خدا ــ یگانگی او ــ دانائی او .

درخاتمه سخنان فیلسوفان یونانی واسلامی را درباره دانائی خدا میآورد .

آغاز رساله :

بسمله الحمدلله الفردالذی لم یلد ولم یولد فیقول محمد بن احمد الخفری هذا رسالة فی الالهیات و قدر تبناها علی عشره مقاصد .

در رساله شیوا و شیرین (اثبات الواجب) با شش دلیل قاطع وحدانیت حق را اثبات مینماید باین جمله هستی محض یکی بیش نیست اشاره دارد :

آغاز آن بسمله قال العلامه الخفری رب افض علینا بفضلك یافیاض لمحة مشائیه فی اثبات الواجب . مجموع الممکنات بالامکان الخاص فی حکم ممکن واحد .

شرح حال

نویسنده بزرگ سید محمود نظام‌الدین متخلص به «داعی» عارف شیرازی

از شعراء وعرفاء ووعاظ مشهورقرن نهم هجری، سادات جلیل‌القدر حسینی، صاحب کرامات ، نویسنده‌ای دانشمند شش مثنوی دارد که بیشتر از آن رزمی وروح مردانگی و پهلوانی را نشان میدهد وخود دبستانی برای ایجاد روح ملیت وجوانمردی ومیهن پرستی است.

فاضل بزرگ را تصنیفات و تألیفات متعدد بفارسی وعربی است که مختصراً نامبرده میشود :

رضائیه ـ خیرالزاد ـ اسوة الکسوه ـ تحریرالوجود المطلق ـ چهار چمن منظوم ـ شرح مثنوی مولوی ـ لطائف راه روشن ـ محاضرالسیرفی احوال خیرالبشر ـ راشد الرموز ـ رسالهٔ ولایه ـ رسالهٔ دیباچه جمال و کمال ـ مشاهد ـ چهل صباح ـ چشمه زندگی ـ رسالهٔ تاج نامه ـ رسالهٔ نظام و سرانجام ـ رسالهٔ اوراد ـ مرآة الوجود ـ رسالةالشدد ـ رسالهٔ بیان و عیان .

شرح حال

میرزا محمد متخلص به «داوری» فرزند میرزا محمد شفیع وصال شیرازی

بانحاء علوم بویژه ادبیات جهدی وافی و کوششی کافی نموده و بهرهٔ کاملی برده شعررا بی نهایت نیکو می‌سروده در نقاشی نصیب بزرگی داشته ، خطوط را زیبا می‌نگاشته مرحوم داوری ازشعرای دانشمند قرن سیزدهم هجری است .

مکرر درمکرر مورد تشویق ناصرالدین شاه قرار گرفته . درهزارودویست وهشتاد وچهار وفات یافته .

اشعار زیر از اوست :

بحلقه سر زلفت دلی که شد مفتون
برون ز حلقه نیارد شدن بهیچ افسون
دلم بسان پری دیدگان بشوریده است
مگر ز حلقهٔ زلف تو پا نهاد برون
کسی که شعر نگفته است در تمامت عمر
قد تو بیند وطبعش همی شود موزون
مگر بدست تو افسون همی کند شانه
چنین که مار ز سوراخها کشد بیرون
بس است «داوری» این گفته ملال انگیز
بیا طریق غزل گیر کالجنون فنون

شرح حال

میرجمال الدین عطاء الله حسینی «دشتکی» شیرازی از دانشمندان نیمه دوم سده نهم هجری

مرحوم دشتکی‌از نویسندگان وفضلاءآن زمان کتاب روضة الاحباب فی‌سیرة النبی وآمال‌الاصحاب را بفارسی نگاشته . دراین کتاب سه مقصد تذکر داده شده ۱ــ گذارش روزگار پیغمبر (ص) ۲ــ گذارش مردان وزنان ویاران پیغمبر(ص) ۳ــ تابعان ومحدثان . این‌نخستین تألیف اوست.

عالم شهیر مدتها درآموزشگاه (ساطانیه) هرات‌و در خانقـاه (اخلاصه) تدریس نموده هفته‌ای یکمرتبه در مسجد جامع هرات وعظ میکرده .

کشف الظنون افول این ستاره دانش را در ۹۲۶میداند .

شرح حال

حضرت آیت‌الله العضمی فخرالعلماء والعرفاء قطب العارفین مرحوم میرزا ابوالقاسم شریفی حسینی متخلص به (راز) شیرازی

نویسنده عالیقدر فرزند میرزا عبدالنبی صوفی ذهبی در شیراز متولد شده در علوم معقول وشعر عربی و فارسی فقه واصول و تفسیر دست داشته خط طریقت را پیموده مردی صوفی مشرب، متولی بقعهٔ متبرکهٔ احمدیه شاهچراغ علیه‌السلام بوده. این نابغهٔ عصر خود ۵۱ جلد تألیفات گوناگون دارد که قسمت عمدهٔ آنها چاپ شده شرح آن بزرگوار را در کتاب تذکرهٔ الاولیاء تدوین و در سال ۱۳۳۳ چاپ شده است.

درسال ۱۲۸۶ قمری در مراجعت ازمشهدمقدس نزدیك اصفهان دعوی حق رااجابت جنازه آن‌مرحوم رابا تجلیل‌و احترام بارض‌اقدس رضوی علیه‌الاف‌التحیه والثنابرده درایوان‌طلای صحن نومدفون‌است.

مختصری از تألیفات فقیدموصوف

آیات‌الولایه(درطهران‌چاپ‌شده)اسرارالولایه (درتبریزچاپ‌شده) براهین الامامه‌درتثبیت‌خلافت بلا فصل مولای‌متقیان‌حضرت‌علی (ع) دریکصد وده باب در تبریز چاپ شده ـ تذکرة‌الاولیاء که‌درسال ۱۳۲۶ درشیراز چاپ‌شده.

تفسیر قرآن‌مجیدمنسوب بحضرت‌امام حسن‌عسگری (ع)

بطلان تناهی الابعاد ـ طباشیرالحکمه ـ کوثرنامه(منظوم) ـ مرصادالعباد ـ شرح مصباح الشریعه حضرت صادق علیه السلام که در ۱۳۵۳ در شیراز بچاپ ـ رسیده. شرح‌دعای‌قنوتیه حضرت امیر (ع) ـ شرح‌خطبة‌البیان ـ مرآة العارفین و مناسك العاشقین وغیره.

آثاری ازعارف بزرگ (راز)

رباعی

ای حجة منتظر توئی شمس وجود | بر نور تو افلاك نمودند سجود
بی نور رخت‌روزجهان‌چون‌شب‌تار | از غیب‌نما جلوه تودرملك‌وشهود

✩ ✩ ✩

گر آدمی صفتی از ملك گرو ببری
که سجده گاه ملك خاك‌آدمی‌زاد است

✩ ✩ ✩

آدمی زاده طرفه معجونی است
از فرشته سرشته وز حیوان
گر کند میل این شود پس از این
ور کند میل آن شود به از آن

شرح حال

مرحوم‌میرزاعلی‌متخلص‌به(روحانی)شیرازی فرزند یزدانی نوه‌وصال شاعر شهیر پارس

ازاساتید بزرگ شعرو ادب درسال ۱۳۵۷ درشیرازمتولد شده تا آخرین ایام‌حیات ریاست انجمن ادب‌شیراز راداشته درسال ۱۳۳۲وفات‌یافت .

ازمرحوم روحانی

پنهان بزیر زلف‌چو رخسارمیکنی | روز مرا سیه چو شب تار میکنی
شب‌عهدمیکنی که‌دهی‌بوسه‌ام‌بروز | چون‌روزیادت آورم انکار میکنی
از هجر نقطه دهن خویشتن مرا | سرگشته تابچند چو پرکار میکنی

شرح حال

دوشیزه زندخت شیرازی نویسنده مجلهٔ دختران ایران

متولد۱۲۸۸ شمسی درشیرازشاعره‌ای روشنفکروعفیف ونیك سیرت دارای افکاری بزرگ پس‌از فراغت ازتحصیل مجمع «انقلاب‌نسوان» راتأسیس وبرضد اوهام وخرافات پیشقدم وطرفدارجدی‌حقوق زنان‌بوده‌متأسفانه قبل‌ازاینکه گلی ازنهال آرزوهای‌خویش‌بچیند‌در سال۱۳۱۶ مبتلی باختلال حواس شده‌بسال۱۳۳۱ درشیراز وفات نمود .

شرح حال

زین‌الدین قاضی‌علی‌بن‌روزبهان خنجی(۱)شیرازی

ازعلمای بزرگ واعاظم ومشاهیرعالیقدر ونویسنده ارجمند پارس دارای تألیفات وتصنیفات متعدد که بیشترازآنها بچاپ‌رسیده‌این‌دانشمند معروف درسال ۷۰۷ درشیرازفات یافته .

مختصری ازآثار وی

«المعتبر» درشرح مختصرالاصول ابن‌حاجب ـ الشکوك علی‌الکافیة‌فی‌النحو ـ النهایة فی‌شرح‌الغایة ـ القواعدفی‌النحو ـ شرح‌المنهاج ـ اجوبه‌ایرادات علی کتاب المحصول(۲)

---

۱ ـ خنج ازتوابع شیرازاست

۲ ـ یکی ازتألیفات امام‌فخررازی است

شرح حال

عندلیب گلزار سخن افصح المتکلمین ابوعبدالله مشرف بن مصلح الدین متخلص به «سعدی» شیرازی

این ستاره درخشان ادبیات جهان در دهۀ یکم سده هفتم در شیراز چشم بدنیا گشوده و در دهه پایان آن سده افول و یکصد و دو سال عمر نموده .

اصل آن بزرگوار از کازرون فارس اجدادش اهل علم بوده‌اند خواهرزاده قطب الدین علامه شیرازی است .

مقدمات علوم را در شیراز دیده . سپس تحصیلات خود را در بغداد بپایان رسانیده مدت سی سال روزگار سیاحت و سیر را در آفاق و انفس طی نموده تراوش نمونه‌های کامل از اشعار آبدار و گفته‌های ارزنده خود را با نظم «بوستان» و انشاء «گلستان» تعریف و کمال قدرت و توانائی و استادی را بعالمیان نشان داده ، طلوع کوکب درخشانی را در افق ادبیات فارسی آغاز نموده ، هدف عرفانی را که زائیده اوضاع اقتصادی سده ششم و وضع سیاسی و فجائع سده هفتم است بر فکر وی تسلط زیاد داشته در واقع تاثیر سعدی در ادبیات جهانی بویژه ادبیات پارسی بیش از آنست که بتوان شرح و بسط داد .

مهمترین اثر سعدی بوستان و یک سال بعد گلستان را گفته

در آن مدت که ما را وقت خوش بود   زهجرت ششصد و پنجاه و شش بود

کلیات سعدی علیه الرحمه مکرر در مکرر در ایران و هند بچاپ رسیده و بالسنه خارجی ترجمه شده است .

کلیات سعدی در ادبیات فارسی و ارتباط آن با ادبیات ملل همسایه و خاورمیانه تأثیر بسزائی دارد. برخی گردآوری کلیات را از خود سعدی و بعضی از علی پسر احمد بن ابوبکر معروف به بیستون میدانند .

بوستان سعدی درده باب است

باب‌اول درعـدل وتدبیر ورای ـ باب‌دوم دراحسان ـ بـاب‌سوم درعشق و مستی وشورـ باب‌چهارم درتواضع ـ باب‌پنجم دررضا ـ باب‌ششم در قناعت ـ باب هفتم درعالم تربیت ـ باب‌هشتم درشکر برعافیت ـ باب‌نهم درتـوبه وراه‌صواب ـ باب دهم درمناجات .

این ده باب متضمن سعادت و خیر و راهنمای حیات بشر ، تعلیم وتدریس آن سرمشق زندگی‌برای‌افراد جهانیان است .

شرح گلستان سعدی

یکی‌ازارفعترین آثاربرجسته‌ادبیات‌ایران گلستان سعدی‌است که‌تاچندین سده یگانه کتاب ادبی واخلاقی در دربار های خاور نزدیك وخـاور میانه بشمار میرفته .

ازدورترین نقاط هندتااستانبول این کتاب ذیقیمت را مانند زبان مـادری آموخته ودرس میگرفتند و مکرر درتمام زبانهای بیگانه عربی ـ ترکی‌وهندی ترجمه شده‌است .

صدها نویسندگان بزرگ ایرانی‌وخارجی برای گلستان که نامبردارترین یادگار سعدی شیرازی است‌شرح هانوشته‌اند .

قلم‌سعدی وافکارواشعاروی مانندبحری بی‌پایان ودریای بسیط بیکرانی‌است که مملواز لئالی و گوهر و دری‌مرجان است .

سعدی‌آنطایراوج معرفت‌دردنیای تحقیق گردیده وازریاحین‌معرفت‌چیده، درروضه حکمت‌میوه های‌معانی خورده ودرچمن عرفان و گلشن‌حیات روزگاری رابافتخارسپری نموده.

دردنیای متمدن امروز که فضل ودانش بسرحد کمال رسیده اشعارآن‌نابغهٔ دهررا سرمشق خویش‌قرار داده‌اند اینست آرم منشورسازمان ملل‌متحد که باخط

جلی سردر سازمان نوشته‌اند :

بنی آدم اعضاء یکدیگرند — که در آفرینش زیك گوهرند
چه عضوی بدرد آورد روزگار — دیگر عضو ها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی‌غمی — نشاید که نامت نهند آدمی

سعدی درسیرت پادشاهان میفرماید :

سرهنگ‌زادهٔ رابردر سرای‌اغلمش[۱] دیدم که‌فهم‌وفراست وعقل‌و کیاستی زایدالوصف داشت‌هم ازعهدخوردی آثاربزرگی درناصیهٔ اوپیداشده ولمعان‌انوار سروری در جبین او مبین گشته بالای سرش ز هوشمندی میتافت ستاره بلندی .

فی‌الجمله مقبول نظر سلطان آمد که جمال صورت و کمال معنی داشت و خردمندان گفته‌اندتوانگری بهنراست‌نه‌بمال وبزرگی‌بعقلست نه‌بسال ابنای‌جنس بر او حسد بردند و بخیانتش متهم کردند و در کشتن او سعی بیفایده نمودند دشمن‌چه کند چومهربان باشددوست ملك‌پرسید که موجب‌خصمی‌اینان درحق تو چیست گفت‌دردولت‌خداوندی‌همکنانرا‌راضی کردم مگرحسودرا که راضی‌نمیشود الا بزوال نعمت‌من واقبال دولت خداوندی .

«قطعه»

توانم آنکه نیازارم اندرون کسی
حسودراچکنم کوزخودبه رنج‌دراست
بمیر تا برهی ای حسود کین‌رنجیست
که ازمشقت اوجزبمرگ‌نتوان‌رست

در تاثیر تربیت میگوید :

« قطعه »

گرچه دانی که نشنوند بگوی — هرچه دانی ز نیکخواهی وپند
زود باشد که خیره سر بینی — بدو پای اوفتاده اندر بند

۱ــ اغلمش پادشاه عراق عجم‌بوده .

دست بر دست میزند که دریغ نشنیدم حدیث دانشمند

درقناعت گوید :

یکی طفل دندان بر آورده بود پدر سر بفکرت فرو برده بود
که من نان و برگ از کجا آرمش ؟ مروت نباشد که بگذارمش
چو بیچاره گفت این سخن نزد جفت نگر تازن او را چه مردانه گفت
مخور هول ابلیس تا جان دهد هم آنکس که دندان دهد نان دهد
تواناست آخر خداوند روز که روزی رساند، تو چندین مسوز
نگارندهٔ کودك اندر شکم نویسندهٔ عمرو روزیست هم
خداوندگاری که عبدی خرید بدارد، فکیف آنکه عبد آفرید
ترا نیست این تکیه بر کردگار که مملوك را بر خداوندگار

شرح حال

حضرت سلمان پارسی از مشاهیر علماء اسلام و از اعاظم اصحاب حضرت رسول اکرم(ص)

اصلاً از ایرانیان پاك نژاد و از اهالی شیراز نام او روز به فرزند خشنواز پیرو دین زردشت بوده. نقل است از طرف وی که میگوید :

من در شیراز متولد شده و پدرم از اهالی اصفهان است .

روز به درطلب دین حق ساعی بود طاعت نصاری را پسندیده بدان دین در آمد وچندتن از علمایشان را خدمت کرد یکی از آنان بعثت پیغمبر آخرالزّمان(ص) را خبر داد وعلائمی ازظهور حضرت را باو گفت باشوق وذوق فراوانی درسال اول هجرت با طایفهٔ از تجار عرب روانه مدینه گردید.

آن طایفه ستمگر اورا بنده خود معرفی نموده بشخصی یهودی فروختند

متأسفانه تاچندین نوبت فروخته شد تاآخرالامر حضرت ختمی مرتبت اورا خرید و آزادفرمود وبشرف اسلام مشرف وحضرت وی را سلمان نامیدند ودراکثراز غزوات حاضر رکاب حضرت رسالت پناه میبود. محبت وفداکاری، اخلاص ومودت، حقیقت وخدمت گذاری اونسبت بـآستان قدس نبوی بجائی رسید کـه حضرت رسول اکرم (ص) فرمودنند :

« السلمان مِنا اهل البیت»

میگویند شخصی درخدمت حضرت صادق علیه السلام نامـی از سلمان پارسی برده حضرت فرمود :

مگو سلمان پارسی بلکه سلمان محمّدی . حضرت سلمان رضوان الله تعالی علیه دویست وپنجاه سال زندگی نموده درسال سی وششم هجری درشهر مداین که خود حکمدار آنجا بودوفات یافت تربت وی زیارتگاه جمیع مسلمین است .

آثار سلمان پارسی

حدیث غمامه را درمدح ومناقب حضرت علی (ع) نوشته است میگوید :

قال سلمان الفارسی انها المعجزات الکبار یا امیرالمؤمنین لعن الله من غصبك حقك وجهدك واعرض عنك وضاعف علیهم العذاب الالیم .



شرح حال

حاجی محمدتقی ملقب‌به مجد الشعرا متخلص به (شوریده) مولدش شیراز

باوجودیکه مردمك دیده‌وی ازحلیه بینائی عاری‌بود ازاول جوانی بکسب فضایل وتحصیل‌علوم وتکمیل اخلاق حسنه‌همت شایان تقدیری گماشته با اکابر ارجمند معاشرت‌ومصاحبت کرده، یکی‌از شعرای نامی‌پارس،اشعارش بسیارشیرین وملیح دیده ادراك او بمعانی بیانش مـانندشعرای‌بینا،صاحب دیوانی‌عالـی . چند بیتی‌از قصیدهٔ وی‌در ذیل :

باز آی تـا بروی هـم از مهر بنگریم
من بنگرم بچشم دل و تو بچشم سر

من با نظر تـو را نتوانم کـه بنگرم
بگـذار تـا بجای نظر گیرمت ببر

شمشاد کی بقدّ تو ماند که بر فراز
شمشاد راست قمری و قـدّ تـو را قمر

گر ماه شد به بی سخنی برفلك مثل
ور سرو شد به بی ثمری در چمن‌سمر

اسرار دهر نزد تو رمـزی است منجلیی
طومار چرخ پیش تو سطری است مختصر

گر مرد را بفضل و کمال است افتخار
این طرفه کز توفضل‌و کمال است مفتخر

مدح تورا اگر همه خودگفته من است
زیبد که منشیش بنگارد بآب زر

شرح فضایل تو برون است از حساب
مدح محاسن تو فزون است از شمر

شرح حال

میرزا سید محمد شیرازی متخلص به «شیوا» صاحب کمالات عالیه و حکمت متعالیه

فرزند میرزا محمد رحیم متخلص به «زلال» متولد ۱۲۸۸ از شعراء و فضلاء بزرگ معاصر :

ادبیات فارسی و عربی را بخوبی آموخته خوشنویسی ماهر و شاعری خوش قریحه شعر زیر از اوست .

ای در طلبت خلق جهان در تک و تاز
تو روی نهان کردهٔ از نخوت و ناز
چون مار گزیدگان بخود می‌پیچم
با یاد سر زلف تو شبهای دراز

وفاتش در ۱۳۴۶

شرح حال

ملا محمد باقر متخلص به «صحبت لاری» شاعر عالیقدر فاضل پارس

فرزند محمد علی بسال ۱۱۶۲ هجری در بیرم لار متولد شده (مصادف با اوایل سلطنت کریمخان زند) در بدایت حال بشیراز آمده با جدیت و کوشش فراوانی بکسب علوم و فنون کوشیده تا آنجا که در عنفوان جوانی شهرت بسزائی بدست آورده شاعری شایسته و بزرگ بجامعه معرفی شده .

صحبت لاری از شعرای دانشمند قرن سیزدهم هجری، در بیست سالگی تسلط کامل در ادبیات فارسی و عربی و شعر داشته و بدرجه اجتهاد رسیده .

متجاوز ازسی‌هزاربیت‌شعر گفته ، متاسفانه در اواخرعمر ازنور بصرمحروم گردیده .

وفاتش‌در۱۲۵۱هجری‌مقارن‌اوایل‌سلطنت محمد شاه‌قاجاربوده . ۸۹سال از عمرشریفش گذشته .

ازشاعرشهیرصحبت‌لاری

دانی چه آرزو ز تو دارم نگار من
خواهم که یار کس نشوی جز که یارمن
گیرد قرار کار من آندم که گوئیم
یار توام قرار توام بیقرار من
من جز تو دلبری نشناسم توئی توئی
دلدار من نگار من ای غمگسار من
خالت نهاد گرچه بسی داغ بر دلم
یاد تو شد انیس دل داغدار من
دوش از زبان بلبل دل می‌شنید گل
کی گلعذار من چمنت مرغزار من
گفت آری‌آری‌این‌چمن‌حسن‌از آن‌تست
نومید نیست هر که شد امیدوار من
سیمرغ قاف قدرت عشقم که هر زمان
شهباز رفعتی شود از تو شکار من
« صحبت » بخلوتی سرو کارم کشیده اند
کانجا سروش بر نکند سر ز کار من

شرح حال

حکیم الهی وفیلسوف ربانی نویسنده بزرگ اخوند ملامحمدبن ابراهیم المشتهر بالصدرا الشیرازی

ملقب بصدرالدین دربعضی از کتابهاوی راقوامی شیرازی معرفی کرده اند زیرا ازسلاله وزیرعالیقدر حاجی قوام الدین حسن شیرازی است چنانچه خواجه بزرگوار حافظ شیراز گفته :

دریای اخضر وفلك وکشتی هلال	هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

این ستاره درخشان نیمه دوم قرن دهم هجری درشیراز متولد وجهانی راازبحر دانش بیکران خویش سیراب نموده است .

دانشمند بزرگ ملا صدرای شیرازی پس از تکمیل مبانی علمی درشیراز باصفهان که پایتخت ایران در آن عصر بوده رفته ازمحضر دواستاد ارجمندمیرداماد وشیخ بهائی درك فیض نموده سپس در کوههای قهستان مشغول ریاضت وتصفیه و تزکیه خودمیشود اسفار که از بهترین و بزرگترین کتب فلسفی است در آنجا مینگارد بعدبشیراز آمده بافاده وتدریس شروع مینماید .

آخوند ملاصدرای یکی ازاکابرعلمای اسلام وعرفای عالیقدر دنیابویژه پارس است وی جامع علوم ظاهری وحاوی فضایل صوری ومعنوی و متتبع در فلسفه است

پرسش های طوسی راراجع به(بود ونبودروان وچگونگی و پیدایش چند چیزازیك چیز) که سایرین ازدادن جواب ناتوان بودند پاسخ داده همچنین جواب پنج پرسش کاشانی را در باره (خود آگاهی و پایداری روان) بزبان عربی جواب داده .

ملاشمسای فیلسوف گیلانی از وی سئوال مینماید (اگر جنبندهٔ درهنگام جنش باید پایدار بماندپس جنبش کمی چگونه خواهد بود واگرنیروی گیاه‌مادی است پس پایدارنخواهد) وسایر پرسش‌ها را فیلسوف عالیقدر ایران بنحوی‌احسن جواب میگوید .

سبك‌وروش تفکر وفلسفه ملاصدرای شیرازی روش‌خاصی است‌منحصر بخود او وبی‌سابقه یعنی‌مبتکر طریق‌خاص آن‌بوده .

این حکیم عارف که پوینده طریقت و جوینده حقیقت است فلسفه مشاءو اشراق رابا احکام‌آسمانی وعرفانی‌ارتباط‌داده وهر کدام رابا ادله وبراهین توجیه وتوضیح داده‌است کسانیکه‌بافلسفه سقراط وارسطوآشناهستند اذعان‌مینمایند که فلسفه وی ازدیگران بالاتر و برتراست .

تألیفات فاضل بی‌نظیر متجاوز ازیکصد عدداست .

مختصر شرحی ازآثار گرانبهای آن عالم یگانه ودانشمند فرزانه :

فیلسوف بزرگ صدرالدین محمدشیرازی دراغلب از آثار خود از وجود کلی ومثل گفتگو مینماید وهمچنین دراسفار که۹مجلد است. میگوید :

گوهرهمه‌چیز درجنبش بوده وزمانی‌میباشد، پس‌سراسرجهان‌حادث‌زمانی خواهد بود بجزجهان‌عقل مجرد که پرتوی‌است ازخدای وچندان‌جدائی‌ازجهان خدائی نداردنتوان گفت که حادث‌میباشد . در تحت عنوان‌مبدءِ ومعاد مقالاتی‌چند نوشته است .

در(طرح‌الکونین‌فی‌حشرالعالمین)روشن‌نموده که‌همه‌هستی‌هارارستاخیزی است وهمگان بجهان خدائی بازمیگردند .

(المظاهر الالهیه فی‌العلوم الکمالیه) که آغاز وانجام آنرا بروش فلسفی آمیخته بآیات واخبارشناسانده در۱۳۱٤ در تهران بچاپ رسیده .

(مشاعر) نشان میدهد که درآغاز جوانی نگاشته نشده آنرا در۱۳۱۵ در تهران بچاپ رسانیده‌اند .

(حدوث عالم) را بعربی نگاشته و از حدوث زمانی جهان بروش خویش

گفتگو ودرآن سخنان فیلسوفان یونانی راشواهد گفته خودنموده .

فیلسوف صدرای (حاشیه شفا) را که نوشته ودر۱۳۰۳ بچاپ رسیده‌درآن از کتابها ، رساله‌ها ، اسفار وحکمت مشرق یاد شده است .

(خلق اعمال) را که‌فیلسوف‌داماد بعربی‌نگاشته درجواب آغازآن فیلسوف صدرای میگوید :

چون سخن درباره سرنوشت وآزادی دشوار و مایه سرگشتگی بود گفته های‌دانشمندان (اختیار- جبر- امربین‌الامرین یاعلیت خدا و قابلیت مستقیم وغیر مستقیم موجودات دربرابر فیض‌او) رادرآن میاوریم وسپس روش‌اهل‌الله یاوحدت وجودرا یادمیکنیم . دردیباچه (الشواهد الربوبیه فی‌المناهج‌السلوکیه)می گوید:

آنچه ازراز نهانی فلسفه خود دردفتر هاجسته و گریخته نگاشته وبرخی راهم ازترس نتوانست‌آشکار سازد معانی‌عامه در۵شاهد - هستی‌خدا و آفرینش‌او در ۲ شاهد - شناختن رستاخیز در۳ شاهد - معاد جسمانی وبهشت ودوزخ در۳ شاهد - بنوات در۲شاهدوبرچند اشراق است .

شرح اصول‌کافی دردوجلد - العاقل والمعقول - رساله درمنطق - دانشمند معروف آخوند ملاصدرای شیرازی برشرح حکمته الاشراق قطب شیرازی وشیخ سهروردی این‌حاشیه را بعربی نوشته :

قوله دلالة اللفظ علی‌المعنی آه‌الدلالة مطلقاً کون الشیء بحیث یعلم‌منه‌شیء آخر. (الواردات القلبیه فی‌معرفة‌الربوبیه) که مجموعه آن در سال ۱۳۰۲ بچاپ رسیده دراین رساله مسائل‌نغز الهی‌را بنام‌رازهائی که براو گشوده شده بی‌آنکه ازکسی گرفته باشد بروش عرفان واشراق باعناوین فیض‌آور نگاشته و ازفقیهان ومحدثان نکوهش نموده .

شرح الهدایه- مفایتح‌الغیب - اکسیرالعارفین- رساله فی‌تحقیق‌التشخص و سایرآثار گرانبهای‌آن فیلسوف ارجمند زیاداست . هفت‌مرتبه پیاده راه مکه را پیموده‌بسال۱۰۵۰آخرین‌سفر دربصره آن ستاره درخشان افول نمود ولی مکتب وی که از بزرگترین و بهترین مکاتیب فلسفه است برقرار و پایدار میباشد .

شرح حال

مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب «صدیقی» فیروز آبادی شیرازی شافعی

که یکی ازدانشمندان نامور بزرگ است کتابی درتحت عنوان :
الصلاةوالبشرفی الصلوة علی خیرالبشربعربی نوشته که مطالعه آن برای کسانی که میخواهند صراط مستقیم را طی نمایند بسیار مفید ولازم است .

شرح حال

میرزاسید علی شیرازی متخلص به «ضیائی» ازحکماء وشعراء معاصر

فرزند میرزاسید باقرتاجر در علوم حکمت الهی ، فقه وطب تحقیق وتدقیق کافی نموده طبعی فصیح واشعاری ملیح دارد . شعر زیر ازاوست .

داغ عشقی که بود از تو نهان در دل ما
بینی آندم که شود لاله عیان از گل ما
معنی شمس هویت که نهان بود کنون
آشکارا و هویدا شده است از دل ما

متوفی ۱۳۲۸ شمسی

شرح حال

میرزا محمد طبیب کازرونی متخلص به «طالع»

ازپزشکان طرازاول وشعرای بزرگ قرن سیزدهم هجری است که درشیراز اقامت داشته . در عنفوان جوانی بسرای جاودانی شتافت متوفی ۱۳۰۳ اشعار ذیل از وی است :

جهانی دل بدان شمشیر ابرو گرفت و بست در زنجیر گیسو
فتاده خال چون قیراطی از مشك کنار زلف مشکین چون ترازو
دلم شد در خم زلفش گرفتار چو اندر چنگل شهبا زتیهو
برخ زلف کجش گوئی نشسته بگلزار جنان شیطان بزانو
نکو نبود ز «طالع» بی وفائی ولی هرچه از تو آید هست نیکو

شرح حال

عالم بزرگ شیخ عابد عارف کازرونی متخلص به «عارف»

از شعرای سخن سنج وعرفای بزرگ دردارالعلم شیراز نشو ونما یافته متجاوز ازهشتادسال عمری را بامطالعه گذرانده در۱۲۵۸وفات یافته اشعار زیر ازوی است:

تسلیم و رضا شعار کن چون عارف
هیچی تو و از هیچ نمی آید هیچ



از دل عارف غمگین مرو ای غم بیرون
که تورادردوجهان خوشتر ازین منزل نیست

شرح حال

میرزا ابراهیم خان شیرازی متخلص به «عاشق»

از طایفه زند شاعری قصیده سرا وعالیقدر این شعر ازاوست :

آن سرو ناز اگر بخرامد براستی
خوبان شهر با مژه روبند راه را
جانانهٔ که در صف میدان دلبری
برهم زند ز گردش چشمی سپاه را

دیدار یار شاهد انکار مدّعی است
گر ز آنکه در مواجهه خواهد گواه را

شرح حال

« عبدالله » قاضی نویسنده دانشمند از اهالی بیضاء فارس

فرزندعمرقاضی که‌درزمان اتابك ابوبکربن سعدمقام‌قضاوت‌راداشته پسرهم مانندپدر همین شغل رادارابوده‌مدتی به تبریز رفته در۶۸۵ درآنجا بدرود حیات گفت :

آثارعبدالله بیضاوی

انوارالتنزیل و اسرارالتأویل که تفسیرمختصرجامعی است ـ غایة القصوی در فقه شافعی ـ مصباح الارواح در الهیات ـ توالی الانوار در ماوراء الطبیعه ـ تاریخ ایران موسوم به نظام التواریخ .

شرح حال

عبدالرحمن شیرازی پزشك ونویسنده بزرک پارس

فرزند نصرالله شیرازی در اواسط قرن ششم در حلب طبابت میکرده علاوه براینکه پزشکی مجرب ، نویسندهٔ نامی بوده .

تألیفات وی ازاینقرار است : الایضاح فی‌اسرار علم النکاح ـ روضة القلوب درعشق ـ خلاصة الکلام در تفسیر خواب .

شرح حال

سید محمد عرفی شیرازی ملقب بجمال‌الدین از شعرای ارجمند قرن دهم هجری پیرو سبك «هندی» شهرت بسزائی دارد

متولد **۹۶۳** هجری درشیرازپس‌ازتکمیل‌تحصیل علوم دردایره شعروشاعری پای‌نهاده . درسلطنت‌اکبرشاه(۱) بهندوستان رفته طرف توجه‌سلطان‌قرار گرفت‌و دردربار‌اومقامی شامخ داشت .

بواسطه ترقی وتعالی‌زیاد دشمنان‌حسد ورزیده‌بسعایت‌وی همت گماشتند تا اینکه اورا مسموم وسبب مرگش گردیدند .

وفاتش در **۹۹۹** درشهرلاهورمدفون است‌این شاعرجوان بادانش بقدری طبع بلند واندیشه منیع داشته که خودرا بالاترازآن میداند که از گذشت زمان‌اظهار عجزوزبونی نماید همیشه نسبت بحوادث‌بی‌اعتنا بوده چنانچه میگوید :

شکایت از ستم دهر دأب همت نیست
ز هرچه نقش پذیرد بود فراموشم

مطالبی برای‌افکاراجتماعی‌دردیوان عرفی میتوان یافت که هریك‌درزندگی درسی‌سودمند ومفیداست .

عرفی شعر را مانند نقاشی مجسم ساخته مقصود و منظور را در قالب الفاظ زیبا با استعارات دلنشین و اشارات و تشبیهات عالی که مختص اوست بیان نموده .

ازجمله تألیفات عرفی شیرازی : اورات مجمع الابکاروخسروشیرین است

---

۱ ـ ازسلسلهٔ گورکانیان هند معاصر با شاه طهماسب

اثر طبع عرفی شیرازی

در مدح حضرت علی علیه السلام میگوید

آمد آشفته بخوابم شبی آن مایهٔ ناز
(بروش) مهر فزای و بنگه صبر گداز
وه چه شب سرمهٔ آهوی غزالان ختن
وه چه شب وسمهٔ ابروی عروسان طراز
چه پریچهره نگاری که ندارد مثلش
در پس پرده فطرت فلك شعبده باز
خواب را شب همه شب دیده بپا میسودم
که برویم در این واقعه را ساخته باز
دیدم القصه که خوش گرم عنانست روان
سودم اندر قدمش چهره بصد عجز و نیاز
گفتم ای عربده جو چیست گناهم که دگر
بتعرض همه خشمی بتغافل همه ناز
گفت این خود نه گناهیست که ساکت شده ای
از ثنا گستری شاه سریر اعجاز
منفعل گشتم و فی الحال به وادی مدیح
مرکب طبع جهاندم بهوای تك و تاز
ره نبردم بسوی کشور معنی ، هرچند
که در آن بادیه راندم به نشیب و به فراز
گریه آلود فتادم دگر اندر قدمش
گفتم ای مایهٔ آرام دل اهل نیاز
از جبین چین بگشا تا دل من جمع شود
که سراسیمه کند مرغ خیالم پرواز

این سخن در دلش از درد اثر کرد و سرم
بر گرفت از قدم خویش بلفظ آمد باز
بیمحابا نه زدم بوسه بدستش وز ذوق
گفتم اکنون باجازت که شوم وحی طراز
در ثنای شه کونین و امام ثقلین
که بود لمعهٔ برق غضبش کفه گداز
آنکه گر رخش بر افلاك جهاند گردد
پشت سبز فلك از نقش سمش سینهٔ باز

شرح حال

ملاجلال الدین محمد علامه دوانی(۱)
شیرازی فرزند سعدالدین اسعد دوانی از اعاظم فضلاء و نویسندگان بزرگ، فیلسوف عالیقدری است که درفلسفه تحولی ایجاد نموده بویژه در وحدت وجود

علوم ادبی را درنزد پدرخویش دیده سپس بشیراز آمده ازدواستاد بزرگ همام‌الدّین‌صاحب‌شرح طوالع وملاّ محیی‌الدّین انصاری کسب‌علوم مختلفه‌را نموده درمدت‌قلیلی‌صیت کمال وفضل‌وی باطراف‌عالم‌رسیده. سلاطین‌ترا کمه سلطان‌خلیل وبرادرش یعقوب و سلطـان امیرحسن‌بك اورا محترم و گرامی داشته ازوجودش استفاده نموده ویرا قاضی بزرگ فارس نمودند.

دانشمندبزرگ علامه دوّانی بعربستان وتبریز مسافرت نموده واموال‌زیادی بدست‌آورده اومال‌را برای ترویج علم و کمال بکارمیبرد.

---

۱ ــ دوان که‌شرحش گذشت‌ازتوابع‌کازرون ودرسمت شمال‌آن واقع شده متجاوز از چهارصد خانه و چندین‌هزارجمعیت دارد اکثرآنان‌شیخی‌مشرب‌اند زراعتشان بیشتر‌انگوروانارا ست . مقبره علامه دوانی درنزدیك دهواقع شده .

علامه دوّانی در هر شهری کـه میرفت او را گرامی شمرده در توقیرش می افزودند.

تصنیفات علامه محقق دوانی شرح خطبه طوالع بعربی ـ رساله تهلیلیّه بفارسی ـ رساله درخواص حروف بفارسی ـ رساله نصیریّه بعربی تفسیر بعضی از سوره ها و آیات قرآنی بعربی ـ شرح تجرید بعربی ـ تهذیب منطق ـ حاشیه برشرح شمسیّه ـ رساله قلمیّه ـ رساله درجبر واختیار بفارسی ـ رساله صیحه وصدا بفارسی ـ نورالهدایه بفارسی ـ رساله درحل مغلطه مشهور بجذر اصم بعربی ـ شرح هیاکل حاشیه بعربی ـ حاشیه بر شرح مطالع بعربی ـ حاشیه بر کتاب محاکمات بعربی ـ حاشیه حکمة العین بعربی ـ انموذج العلوم بعربی ـ رساله در تعریف علم کـلام بعربی ـ حاشیه برشرح عضدی بعربی ـ رساله زورامع بعربی ـ دانشمند بزرگ صدها آثار دیگر دارد که این کتاب را گنجایش آن نیست. دریکی از تصنیفات خود میگوید.

در کنجی نشسته وخودرا مرکزی دانسته پرکاروار برصفحات صحف مذکوره برسبیل تسویة النسبه سیرودورمیکردم وطریق سلوك را میپیمودم تاآنکه نقطه آخردایره باول رسید وازتتبع وتصفح کتب معقوله و منقوله مستغنی گردیده اکثر مسائل را تناقض یکدیگر دیدم الاچند مسئله که برحقیقت آن متّفق یافتم **انبیاء اولیاء ، حکماء ، علماء ، وکافه عقلا .**

اشعار ذیل از اوست :

ای مصحف آیات الهی رویت — وی سلسله اهل ولایت مویت

سرچشمه زندگی لب دلجویت — محراب نماز عارفان ابرویت

علامه محقق دوّانی رحمةالله علیه در سنه نهصد و هشت هجری بسن هشتاد جهان فانی را بدرود گفت .

شرح حال

میرغیاث الدین منصور شیرازی از سادات عالیقدر دشتکی فرزند میر صدرالدین محمد کبیر

پدر و پسر از اعاظم فضلاء و افاضل علماء در حکمت، سرآمد دیگران واز **فیلسوفان مشهور جهان.** میرغیاث الـدّین رساله‌ای در اثبات واجب بنام «مشارق» نگاشته و بعلاوه بر رسالهٔ اثبات واجب پدرهم شرحی نوشته‌است . آغاز آن چنین است :

« سجانـك الهم یا من تفرد بالوجوب و الوجود و تـوحد بافـاضة الخیـر والجـود »

یکی ازمسائل‌مهم‌فلسفه«مبحث وجودوماهیت آنست» تمام‌فیلسوفان وعارفان خاوری دراطراف آن گفتگو کرده‌اند.فیلسوف‌ملاصدرای شیرازی وغیاث الدّین و پدرارجمند وی‌بحث مذکوررایکی‌ازپایه‌های‌مهم فلسفه‌خود میدانند. غیاث‌الدین دشتکی که‌ازدانشمندان‌وفلاسفه‌بزرگ‌شیرازاست‌حاشیهٔ‌بر کشف‌الظنون‌بنام‌نسخه حجت نوشته که‌در کتابخانه های‌آستان‌رضوی‌ـ کربلاـ بغدادـ دانشگاه‌تهران‌است همچنین شرحی آمیخته بتاثرپس ازمرگ فیلسوف بزرگوار شیخ‌شهید اشراقی که بگناه‌آزاد اندیشی بدست‌مردم‌نادان‌وبدستور صلاح‌الدین ایوبی کشته گردید نوشته‌اشراقی راهیاکل‌النورلکشف‌ظلمات‌نام‌داده . غیاث‌الدین آن ستاره درخشان حکمت وفلسفه در۹٤۸ افول‌نمود .

شرح حال

میرزا ابوالقاسم شیرازی متخلص به «فرهنگ» آراسته بفضایل صوری ومعنوی شاعری عالیقدر

فرزند مرحوم وصال شیرازی خطوط شکسته ونسخ رابسیار زیبا می‌نگاشته درسال یکهزار وسیصدوهشت این جهان دنی را وداع گفته . چندبیت ذیلاً ازقصیدهٔ مفصلی که راجع بفتح بتر سروده :

حدیث تهمتن و داستان اسکندر
شنیده بودم و عقلم نداشتی باور
گزیده معتمد الدوله عمّ شاهنشاه
که هم خجسته خصال است وهم ستوده سیر
در این دو هفته هنر ها از او پدید آمد
که خیره ماند ازاو عقل وتیره گشت فکر
فسانه های کهن را بهیچ انگاری
گرت حدیث کنم داستان فتح بتر
اگر بگفته فرهنگ اعتمادت نیست
بروز نامه پاریس و انگلیس نگر



شرح حال

سیدمیرزامحمد نصیر الحسینی شیرازی متخلص به «فرصت» وملقب به فرصةالدوله
یکی ازنویسندگان وشعرای بزرگ ایران

معروف به میرزا آقا بوده فرزند میرزا جعفرمتخلص به «بهجت» جدوی حکیم بزرگ میرزانصیر جهرمی است که شرحش گذشت.

مرحوم فرصت درسال هزار و دویست وهفتاد و یک هجری قمری در شیراز متولد شده تحصیلات خود را درخدمت حکیم معروف «شیخ مفید متخلص "بداور"» بانجام رسانیده ودرمدت قلیلی سرآمد اقران خود گردیده علاوه بر تسلط بر علوم معاصر بزبان انگلیسی آشنا بوده و در خطوط پهلوی و آریائی (میخی) شناسائی کامل داشته. ادیب ومحققی دانشمند ومورخی توانا ونقاشی چیره دست بویژه در میناکاری ورنگ آمیزی. کمتر کسی دیده میشود که در تمام علوم متبحر باشد فرصت شیرازی جامع جمیع علوم بوده درواقع (شاعری) کمترین هنر او حساب میشده با اینهمه فضل ودانش وهنر گوشه گیر و کم حرف، پیوسته از بیچارگان و ضعفا دستگیری وخدمت مینموده.



ادیب فاضل استاد بزرگ فرصت الدوله

مرحوم فرصت که ازشعرای طراز اول بشمار میرود کلامش بر کمالش برهانی

است قاطع درمدت شصت و نه سال‌عمر خودمجرد زیست‌نموده زیـراعقیده داشت اگرطوق تأهل‌وتشکیل خانوادهٔبر گردن بگذارد دیگر نمیتواند خدمات‌اجتماعی را انجام‌دهد. بیشتراز اوقات‌خویش‌رابمسافرت ومطالعات‌درروحیه افراد واطراف واکناف مردم میگذراند .

خدمت دولتی‌راقبول‌ننموده‌بتدریس علوم‌وفنون‌ادبی ، منطق ومعانـی بیان پرداخته درواقع معلمی‌واقعی بود. میخواست‌آنچه میداندبدیگران‌بیاموزداکثر ازاساتید شاگرد او بوده‌اند درقصیده‌ئی که خطاب به ملك‌الجر کشمیری سروده میگوید :

تعلیم عـلم و فضلم بـاشد همه عـمل
تحصیل فـضل و علمم‌بـاشد همه شعار
صورتگریست پیشه‌ام آنسانکه فی‌المثل
گر از ضایعم بسوی چین کند گذار
صورتگران چین همه گـردند منفعل
وز صنع خـویشتن همه آیند شرمسار

در اواخر عمرمنزوی وتدارك‌سفرآخرت رامیدید حتی سنگ‌مزارخویش راباخط خودنوشته درآبانماه۱۲۹۹ هجری شمسی‌این نبوغ بزرگ علم‌وادب‌چشم ازجهان فروبست . آرامگاه وی درجوار حـافظ شیراز است .

آثار نویسنده بزرگ فرصت شیرازی

آثارعجم ـ دریای کبیر مشتمل بـر علوم مختلفه بزبان فارسی و عربی ـ اشکال‌المیزان درعلم منطق ـ بحورالالحان درعلم موسیقی وعروض ـ منشات نثر و رسالهٔ شطرنجیه .

مقالات‌علمی‌وسیاسی که‌بانام‌مستعار نگاشته شده . مثنوی معروف‌بهجرنامه‌ـ رسالهٔ درگرامر خط میخی که درآن قسمتی ازجغرافیای هند راتشریح نموده ـ رسالهٔ‌درعلم‌هیئت‌جدید. دیوان فرصت‌الدوله شیرازی که‌مشتمل برقصاید وغزلیات

ومسمطات ورباعیات ومثنویات وتواریخ وقسمتی از منشآت است .

اثر طبع شاعر شهیر فرصت شیرازی

نه تو گفتی برقیبان نشوی یار نگارا
چه‌شد آخر که نبردی‌بسر آنعهد ووفارا
کی گمان داشتم ایدوست که از صحبت دشمن
ترك ما گوئی واز یاد بری صحبت ما را
با من اول بمیان طرح وفا ریختی اما
عاقبت پیشه خود ساختی آئین جفا را
عهد کردی بسر کوی رقیبت ننهی پا
باز رفتی و نهادی بسرش منت پا را
بزم عشاق تو را برگ ونواهست فراوان
که فراموش نمودی من بی برگ ونوارا
خانه ظلم تو ویران شود از گریه ام آخر
می کنی ظلم و حذر می نکنی سیل فنارا
هرزمان تیر بلا میرسدم از بر دشمن
منم‌ای دوست که از جان سپرم تیربلا را
دلم از چشم تو بیمار و دوایش لب لعلت
مینمائی چه دریغ ازمن دلخسته دوا را
اینهمه ظلم‌زدست تو بود سهل «بفرصت»
که بپای تو نهاده سر تسلیم ورضا را

✿❋✿

غزل از فرصت‌الدوله شیرازی

بهر صیدم چند تازی خسته شد پای سمندت
صبر کن تا من بپای خویشتن آیم به بندت
با کمندم بندی از پا تا که از تیغم بُری سر
جان سپارم پیش تیغت سر نپیچم از کمندت
چون بُکشی برسینه‌ام دیگر سمندت رامتازان
کآتش دل آب سازد آهنین نعل سمندت
گر بقهرم جان ستانی ورز مهرم دل نوازی
من بخود از جان پسندم هرچه باشد دلپسندت
چون ز لعلت خنده خیزد دیده من اشك ریزد
کاین گهر باشد نثاری پیش لعل نوشخندت
بوسه هر که از لبت خواهم کنی تلخی وتندی
لیك کام دیگران شیرین مکرّر شد ز قندت
سر برافرازم چو سرو از شوق و کوبم بر زمین پا
دست کوتاهم رسد گر بر سر سرو بلندت
خال بر روی تو باشد همچو اسپندی بر آتش
وآن خط مشکین بود دودی که خیزد از سپندت
چون قلم «فرصت» مکش سر از خط فرمان خوبان
گر به تیغ از هم جدا سازند چون نی بند بندت



شرح حال

میرزا حبیب‌الله حکیم متخلص به قاآنی شیرازی یکی ازشعرای بزرگ ایران یکه تاز میدان الفاظ اشعارش در روانی و شیوائی بی نظیراست

ازبزرگترین‌قصیده سرای قرن‌سیزدهم هجری‌است شیرینی گفتار وزیبائی اشعارش ضرب‌المثل عموم درسال۱۲۲۲ هجری قمری درشیراز متولد شده فرزند میرزا محمد علی«گلشن» که اونیزخود یکی‌ازشعراء بوده . مقدمات‌علوم وادبیات را درشیراز فراگرفته سپس بخراسان رفته حکمت‌الهیّه ، کلام ، هندسه وهیأت، ریاضی ، نجوم و سایر علوم را در آنجا دیده زبان فرانسه را درنهایت خوبی میدانسته چنانچه وی‌راپارسی پاریسی‌میگفتند همچنین عربی و ترکی‌را . درآغاز شباب شاهزاده اعتضادالسلطنه‌استعداد اوراکه می‌بیندبتربیتش همت‌میگمارد ودر تشویق وی جدیت کافی مینماید تاگوی سبقت را از همکنان ربوده حسّان العجم لقب میگیرد . پس‌ازمراجعت ازخراسان مدتی درشیراز وبطهران مسافرت‌نموده بدربار ناصرالدین شاه راه می‌یابد .

حکیم‌قاآنی‌دارای‌جودت ذهن وذوق سرشاروقریحه عالی وطبعی‌بلند بوده ، قوه حافظه عجیبی داشته کلمات دردست اومانند موم ودرانتخاب آنها مهارتی بسزا داشته . قصائد وی ازبهترین قصاید ، وغزلهایش درروانی وشیوائی بی‌نظیر است . حکیم قاآنی‌ازبذل وبخشش خودداری نداشته غالباً بینوایان باوی بدربارمی‌آمده اند ودرب آنجا منتظرنشسته وقتی قاآنی ازدربار خارج میشد بهریك ازآنان پول وخلعتی که بدست‌آورده بود میداد .

قاآنی از شعرای بدیهه سرائی بوده که مهارتی فوق العاده درباره او نقل میکنند از ۷ سالگی که به مکتب خانه میرفته شعر میگفته روی کوزه آبخوری

خود برای اینکه با شاگردان عوض نشود این بیت را مینویسد :

این کوزه ز میـرزا حبیب است　　　یك پول ز کوزه گر خریده است

این اولین شعر اوست : روزی کـه در حضور ناصرالدین شاه بوده یکی از ساقیان که جمال زیبائی داشته جامی از می ناب تقدیم میکند شاه این مصرع را میگوید :

قدح در کف ساقی بی صجاب مصراع دوم را نمی‌تواند بسازد فوری قاآنی می گوید :

سهیلی است در پنجه آفتاب . قاآنی باوصال شیرازی انس و الفت فراوانی داشته وبرای او احترام زیادی قائل بوده چنانچه فرزندان وصال را بویژه فرزند ارشدش وقاررا مانندا‌طفال خود دوست داشته .

وفات آن نابغهٔ بزرگ بسال ۱۲۷۱هجری قمری درتهران است .

چند بیت ازقصیده مطولی که حکیم قاآنی دروصف شیراز گفته



تبارك الله ازفارس آن خجسته دیار
که می نبینند چون آن دیـار یک دیار
بزیر بقعه گردون بروی رقعه خاك
ندیده دیده بینا چنان خجسته دیار
نسیم او همه دلکش تر از نـسیم بهشت
هوای او همه خرّم تر از هوای بهار
ز بسکه زمزمه ساز خیزد از هامون
ز بسکه قهقهه کبك آید از کهسار
فضای دشت پر از صوتهای موسیقی
هوای کوه پر از لحنهـای موسیقار (۱)

---

۱ ـ نام ساز و مرغی معروف است .

ز رنگ ریزی ابر بهار در هامون
ز مشك بیزی باد بهار در گلزار
هزار طعنه دمن را بدگه صبّاغ
هزار خنده چمن را بکلبه عطّار
ز هر کرانه پری پیکران گروه گروه
ز هر کناره قمر طلعتان قطار قطار
بصد هزار چمن نیست یکهزار و در او
بشاخ هر گل‌درهرچمن هزارهزار
ز هر نهال برومندش آشکار ترنج
بسان گوی زنخ بر فراز قامت یار
ندیده نبض حکیمانش از کمال وقوف
خبر دهند ز رنج نهان هر بیمار
هزار محفل و در هر یکی هزار ادیب
هزارمدرس و درهر یکی هزار اسفار(۱)



چند بیتی از قصیده‌ای که حکیم‌قاآنی در وصف محبوب سروده

مگو گناه بود بر رخ نگار نگاه
که بر شمائل غلمان نگاه نیست گناه
سرشك ریزدم از دیده هر زمان که کنم
در آفتاب جمال تو خیره خیره نگاه
رخت زداید اگر در خم چو آب روان
خطت فزاید مهر دلم چو مهر گیاه

---

۱ ـ نام کتاب بزرگ فیلسوف صدرالدین شیرازی

چو چهرهٔ تو بود چهر من ز اشك سپید
چو طرّه تو بود روز من ز آه سیاه
ز عشق روی منیر تو روز من تاریك
ز فکر زلف دراز تو عمر من کوتاه
ترا شکنج بگیسو مرا شکنجه بجان
مرا کلال بخاطر ترا کلاله بماه
تراست چشم کحیل و مراست چشم علیل
تراست خال سیاه و مراست حال تباه
مرا زهجر توجیحون شده‌است دیده زاشك
مرا زعشق تو کانون شده است سینه ز آه

شرح حال

دانشمند بزرگ شیخ قطب‌الدین شیرازی محمود بن مسعود بن مصلح الفارسی الکازرونی نویسنده عالیقدر ایران

قطب‌الدین الشیرازی که او را المولی قطب الدین میگفتند در کتب علمی به علاّمه‌شیرازی‌معروف‌است.حکیمی‌است‌بلندپایه وفاضلی گرانمایه‌جامع کمالات صوری ومعنوی در ارشاد وهدایت مردم بمدارج عالیه و مناهج متعـالیه رسیده.

پدرش‌مولانا ضیاءالدین‌مسعودبن مصلح‌الکازرونی ازاطباءِ معروف‌وازمشایخ صوفیه بوده تنهافرزند این طبیب‌ارجمند که عمری را بتدریس علوم پزشکی در بیمارستان مظفری شیراز وتداوی بیماران گذرانیده علاّمه بوده.

قطب‌الدین محمود درسال ششصد وسی چهار در شیراز متولد شده از اوان طفولیت باعشقی فراوان در نزد پدر بآموختن علم پزشکی پرداخت در ده سالگی خرقهٔ تصوف پوشید در چهارده سالگی پدر بزرگوارش درگذشت . از آن پس

می‌اندیشید که دررشته تحصیل و کسب دانش‌ازسایرین پیش‌افتد .

کلیات قانون ابن‌سینارا درنزدعموی خویش کمال‌الدین ابوالخیربن‌المصلح الکازرونی تحصیل نموده سپس مطالعات خود را درنزد مشایخ و علمای آن زمان ادامه داد .

علم هیئت واشارات‌ابن‌سینا راپیش حکیم‌طوسی خواجه نصیرالدین آموخت چون جوانی تیز هوش و زیرك بود باسرعتی بی‌مانند روبترقی وتعالی گذارد.

قطب‌الدین درسال ٦٦١مسافرتهای خودرا باین طریق طی نموده بخراسان که ایالت‌نشین آن‌نیشابور،وعراق عجم که کرسی‌آن‌اصفهان بودرفته‌موردتشویش علماءِ قرار گرفت .

نهایةالادراك رادرآنجا نوشته به‌بغداد وروم رهسپار گردید . مولاناجلال الدین رومی را ملاقات ودر قونیه پایتخت‌روم رحل اقامت افکند . جامع الاصول رابخط خودبرای صدرالدین قونوی نوشته ازوی علوم شریعت ، حقیقت و طریقهٔ ارشادرافراگرفته‌سپس‌روزگاری‌رابقضاءِوتدریس گذرانیده کتاب(التحفةالشاهیهٔ) را تصنیف نمود . ازآنجا بمصر رفته درمکاتباتی که بین‌دولتین مبادله میشد او را اقضی‌القضاة نامیده‌اند .

عالم‌شهیرمدتی‌بشام رفته کتاب‌قانون‌و کتاب الشّفاابن‌سینا رادرآنجاتدریس مینموده سپس‌به‌تبریزعزیمت‌نموده درآنجا رحل‌اقامت‌افکند وپس‌از١٤سال‌انزوا بتصنیف وتألیفات خودپرداخت .

مدرس بی‌نظیر باپادشاهان آمیزش بسیار داشت و از مردم شفاعت فراوان می‌نمود . درسال مبلغ زیادی ازعایدی خود را باشاگردان درمیان میگذاشت.

چهاردانشمندمهم‌ایران‌الشافعی‌التبریزی-تاج‌الدین‌علی‌بن‌عبدالله‌الاردبیلی- کمال‌الدین حسن‌بن‌علی فارسی - ونظام الدین اعرج نیشابوری از شاگردان وی بودند .

قطب‌الدین که بعلوّ وسموّ درجات مشهور ومعروفست مردی متین وسنگین درعین حال بذله گو وخوش مشرب، نیک خو وجوانمرد ومتدین بوده همیشه در نماز جماعت شرکت‌نموده هرقدراورا می‌ستودندبیشترفروتنی مینمود . وی‌بقدری درعلوم مختلفه مسلط بود که اورا دریای دانش‌میگفتنددرمقدمه شرح‌قانون‌اذعان نموده که بر تمام مشکلات ومعضلات علوم واقف وقادر وتواناست .

این‌دعوی رادر اعصار اسلامی جز دانشمند بزرگ ابن‌سینا کسی‌ننمود.

شرح

آثار نویسنده‌دانشمندکم‌نظیر قطب‌الدین محمود علامهٔ شیرازی

ارقام مصنّفات علامهٔ شیرازی‌بیش‌از ۱۵ عدد نیست ولی هریک از آثار وی گرانمایه‌ومفید ودرردیف ذخایربزرگ علمی‌بشمار میرود . او درهرفنی‌ازفنون دارای تصنیفات و تألیفات است .

اسامی عدهٔ از کتب نفیس قطب‌الدین محمود

التحفته الشاهیه کتابیست عربی درهیت که مطمح نظر دانشمندان بوده و اغلب ازآنان‌حاشیهٔ برآن نوشته‌اند .

نهایةالادراك فی درایةالافلاك چهارمقالهٔ‌ایست درهیت‌ونجوم بزبان‌عربی درآغاز کتاب میگوید: سپاس‌وستایش‌بی‌قیاس ومدح وحمدبی‌حد وعدلایق‌حضرت عزت صانعی باشد که حقهٔ این‌شقهٔ مینارا بدورغرر کواکب ثواقب وجواهرزواهر سیارات وثوابت مرصع گردانید .

شرح‌حکمته‌الاشراق برای عاشقان فلسفه بهترین آموزگار است در۱۳۱۵ آنرا درتهران چاپ‌نموده‌اند بزرگترین اساتید حکمت که یکی از آنان صدر المتالهین شیرازی است حاشیهٔ برآن‌نگاشته‌از مقدمه این کتاب معلوم است که پیش ازحکیم‌بزرگ علامه شیرازی کسی حکمته‌الاشراق راشرح نداده است .

التحفته‌السعدیه که یکی ازاهم واعظم مصنفات علامــه ارجمند میباشد در

آن‌شرح کلیّات وکلمات ابن‌سینـا درپنج جلد تحریف شده در کتابخانه سپهسالار موجود است.

شرحی که برقانون شیخ‌الرئیس نوشته گواه صادقی‌است برمقام فضل‌ودانش بی‌مانند وی .

فتح‌المنان فی‌تفسیر القرآن یاتفسیرعلاّمی کتابی‌است بزرگ درچهل‌مجلد درکتابخانه خدیوی مصرموجود است .

حاشیه برکتاب«الکشاف عن‌حقایق التنزیل»

رسالة فی‌بیان‌الحاجة الی‌الطب وآداب الاطباء ایـن کتاب فـقط در کتابخانه خدیویه میباشد .

مفتاح‌المفتاح للسکاکی فی‌المعانی- مشکلات التفاسیر-

«حاشیه برحکمته‌العین

«کتاب‌درة‌التاج‌لغرة‌الدباج» این کتاب در دوجنبه از دوازده علـوم گوناگون بحث مینماید . دردیباچه کتاب منطق‌وطبیعی و الهی وریاضی و کلام‌و فقه و اخلاق‌و تدبیرمنزل وموسیقی‌بویژه‌عرفان‌وتصوف راذکر نموده .

«بقلم عارف توانا قطب الدین محمود علامهٔ شیرازی»

۱ ـ در بیان‌فضیلت علم علی الاطلاق عقل وحکمت مقتضی آنست نه‌نفس و شهوت و یـا بیماری و درویشی و بی مرادی در دنیا . نفس را از عقـل نا راضی و نفرت است .

۲ ـ درلذتهای نفسانی وشهوتهای‌جسمانی نفس‌بدان راضی اما عقل نا راضی زیرا عقل میداناز برای یك لحظه لذت گذرندهٔ دنیا ، سعادت پاینده عقبی از دست می‌رود .

۳ ـ آنچه‌هم عقل‌وهم نفس بدان راضی‌باشند عام است .

۴ ـ آنچه عقل‌بدان راضی‌باشد نه‌نفس‌وآن‌جهلست .

از اینجاست که اگرعالمی‌را گویندای جاهل تنگ دل شود با آنکه‌داند

دروغ گفته‌اند همچنین اگر جاهلی را گوینده‌ای عالم خوش دل گردد با آنکه داند خلاف گفته‌اند :

«چه دانائی از فضائل صفات است و نادانی از رذائل آن »

وفات این نابغه بزرگ جهان در ۷۱۰ و مدفن وی درقبرستان جرنداب تبریز نزدیك بقبر محقق بیضاوی است .

شرح حال

شادروان محمدرضای «کشمیرزاده» نویسنده دانشمند روزنامه ندای ایرانی



نویسنده ارجمند مرحوم کشمیرزاده

متولد سال ۱۲۷۵ فرزند مرحوم محمدحسین کشمیری از تجار و ملاکان نامی درشیراز و هند .

جد مادری مرحوم حاجی ملاباشی ازعلمای بزرگ شیراز . ازاوان کودکی قلبش آکنده به مهر وطن و روحیه‌ای مبارز داشته . محیط خانواده با روح سرکش اوجور نبوده درسن ۱۵ سالگی بمدرسه ژاندارمری سوئدیها رفته تا درجه ستوانی ارتقا میابد .

درجنگ بین‌المللی اول درجبهه جنگ دلیران تنگستانی بفعالیت می پردازد پس اززجرومشقت‌ها و خاطره شهادت افسران همدوره‌اش متأثرشده خدمات سربازی را ترك کرده وارد مشاغل کشوری میشود در وزارت کشور و دارائی پست های مهمی را بعهده میگیرد باز

روح سلحشوری وی راآرام نگذارده درسال ۱۳۰۰مجدداًوارد خدمت‌ژاندارمری وتا۱۳۰۵رئیس ژاندارمری کوه کیلویه وبهبهان وبنادر بوده‌از۱۳۰۸ کفیل‌شعبه۲ سیاسی تهران. سپس برای همیشه از کار دولتی کناره گرفته بکارهای زراعت می‌پردازد دراین‌کارتوفیق زیادی حاصل‌میکند ولی برخورد به‌شهریورشوم ۱۳۲۰ قشقائیها املاك مزروعی را تصرف و غارت میکنند در نتیجه تمام هستی خود و همسرمحترمه‌اش را ازدست میدهد وتنها اسناد ثبتی دردست میماند. با تمام این زحمتهاوخسارات‌شخصی، ممکن‌نبود که ازپادرآیدبرای‌تسکین افکارپرشور خود نمایندگی بعضی ازجراید تهران را قبول مینماید تاسال ۲۶ که سردبیر روزنامه «ندای‌ایران» که همسرخود مدیرآن بود وبعد امتیاز روزنامه‌هفتگی‌ندای‌ایرانی را بنام خویش گرفته منتشر مینماید ودر بین‌ارباب جراید ملقب به‌مرشد میشود.

مرحوم کشمیرزاده درزندگی صدمات زیادی دیده و شانسهای فراوانی نصیبش شده‌که همه را ازدست داده تنها شانس وسعادتی که تا آخر عمر برایش باقی‌ماند همسر فاضله‌دانشمنداو بانونصرت‌الملوك کشمیریزاده‌بود که درهمه‌کار یارومددکار وی‌میبود باوجودیکه بشغل‌شریف دبیری اشتغال‌داشته سر مقاله های ندای ایرانی را نوشته بطوری که مورد توجه عموم فضلاء و دانشمندان قرار میگرفت.

بسال ۲۵ درنهضت فارس همینکه‌زادگاه عزیز خود «شیراز»را درخطردید بهمکاری آرتش برخاست. افسران ونظامیهارا که‌بدست ناصرزندانی‌بودند بشهر برگرداند و باجان بازی نقشه حمله شبانه بشیراز را از طرف قشقائیها کشف و خنثی کرده‌محاصره‌استانداری‌رابدست‌خسروشکست، درنتیجهٔ این‌شهامت‌ورشادت بدریافت «نشان‌لیاقت» ازطرف‌بزرگ آرتشتاران‌مفتخر گردید.

نویسنده‌توانا مرحوم کشمیرزاده قلم‌تیزخودرا بجای‌شمشیر برای‌سربلندی ایران بکار انداخته والحق‌هم درراهی که پیش گرفته‌بود بخوبی‌از عهده انجام‌آن بر آمده یك سلسلهٔ مقالاتی بنام(قهوه‌خانه‌آهو) در ندای ایران و ایرانی منتشر مینموده که انتقادی ودرعین‌حال‌بسیارجالب و گویای‌وضع مردم‌بوده. این‌سرباز

پرافتخار که‌عمری را برای سربلندی واستقلال وطن سپری نمود مدت هشت سال بیمار و بستری بوده اخیراً چندماهی است که‌دنیای فانی‌را وداع وبحیات جاودانی پیوسته ولی بمصداق (الناس موتی و اهل العلم احیا) نام وی همیشه زنده و بر قرار است .

شرح حال

میرزا محمد علی شیرازی متخلص به «گلشن» پدر میرزا حبیب حکیم قاآنی شیرازی

که یکی‌ازشعرای‌نامی‌وبزرگ‌عصربشمار آمده ولادت‌ونشوونمای اودرشهر ذوق پرور شیراز بوده دارای دیوانی‌است . ابیات ذیل نمونه‌ای ازاشعاراوست :

دلم دارد تمنای وصالش دریغا از تمنای محالش
ببالینم میا ریدش دم نزع مباد از مردنم گیرد ملالش

✩ ✩ ✩

زمهرخویشتن دانم که باشد یار یارمن
بحکم آنکه راهی‌هست‌دلهارا سوی دلها

✩ ✩ ✩

آید از باغ فغانی که کند خون در دل
گوئی آنجا خبر مرغ گرفتاری هست

شرح حال

مولانا «لسانی» شیرازی که بفصاحت و بیان از معاصرینش ممتاز

ودرسخن سنجی وخوش کلامی درعهدخویش یگانه‌واز شعرای‌نامی بشمار میرود ازشیراز به تبریز رفته ودرآنجادلبستگی‌هائی‌پیدا نمود . روزی قصیده‌ای‌درمدح امیرنجم ثانی سروده که سه‌بیت از آن درذیل است‌بااینکه امیر بسیار برآشفت ولی از عطای صله‌چشم نپوشید .

پای تاسر منم آزردهٔ شمشیر جفا　　از جفاکاری دور فلك بی‌سروپا
پای بی قوت من بادیه پیمای عدم　　دست بی‌قدرت‌من‌سلسله جنبان‌بلا
می من‌صافی وارباب مرّوت بی‌ذوق　　زر من‌بی‌غش وصراف سخن نابینا

در۹٤۱ وفات یافته درسرخاب تبریز دفن گردید.

شرح حال

نویسنده‌بزرگ دکتر «محمد تقی» شیرازی‌ملقب بملك‌الاطباء ازپزشکان‌دانشمند

تألیفات زیادی دارد از آن جمله رساله‌ای بتازی درباره گرم بودن کافور نگاشته که زیادمورد توجه واقع شده‌زیرا درآن برخلاف گفتار تمام‌دانشمندان ایران گرم بودن‌کافور را گوشزد ومطرح نموده. این‌رساله رابا منظومهٔ پزشکی وی بسال ۱۲۸۵ در تهران بچاپ رسیده . پزشك نامبرده میگوید :

من گفتار پزشکان فرانسوی وهندی‌را پذیرفته با طرز تداوی بدست‌آوردم که‌کافور گرم است این‌دعوی رابادلایل وبراهین‌ثابت نموده‌است .

شرح حال

فقید دانشمند دکتر «محمود» نجم‌الدین شیرازی پزشگ و نویسنده عالیقدر در «سده ۷ و ۸

فرزند امام همام صائن‌الدین الیاس بن شیر باریـك بن محمد شیرازی کتاب التشریح رابتازی نگاشته میگوید :

هذا مختصر فی علم التشریح وباعثی ومزعجی لتصنیفه ثلثة امور:

والحق عندی ان المنی هو الرطوبة الغریزته التی تقوم الحرارة الغریزیة بها قائمة بها ولذلك یحدث (بسبب استفراغها من الضعف والانکسار مالایحدث) باستفراغ الدم مثله خمسین مرة اواکثر والقول فیه ذوشجون . دردیباچه :

این کتاب سه مبحث مهم را متذکر میشود. اول شناختن تن براز آفرینش. دوم دانستن ساختمان وسودهـ‌راندامی کـه در درمان بیماریها کمك است . سوم بهداشت رایاراست وکلیه درچهار گفتار است .

استخوانها در ۲۳ باب ـ رگها ۱۹ باب ـ ماهیچه‌ها ۲۸ باب ـ ساختمان اندامها (کالبدشناسی توصیفی) در ۲۵ باب .



شرح حال

«مسیحای شیرازی» یامحمدمسیح ازنویسندگان بزرگ

فرزند اسمعیل فدشکوئی فسائی شیرازی که در ۹۰ سالگی بسال ۱۱۲۷ در گذشته بامیرزا ابوالقاسم رازشیرازی که ازعرفای عصر قاجاریه وشرحش گذشت بسیار مانوس بوده .

مسیحای شیرازی ازشاگردان دانشمندآقاحسین خـونساری بوده بعربی و فارسی شعر میسروده ولقب شیح الاسلامی فارس را داشته دارای تألیفات متعددی است .

ازآنجمله رسالهٔ که راجع به«اثبات واجب» و«توحید» نوشته . در کتابخانهٔ آستانه طوس میباشد .

درمقدمه رساله میگوید :

اورا شریکی در واجبیت بالذات ودرایجاد ممکنات نیست .

شرح حال

شادروان غلامحسین متخلص به«مظفر» شیرازی معروف به «ملامظفر»

فرزند مرحومعلی ازشعرای غزلسرای مشهور قرن‌اخیر ایران که اشعارش ازبهترین غزلهای زبان‌فارسی‌است که باقتفای دوستارهٔ درخشان سعدی وخواجه حافظ سروده است .

درسال ۱۲٤۷ شمسی دربستك (لارستان) متولدشده دراوان جوانی بشیراز آمده باوجودیکه دست‌راست‌وی‌معیوب‌بود باذوق‌وقریحه سرشاری که‌درفرا گرفتن

دانش‌داشت ابتدا درنزد طلاب مدرسه استفاده نموده‌سپس درمکتب اساتیـد بزرك مانند «حاج‌شیخ احمدشانه ساز»(۱) وسایر ادباء وفضلاء کسب‌فیض‌علوم‌قدیمه‌فقه، حکمت وعرفان نموده(فصوص‌الحکم محی‌الدین اعرابی) و اسفار ملاصدرا وشرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری رادر نـزد ایشان تحصیل‌نموده دراواخـرعمر از مریدان شیخ‌محمد معروف به(امام اصطهباناتی) گردید .

در ۱۳۰۹ شمسی ریـاست کتابخـانه دبیرستان شاهپوررا عهده‌داربوده.

این شاعر با فضلیت دارای صفات پسندیده و اخلاق حمیده ، مبادی‌الاداب، متدین وخوش مشرب ، درزندگانی‌قانع ومقید نبوده چنانچه میگوید :

عمـری چـو مظفر بسر گنج قـناعت
منت نه زخویش و نه زبیگانه کشیدیم

ازشاعر شهیرمظفر شیرازی

ما را چو شمع ، شعله بدل بر گرفته است
این شعله ز آتش رخ دلبر گـرفته است
از سوز ناله سوخت چـو نی بند بند من
این آتشم بجان ز کجا در گرفته‌است ؟
مسکین دلم درآتش عشق تو کرده جای
ماهی نگر که خوی سمندر گرفته‌است ؟
مستی نرگس ازاثر چشم مست تـو است
رنگ از رخ تو لالۀ احمر گـرفته است
سرمست تا ابد بود آنکس کـه در ازل
از دست نازنین تـو ساغر گرفته است
ای خسرو ممالك خـوبان بدلبری
شیرین لب تو نکته ز شکر گرفته است

---

۱ ـ ازاجله علماء وحکماء آنزمان‌بوده

نازم بآن صنم که بیك غمزه دین و دل
از صد هزار همچو «مظفر» گرفته است



تا هـر طرف مرا نکشاند هـوای دل
بستم برشتهٔ سر زلف تو پای دل
از تیر غمزه چشم تو خون دلـم بریخت
یك بوسه گیرم از دو لبت خونبهای دل
باشد صفـای هر چمن از روی باغبان
مـا را عیان ز روی تـو باشد صفای دل
دل شاهباز سد ره عرش و جغد وار
هان گوشه خرابه تن ، گشته جای دل !
دل کشتی است بر سر بحر محیط عشق
غیر از خـدا کسی نبـود ناخـدای دل
رفتم فضای خـانه دل بـار هـا ز مهر
جـز خاك غم نیـافتم انـدر فضای دل
خواهی اگر رضای خدا آوری بـدست
ازجان بکوش در پی ترك رضای دل
تعمیر قصر تن چه کنی ، جان من بکن
تـخریب تن ، عمارت دولت سرای دل
ننگ آیدش ز شاهـی عالم بـروزگار
هر کس که شد بسان «مظفر» گدای‌دل

درفروردین ماه ۱۳۱۲ بسن٦٥ بسرای ابدی‌پیوست .

شرح حال

مرحوم میرزا محمد ابراهیم متخلص به «منعم» شیرازی

شاعری صافی ضمیر ازعلایق دنیا آزاد استاد درخط نستعلیق اشعار ذیل از اوست :

بجز لطفی که او با ما ندارد
کدامین لطف سر تا پا ندارد
نصیب جان هر کس نیست ورنه
بلائی نیست کآن بالا ندارد

✩ ✻ ✩

بتو خواهم گله از تندی خوی تو کنم
بکنم یا نکنم شرم ز روی تو کنم
بر سر کوی توأم دایم و از بیخبری
هر که از راه رسد پرسش کوی تو کنم
طعنه برمستی «منعم» زدن انصاف نبود
زآنکه من این همه‌مستی زسبوی‌تو کنم

شرح حال

«ناصرالدین» احمدبن حیدربن محمد شیرازی استاد در علم اسطرلاب

ازاساتیدبزرگ‌تألیفات‌متعددی‌داردازآنجمله کتاب(ارشاددرعلم‌اسطرلاب) که درآغاز آن‌میگوید :

شکر وسپاس بیحدوعد آفرید گاری جل‌جلاله که مبدع زمین وزمان ومحرك افلاك وستارگان است جمع کردیم ما مختصری از علم اسطرلاب و نامش را «ارشاد» نهادیم .

آثار دیگری از نویسنده بزرگ بنام (استخراج هلال رمضان) است که در آن شرح مبسوطی از تقویم آفتاب عندالغروب (د کدموج) و تقویم قمر عندالغروب را بیان نموده .

شرح حال

میرزا حیدر علی متخلص به (نوا) شیرازی ملقب به تاج الشعراء

فرزند آسوده شاعر شهیر در سایهٔ نور آفتاب تربیت پدر فنون شاعری را نیکو آموخته ویکی از شعراء بزرگ بوده .

ابیات ذیل آثار وی است :

هر گه که آن صنم گذرد در مقابلم
تاب و توان ز تن برود صبر از دلم
گفتم بسرو ناز نداری چرا خرام
گفتا ز شرم قامت او پای در گلم
در پای او ز شوق دهم جان اگر کند
از راه مهر دست بگردن حمایلم
پروانه وار سوختنم آرزو بود
امشب که آفتاب بود شمع محفلم



شرح حال

استاد فضل بن حاتم «نیریزی»(۱) شیرازی رهبر نهضت علمی اسلامی

یکی از نوابغ دانشمندان ایران که در عصر عباسیان از بنیان گذاران فرهنگ و از اساتید بی نظیر بوده . متخصص در علوم ریاضی و فلکی ، حساب، هندسه، مثلثات جبر و مقابله : تصانیف وی مورد شرح و تـوجه استادان علوم قرار گرفته .

تصنیفات فاضل بزرگ نیریزی عبارتند از :

شرح و تفسیر چهار مقاله بطلیموس در علم هیت افلاك ـ کتاب زیج بزرگ و زیج کوچك ـ شرح کتاب «مجسطی»(۲) در علم هیت ـ احداث الجو که بگفته المعتضد بالله عباسی تألیف نموده ـ شرح کتاب اقلیدس (۳) شرح و ذکر آلتی که بوسیله آن مقدار بعد اشیاء معین میشود .

ابتکار و نظریه نیریزی را علماء با نظر عظمت و اهمیت تلقی میکرده اند شرح مجسطی او در کتابخانه های بریطانیا تهران ـ و پاریس موجود است .



---

۱ ـ از شهرهای اطراف شیراز است که شرح آن گذشت .

۲ ـ بزرگترین کتابی است که بطلیموس یونانی در علم هیت و افلاك تالیف نموده .

۳ ـ جامع ترین کتاب در علم هندسه تألیف اقلیدس یونانی .

شرح حال

شادروان میرزا محمد شفیع معروف بمیرزا کوچک متخلص به « وصال » شیرازی دارای کمالات صوری و معنوی از نویسندگان وشعراء بزرگ و هنرمندان نامی ایران

فرزند مرحوم محمد اسمعیل بسال ۱۱۹۷ در شیراز متولد شده بکسب کمالات وعلوم و فنون پرداخته علاوه بر فضل ودانش بمکارم اخلاق مشهور و درویش صفت انزوا رابرمعاشرت ترجیح داده استادی بی‌نظیر درخطوط نسخ ونستعلیق وشکسته بوده .

(خط زیبا درمیان ملل متمدن جهان وسیلهٔ نمایش ذوق و مقاصدافکار است خوشبختانه کشور عزیزما برسایرین مقدم وقرنهاست که خط زیبای ایرانی یکی ازمظاهر هنری وازصنایع ظریفه ملی ماست وبیشتراز اساتیدخوشنویسان ایران ازدارالعلم شیرازبرخواسته‌اند.) مرحوم وصال اقسام شعر راعالی ونیکو گفته بویژه درمرثیه سرائی که هیچکس بپایه وی نرسیده .

تألیفات وصال عبارتند از :

مثنوی مسمی به بزم وصال ـ رسالهٔ اطواق الذهب زمخشری که بفارسی ترجمه نموده ـ مثنوی فرهاد وشیرین ومنتخبی ازحدیقه الحقیقه که درصفحات آن متن را ازحاشیه جدا نموده ودیوان وصال شیرازی . بسال ۱۲۶۲ در گذشته، ودرشاه‌چراغ جوار مزار مرشد خود میرزا ابوالقاسم سکوت دفن شده .

از وصال شیرازی علیه الرحمه

اگرچه بنده عشقیم و این بشرع خطاست
دراین که سهو وخطا بنده راست شرع گواست
اگر بحکم قضا در کمند عشق شدم
باین خوشم که دل من رضا بحکم خداست

دلم چـو اشتر مست از نشاط میـرقصد
بزیر بـار غمت گـر چه فوق طاقت ماست
نه عاشق است کسی کز ملامت انـدیشد
چرا کـه عشق و سلامت بهم نیاید راست
همین قبول تو خواهم که شرط بندگیست
دگر هرآنچه کنی اختیار بنده تـر است
زمام خویش هـر آنکس نهاد در کف عشق
محقق است که دیگرمراد خویش بخواست
جهانیان همه سودا بـرای سود کـنند
«وصال» راهمه سود اینکه باتواش سوداست



آنچه دل زان دولب اسرار نهانـی دانست
کی تو زاهد بصد اصرار توانی دانست
ای فقیه از کتب عشق حدیثی ورنـه
هر کس‌این یکدو کتابی که تو دانی‌دانست
کیست خضر آنکه بسر چشمهٔ آن آب‌بقا
ره ز ظلمت کدهٔ عالم فانی دانست
معرفت نیست خط از عارض‌خوبان خواندن
عارف آنست کـه از حرف معانی دانست
اشك خون ریختم و کوی تو جستم افسوس
هر کس این راه پس ازمن بنشانی دانست
اول این احولی خویش بگو چاره کند
هر کـه در حسن کسی را بتو ثانی دانست
لذت عشق کسی برد کـه اوهمچو «وصال»
پیش شیرین دهنان چـرب زبانی دانست

شرح حال

میرزا احمدمتخلص به «وقارشیرازی» فرزند ارشد میرزا کوچک وصال از شعراءوادباءبزرگ ایران

از اوان جوانی درتحصیل علوم جد وجهدی وافی مبذول داشته دراعصارخودازفضلای سترك بوده درخوشنویسی بویژه خط نسخ شهرتی بسزاداشته چندین قرآن مجید رابخط خودنگاشته .

پس ازفوت پدربابرادر کوچك میرزامحمودحکیم در۱۲۶۲ بهندوستان رفته ومدتها در بمبئی اقامت نموده. مثنوی مولوی رادرآنجابطبع رسانیده بعلاوه کتابهائی چندبنظم ونثرتألیف نموده،صاحب دیوانی است .

درتاریخ ۱۲۹۸ بسرای جاودانی شتافت .

چند مصراع ذیل ازقصیده‌ای است که درفتح قلعه‌تبر گفته :

فـرّ ملك کـوفت قلعه تبری را
بست بـدشمن مجـال حیله گری را
خیره سران را چنان بکشت که ابلیس
کـرد از این بعد ترك خیره سری را
بخت شهنشاه حکمت عملی ساخت
جفت در ایـن کار حکمت نظری را
عمّ ملك لشکری فـزون ز ستاره
راند چو چنگیز لشکر تتری را
هیچ نکرد او مضایقت ز زر و سر
تا بکند قلع غدر و بد گهری را
آری بوطـالب و نتیجه پـاکش
دادنـد آئین ره پیامبـری را

شرح حال

شادروان دکتر «هوشیار» یکی از نویسندگان عالیقدر ایران ازخانواده ادب دوست شیرازو ازاخلاف وصال شیرازی

فرزند میرزامحمدهوشیار که‌شاعری‌بسیارخوب‌وازبازرگانان‌بزرگ بوده. بسال۱۲۸۳شمسی‌درشیرازمتولدشده‌دورهٔ مقدماتی‌ومتوسطه‌رادیده پس‌از فوت‌پدر درهفده سالگی ازطریق هندوستان به برلن رفته‌تحصیلات عمیقی‌را باجد وجهدی زیاد شروع‌نموده دردسامبر ۱۹۲۶دبیرستان راباپایان رسانیده دردانشکده فلاحت عملیات فلاحتی رادیده . در۱۳۰۸ که باایران‌مراجعت نموده مجدداً بادانشجویان اعزامی‌درامتحان مسابقه‌شرکت نموده وبرای‌دومین‌دفعه‌به برلن رفته‌رشته ادبیات وزبان لاتین راتکمیل‌نموده متجاوزازهشت گواهی نامه ازشعبه های‌مختلف‌علمی وادبی گرفته مدتی‌درآنجابه‌تعلیم‌فلسفه وتاریخ مشغول‌شده ودرضمن دوره دکترا را از دانشگاه (مونیخ) گرفته باارمغان علمی بوطن خود بازگشته . این‌نویسنده ارجمنداز۱۳۱۵تاآخرین دقایق‌حیات‌عمری‌رابه ترجمه‌وتألیف‌ونگارش گذرانیده درحدود پنجاه کتاب نوشته‌است .

مختصر تألیفات دکتر هوشیار عبارتند از :

تمدن بکجامیرود ـ سواد وآموزش همگانی دانشسرایعالی‌ـ معرفت‌درنظر شوپنهاور ـ رساله‌دکترا‌ـ‌تدریس الفبا ـ کنجکاوی درچگونگی کودکان وجوانان ترجمه ازآلمانی ـ نمایشنامه‌امگنت اثر گوته ـ کتاب اصول آموزش وپرورش ـ ارتقا ایران‌بدوره حکومت‌ملی‌ترجمه ازآلمانی ـ کتاب‌سالهای تصمیم‌ـ‌روانشناسی علمی وعملیات آزمایشگاهی وهوش سنجی ـ نظروعمل ـ صدرنوعیه از نظر گوته شاعرآلمانی ـ کشف روش اختصار در تدریس نوشتن و خواندن ـ تدریس زبان خارجه . بسال۱۳۳۶ چشم‌ازجهان‌فرو بست ،درمرقد ضهیرالدوله شمیران‌مدفون است .

پوزش

برارباب درایت ودانش‌پوشیده نیست که تکرارکلمات‌قراینه وتشبیه وتمثیل دراین کتاب بمصداق فرمایش‌حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب سلام‌الله علیه :
«یکرم السلطان‌لسلطانه والعالم لعلمه والمعروف لمعروفه والکبیرلسنه»
ضروری و دال برعظمت و رفعت و جلالت مقام دانشمندان سترك است سایرنویسندگان بزرگ‌وشعرای گرامی «پارس» که نام شریف وترجمهٔاحوالشان ذکر نشده با تأیید خداوند متعال و اجداد طاهرین در سایهٔ شاهنشاه دانش پرور محبوب ایران درجلد دوم نگاشته خواهد شد .



فهرست مندرجات

موضوع	صفحه

فصل دوم

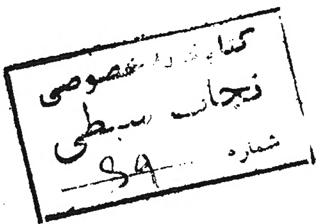
نویسندگان معاصر «پارس»

موضوع	صفحه
شرح‌حال نویسنده دانشمند جناب آقای میرزا محمد صادق ستوده مدیر روزنامه «عدل»	۱۰۶
» » جناب آقای محمدجعفر حسرت زاده پازارگادی متخلص به «سرود»	۱۰۷
» » جناب آقای فضل‌الله شرقی نویسنده ومدیر دانشمند روزنامه وزین « پارس »	۱۰۹
» » جناب آقای عزیز شرقی نویسنده‌دانشمند معاصرمدیرداخلی روزنامه‌وزین «پارس»	۱۱۳
» » جناب آقای حسین فصیحی متخلص‌به«شیفته» ازشعرای بزرگ ونامی شیراز	۱۱۷
» » جناب آقای‌سیدمحمد مدرس صادقی‌نویسندهٔ فاضل	۱۲۰
» » جناب‌آقای دکتر لطفعلی‌صورتگر نویسندهٔ دانشمند و شاعر بزرگ استاد دانشگاه تهران	۱۲۲
» » جناب آقای استاد عبدالرحمن فرامرزی بزرگترین نویسندهٔ دانشمند ایران مدیر روزنامهٔ کیهان	۱۲۵
» » جناب آقای عباس فرشید نویسنده‌ومدیر دانشمند روزنامه افق شیراز	۱۳۰
شرح حال بانوی دانشمند نصرت‌الملوک کشمیریزاده نویسنده ومدیر روزنامه ندای ایران	۱۳٤
» » نویسنده دانشمند جناب آقای سید محمد تقی گلستان مدیر روزنامه کهنسال «گلستان»	۱۳٦
» » نویسنده دانشمند جناب آقای محمد حسین «مجاهد» مدیر روزنامه «بهار ایران»	۱۳۸
» » شاعرشهیر جناب آقای سید علی «مزارعی»	۱٤۲

موضوع | صفحه

فصل سوم

موضوع	صفحه
شرح‌حال میرزا محمد متخلص به «داوری» فرزند میرزا محمد شفیع وصال شیرازی	۱۹۷
» » میرجمال‌الدین عطاءالله حسینی «دشتکی» شیرازی	۱۹۸
» » حضرت آیت‌الله‌العظمی میرزا ابوالقاسم شریفی‌حسینی متخلص به «راز» شیرازی	۱۹۹
» » مرحوم میرزا علی متخلص به « روحانی» شیرازی فرزند یزدانی نوه وصال‌شیرازی	۲۰۰
» » دوشیزه «زندخت» شیرازی نویسنده مجلهٔ دختران ایران	۲۰۱
» » «زین‌الدین» قاضی علی‌بن روز بهان خنجی شیرازی	۲۰۱
» » عندلیب گلزارسخن‌ابوعبدالله مشرف بن‌مصلح‌الدّین متخلص به «سعدی» شیرازی	۲۰۲
» » حضرت سلمان پارسی از مشاهیر علمای‌اسلام و از اعاظم اصحاب حضرت رسول اکرم (ص)	۲۰۵
» » حاجی محمد تقی‌ملقب به‌مجدالشعراء متخلص به «شوریده»	۲۰۷
» » میرزا سید محمد شیرازی متخلص به «شیوا» صاحب حکمت متعالیه و کمالات عالیه	۲۰۸
» » ملا محمد باقر متخلص به « صحبت لاری » شاعر عالیقدر فاضل « پارس »	۲۰۸
» » حکیم الهی وفیلسوف ربانی نویسنده بزرگ آخوند ملا محمد بن ابراهیم‌المشتهر بالصدرا الشیرازی	۲۱۰
» » مجدالدین ابوطاهرمحمد بن‌یعقوب «صدیقی» فیروزآبادی شیرازی شافعی	۲۱۳
» » میرزا سید علی شیرازی متخلص به « ضیائی » از حکماء و شعراء معاصر	۲۱۳


نجات سبطی
شماره

